



د افغانستان اسلامي امارت
د لوروزده کړو وزارت
البیروني پوهنتون

پوهنتون البیروني

مجله

علمی - تحقیقی

علوم طبیعی و علوم اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله علمی - تحقیقی البیرونی

صاحب امتیاز: پوهنتون البیرونی

مدیر مسؤل: پوهنوال دکتور محبوب الرحمن صافی

سر دبیر علوم طبیعی: پوهندوی دکتور گل افغان عادل

سر دبیر علوم اجتماعی: پوهنمل اسد الله آریا

آمر مجله علمی: پوهنمل دکتور حسیب الله جهش

مدیر عمومی مجله علمی: محمد شایق میرزاده

صفحه آرا: جواد رحیمی

نشانی الکترونیکی: journals@au.edu.af

vc.academic@au.edu.af

نوبت چاپ: سوم و چهارم - ۱۴۰۴ ه. ش

تلفون: ۰۷۷۰۶۸۶۵۱۹ - ۰۷۹۷۱۰۰۸۹۶

اعضای هیئت تحریر علوم طبیعی:

پوهندوی گل آقا انوری معاون تحقیقات علمی.

پوهنوال دکتور فضل الرب آریا، استاد پوهنخی زراعت.

پوهنوال محمد هارون صابری، استاد پوهنخی تعلیم و تربیه.

پوهندوی دکتور میرحکیم الله سیدی، استاد پوهنخی تعلیم و تربیه.

پوهندوی عبدالقهار قرلق، استاد پوهنخی زراعت.

پوهندوی محمد ناصر طاهری، استاد پوهنخی زراعت.

پوهنمل عبید الله یوسفزی، استاد پوهنخی تعلیم و تربیه.

پوهنمل سیدعلی آقا سادات، استاد پوهنخی تعلیم و تربیه.

اعضای هیئت تحریر علوم اجتماعی:

پوهنوال ذبیح الله قریشی، استاد پوهنخی حقوق و علوم سیاسی.

پوهنوال دکتور محمد سلیم مدنی، استاد پوهنخی شرعیات.

پوهندوی احمد جاهد مشتاق، استاد پوهنخی ژورنالیزم.

پوهندوی دکتور احمد حنیف حنیف، استاد پوهنخی حقوق و علوم سیاسی.

پوهنمل دکتور عبدالمنیر رحیمی، استاد پوهنخی تعلیم و تربیه.

پوهنمل دکتور غلام محمد پیمان، استاد پوهنخی زبان و ادبیات.

پوهنمل عبدالقهار صمیم، استاد پوهنخی شرعیات.

یادداشت:

- مقاله‌های ارسالی به مجله علمی-تحقیقی البیرونی باید علمی، جدید و برابر با معیارهای آکادمیک باشد.
- مقاله‌های ارسال شده به این مجله باید در نشریه دیگر نشر نشده یا برای نشر فرستاده نشده باشد.
- مقاله ارسالی جهت مرور به مرورگران فرستاده می‌شود مرورگران مقاله را به صورت دقیق مطالعه نموده و در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌نمایند.
- هیأت تحریر مجله که متشکل از اعضای کادر علمی است، طبق پالیسی مجله، در مورد نشر مقاله تصمیم اتخاذ می‌نماید و مدیریت اجرایی مجله تصمیم هیأت تحریر را به آگاهی نویسنده می‌رساند.
- تمام مسئولیت محتوایی مقاله به عهده‌ی نویسنده/نویسنده‌ها و مرورگران (تقریظ دهندگان) می‌باشد.

تمامی حقوق این اثر برای پوهنتون البیرونی محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی - تحقیقی البیرونی
۵.....	شناسائی عوامل مهم جهت رفع چالش های یادگیری محصلان فزیک موانع سر راه نصاب درسی معیاری با تمرکز به پوهنتون البیرونی
۲۳.....	بررسی نقش انرژی های تجدیدپذیر بر کاهش مصرف سوخت های فسیلی در افغانستان
۴۳.....	بررسی امکان تولید بالم لب (مرطوب کننده لب) از منابع طبیعی افغانستان
۶۱.....	روند رشد اقتصاد سبز و توسعه پایدار در جهان: بررسی مقداری کُتب سنجی و متون علمی
۸۵.....	نقش رعایت ارزش های اخلاقی در تحولات صنعتی و عدالت اجتماعی
۱۰۹.....	فتوای غیر علمی و پیامدهای آن
۱۳۷.....	بررسی مزایا و معایب استفاده از هوش مصنوعی در تحقیقات علمی
۱۴۹.....	تأثیرات ارتقای فرهنگ شهرنشینی بر توسعه گردشگری مطالعه موردی: شهر محمود راقی
۱۶۵.....	بررسی کاربرد یوتیوب در یادگیری غیر رسمی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی
۱۸۹.....	بررسی جرم چپاولگری و مقایسه آن با جرایم مشابه در فقه و حقوق افغانستان
۱۹۹.....	په ادب کې د معنا او هنریت ونډه

رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی - تحقیقی البیرونی

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد وعلى آله واصحابه اجمعين

اما بعد:

مقالات به زبان‌های رسمی کشور و شماره‌های ویژه به زبان‌های انگلیسی و عربی، به نشر می‌رسد. روش منبع‌نویسی درون‌متنی طبق روش APA صورت می‌گیرد (تخلص، سال نشر)؛ اما در مقالات شرعی و عربی (تخلص، سال نشر، نام کتاب، جلد و صفحه). و در فهرست منابع هر دو بخش: تخلص، نام مؤلف (تاریخ نشر)، عنوان کتاب (شماره چاپ). مکان نشر: دارالنشر. نوع خط به دري Bahij Zar، به پشتو خط Bahij Zar، برای زبان انگلیسی Times New Roman، و برای زبان عربی Traditional Arabic استفاده گردد.

اندازه خط متن مقاله (۱۲)، عنوان اصلی مقاله (۱۴)، عناوین فرعی (۱۲) بولد می‌باشد. فاصله میان خط‌ها (۱،۱۵) و پاراگراف‌ها با (۰،۵) انچ فرورفتگی (indent) نوشته می‌شود. فاصله میان پاراگراف‌ها در نظر گرفته نمی‌شود.

ارقام به کاررفته در متن باید مطابق زبان متن عیار گردد.

تعداد صفحات مقاله بین ۵ الی ۱۵ صفحه معیاری (وزیری) = (طول: ۲۴ سانتی متر و عرض: ۱۷ سانتی متر) تنظیم می‌گردد.

مقاله دارای حد اقل ۱۰ منبع باشد، ۵۰ فیصد آن در علوم تجربی از ۱۰ سال اخیر، و در علوم اجتماعی طبق لزوم دید تنظیم گردد.

جدول‌ها و شکل‌ها باید کیفیت خوب داشته باشند. اندازه خط برای عناوین شکل‌ها و جدول‌ها (۱۱) در نظر گرفته شود.

هرگاه متن مقاله به زبان فارسی دری و یا پشتو باشد، چکیده باید به زبان انگلیسی ترجمه گردد. هرگاه مقاله به زبان‌های بین‌المللی باشد، ترجمه چکیده به زبان فارسی دری و یا پشتو تهیه گردد. نوت: ترجمه حاوی عنوان، نام نویسندگان، چکیده و کلیدواژه‌های مقاله نیز باشد.

چکیده ضمناً دارای (بیان مسأله، اهداف، روش تحقیق، نتایج و پیشنهادات) به شکل فشرده باشد و از (۲۵۰) کلمه بیش‌تر نباشد.

واژه‌های کلیدی بین ۳-۷ باشد.

مقدمه دارای حد اقل این موارد (بیان مسأله، اهمیت موضوع، اهداف و فرضیه‌های تحقیق) بدون ذکر عنوان فرعی باشد.

بعد از مقدمه، پیشینه تحقیق و روش تحقیق در عناوین فرعی درج می‌گردد. بعداً موضوع تحقیق و در اخیر مناقشه (در صورت نیاز)، نتایج و فهرست منابع می‌آید.

نتیجه‌گیری که شامل چگونگی حل مسأله (یافته‌های تحقیق) مختص به علوم تجربی می‌باشد. معادل نام‌ها و اصطلاحات تخصصی که به زبان انگلیسی باشد در پاورقی به زبان ملی توضیح داده شود. آیات قرآن کریم داخل قوس‌های قرآنی: ﴿ ۱ ﴾ [نام سوره: شماره آیت]، احادیث شریف و نصوص علماء داخل اقواس « » درج می‌گردد.

آیات قرآن کریم، احادیث نبوی مبارک و نصوص عربی باید به فونت عربی مناسب تنظیم شود. آیات قرآن کریم طبق رسم عثمانی، احادیث نبوی مبارک و نصوص عربی باید طبق قواعد علامات ترقیم زبان عربی نوشته شود.

عنوان باید واضح و مختصر باشد. و زیر عنوان نام نویسنده/ نویسندگان و موقف علمی آن با ایمیل آدرس نویسنده مسؤول درج شده باشد.

مقاله‌های ارسالی در گام نخست توسط هیأت تحریر مجله که تطبیق‌کننده پالیسی نگارش مجله‌اند، بررسی می‌گردد. هیأت تحریر مجله متشکل از اعضای کادر علمی می‌باشد. مقاله‌ها پس از بررسی ابتدائی توسط هیأت تحریر به مرورگران رشته مربوطه (تقریظ دهنده) جهت مرور (Review) فرستاده می‌شود. مرورگران در مورد اعتبار علمی مقاله تصمیم اتخاذ می‌کنند و نتایج بررسی خود را به هیأت تحریر می‌نگارند. مسئولیت محتوای مقاله به عهده‌ی نویسنده/ نویسندگان و مرورگران (تقریظ دهندگان) مقاله می‌باشد.

هیأت تحریر بر مبنای تصمیم مرورگران و پالیسی نشراتی مجله، در خصوص نشر مقاله تصمیم نهائی اتخاذ می‌کنند. هیأت تحریر مجله، ماه یک بار جلسه‌های منظم را برگزار نموده و بر علاوه جلسه‌های عادی، جلسه‌های ویژه نیز در صورت نیاز برگزار می‌گردد.

بخش علوم طبیعی

سال نهم، شماره سوم: خزان ۱۴۰۴ ه. ش

شناسایی عوامل مهم جهت رفع چالش‌های یادگیری محصلان فزیک موانع سر راه نصاب درسی معیاری با تمرکز به پوهنتون البیرونی

پوهنمل دادالله حنیفی^{۱*}، پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی^۲

۱. دیپارتمنت فزیک، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

۲. دیپارتمنت ریاضی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: Dadallah2021@gmail.com

چکیده

تحقیق حاضر به شناسایی عوامل مؤثر جهت معرفی چالش‌های یادگیری محصلان فزیک و آماده‌سازی آنان طبق نصاب معیاری می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی موانع موجود در مسیر یادگیری و ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفیت آموزش فزیک در پوهنتون البیرونی است. تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت کمی و از لحاظ هدف توسعه و کاربردی است. که بر روی ۵۰ نفر از محصلین پوهنځی تعلیم و تربیه انجام شده. ابزار گردآوری مصاحبه ساختاریافته محقق ساخته می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، میانگین، واریانس، انحراف معیار...) و آمار استنباطی آن از (آزمون بینوم نیوتن) از نرم افزار spss صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که چالش‌های اصلی شامل انتخاب نادرست محصلان از طریق امتحان کانکور، به‌روز نبودن منابع درسی، کیفیت پایین محتوای آموزشی در مکاتب و پوهنتون‌ها و نبود معلمین مسلکی است. هم‌چنین، بی‌علاقگی محصلان به فزیک و عدم تکمیل دروس طبق نصاب درسی معیاری از دیگر مشکلات بزرگ محسوب می‌شود. این تحقیق تأکید می‌کند که برای حل مسائل یادگیری فزیک، ضروری است شرایط حداقلی برای ارتقای توانمندی و جذب استادان مجرب فراهم شود. پیشنهادات ع شامل عقد تفاهم‌نامه بین کمیته کانکور سراسری و وزارت معارف برای انتخاب محصلان شایسته و توجه ویژه به آینده معلمین است. درنهایت، وزارت تحصیلات عالی باید نصاب درسی را با توجه به نیازهای روز و استانداردهای جهانی به‌روز کند. این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک راهنما برای بهبود وضعیت آموزشی فزیک در افغانستان مورد استفاده قرار گیرد و به ارتقای کیفیت آموزش فزیک کمک کند.

واژه‌های کلیدی: چالش‌های یادگیری فزیک، نصاب معیاری، کانکور، منابع درسی و انگیزه

Identifying important factors to overcome learning challenges for physics students: Obstacles to a standardized curriculum focused on Alberoni University

Senior Teaching Assistant Dadallah Hanifi^{1*}, Assistant Professor.Dr. Mir Hakimullah Sidy²

1. Department of Physics, Faculty of Education, Alberoni University
2. Department of Mathematics, Faculty of Education, Alberoni University

* Corresponding Author Email: dadallah2021@gmail.com

Abstract

This study aims to identify the factors influencing the challenges faced by physics students and to prepare them according to the standard curriculum. The primary objective of this research is to identify the obstacles in the learning process and to provide solutions for improving the quality of physics Education at the University of Alberoni. This research is quantitative in nature and is both developmental and practical, conducted on 50 students from the Faculty of Education. The data collection tool used was a structured interview developed by the researcher. Data analysis was performed at two levels: descriptive statistics (frequency distribution tables, mean, variance, standard deviation, etc.) and inferential statistics using the binomial Newton test, analyzed with SPSS software. The results indicate that the main challenges include the incorrect selection of students through the entrance exam, outdated educational resources, low-quality educational content in schools and universities, and a lack of qualified teachers. Additionally, students' disinterest in physics and failure to complete courses according to the standard curriculum are significant issues. This research emphasizes the necessity of creating minimal conditions to enhance the skills and attract experienced instructors to address the issues in learning physics. Practical recommendations include establishing a memorandum of understanding between the National Entrance Exam Committee and the Ministry of Education for selecting qualified students, as well as giving special attention to the future of teachers. Ultimately, the Ministry of Higher Education should update the curriculum to meet contemporary needs and global standards. This research can serve as a guideline for improving the state of physics education in Afghanistan and contribute to enhancing the quality of physics instruction.

Keywords: challenges, physics learning, obstacles, standard curriculum, and students' weak background

آموزش عالی هرکشور یکی از عوامل مؤثر در تحقیق توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی آن به شمار می‌رود. پوهنتون‌ها و نهادهای آکادمیک، تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآزموده، تولید دانش، دانش تحقیقی و عرضه خدمات تخصصی را به عهده دارند. بنابراین نظام آموزش عالی با خروجی‌ها و پیامدهای خود، نقش مهمی در توسعه کشور دارد (پیرایش و احمدنژاد، ۱۳۹۵). آموزش عالی نظامی است که شامل استادان، محصلین، کارکنان و نیز دارای فرایندهای مختلف و پیچیده و وابستگی‌های متقابل با محیطش است؛ باذی نفعانی بانیازهای مختلف مرتبط است (نامی، ۱۳۹۰). و برای رفع نیازها و تقاضاهای آنان نیازمند داشتن استادان باتوان علمی بسیار زیاد و فرایندهای باکیفیت است. یکی از فرایندهایی که براساس نیاز محصلین و نشان دهنده توانمندی استادان است، فرایند تدریس است بنابراین کیفیت تدریس یکی از عوامل مهم برای پاسخ به نیاز محصلین در نظر گرفته می‌شود و در عین حال عا برای سنجش شایستگی‌ها استادان است (شیربگی، ۱۳۹۰؛ یحیی، علیرضا، محمود و مجید، ۲۰۰۷). محققین بسیاری معتقدند که یکی از مشکلات پوهنتون‌ها بی توجهی به تدریس و کیفیت آن در مقابل فعالیت‌های تحقیقی است و در فرایند انتخاب، استخدام و ارتقای استادان، تحقیق بر تدریس ارجحیت دارد (بیگیز، تا ننگ ۲۰۰۷) محصلین و دانش‌آموختگان همواره از کیفیت ناچیز تدریس و ارزیابی، ناتوانی آموزش در جهت یادگیری مستقل و فعال آن‌ها، مشارکت نداشتن در فرایند یادگیری و هم‌چنین استانداردهای غیرشفاف ناراضی هستند (هوید و مولوی، ۱۳۸۷). نتایج حاصل از مطالعات صنف درسی نشان می‌دهد که استانداردهای نصاب تحصیلی برای تدریس و شیوه‌های صنف در میان تغییرات اجتماعی و آموزشی بسیار مهم است (اسلیتر و کارمونا، ۲۰۱۷). نصاب درسی موجودیتی پویا است و به‌صورت استعاری، می‌تواند (زنده) در نظر گرفته شود. اختلالات تحصیلی ممکن است استاندارد و در نتیجه استمرار آنرا تحت تاثیر قرار دهند، اختلالات تحصیلی می‌توانند بر کیفیت آموزش و استمرار تحصیل تاثیر منفی بگذارند. کاهش تمرکز، افت تحصیلی، کاهش انگیزه، افزایش استرس و اضطراب، و تداخل در روابط اجتماعی از جمله پیامدهای این اختلالات هستند که می‌توانند به یادگیری ناقص و ترک تحصیل منجر شوند. کیفیت یک نصاب درسی معمولاً فقط بر اساس استانداردهای کیفی خاصی ارزیابی می‌شود (خان، اسپرویجت، محبوب و ون مرینبور، ۲۰۱۹). نصاب تحصیلی تعریف خاص جهانی ندارد. نصاب درسی نظریه اساس توسعه آنرا توصیف می‌کند. آن چهار اجزای اصلی اهداف، محتویات، روش‌ها هستند، نصاب درسی و ارزیابی‌های مرتبط

پوهنمل دادالله حنیفی

با آن به عنوان قلب نظام‌های آموزشی در سراسر دنیا به شمار می‌روند، نصاب درسی از جمله عناصر اساسی در نظام تعلیم و تربیت و به ویژه در تحصیلات عالی به شمار می‌روند که می‌توانند در بهبود و پیشرفت نظام آموزشی و تحول در اجتماع مفید و مثمر باشند (شکرباغانی، ۱۳۹۷). قابلیت نصاب تحصیلی "به رفاه یک نصاب درسی اشاره دارد که تنها با در نظر گرفتن میزان رعایت یا عدم رعایت استانداردهای کیفیت انرا می‌توان تعیین کرد. (خان و همکاران ۲۰۱۹). واژه نصاب درسی معمولاً مجموعه‌یی از دروس در یک دوره یا مجموعه‌یی از دروس در یک برنامه را به ذهن یادآوری می‌کند، اما این تعریف محدود است. اگرچه یک نصاب درسی معمولاً از فعالیت‌های آموزشی از پیش تعیین شده تشکیل شده است که برای ارائه محتوای خاص (مثلاً دانش، مهارت‌ها یا استعدادها) در نظر گرفته شده است، نصاب‌های درسی بیش‌تر هستند. به‌طور مثمر به‌عنوان مکان‌های تعامل بین مربیان، فراگیران و محتوایی که باید آموخته شود، مفهوم سازی شده است. این تعامل افراد و نصاب‌های درسی است که منجر به یادگیری می‌شود. بدون تعامل بین محتوا، فراگیران و مربیان، یک نصاب درسی به یک تجربه یادگیری تقریبی می‌کند، اما متناسب با آن نیست، زیرا عوامل زمینه‌ای مختلف بر نتیجه هر تجربه آموزشی تأثیر می‌گذارند (بلیتز و هویوس، ۲۰۰۳) طبق تعریف یونسکو (نصاب درسی فهرستی از فعالیت‌های اجرا شده برای طراحی، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی یک اقدام آموزشی یا آموزشی است، از جمله تعریف اهداف یادگیری، محتوا، روش‌ها (شامل ارزیابی) و مواد و هم‌چنین ترتیباتی برای آموزش معلمان و مربیان) رابطه بین فیزیک و نصاب درسی معیاری پوهنتون است، زیرا فزیک اصول اساسی را ارائه می‌دهد که زیربنای رشته‌های مختلف علمی است. فزیک اغلب به‌عنوان یک موضوع اصلی گنجانده می‌شود، شاگردان را با مهارت‌های تحلیلی و کمی که برای حل مسئله در زمینه‌های مختلف حیاتی هستند، مجهز می‌کند (لاکامبرا، ۲۰۱۶، فزیک از کلمه یونانی Physikos به معنای طبیعت و فزیک به معنای طبیعت گرفته شده است. بنابر این علم طبیعی را فزیک می‌نامند (ایمانوا، ۲۰۲۲) فزیک علمی است که به دنبال قوانین اساسی طبیعت است و آن‌ها را در تبیین پدیده‌های طبیعی و اختراعات فناوری به کار می‌گیرد (انیشتین، ۱۹۳۶) فزیک یک رشته سخت و انتزاعی است و در دوره‌های آموزشی فزیک در پوهنتون کمک‌چندانی نمی‌کنند تا زمانیکه شرایط خوب آموزشی و تجربی برای محصلین و استادان مساعد نشود، براساس نتایج تحقیقات متعدد روش تدریس نامناسب، غیرمفید بودن مطالب صنف درسی، ازدحام صنف‌های درسی، روش‌های تدریس سنتی، اداره صنف‌های درسی، مشارکت نداشتن محصلین در بحث‌های صنفی و تکراری بودن سوالات

پوهنمل دادالله حنیفی

آزمون‌ها، از جمله عوا هستند که منجر به غیبت محصلین از صنف می‌شود روی انگیزه محصلین تاثیر منفی دارد (عزیززاده فروزی و حیدرزاده، ۱۳۹۳). انگیزه باعث افزایش کارایی می‌شود و باعث می‌شود که فرد استعداد و توانایی خود را در سطح بالاتر و با رضایت بیشتری به کار گیرد. اگر افراد انگیزه کافی برای مطالعه نداشته باشند، رغبتی به مطالعه ندارند و نمرات خوبی نخواهند داشت و پیشرفت تحصیلی بهتری نخواهند داشت (رحمانیار، فیضی و شهریار، ۲۰۲۲) ایجاد انگیزه در افراد، از جمله شاگردان، کاری دشوار و پیچیده است. دانش آموزان برای کار و فعالیت به انگیزه‌های قوی و بالایی نیاز دارند و باید انگیزه بالایی برای آموزش علوم و پیشرفت تحصیلی داشته باشند. معلمان باید فرصت‌های زیادی را برای کشف استعدادها و رشد دانش آموزان فراهم کنند (تونن، اسلیگرز، پیستما و اورت، ۲۰۱۱)، انگیزه در محصلین نه تنها بر عملکرد تحصیلی آن‌ها تاثیر می‌گذارد، بلکه به طور مستقیم با نصاب معیاری در پوهنتون ارتباط دارد. بهبود انگیزه می‌تواند موجب افزایش کیفیت آموزشی و ارتقای سطح علمی افراد شود و در نهایت به موفقیت‌های بزرگ‌تری در زندگی حرفه‌ای آن‌ها منجر گردد. بنابراین، توجه به عوامل مؤثر بر انگیزه می‌تواند به عنوان یک استراتژی کلیدی در بهبود کیفیت آموزش در پوهنتون محسوب شود (باورساد و همکاران، ۲۰۱۵) آموزش فیزیک اغلبا "چالش‌های قابل توجهی را برای محصلین ایجاد می‌کند که می‌تواند بر عملکرد تحصیلی و درک مفاهیم اساسی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. یکی از موانع اصلی، کمبود انگیزه و مشارکت در یادگیری است گنجاندن مطالب انگیزشی در نصاب معیاری پوهنتون‌ها می‌تواند به عنوان یک استراتژی مؤثر در ارتقای کیفیت آموزشی و افزایش انگیزه محصلین عمل کند. این کار نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی کمک می‌کند، بلکه به توسعه فردی و حرفه‌ای محصلین نیز منجر می‌شود. در نهایت، ایجاد محیطی که در آن انگیزه و یادگیری به هم پیوسته‌اند، می‌تواند به موفقیت‌های بزرگ‌تری در آینده محصلین بینجامد (رحمتی، گرمسیری، غلامی و محمدی، ۱۴۰۳) مطالعات قبلی و تحقیقی بیانگر این است که بخشی از ناتوانی محصلان در مرتبط کردن دانسته‌های قبلی‌شان با آنچه که در صنف تدریس می‌شود، بی‌توجهی به مسائل واقعی پیچیده در نصاب درسی فیزیک و جذاب نبودن مسائل مطرح شده در کتاب‌های درسی مکتب و پوهنتون است دلایل مرتبط با نصاب تحصیلی عوا هستند که بر عملکرد شاگردان بر اساس نوع نصاب درسی موضوع تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، کمبود منابع، برنامه‌های کاربردی واقعی، و آموزش پیدآگوزی باعث مشکلات محصلان در یادگیری فیزیک می‌شود (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۳) این مشکل با انتخاب (تصادفی تحمیلی) رشته فیزیک که در ساختار امتحان کانکور سراسری افغانستان

وجود دارد، تبدیل به یکی از چالش‌های بزرگ برای یادگیری فزیک در پوهنتون شده است. البته در رابطه با موضوع‌های مختلف مرتبط با آموزش فزیک به‌طور عام و در مورد چالش‌های یادگیری فزیک در پوهنتون‌های افغانستان به‌طور خاص، تعداد تحقیق‌های انجام‌شده در داخل کشورمان اندک است و مقاله‌های تحقیقی منتشرشده در این حوزه نیز که بتوان از نتایج آن‌ها برای این تحقیق بهره برد، محدود است، شناسایی عوامل مهم جهت رفع چالش‌های یادگیری محصلان فزیک در پوهنتون البیرونی، به‌ویژه در زمینه موانع سر راه نصاب درسی معیاری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به تأثیر مستقیم انگیزه و روش‌های تدریس بر عملکرد تحصیلی، تحقیق در این حوزه می‌تواند به بهبود روش‌های آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری کمک کند. هم‌چنین، درک نیازهای خاص محصلان و شناسایی نگرش‌های منفی نسبت به فزیک می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثرتر و ایجاد محیطی انگیزشی و ایجاد نصاب معیاری منجر شود. این تحقیق نه تنها به موفقیت تحصیلی محصلان کمک می‌کند، بلکه به توسعه علمی پوهنتون نیز خواهد انجامید.

روش تحقیق

هدف این تحقیق، شناسایی عوامل مهم جهت رفع چالش‌های یادگیری محصلان فزیک موانع سد راه نصاب درسی و محتوای مضامین درسی فزیک در پوهنتون البیرونی شده است که این محصلان پس از دریافت مدرک لسانس، به تدریس فزیک در مکاتب مشغول می‌شوند. با عنایت به هدف تحقیق از لحاظ ماهیت کمی و از لحاظ هدف بنیادی و توسعه‌ای استفاده شده است. تحقیق حاضر بر روی ۵۰ نفر محصلین پوهنچی تعلیم و تربیه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند انجام شد و نمونه درمصاحبه به‌طور تصادفی انتخاب گردیده ابزار گردآوری مصاحبه ساختاریافته محقق ساخته می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی (جداول توزیع فراوانی، میانگین، واریانس، انحراف معیار...) و آمار استنباطی آن از (آزمون بینوم نیوتن) از نرم افزار spss صورت گرفته است. مصاحبه شونده‌گان که در زمان اجرای مصاحبه، در رشته فزیک مشغول تحصیل بودند. جمع‌آوری داده‌ها در نیم‌سال اول تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در سه محور تنظیم شدند، طراحی و اجرا گردید. اجرای پرسش‌نامه به‌صورت حضوری انجام شد. آنگاه بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها، از نظر محصلان پوهنتون البیرونی بود، پاسخ داده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، ابتدا از طریق گفت‌وگوهای غیررسمی با استادان رشته فزیک و تجربه‌های نویسنده اول و نویسنده دوم که مدرس فزیک و مدرس ریاضی در پوهنتون البیرونی هستند، فهرستی از

پوهنمل دادالله حنیفی

مشکلات پیش‌بینی شده مربوط به رشته فزیک در این پوهنتون، شناسایی شدند. سپس این فهرست، حول سه محور (نصاب درسی تربیت معلم فزیک، انتخاب رشته محصلان فزیک و چالش‌های تدریس فزیک) تنظیم شد، مبتنی بر آن‌ها شکل گرفت. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، محققان نتایج را در قالب این سه محور، سازمان‌دهی و ارائه نمودند. نقل قول‌های مستقیم داخل گیومه گذاشته شده و همگی، نوعی و معرف هستند. سایر بخش‌ها، با دقت و امانت‌داری، بیان‌گفته‌های مصاحبه‌شوندگان است که به دلایل نگارشی و ضرورت شیوایی کلام، نقل به مضمون شده‌اند.

تحلیل داده‌های پرسش‌نامه

از ۱۰ دسته شناسایی شده مبتنی بر پاسخ‌های استادان به پنج سؤال مصاحبه، سه مقوله اصلی شامل (انتخاب رشته تربیت معلم فزیک، برنامه درسی تربیت معلم فزیک، چالش‌های تدریس فزیک) شکل گرفت. بعد این سه مقوله در سه محور سازمان‌دهی شدند و موارد مرتبط با هر یک، زیر آن‌ها قرار گرفتند.

محور اول: انتخاب رشته تربیت معلم فزیک

- علاقه به فزیک،
- علاقه به معلمی فزیک،
- آینده شغلی،
- کانکور سراسری،

محور دوم: برنامه درسی تربیت معلم فزیک

- عدم تناسب بعضی از درس‌های الزامی غیر فزیک با رشته تحصیلی فزیک؛
- کیفیت پایین محتوای درس‌های فزیک؛
- کاربردی نبودن درس‌های فزیک برای تدریس فزیک؛
- نامناسب بودن محتوای موضوعی درس‌ها برای تربیت معلمان آینده فزیک؛
- نامناسب بودن محتوای درس‌های تخصصی فزیک؛
- عدم توجه به کاربرد مباحث نظری فزیک.

محور سوم: چالش‌های تدریس فزیک

- تدریس یک‌جانبه بدون مشارکت محصلان؛
- تأکید بر ارزش‌یابی غیرمستمر و پایانی؛
- به‌روز نبودن منابع و جزوه‌های درسی؛
- روش‌های تدریس سنتی فزیک.

این سه محور و زیرمحورها، در قالب پرسش‌نامه‌ای با ۱۴ گویه طراحی شد و توسط ۵۰ محصل رشته فزیک پوهنتون البیرونی، پاسخ داده شد. در این پرسش‌نامه، از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود از بین زیر محوره‌های ارائه شده، مواردی را که برایشان در اولویت قرار داشتند، مشخص کنند و نتایج پاسخ محصلان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. فراوانی و درصد فراوانی پاسخ محصلان به پرسش‌های سه‌محور بخش آمار توصیفی

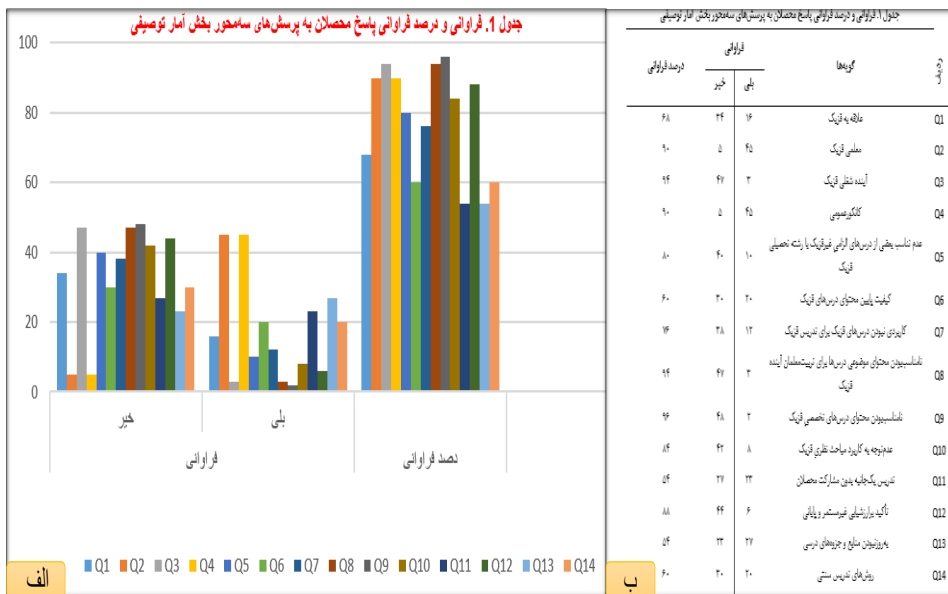
درصد فراوانی	فراوانی		گویه‌ها	رتبه
	خیر	بلی		
۶۸	۳۴	۱۶	علاقه به فزیک	Q۱
۹۰	۵	۴۵	معلمی فزیک	Q۲
۹۴	۴۷	۳	آینده شغلی فزیک	Q۳
۹۰	۵	۴۵	کاتکور عمومی	Q۴
۸۰	۴۰	۱۰	عدم تناسب بعضی از درس‌های الزامی غیر فزیک با رشته تحصیلی فزیک	Q۵
۶۰	۳۰	۲۰	کیفیت پایین محتوای درس‌های فزیک	Q۶

۷۶	۳۸	۱۲	کاربردی نبودن درس‌های فزیک برای تدریس فزیک	Q۷
۹۴	۴۷	۳	نامناسب بودن محتوای موضوعی درس‌ها برای تربیت معلمان آینده فزیک	Q۸
۹۶	۴۸	۲	نامناسب بودن محتوای درس-های تخصصی فزیک	Q۹
۸۴	۴۲	۸	عدم توجه به کاربرد مباحث نظری فزیک	Q۱۰
۵۴	۲۷	۲۳	تدریس یک‌جانبه بدون مشارکت محصلان	Q۱۱
۸۸	۴۴	۶	تأکید بر ارزشیابی غیر مستمر و پایانی	Q۱۲
۵۴	۲۳	۲۷	به‌روز نبودن منابع و جزوه‌های درسی	Q۱۳
۶۰	۳۰	۲۰	روش‌های تدریس سنتی	Q۱۴

نتایج ارائه شده در جدول ۱ و شکل ۱ (الف و ب): نشان می‌دهد که از نظر محصلان، مهم‌ترین چالش یادگیری فزیک در پوهنتون البیرونی، (به‌روز نبودن منابع و جزوه‌های درسی با ۶۰٪، امتحان کانکور ۹۰٪، روش‌های سنتی تدریس ۶۰٪) بودند. پس از این سه مورد، (تدریس بدون مشارکت محصلان و کیفیت پایین محتوای درس‌های فزیک با ۵۴٪، ۶۰٪ چالش‌های عمده برای محصلان محسوب گردیده‌اند و باقی موارد برای آنان، آن‌چنان مشکل‌آفرین بودن که در حد چالش‌های اصلی شمرده شوند. از این نتایج می‌توان استنباط نمود که با وجودی که کانکور عمومی باعث ورود محصلان

ضعیف به رشته فزیک می شود، ولی اگر نصاب درسی فزیک به روز و منطبق بر نیازهای واقعی حرفه‌ای معلمی فزیک تدوین شوند و برای آماده‌سازی استادان جهت تدریس فزیک، سرمایه‌گذاری به موقع شود، سایر مشکلات قابل حل هستند.

شکل ۱: وضعیت پاسخ گوی به گویه‌های سه محور مورد بررسی



جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان برحسب امتحان کانکور

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	کانکور
۹۰	۹۰	۴۵	بلی
۱۰۰	۱۰	۱۰	خیر
	۱۰۰	۵۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

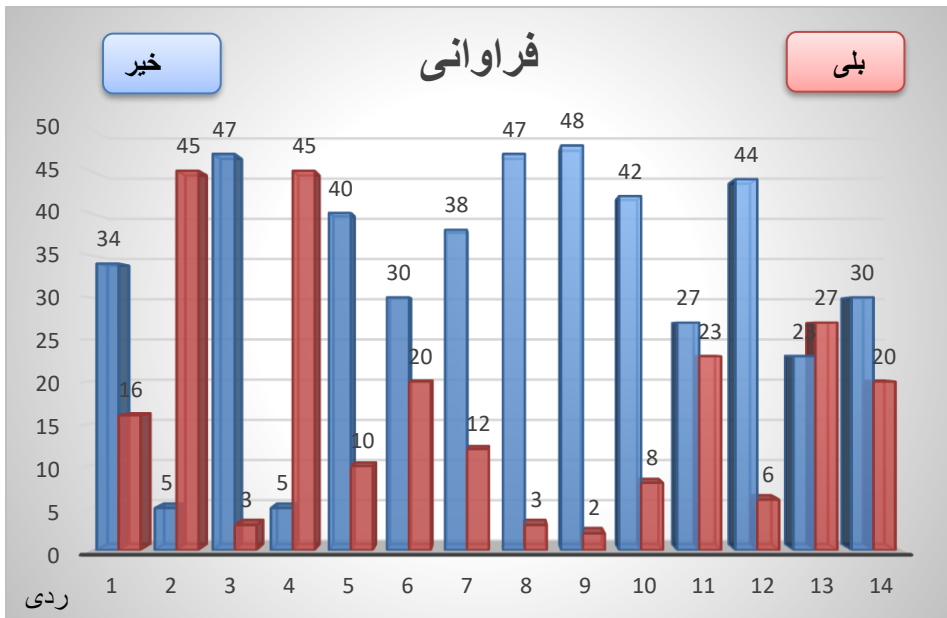
نتایج توصیفی به دست آمده از جدول (۲) نشان می‌دهد که ۹۰ درصد از پاسخ دهندگان به صورت تصادفی و تحمیلی از طریق کانکور عمومی وارد رشته فزیک شده‌اند. بنابر این با توجه به نتایج

پوهنمل دادالله حنیفی

به دست آمده می توان گفت محصلانی که در کانکور نمره پایینی کسب می کنند به علت عدم حد نصاب در سایر رشته های که مورد علاقه خودشان است قبول نمی شوند و به اجبار در رشته فزیک از طریق کمیته کانکور ارسال و مشغول به تحصیل می شوند که خود نیز باعث پایین آمدن یادگیری در این رشته می گردد. هدف از اجباری دیگر گزینه دلخواه برای وجود ندارد که بشکل خود خواسته به رشته دلخواه خود برود چون کمترین نمره به رشته فزیک از طریق کانکور اختصاص می گیرد و داوطلب هم از اینکه ناکام نماند به انتخاب رشته فزیک روی می آورد و آن باعث میشود که محصلین کم انگیزه و ناراض وارد رشته فزیک شود.

سه محور و زیرمحورها، در قالب پرسش نامه ای با ۱۴ گویه طراحی شد و توسط ۵۰ محصل رشته فزیک پوهنتون البیرونی، پاسخ داده شد. در این پرسش نامه، از پاسخ دهندگان خواسته شده بود از بین زیر محورهای ارائه شده، مواردی را که برایشان در اولویت قرار داشتند، مشخص کنند، نتایج پاسخ محصلان در جدول ۱ آمده است.

شکل ۲: موانع درس فزیک (محور اول، دوم سوم)



یافته‌های توصیفی به دست آمد از سه محور مورد بررسی درگراف ۱ نشان می‌دهد که پس از مقایسه نظرات پاسخ‌گویان نسبت به سه محور مذکور گویه‌های کانکور ، بروز نبودن جزوه‌های درسی ، روش‌های تدریس سنتی و از نظر پاسخ‌گویان بیشترین گویه‌هایی بودند که در یادگیری درس فزیک مؤثر بوده‌اند و این گویه‌ها نشان از آن دارد که روند یادگیری در درس فزیک را پوهنتون‌ها پایین آورده است .

بخش دوم: یافته‌های آمار استنباطی داده‌ها

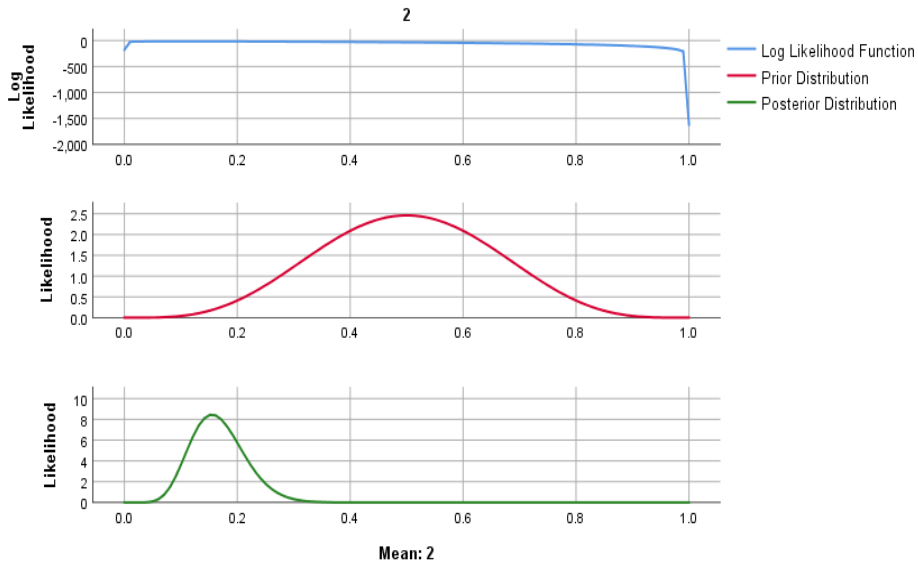
برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در آمار استنباطی از نرم‌افزار Spss^{۲۲} استفاده شده است و به دلیل نرمال نبودن داده‌ها از آزمون نا پارامتریک (Binomial Test) استفاده گردیده است .

جدول ۳: تحلیل پاسخ محصلان به پرسش‌های سه‌محور بخش آمار استنباطی

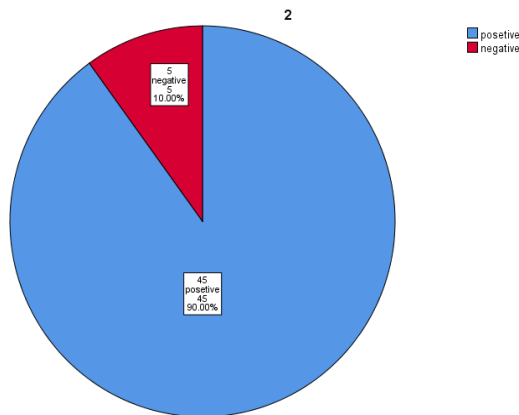
Binomial Test						
		Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Exact Sig. (2-tailed)
Q1	Group 1	posetive	16	.32	.50	.015
	Group 2	negative	34	.68		
	Total		50	1.00		
Q2	Group 1	posetive	45	.90	.50	.000
	Group 2	negative	5	.10		
	Total		50	1.00		
Q3	Group 1	posetive	3	.06	.50	.000
	Group 2	negative	47	.94		
	Total		50	1.00		
Q4	Group 1	posetive	45	.90	.50	.000
	Group 2	negative	5	.10		
	Total		50	1.00		
Q5	Group 1	posetive	10	.20	.50	.000
	Group 2	negative	40	.80		
	Total		50	1.00		
Q6	Group 1	posetive	20	.40	.50	.203
	Group 2	negative	30	.60		
	Total		50	1.00		

پوهنمل دادالله خنیفی

Q7	Group 1	positive	12	.24	.50	.000
	Group 2	negative	38	.76		
	Total		50	1.00		
Q8	Group 1	positive	3	.06	.50	.000
	Group 2	negative	47	.94		
	Total		50	1.00		
Q9	Group 1	positive	2	.04	.50	.000



شکل ۳: مربوط کمیته کانکور است
این شکل نشان دهنده درصدی بلندی



جدول ۴: تحلیل رابطه کانکور عمومی با استفاده از آزمون Binomial Test

		Categor	N	Observed Prop.	Test Prop.	Exact Sig. (2-tailed)
q4	Group 1	Positive	25	.56	.50	.551
	Group 2	negative	20	.44		
	Total			45	1.00	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

جهت تحلیل رابطه قبولی در امتحان کانکور از آزمون (Binomial Test) یا آزمون دو جمله‌ای‌ها استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد؛ که جهت بررسی قبولی امتحان کانکور دو گروه پاسخ‌دهنده وجود دارند گروه اول که تعداد آن‌ها ۵ نفر یا ۱۰ درصد می‌باشند قبول در کانکور در رشته فزیک را درست ارزیابی کرده‌اند و در دسته مثبت قرار دارند و دسته دیگری که تعداد آن‌ها ۴۵ نفر می‌باشند یا ۹۰ درصد هستند قبولی در کانکور عمومی را به خاطر قبول نشدن در سایر رشته‌ها به اجبار و یا تحمیلی برآورد کردند و در دسته منفی قرار می‌گیرند.

یافته‌ها

یافته‌های به دست آمده از سه محور مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع دیدگاه محصلان فزیک پوهنتون البيروني نسبت محور اول که شامل (علاقه‌مندی به شغل معلمی، علاقه به رشته فزیک، آینده شغلی و امتحان کانکور) نشان می‌دهد که ۴۰ نفر از پاسخ‌گویان یا ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان دیدگاه منفی نسبت به گویه‌های مورد بررسی در محور اول داشته‌اند و ۱۰ پاسخ‌گو یا ۲۰ درصد از آن‌ها نسبت به گویاهای مورد بررسی دیدگاه مثبت داشته‌اند.

نتایج به دست آمده از گویه‌های محور دوم نصاب درسی رشته فزیک که شامل ۶ گویه (عدم تناسب بعضی از درس‌های الزامی غیر فزیک با رشته تحصیلی فزیک، کیفیت پایین محتوای درس‌های فزیک، کاربردی نبودن درس‌های ریاضی برای تدریس فزیک، نامناسب بودن محتوای موضوعی درس‌ها برای تربیت معلمان آینده فزیک، نامناسب بودن محتوای درس‌های تخصصی فزیک، عدم توجه به کاربرد مباحث نظری فزیک) می‌باشند نتایج نشان داده است که ۴۳ نفر از پاسخگویان یا ۸۵٪ درصد از پاسخگویان دیدگاه منفی نسبت به گویه‌های محور دوم داشته‌اند و فقط ۱۵ درصد از پاسخگویان در مورد گویه محور دوم دیدگاه مثبت داشته‌اند.

نتایج به دست آمده از گویه‌های محور اول چالش‌های تدریس فزیک که شامل (تدریس یک‌جانبه بدون مشارکت محصلان، تأکید بر ارزشیابی غیرمستمر و پایانی، به‌روز نبودن جزوه‌های درسی و روش‌های تدریس سنتی) می‌باشند نتایج به دست آمده از محور سوم نشان می‌دهد که ۴۵ پاسخگو ۹۰ درصد از آن‌ها در مورد گویه‌های مورد بررسی در محور سوم دیدگاه منفی داشته‌اند و ۱۰ درصد از پاسخگویان در مورد گویه‌های مورد بررسی دیدگاه مثبت داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

مقایسه دیدگاه محصلان رشته فزیک پوهنتون البیرونی نشان می‌دهد که اصلی‌ترین چالش‌های یادگیری فزیک که بین محصلان مشترک است، نحوه انتخاب رشته فزیک از طریق (امتحان کانونکور) است که داوطلبان را با پایین‌ترین رتبه‌ها به رشته‌ای می‌فرستد که قرار است بعد از گرفتن مدرک لسانس آموزش فزیک، مسئولیت تدریس فزیک را به شاگردان مکاتب و مدارس، عهده‌دار شوند. از این گذشته، محصلان به اتفاق، عامل (تدریس) را چالشی بزرگ دانستند که برای محصلان به صورت (به-روز نبودن منابع و جزوه‌های درسی) هم‌چنین، (تدریس یک‌جانبه و بدون مشارکت محصلان) چالش قابل تأمل است. از طرف دیگر، این محصلان با (پیشینه ضعیف به رشته فزیک) چالش بزرگی برای یادگیری فزیک می‌دانند؛ در حالی که محصلان، پیشینه تحصیلی خود را مانعی برای یادگیری فزیک نمی‌دانند و در مقابل، برنامه و تدریس فزیک پوهنتونی را جزو چالش‌های یادگیری خود عنوان می‌کنند. چالش دیگر این است که (ارزشیابی غیرمستمر و پایانی) هستند و این روش را مانعی برای یادگیری می‌دانند، ولی تنها برای ۸۸٪ از محصلان، این نوع ارزشیابی در حد بزرگترین چالش مطرح است. بالاخره با وجودی که از نظر بعضی از محصلان، (کیفیت پایین محتوای درس‌های فزیک) در

پوهنتون البیرونی چالشی جدی است، ولی از نظر تعدادی از محصلان، این مورد کم‌ترین اهمیت را داشته و در حد بیان آن به عنوان یک چالش نیست.

برای مواجهه اصولی با این چالش‌ها و به‌عنوان نتیجه‌گیری مبتنی بر یافته‌های این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ای منسجم برای تربیت استادان متخصص فزیک تدارک دیده شود. هم‌چنین، با توجه به این‌که هدف دوره لسانس فزیک در پوهنتون البیرونی، تربیت معلم برای دوره متوسطه است و فارغ‌التحصیلان آن، جذب شغل معلمی فزیک خواهند شد، لازم است که نصاب درسی و سرفصل‌های درس‌های فزیک و غیرفزیک ولی الزامی این دوره، بازنگری اساسی شود و درس‌های غیرضروری و پراکنده عمومی، حذف شوند و به‌جای آن‌ها، درس‌هایی با محتوای پیدآکوژی فزیک، طراحی و جایگزین شوند. افزایش تعداد استادان متخصص فزیک، فراغتی برای استادان فعلی ایجاد می‌کند تا بتوانند دانش فزیک و تدریسی خود را ارتقا دهند، روش تدریس و محتوای درسی و (پلان)‌های تعلیمی خود را به‌روز کنند. علاوه بر این‌ها با کاهش موظفی تدریس، استادان بتوانند از ارزشیابی‌های مستمر و متنوع، برای بهبود یادگیری محصلان استفاده کنند. از این گذشته، محصلان نیاز دارند تا با تصویر روشن‌تری از آینده حرفه‌ای خود آشنا شوند و از آن طریق، به یادگیری فزیک علاقه مندر شوند و با دانش مرتبط‌تری، وارد حرفه معلمی بشوند. برای این موارد چالشی که سدره نصاب درسی تحصیلی شده است روی این موارد تمرکز در رشته‌های فزیک در پوهنتون‌ها یک ضرورت است. با این حال، نویسندگان آگاه هستند که این پیشنهادها برای اجرایی شدن، نیازمند ثبات سیاسی و اجتماعی و پایان یافتن جنگ‌های ویرانگر است.

منابع

- Blitz, P., و Hovius, M. (2003). Towards international curriculum standards. *International Journal of Dental Hygiene*, 1(1), 57-61 .
- Einstein, A. (1936). Physics and reality. *Journal of the Franklin Institute*, 221(3), 349-382 .
- Imanova, G. (2022). History of Physics. *Journal of Physics و Optics Sciences*, 4, 2-11 .
- Khan, R. A., Spruijt, A., Mahboob, U., و van Merrienboer, J. J. (2019). Determining 'curriculum viability' through standards and inhibitors of curriculum quality: a scoping review. *BMC Medical Education*, 19, 1-11 .
- Lacambra, W. T. (2016). Students' academic performance in physics 1: Basis for teaching and learning enhancement. *Research on Humanities and Social Sciences*, 6(4), 78-84 .
- Rahmanyar, S., Faizi, A., و Shahryar, S. A. (2022). Investigating the factors of students' lack of interest in physics at Kunduz University. *Technium Education and Humanities*, 2(2), 22-32 .
- Sleeter, C., و Carmona, J. F. (2017). *Un-standardizing curriculum: Multicultural teaching in the standards-based classroom*: Teachers College Press.
- Thoonen, E. E. J., Slegers, P. J. C., Peetsma, T. T. D., و Oort, F. J. (2011). Can teachers motivate students to learn? *Educational Studies*, 37(3), 345-360. doi:10.1080/03055698.2010.507008
- باورساد, ب. حکیم, السادات, ا., عظیمی, لطیفی, و قالوندی. (۲۰۱۵). بررسی انگیزه تحصیلی و عوامل مرتبط با آن از دیدگاه دانشجویان پرستاری پوهنتون علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. تحقیق در آموزش علوم پزشکی, ۱۷(۱), ۳۵-۴۴.
- پیرایش, ر.ر. و احمدنژاد, م. (۱۳۹۵). بررسی نقش و تاثیر آموزش عالی در توسعه اقتصادی کشور. Paper presented at the چهارمین کنفرانس بین المللی تحقیق‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری. <https://civilica.com/doc/517950>.
- رحمتی, م., گرمسیری, ز., غلامی, م.م. و محمدی, ا. (۱۴۰۳). استراتژی‌های ایجاد انگیزه یادگیری در دانش آموزان. Paper presented at the چهارمین کنفرانس بین المللی و هفتمین کنفرانس داخلی مدیریت, روان شناسی و علوم رفتاری. <https://civilica.com/doc/2027983>.

شکر باغانی، ا.ا. (۱۳۹۷). مطالعه اثر بخشی محتوای برنامه درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد پوهنتون‌های کشور بر نیازهای شغلی آنان (مطالعه موردی: محتوای برنامه درسی فیزیک کاربردی).

شیربگی، ن. (۱۳۹۰). بکارگیری استراتژی‌های ارزیابی تدریس در تصمیم‌گیری‌های مدیران پوهنتون ها و مؤسسات آموزش عالی. Paper presented at the پنجمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام پوهنتونی. <https://civilica.com/doc/187974>

عزیززاده فروزی، م. و حیدرزاده، ا. (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی نسبت به مطلوبیت شیوه تدریس مشارکتی در درس زبان انگلیسی. Paper presented at the همایش کشوری آموزش علوم پزشکی.

<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=68874>

یحیی، م.، علیرضا، ک.، محمود، م.، و مجید، ع. ع. (۲۰۰۷). ارزشیابی کیفیت تدریس در آموزش عالی: بررسی برخی دیدگاه‌ها.

بررسی نقش انرژی‌های تجدیدپذیر بر کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی در افغانستان

پوهنیار عمادالدین ابراهیمی^{۱*}، پوهنمل سمیع الله امان^۲

۱. دیپارتمنت فزیک، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی
۲. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول - ایمیل: Emadudinibrahimi@gmail.com

چکیده

با وجود آنکه منابع فسیلی ارزان و به آسانی قابل دسترس می‌باشد؛ اما آن‌ها در حال کاهش و رو به زوال قرار گرفته است. ضمن آن مصرف سوخت‌های فسیلی باعث آلودگی محیط زیست و تولید گازات گل‌خانه‌یی شده و سبب بروز امراض گوناگون در محیط اجتماعی می‌گردد. وجود منابع فسیلی مانند ذغال سنگ، نفت و گاز سبب شده است تا کمتر توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک صورت گیرد. امروز جایگزین بهتر و همیشگی برای سوخت‌های فسیلی انرژی‌های قابل تجدید بوده که می‌تواند کشور را به توسعه برساند. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر برای تأمین انرژی مورد نیاز کشور و رفع آلودگی محیط زیستی مهم و ارزشمند تلقی می‌گردد. هدف ما در این تحقیق آنست که، افغانستان به دلیل شرایط جغرافیایی منحصر به خود، می‌تواند ظرفیت، برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به خصوص آب، باد، آفتاب و بایومس را داشته باشد؛ و با کدام راه‌کارها از پوتانسیل موجود در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر در کاهش سوخت‌های فسیلی استفاده نماییم. روش این مقاله مروری بوده، تلاش دارد جایگاه و نقش انرژی‌های قابل تجدید را در راستای جای‌گزینی کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی به عنوان منبع تأمین انرژی بررسی کند. یافته‌های این تحقیق وضعیت انرژی‌های تجدیدپذیر در کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی را مهم می‌داند و با در نظر داشت امکانات موجود، دسترسی به انرژی‌های تجدیدپذیر در افغانستان سهل است. در نتیجه بیان می‌داریم که، انرژی‌های تجدیدپذیر با توجه به وفرت منابع آن جایگزین سوخت‌های فسیلی گردد زیرا؛ مزایای آن در بخش‌های حفظ محیط زیست و رشد اقتصادی قابل ملاحظه است. هم‌چنان میزان انتشار مواد آلاینده‌ی ناشی از سوخت‌های فسیلی کاهش می‌یابد. بناءً مقامات ذیدخل، توجه به نقش انرژی‌های تجدیدپذیر را در دستور کار قرار دهند، چون می‌تواند برای کاهش سوخت‌های فسیلی تأثیرگذار بوده و ملزومات رشد اقتصادی و منفعت اجتماعی و محیط زیستی را در پی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: انرژی، انرژی قابل تجدید، سوخت‌های فسیلی، گازات گلخانه‌ای.

Investigating the Role of Renewable Energy in Reducing Fossil Fuel Consumption in Afghanistan

Teaching Assistant Emaduddin Ibrahimi^{1*}, Senior Teaching Assistant Samiullah Aman²

1. Department of Physics, Faculty of Education, Alberoni University
2. Department of Geography, Faculty of Education, Alberoni University

* Corresponding Author Email: Emadudinibrahimi@gmail.com

Abstract

Although fossil fuel resources are cheap and easily accessible, they are steadily declining and facing depletion. Moreover, the consumption of fossil fuels causes environmental pollution and the emission of greenhouse gases, leading to various diseases in society. The availability of fossil resources such as coal, oil, and gas has resulted in less attention being paid to clean and renewable energy sources. Today, renewable energy is considered a better and more sustainable alternative to fossil fuels and can contribute to national development. The use of renewable energy to meet a country's energy needs and to mitigate environmental pollution is regarded as important and valuable. The objective of this study is to show that Afghanistan, due to its unique geographical conditions, has significant potential for the utilization of renewable energy sources, particularly water, wind, solar, and biomass, and to identify strategies for using this potential to reduce dependence on fossil fuels. This study adopts a review-based methodology and seeks to examine the position and role of renewable energy in replacing and reducing fossil fuel consumption as a source of energy supply. The findings indicate that renewable energy plays a crucial role in reducing fossil fuel consumption and that, considering existing facilities, access to renewable energy in Afghanistan is relatively feasible. In conclusion, it is argued that renewable energy, given its abundance, should replace fossil fuels, as it offers significant benefits in environmental protection and economic growth. Furthermore, the emission of pollutants resulting from fossil fuel consumption can be reduced. Therefore, relevant authorities should prioritize the role of renewable energy in their agendas, as it can effectively reduce fossil fuel use and contribute to economic development, social benefits, and environmental sustainability.

Keywords: energy, renewable energy, fossil fuels, greenhouse gases

مقدمه

انرژی‌های تجدیدپذیر به آن دسته از انرژی‌های گفته می‌شود که توسط طبیعت به طور مداوم باز تولید می‌شوند. فن‌آوری‌ها می‌تواند انرژی‌های تجدیدپذیر را به اشکال قابل استفاده تبدیل کند. بخشی از انرژی تجدیدپذیر منشأ آن نور خورشید است و بخشی دیگر آن منشأ غیر خورشیدی دارند. تولید برق آبی (Hydropower)، انرژی باد (Wind Energy) و انرژی زیست توده (Biomass Energy) منابع ثانویه انرژی خورشیدی هستند. انرژی حرارتی زمین (Geothermal) که ترکیبی از انرژی نهفته در زمین و تجزیه مواد هسته‌ای است و هم‌چنین انرژی جزرومد (Tidal Energy) که از قوه جاذبه و مهتاب حاصل می‌شود، از انرژی‌های تجدیدپذیر غیر خورشیدی اند (David Timmons et al, ۲۰۱۴).

در سراسر جهان ۸۱ درصد از انرژی‌های مصرفی جوامع از سوخت‌های فسیلی تامین می‌شود که نتیجه‌ی این مصرف انتشار گازات سمی و مضر است که سبب آلودگی هوا، بارش باران‌های اسیدی و آلودگی آب‌های زیرزمینی و دریاها و در نهایت افزایش گازات کاربونیکی موجود در اتمسفر زمین می‌شود که محدودیت‌هایی در استفاده از سوخت‌های فسیلی به وجود می‌آورد و در نتیجه، موجبات ضرورت استفاده از انرژی‌های نو (قابل تجدید) را فراهم می‌کند (شریفی و دیگران، ۱۳۹۱).

امروزه بخش انرژی، نقش کلیدی در دستیابی به توسعه پایدار ایفا می‌کند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی است. در این راستا باید توجه کرد. اگرچه مصرف گسترده سوخت‌های فسیلی، رشد سریع اقتصادی جوامع پیشرفته صنعتی را به همراه داشته است؛ اما انتشار مواد آلاینده حاصل از احتراق و افزایش کاربن‌دای‌اکساید در جو و پیامدهای آن، جهان را با تغییرات نامطلوب و جبران ناپذیر روبرو ساخته است. از سوی دیگر، مرغوبیت منابع فسیلی برای استفاده در مصارف غیرسوختی، محدودیت و اتمام قریب الوقوع این منابع و نیز پیش بینی افزایش قیمت‌ها، اهمیت و لزوم جایگزینی سیستم تولید انرژی را برای پاسخ‌گویی به نیاز انرژی جهانی در قرن‌های آینده، به-منظور بقاء، تکامل و توسعه آشکار می‌سازد (زمانی نیا و بران، ۱۳۸۹).

تأمین تقاضای انرژی در افغانستان یک مشکل جدی است و انرژی مورد نیاز برای مصرف عمدتاً توسط کشورهای همسایه به ویژه ایران، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان مهیا می‌شود. تولید داخلی انرژی تنها بخش کوچکی از تقاضای انرژی در این کشور را پوشش می‌دهد. در این راستا تأمین انرژی در این کشور بسیار آسیب پذیر است و نشان دهنده عدم پایداری می‌باشد. استفاده از منابع انرژی

تجدیدپذیر به‌ویژه انرژی خورشیدی و بادی در افغانستان تنها راه حل قابل اعتماد و پایدار برای رفع مشکل انرژی در این کشور است. افغانستان پتانسیل بالایی برای تأمین انرژی از منابع تجدیدپذیر دارد. و این کشور دارای منابع انرژی تجدیدپذیر از جمله انرژی خورشیدی، بادی و زمین حرارتی است (Qasimi et al, 2022).

بهره‌بری از منابع انرژی‌های قابل تجدید طراحی و اجرای یک استراتژی انرژی پایدار است که بر رشد پایدار کشور تأثیر می‌گذارد. در افغانستان با توجه به پوتنسیل بالای انرژی‌های قابل تجدید، باید توجه بیشتری در راستای بهره‌وری از این منابع صورت گیرد. تلاش‌های فراوانی برای ترویج استفاده از این انرژی‌ها انجام شده است اما هنوز از تمام پوتنسیل‌ها استفاده نشده است. دولت باید برنامه‌ای برای بهره‌برداری از تمام پوتنسیل منابع انرژی برای دستیابی به منابع انرژی پایدار و حفظ محیط زیست داشته باشد و آن را در اولویت برنامه‌های توسعه‌ی کشور قرار دهد.

لذا گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند نقش مؤثری در تأمین بخشی از تقاضای انرژی، ایجاد فرصت‌های شغلی و ز همه مهم‌تر در حفاظت محیط زیست داشته باشد (آرمودلی و همکاران، ۱۳۸۲).

افزایش تقاضا برای سوخت‌های فسیلی و اتمام قریب‌الوقوع این منابع و به دنبال آن پیش‌بینی افزایش قیمت جهانی انرژی به دلیل محدودیت منابع فسیلی، جهان را با بحران انرژی روبرو ساخته است.

سوخت‌های فسیلی حجم زیادی گازهای گل‌خانه‌ی را تولید می‌کند که عامل اساسی برای گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی می‌باشد. برای حفاظت از محیط زیست لازم است تا انرژی‌های تجدیدپذیر جای‌گزین سوخت‌های فسیلی در جهان به‌خصوص کشور عزیز ما افغانستان شود. بنابراین فهم این موضوع برای همه اهمیت حیاتی دارد.

از جانب دیگر، منابع فسیلی محدود است و استفاده بی‌رویه از آن سبب کاهش منابع و افزایش قیمت‌ها می‌گردد. درک این مفاهیم سبب کاهش وابستگی به ذخایر محدود، بهبود وضعیت انرژی و دسترسی پایدار به انرژی مورد نیاز می‌شود.

از این رو اهمیت و ضرورت تغییر سیستم فعلی تولید و مصرف انرژی و جایگزینی آن با منابع انرژی‌های تجدیدپذیر برای پاسخ‌گویی به نیازهای جهانی و منطقه‌ی در آینده، برای بقاء، تکامل و توسعه نمایان می‌گردد (علایی شیخ رباط، ۱۳۹۳).

از نظر دیگر؛ چنانچه روند فعلی استفاده از سوخت‌های فسیلی ادامه یابد، پیامدهای روزافزون و منفی ناشی از مصرف گسترده وکلان انرژی حاصل از سوخت‌های فسیلی، انتشار مواد آلاینده و افزایش گازهای گلخانه‌ای در جو، موجب تسریع فرآیند تغییرات آب و هوا در جهان و تشدید پدیده‌گرمايش زمین خواهد شد. بدین ترتیب برای حفاظت از کره مسکونی در برابر چنین خسارت‌های جبران ناپذیر، بکارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر را در همه کشورهای جهان اجتناب ناپذیر می‌نماید. مسایل و مشکلات زیست محیطی که توسط سوخت‌های فسیلی ایجاد می‌شوند، برای کشورهای که دارای فناوری‌های پیشرفته نیستند، تهدید جدی‌تری خواهند بود. لذا ایجاد تنوع در منابع انرژی مورد نیاز جامعه و بکارگیری منابع نوین انرژی در راستای دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و در پی آن نیل به اهداف توسعه پایدار از سیاست‌های کلی در بخش انرژی قلمداد شده و ورود بخش خصوصی به عرصه تولید انرژی‌های نو و حمایت‌های دولت‌ها، از مناسب‌ترین راه‌کارهای توسعه بکارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر محسوب می‌شود. انرژی‌های تجدیدپذیر کمتر در معرض نوسانات قیمت در بازارهای جهانی قرار دارند، و از این رو به ثبات اقتصادی کشورها کمک می‌کنند. وجود شبکه‌های پراکنده و مستقل انرژی‌های تجدیدپذیر در سطح محلی و منطقه‌یی ثبات شبکه را افزایش داده و احتمال خاموشی سراسری را کاهش می‌دهد. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر امکان وقوع حوادث و فجایع زیست محیطی را کاهش داده و به علاوه حفاظت از آن‌ها به آسانی امکان پذیر می‌باشد (پور دربانی، ۱۳۹۸).

هدف این مقاله درکل بررسی نقش انرژی‌های تجدیدپذیر در کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی بوده، هم‌چنان واضح گردد که افغانستان به دلیل شرایط جغرافیایی منحصر به خود، می‌تواند ظرفیت، برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌خصوص آب، باد، آفتاب و بایومس را داشته باشد؛ و باکدام راه‌کارها از پوتانسیل موجود در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر در کاهش سوخت‌های فسیلی استفاده کرده می‌توانیم.

فاطمه جداوی و سیمین قادر در مقاله‌ی زیر عنوان (بررسی اثرات متقابل انرژی‌های تجدیدپذیر و انتشار کاربن دای اکساید بر توسعه انسانی) به این نتیجه رسیده اند: توسعه و گسترش سیاست‌های استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند ابزاری برای کنترل آلودگی هوا و ارتقای توسعه انسانی باشد. ایشان جذب سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، رفع موانع سرمایه‌گذاری و ایجاد قوانین تشویقی را در پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر ضروری می‌دانند (جداوی و قادری، ۱۴۰۲).

ندا رضايي و ديگران در تحقيق (برآورد هزينه‌هاي هم تراز شده توليد انرژي برقي در نيروگاه‌هاي تجديدپذير فسيلى) اين موارد را دريافته اند: در نگاه بلند مدت از لحاظ هزينه‌هاي سوخت واقعي و خسارات محيط‌زيستي انرژي‌هاي تجديدپذير مانند باد و خورشيد بهترين گزينه براي توسعه پايدار در ايران هستند. اما به دليل نفت و نيروگاه‌هاي حرارتي سهم انرژي‌هاي تجديدپذير در سبد انرژي کشورشان را کم گفته اند. اشاره آن‌ها اين حقيقت را آشكار مي‌سازد که انرژي‌هاي بادي و خورشيدى به وضوح رقابتي‌تر و مقرون به صرفه از نيروگاه‌هاي فسيلى خواهند بود (رضايي و ديگران، ۱۴۰۱)

شقايق دانه کار و حسين يوسفي در سال ۱۳۹۸ مقاله‌ي را تحت عنوان (روش‌هاي ذخيره سازي انرژي‌هاي تجديدپذير در منابع آبي) دريافته اند که، استفاده از آب به‌عنوان يک منبع ذخيره‌سازي انرژي، نه تنها به پايداري سيستم‌هاي انرژي کمک مي‌کند، بلکه زمينه‌ي بهره برداري مؤثرتر از انرژي-هاي تجديدپذير را فراهم مي‌کند. و آن‌ها استفاده از اين انرژي را براي توسعه، بهبود فناوري‌ها و زير ساخت‌هاي مرتبط ضروري مي‌دانند.

شمبليد^۱ احدي و ديگران مقاله‌ي در سال (۲۰۲۰) تحت عنوان (مروري بر فرصت‌ها و چالش‌هاي موجود در حفظ صنعت انرژي در افغانستان) پرداخته و چنين نتيجه گرفته اند: منابع انرژي تجديدپذير در افغانستان مانند، انرژي آبي، بادي و خورشيدى فراوان هستند اما از آن‌ها به گونه‌ي شايد و بايد استفاده نشده است. با وصف آنکه هزينه‌هاي بهره برداري از آن در سال‌هاي اخير کاهش يافته است و دولت مي‌تواند آنرا بررسي کند زيرا؛ دسترسي به برق و انرژي اوليه معقول و بدون وقفه براي رشد اقتصادي اين کشور از اهميت زيادي برخوردار است.

حسن جنگ‌آور و ديگران در سال (۱۳۹۷) در مقاله‌ي با عنوان (بررسي امکان‌پذيري تحقق اهداف کاهش انتشار گازهاي گلخانه‌ي از طريق توليد برق از منابع انرژي‌هاي تجديدپذير در ايران) به اين نتيجه رسيده اند که: توجه به انرژي‌هاي تجديدپذير و جايگزيني آن‌ها با سوخت‌هاي فسيلى در توليد برق مي‌تواند از جمله راهکارهاي توليد پايدار انرژي، کاهش مصرف منابع فسيلى و کاهش انتشار گازات گلخانه‌ي باشد.

روش کار

تحقيق انجام شده بر مبنای مفاهيم نظري است که با روش کيفي، از مقالات مرتبط، پاليسي‌هاي وزارت انرژي و آب و کتاب‌ها استفاده شده است. در اين مقاله با در نظرگيري انواع انرژي‌هاي تجديدپذير،

^۱ Shamblid

ظرفیت‌های موجود در افغانستان مبنی بر انرژی‌های پاک دسته‌بندی شده است. پوتانسیل‌های که هر نوع انرژی تجدیدپذیر در کشور دارد، و میزان انرژی مورد نیازی که آن‌ها می‌توانند تأمین کنند نیز توضیح گردیده، و سهم کلی هر کدام از انواع انرژی‌ها در طول سال‌های اخیر مشخص شده است.

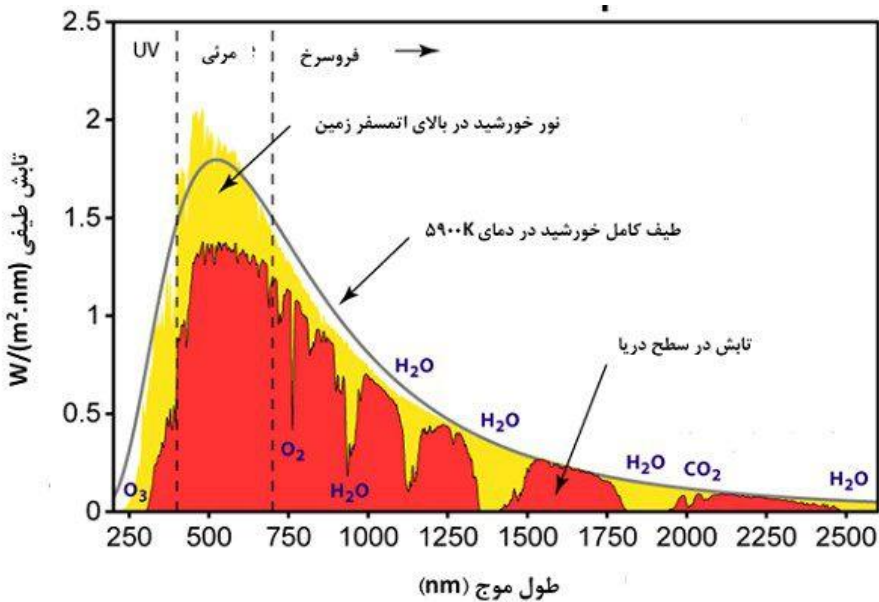
یافته‌ها

انواع انرژی‌های تجدیدپذیر

انرژی خورشیدی

انرژی خورشیدی بیشترین پتانسیل را برای تأمین انرژی پاک، مطمئن و پایدار دارد. انرژی حاصل از نور خورشید بر سطح زمین بیش از ۲۰۰ برابر کل انرژی تجاری سالانه است که در حال حاضر توسط انسان مصرف می‌شود. انرژی خورشیدی را می‌توان به دو دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. خورشیدی منفعل (passive solar). ۲. خورشیدی فعال (active solar). انرژی خورشیدی منفعل از استفاده مستقیم و غیرمستقیم انرژی‌های حرارت نور خورشید حاصل می‌شود. انرژی خورشیدی فعال اشعه الکترومقناطیسی خورشیدی را به تولید انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند (Nada;2014:62).

در حدود شش هزار میلیون سال از تولد این جسم آتشین (آفتاب) می‌گذرد و در هر ثانیه ۴.۲ میلیون تن از کتله خورشید به انرژی تبدیل می‌شود. با توجه به وزن خورشید که حدود ۳۳۳ هزار برابر زمین است، این کره نورانی را می‌توان به‌عنوان منبع عظیم انرژی تا پنج میلیارد سال آینده به حساب آورد. خورشید از گازهای نظیر هایدروجن ۸۶,۸ درصد، هلیوم ۳ درصد، و ۶۳ عنصر دیگر که مهم‌ترین آن‌ها اکسیجن، کاربن، نیون و نایتروجن است تشکیل شده است. میزان درجه حرارت در مرکز خورشید حدود ۱۰ تا ۱۴ میلیون درجه سانتی‌گراد می‌باشد و در سطح آن با حرارتی نزدیک به ۵۶۰۰ درجه سانتی‌گراد، به صورت امواج الکترومقناطیسی در فضا منتشر می‌شود. در شکل (۱) نمودار شدت تابش انرژی خورشیدی در طول موج‌های مختلف نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود بیشترین مقدار انرژی خورشیدی در محدوده باند مرئی قرار دارد (معینی و دهقان منشادی، ۱۳۸۹).



شکل (۱) تابش نور خورشيد در طول موج های مختلف

(<https://app.akharinkhabar.ir/images/۲۰۱۵/۰۴/۰۹/۰۳۹۸۹fe۹-۳۴۳۳-۴۸d۶-ade۰-۸۹۰۶۶eae۴f۱۲.png>)

دسترسی به اطلاعات مربوط تابش انرژی خورشيد به دو شکل امکان پذیر است. روش اول که مطمئن تر است استفاده از دستگاه های اندازه گیری تابش سنجی مثل پیرانومترها و پیرهلیومترها است. در مقاله-ها و کتاب های مختلف داخلی و خارجی مدل های زیادی در راستای برآورد میزان انرژی خورشیدی ارائه شده است.

دانستن اطلاعات انرژی خورشیدی مهم ترین ابزار برای استفاده بهینه از این منبع انرژی تمام نشدنی است. افغانستان با مختصات جغرافیایی ۳۳ درجه شمالی و ۶۵ درجه شرقی به دلیل قرار داشتن بر کمربند تابش خورشیدی در میان کشورهای قرار دارد که از لحاظ دریافت انرژی خورشیدی در جهان در منطقه ی مناسبی برای دریافت انرژی خورشیدی است

<https://dmelal.ir/index.php?title=%D۸%AV%D۹%۸۱%D۸%BA%D۸%AV%D۹%۸۶%D۸%B۳%D۸%AA%D۸%A>

(۷%D۹%۸۶

انرژی آبی^۲

انرژی آب، انرژی ای است که از نیروی آب‌های جاری به دست می‌آید. تولید برق از طریق نیروگاه-های برق آبی و استفاده از جریان‌های آب برای کشورها مهم و حیاتی است. از آنجایی که بخش زیادی از انرژی حاصل از نیروی آب برای تولید برق مصرف می‌شود، به نیروی برق آبی (هایدروالکتریک) نیز معروف است. هایدرو به معنی آب است، بدین ترتیب، هایدروالکتریک به مفهوم تولید برق از انرژی آب می‌باشد (معینی و دهقان منشادی، ۱۳۸۹).

انرژی برق آبی بدون سوزاندن سوخت‌های فسیلی از آب بدست می‌آید. زیرا برق آبی منبع در دسترس و قابل تجدید بوده و یک سرمایه قابل تجدید، قابل اعتماد و مقرون به صرفه است. با در نظر داشت آب‌های جاری در سراسر افغانستان، بدون هیچ وابستگی می‌توان در کشور برق را تولید کرد و از انرژی پاک آن بهره‌مند شد. از جانب دیگر با احداث بندهای برق در آب‌های جاری این سرزمین که مجانی به کشورهای همسایه می‌ریزد، از وابستگی سوخت‌های فسیلی رها می‌شویم و زمینه‌ی اشتغال به صدها تن مساعد می‌گردد و کشور را از انرژی پاک مستفید می‌سازد.

منابع آب به وسیله دو دوران آبی توضیح شده می‌تواند: یکی دوران بزرگ هایدرولوژیک که عمدتاً وابسته به طبیعت است مثلاً؛ دوران آب در یک آبریزه‌ی که در ساحه وسیع امتداد دارد و دیگری دوران کوچک آبی است که عبارت از استفاده و انتقال آب در شهرها، خانه‌ها و صنایع می‌باشد.

منابع عمده آب در افغانستان به سه دسته تقسیم شده است:

۱. آب‌های سطحی: دریاها، جهیل‌ها، یخچال‌ها و مخزن‌ها؛

۲. آب‌های عمیق: آب‌های زیر زمینی، چشمه‌ها؛

۳. بارندگی: برف، باران و ژاله (پالیسی اداره منابع آب، ۱۳۸۵).

پوتانسیل انرژی برق آبی در افغانستان ۲۳۰۰۰ میگاوات تخمین زده شده است. نیروگاه‌های برق آبی متعددی در سراسر کشور نصب شده است (استراتژی انرژی قابل تجدید برای دهات افغانستان، ۲۰۱۷).

انرژی بادی^۳

باد شکلی از انرژی خورشیدی است که از گرم شدن نابرابر سطح زمین در اثر تابش خورشید به وجود می آید. به عبارتی، باد به دلیل اختلاف دما و تغییر درجه حرارت در سطح زمین هنگام تابش نور خورشید ایجاد می شود. انرژی باد می تواند برای پمپاژ آب یا تولید برق مورد استفاده قرارگیرد. و امروزه با پیشرفت تکنولوژی، از باد به طور عمده برای تولید برق استفاده می شود.

باد اقتصادی ترین منبع انرژی قابل تجدید برای تولید برق و از نظر میزان پتانسیل مقام دوم را در میان منابع انرژی قابل تجدید در افغانستان دارا است. افغانستان دارای توانایی تولید برق ۶۷ هزار میگاووات از توربین های بادی است. به عنوان مثال؛ ولایت فراه دارای تولید ۱۸۰۰۰ میگاووات، ولایت هرات ۱۲۰۰۰ میگاووات، نیمروز ۱۰۰۰۰ میگاووات و هلمند ۱۸۰۰۰ میگاووات است (استراتژی انرژی قابل تجدید برای دهات افغانستان، ۲۰۱۷).

انرژی باد بخشی از ترکیب انرژی آینده است که شامل انرژی خورشیدی، نیروی آب، بایومس، انرژی زمین گرمایی و غیره است. استراتژی انجمن جهانی انرژی باد تلاش دارد تا درصدی زیادی از انرژی جهان را از انرژی باد تأمین کند. اما این میزان به طور قابل توجه در حال افزایش است. اولین توربین های بادی برای تولید الکتریسیته یا برق در اوایل قرن بیستم تولید شدند و تکنولوژی آن ها تا دهه ۱۹۷۰ گام به گام ادامه یافت. در اواخر دهه ۱۹۹۰، انرژی باد به عنوان یکی از منابع پایدار مهم، دوباره پدیدار شد. در طول آخرین دهه قرن بیستم، توان جهانی استفاده از انرژی باد در هر سه سال تقریباً دو برابر شده است. بیش از ۸۳ درصد توان انرژی باد فقط در پنج کشور آلمان، آمریکا، دانمارک، هند و اسپانیا نصب شده است (معینی و دهقان منشادی، ۱۳۸۹).

انرژی حرارتی زمین^۴

انرژی زمین گرمایی، انرژی موجود در عمق زمین است که از انرژی خورشیدی که در طول هزاران سال در داخل زمین ذخیره شده و هم چنین فروپاشی یا زوال ایزوتوپ های یورانیم رادیو اکتیف، توریم و پوتاشیم در طول سالیان دراز در عمق زمین نشأت گرفته است که عمدتاً در نواحی زلزله خیز و آتشفشانی جوان و صفحات تکتونیکی زمین متمرکز شده است. این منبع انرژی بر خلاف انرژی های

^۳ Wind Energy

^۴ Geothermal Energy

تجدیدپذیر دیگر مانند: خورشیدی، بادی، آبی و... یک منشأ انرژی پیوسته می‌باشد. انرژی زمین-گرمایی بر خلاف سایر انرژی‌های تجدیدپذیر یاد شده محدود به فصل، زمان و شرایطی خاصی نیست و می‌توان از آن بدون وقفه بهره‌برداری نمود. هم‌چنان قیمت تمام شد برق در نیروگاه‌های زمین‌گرمایی با برق تولیدی از سایر نیروگاه‌های متعارف قابل رقابت است و از انواع دیگر انرژی‌ها به مراتب ارزانتر است (حسینی علی آبادی و دیگران، ۱۳۹۹).

انرژی زمین‌گرمایی تنها انرژی تجدیدپذیری است که به‌طور طبیعی از زمین حاصل می‌شود. این انرژی تقریباً در ۶۴۰۰ کیلومتری در اعماق زمین قرار دارد. میزان حرارت آن به ۵۰۰۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. از این انرژی برای مصارف مختلف و از جمله تولید برق یا گرم کردن ساختمان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. پتانسیل انرژی زمین‌گرمایی در ۱۰ کیلومتری پوسته زمین، ۵۰۰۰ برابر انرژی کل منابع نفت و گاز جهان است (Shiva Gorjian, 2017).

انرژی زیست توده^۵

زیست توده شامل کلیه موادی در طبیعت است که در گذشته نزدیک، جاندار بوده، از موجودات زنده به عمل آمده و یا زایدات، ضایعات یا فضولات آن‌ها می‌باشند. زیست توده می‌تواند جهت تولید گرما یا تولید برق در نیروگاه (به مانند زغال سنگ) مورد استفاده قرارگیرد (David Timmons et al, 2014).

سکتور انرژی افغانستان به مقدار زیادی وابسته به زیست توده (هیزم، ذغال‌چوب، بقایای محصول وکود حیوانی) است. و بخش عمده مصرف انرژی روستایی از منابع بایومس تأمین می‌شود. انرژی بایومس می‌تواند در پروسه‌های مختلف تبدلات برای تولید انرژی، حرارت، بخار و سوخت استفاده شود. تولید بایوگاز از کود حیوانی و یا تولید برق از زباله‌های شهری، امیدوار کننده‌ترین تکنالوژی‌های پایدار بایومس است. هدف استراتژیژیک وزارت احیا و انکشاف دهات، تلاش برای ایجاد دسترسی به انرژی زیست‌توده پایدار و مقرون به صرفه برای همه تا سال ۲۰۳۲ می‌باشد. منابع انرژی بایومس موجود برای تقویت توسعه پایدار مناطق روستایی و ایجاد درآمد برای مردم محلی استفاده می‌شود (استراتژی انرژی قابل تجدید برای دهات افغانستان، ۲۰۱۷).

^۵ Biomass Energy

انرژي جزرومد^۱

اقيانوس ها دو سوم از سطح زمين را در بر مي گيرند. اين آب مخزن وسيعي از انرژي تجديد پذير است. انرژي جزرومد يکي از در دسترس ترين انرژي درياهاست. برخلاف بسياري از انرژي هاي تجديد پذير که به طور غير مستقيم از انرژي خورشيد مشتق شده اند. اين انرژي توسط نيروهاي گرانشي، خورشيد و چرخش زمين و مهتاب ايجاد مي شود. ازکشورهاي پيشرو در بهره برداري از انرژي جزرومدی می-توان به کانادا، فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا اشاره کرد (يارويسی، ۱۳۹۳).

موقعیت جغرافیایی افغانستان از نظر میزان دریافت انرژي خورشیدی

در ۹۰ درصد از خاک کشور ما تقريباً بيش از ۳۰۰ روز آفتابي مؤثر وجود دارد و میزان تابش خورشیدی در آن بين ۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ کيلووات ساعت بر متر مربع در سال تخمين زده شده است. دو منطقه در جهان يعني صحراي استراليا و کوير مرکزی ايران بيشترين میزان تابش خورشيد در طول سال را دارا هستند؛ زیرا در اين نقاط تقريباً هيچ روز ابری وجود ندارد و افغانستان در اين زمينه مقام سوم را داراست. نور آفتاب در افغانستان قادر به توليد ۲۲۲۰۰۰ هزار ميگاوات برق می باشد. مخصوصاً مناطق وسيعی در نواحی غرب، جنوب غرب و جنوب افغانستان از جمله دشت های دلارام، مارگو، ريگستان، نيمروز و به ويژه دشت بگواه از جمله مناطقی هستند که روزهای آفتابي در آنجا به بيشتر از ۳۰۰ روز می رسد که بسيار قابل توجه است (استراتژی انرژي قابل تجديد برای دهات افغانستان، ۲۰۱۷).

وزارت انرژي و آب کشور می گوید، يک تحقيق تازه نشان می دهد که اين کشور ظرفيت توليد مقدار زياد برق از طريق انرژي آفتاب را دارا است. افغانستان حتی نسبت به کشورهای پاکستان، هند و عربستان سعودی که ممالک گرم سیر اند، ظرفيت بيشتر برای توليد انرژي برق از طريق آفتاب را دارد. هند و پاکستان روزهای آفتابي کمتری دارند. هم چنان هوای عربستان سعودی دارای گرد و غبار می-باشد (همان، ۲۰۱۷).

نقش انرژي های تجديد پذير در کاهش مصرف سوخت های فسیلی

انرژي های تجديد پذير در کاهش سوخت های فسیلی مؤثر و مهم تلقی می گردد. زیرا افزايش قيمت جهانی نفت در سال ۱۹۷۳م ارزش منابع جانشين نفت مانند؛ ذغال سنگ و آب در توليد برق را افزايش داد. با وجود مسايل مربوط به محيط زيست و محدود بودن عمر سوخت های فسیلی در کنار مزایای نيروگاه های برق آبی از قبيل عمر طولانی، بازدهی نسبی بالاتر و غيره، اين منبع را به سومين منبع توليد

^۱ Tidal Energy

برق در جهان با داشتن سهم ۱۸,۵ درصدی از تولید کل برق تبدیل نموده است (صادقی و قاسمی، ۱۳۹۲).

در افغانستان با وجود بارش های کم، برخی از بخش های آن دارای شرایط مناسبی برای توسعه برق آبی است، از جمله می توان وجود حوض های آبریز بزرگ با آبدهی مناسب و دریا های با جریان های همیشگی نام برد که باعث توسعه پروژه های برق آبی شده است. تولید برق یکی از منابع انرژی طبیعی در کشور محسوب می شود. بهره برداری از منابع طبیعی به طور کلی و منابع آبی به طور خاص میتواند وضعیت اقتصادی بهتر و درخور توجهی ایجاد کند (اداره منابع آب، ۱۳۸۷-۱۳۹۱).

انرژی های تجدید پذیر می توانند جایگزین مناسب برای تولید برق در کشور شوند. زیرا افغانستان با داشتن آب، باد و آفتاب و موقعیت جغرافیایی خوب می تواند به راحتی از انرژی های تجدید پذیر استفاده کند و نیازهای تأمین انرژی خویش را مرفوع سازد.

یکی از محورهای اصلی توسعه در هر کشور، چگونگی تعادل بخش انرژی، محیط زیست و اقتصاد است. سرعت برق از مرحله تولید تا مصرف نهایی مخاطرات و تبعات زیست محیطی بسیاری بوجود می آورد. شایان ذکر است که انرژی های تجدید پذیر زیربنای اساسی کلیه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی جوامع به شمار می رود. سوخت های فسیلی اثرها و آلودگی های محیط زیست انسانی و طبیعی را با تهدیدها و خطرات مواجه کرده است (اصغری زاده و دیگران، ۱۳۹۶).

استفاده از سوخت های فسیلی سبب انتشار گازهای آلاینده و گلخانه ای می شوند. گازهای گلخانه ای گرما را در جو زمین نگه می دارند. حجم تولید گازهای گلخانه ای جهان توسط نیروگاه ها حدود ۳۳ درصد از کل تولید سالانه ای گازهای گلخانه ای است. اصلی ترین گاز گلخانه ای کاربن دای اکساید نام دارد، تقریباً کلیه فعالیت های که انرژی فسیلی مصرف می کنند، اعم از صنعتی، خانگی و... تولید می شود (همان، ۱۳۹۶).

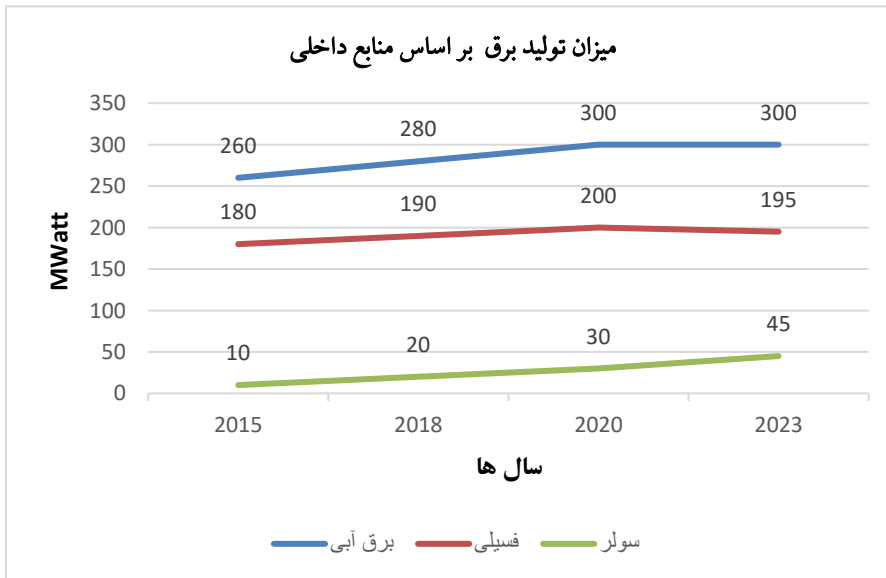
مصرف سوخت های فسیلی باعث تولید گازات زهری و آلوده کننده های آب و هوا می باشد. از طرف دیگر به دلیل رشد مصرف انرژی و استفاده بی رویه از منابع انرژی فسیلی و پایان پذیر بودن منابع نفتی و گازی می باید از همین حالا به فکر انرژی های جایگزین بود. برای کاهش آلودگی های مختلف ناشی از مصرف سوخت های فسیلی و استفاده بهینه از نفت، گاز و ذغال سنگ لازم است به انرژی خورشیدی، بادی، آبی و بایومس که منبع بی پایان دارند و سازگار با محیط زیست است توجه بیشتری شود (شریفی و دیگران، ۱۳۹۲).

هم چنان، استفاده از انرژی‌های نو یا به عبارت واضح‌تر انرژی‌های پاک سبب کاهش تولید کاربن-دای‌اکساید و مواد آلاینده‌ی دیگر ناشی از سوخت‌های فسیلی می‌گردد. لذا جلوگیری از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ی روی تغییرات اقلیمی نیز مؤثر می‌باشد. افغانستان این منابع تجدیدپذیر خدا دادی را به وفرت دارد و زیاد هزینه‌بر نخواهد بود. هر چند اجرای پروژه‌های که مربوط به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر می‌باشد، ضرورت به سرمایه‌گذاری اولیه دارد، اما در بلند مدت به دلیل نداشتن مصرف سوخت، با صرفه‌تر از انرژی‌های فسیلی خواهد بود. اگر ما بتوانیم منابع انرژی‌های تجدیدپذیر را در کشور توسعه دهیم، موجب کاهش وابستگی به واردات نفت و گاز کشورهای همسایه خواهد شد. از یک طرف نیاز کشور از وابستگی کاهش می‌یابد و از سوی دیگر اقتصاد کشور توسعه می‌یابد و زمینه‌ی کار برای شهروندان مساعد می‌گردد. این امر در افغانستان عزیز سهل است؛ زیرا میزان دریافت انرژی آب، باد و آفتاب در افغانستان بالا و استفاده از آن نیز ساده است. به طوری که می‌توان بسیاری از نیازهای انرژی کشور و مردم را با استفاده از آب، باد و آفتاب تأمین کرد. در حال حاضر، اکثریت نیازهای مردم کشور با استفاده از انرژی آفتابی مانند؛ سولر برای تأمین برق، آبگرم‌کن‌های خورشیدی و منقل‌های خورشیدی رفع می‌شود. این خود نمونه‌های بارز استفاده از انرژی خورشیدی که نوع از انرژی‌های تجدید پذیر می‌باشد موجب کاهش نیاز به سوخت‌های فسیلی می‌شود. از این سبب تأثیر انرژی‌های تجدیدپذیر بر کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی در خور توجه و از جنبه‌های مختلف قابل بررسی می‌باشد.

انرژی تجدیدپذیر افغانستان شامل زیست توده، انرژی آبی، برق خورشیدی و انرژی بادی می‌باشد. افغانستان کشور محاط به خشکه است که با پنج کشور دیگر احاطه شده است. این کشور با داشتن جمعیت ۳۶،۴ میلیون نفر (اعلامیه اداره احصائیه، ۱۴۰۴)، یکی از کمترین مصرف کنندگان انرژی در رده‌بندی جهانی است. در حال حاضر به علت موقعیت جغرافیایی افغانستان، انرژی آبی از جمله منبع اصلی انرژی تجدید پذیر در این کشور است.

بر اساس گزارش‌های رسمی شرکت برشنا تولید برق تا پایان سال ۲۰۲۵ تولید برق داخلی افزایش پیدا خواهد کرد، زیرا قرار داد پروژه‌های جدید با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ظرفیت تولید برق را از منابع تجدیدپذیر بیشتر می‌نماید.

عرضه برق افغانستان بر حسب منبع آن در گراف شماره (۱) ذیل نشان داده شده است.



گراف شماره (۱) عرضه برق را در افغانستان با در نظر داشت منبع آن تا سال ۲۰۲۳ (منبع: گزارشات شرکت برشنا).

با در نظر داشت گراف فوق قسمت اعظم انرژی افغانستان، از بیرون کشور تأمین می‌شود. تا هنوز این روند بهبود نیافته است، با وجودی که این ظرفیت در خود کشور موجود است. اگر بتوانیم آب‌های افغانستان را مدیریت کنیم و روی هر کدام با احداث چندین بند برق واردات برق کشور به صفر تقرب خواهد داشت. با سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های تجدید پذیر افغانستان از وابستگی بر واردات انرژی برق از کشورهای همسایه رهایی یافته و موجب صرفه جویی میلیون‌ها دالر از سرمایه مملکت برای تأمین نیاز انرژی از بیرون خواهد شد.

مناقشه

در این بخش آنچه را که ما یافته‌ایم با دیگران مقایسه می‌کنیم. فاطمه جداوی و سیمین قادری این نتیجه گرفته اند که، توسعه و گسترش سیاست‌های استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر می‌تواند ابزاری برای کنترل آلودگی هوا و ارتقای توسعه انسانی باشد. این یافته‌ها و تحلیل تحقیق ما همخوانی دارد. همچنان ایشان جذب سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، رفع موانع سرمایه‌گذاری و ایجاد قوانین تشویقی را در پروژه‌های انرژی‌های تجدید پذیر ضروری می‌دانند.

ندا رضایی و دیگران گفته اند، در نگاه بلند مدت از لحاظ هزینه‌های سوخت واقعی و خسارات محیط-زیستی انرژی‌های تجدیدپذیر مانند باد و خورشید بهترین گزینه برای توسعه پایدار در ایران هستند. بدون تردید در افغانستان نیز چنین است، زیرا منابع انرژی تجدیدپذیر مانند آب، باد و آفتاب به وفرت وجود دارد. آن‌ها به دلیل نفت و نیروگاه‌های حرارتی سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی کشورشان را کم گفته اند ولی در کشور ما نیروگاه‌های حرارتی برای تأمین انرژی در سطح کلان وجود ندارد. اشاره آن‌ها این حقیقت را آشکار می‌سازد که انرژی‌های بادی و خورشیدی به وضوح رقابتی‌تر و مقرون به صرفه از نیروگاه‌های فسیلی خواهند بود که با نگاه ما در مورد موضوع مورد بررسی شباهت دارد.

شقایق دانه کار و حسین یوسفی در بررسی خویش دریافته اند که، استفاده از آب به‌عنوان یک منبع ذخیره‌سازی انرژی، نه تنها به پایداری سیستم‌های انرژی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ی بهره‌برداری مؤثرتر از انرژی‌های تجدیدپذیر را فراهم می‌کند. و آن‌ها استفاده از این انرژی را برای توسعه، بهبود فناوری‌ها و زیر ساخت‌های مرتبط ضروری می‌دانند. ولی ما به این باور هستیم که نه تنها آب، بلکه تمام منابع انرژی‌های تجدیدپذیر برای توسعه، بهبود فناوری و انکشاف زیر ساخت‌ها کمک می‌کند. شمبلید احدی و دیگران چنین نتیجه گرفته اند که: منابع انرژی تجدیدپذیر در افغانستان مانند، انرژی آبی، بادی و خورشیدی فراوان هستند اما از آن‌ها به‌گونه‌ی شاید و باید استفاده نشده است. با وصف آنکه هزینه‌های بهره‌برداری از آن در سال‌های اخیر کاهش یافته است و دولت می‌تواند آنرا بررسی کند زیرا؛ دسترسی به برق و انرژی اولیه معقول و بدون وقفه برای رشد اقتصادی این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. یافته‌های ما نیز در مورد وفرت منابع انرژی‌های تجدیدپذیر در افغانستان با ایشان سازگاری دارد.

حسن جنگ‌آور و دیگران به این نتیجه رسیده اند که: توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر و جایگزینی آن‌ها با سوخت‌های فسیلی در تولید برق می‌تواند از جمله راهکارهای تولید پایدار انرژی، کاهش مصرف منابع فسیلی و کاهش انتشار گازات گلخانه‌ای باشد. یافته‌های ما نیز با ایشان مسیر مشترک دارد. در کل مطالعات انجام شده در این زمینه نقش انرژی‌های تجدیدپذیر را در زمینه کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی بر ملا می‌سازد. زیرا برنامه‌ریزی برای انرژی‌های تجدیدپذیر در سطح می‌تواند ما را از وابستگی به نیازهای تأمین انرژی از بیرون کشور رها کند و اثرهای بلند مدت اقتصادی، محیط زیستی و توسعه را به ارمغان آورد. بررسی منابع نشان می‌دهد که بهره‌وری از انرژی‌های

تجدیدپذیر نظیر انرژی آفتابی، بادی، آبی و بایومس به طور قابل توجهی انتشار گازات مضره را کاهش داده و از آلودگی محیط زیست جلوگیری می نماید. مقاله های که در این تحقیق استفاده گردیده است، تایید کرده اند که توسعه ساختارهای انرژی های تجدیدپذیر می تواند مصرف سوخت های فسیلی را به صورت قابل توجهی کاهش دهند.

نتیجه گیری

انرژی های تجدیدپذیر به منابعی از انرژی های می گوئیم که به صورت طبیعی قابلیت تجدید شدن را دارند؛ مانند انرژی آب، باد، آفتاب، زیست توده، زمین گرمایی و... بوده که در طبیعت به وفرت در دسترس اند. در شرایط فعلی، تغییرات آب و هوا، آلودگی های محیطی و پایان پذیر بودن منابع سوخت- های فسیلی ضرورت به بازنگری در عرصه ی تأمین انرژی را آشکار ساخته است. با در نظر داشت چالش- های که سوخت های فسیلی در محیط زیست و وضعیت اقتصادی در دراز مدت به بار می آورد، انرژی- های تجدیدپذیر به عنوان یک راهکار پایدار، کار آمد و مفید مطرح گردیده است. استفاده از انرژی- های تجدیدپذیر، جایگزین مفید و مؤثر در تولید برق بوده، همچنان در کاهش انتشار گازهای گلخانه- ای نقش داشته و در طولی مدت سبب صرفه جویی در اقتصاد کشور خواهد شد. کشور ما می تواند با توسعه ی منابع انرژی های تجدیدپذیر وابستگی به واردات نفت و گاز را از کشورهای بیگانه کاهش دهد. انرژی های تجدیدپذیر می تواند وابستگی به منابع محدود فسیلی و انتشار گازات گلخانه ای را کاهش داده و باعث پایداری محیط زیست گردد. افغانستان تقریباً بیش از ۳۰۰ روز آفتابی مؤثر دارد و میزان تابش خورشیدی که در هر سال تخمین زده شده است، حدود ۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ کیلووات بر متر مربع می باشد. این کشور می تواند ۲۲۲ هزار میگاووات برق از نور آفتاب تولید کند. مناطقی وسیعی در غرب، جنوب غرب و جنوب افغانستان بیشترین روزهای آفتابی را دارند که برای این کشور قابل توجه است. سرمایه گذاری در این نواحی روی انرژی خورشیدی نیازهای زیادی مردم این سرزمین را مرفوع می سازد و انرژی پاک برای منطقه تأمین می گردد. باد اقتصادی ترین منبع انرژی قابل تجدید برای تولید برق و از نظر میزان پتانسیل مقام دوم را در میان منابع انرژی قابل تجدید در افغانستان دارا است. افغانستان دارای توانایی تولید برق ۶۷ هزار میگاووات از توربین های بادی است. تنها ولایت های، فراه دارای تولید ۱۸۰۰۰ میگاووات، ولایت هرات ۱۲۰۰۰ مگاوات، نیمروز ۱۰۰۰۰ میگاووات و هلمند ۱۸۰۰۰ میگاووات است. پوتانسیل انرژی برق آبی در افغانستان ۲۳۰۰۰ میگاووات تخمین زده شده است. نیروگاه های برق آبی متعددی در سراسر کشور نصب شده است که کفایت انرژی مورد نیاز را نمی کند. با این وجود ۲۰-۳۰ درصد برق افغانستان از منبع داخلی و حدود ۷۰-۸۰ درصد انرژی برق کشور که

فی الحال از آن استفاده می‌کند از برق وارداتی است. اما در حال حاضر سکتور انرژی افغانستان به مقدار زیادی وابسته به زیست توده (هیزم، ذغال چوب، بقایای محصول و کود حیوانی) است. و بخش عمده مصرف انرژی روستایی از منابع بیومس تأمین می‌شود. انرژی بیومس می‌تواند در پروسه‌های مختلف تبدلات برای تولید انرژی، حرارت، بخار و سوخت استفاده شود. اکثر مردم کشور مالداري دارند، آن‌ها می‌توانند در سطح کوچک تکنالوژی بیومس را به کار بگیرند و از این طریق انرژی مورد نیاز خویش را تأمین کنند. در سطح کلانتر دولت می‌تواند این تکنالوژی را به کار گیرد تا قسمتی از انرژی مورد نیاز از این روش تهیه شود. منابع انرژی بیومس موجود برای تقویت توسعه پایدار مناطق روستایی و ایجاد درآمد برای مردم محلی از اهمیت زیادی برخوردار است. توجه به انرژی‌های تجدید پذیر در کاهش سوخت‌های فسیلی اهمیت دارد، زیرا از قطع جنگلات جلوگیری نموده، انتشار گازات مضره را کاهش داده و باعث حفظ محیط زیست می‌گردد.

پیشنهادات

بنابر نتیجه‌ی فوق به وزارت محترم انرژی و آب پیشنهاد می‌گردد که:

۱. در تأمین انرژی‌های تجدیدپذیر تلاش نموده و توجه سکتور خصوصی و سرمایه‌گذاران را جلب نماید.
۲. با ایجاد زیر ساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، کشور را از وابستگی به دیگران در قسمت تأمین انرژی مورد نیاز رهایی بخشد.
۳. با احداث بندهای برق، و نیروگاه‌های خورشیدی کشور را به توسعه و خودکفایی برساند.
۴. با توجه به وفرت انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، زمینه برای حفاظت از محیط زیست عاری از هرگونه گازات مضره پیش قدم شود.

منابع

- اداره منابع آب. (۱۳۸۷-۱۳۹۱). کابل؛ افغانستان.
استراتژی انرژی قابل تجدید برای دهات افغانستان، (۲۰۱۷). کابل؛ افغانستان.
اصغری زاده، عزت الله. مهرگان، محمد رضا. شکوری گنجوی، حامد. مدرس یزدی، محمد. تقی زاده یزدی، محمد رضا. (۱۳۹۶). ارائه مدل ریاضی برای توسعه ظرفیت نیروگاه‌ها با در نظر گرفتن واحدهای تولید پراکنده و با هدف کنترل دی‌اکسیدکربن. تهران: دانشکده صنعتی پوهنتون تهران.
آرمودلی، یوسف. ساتکین، محمد. کعبی نژاد، عبدالرزاق. (۱۳۸۲). بررسی اثرات عایق کاری ساختمان بر روی بار حرارتی و مطالعه سیستم گرمایش خورشیدی برای یک خانه‌ی مسکونی نمونه در تهران. سومین همایش بین‌المللی بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان. پالیسی منابع آب. (۱۳۸۵). کابل؛ افغانستان.
پوردربانی، راضیه. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت فعلی و تقاضای آینده انرژی تجدیدپذیر در ایران و بازاریابی آن. فصلنامه علمی-ترویجی انرژی‌های تجدیدپذیر و نو، سال هفتم، شماره اول، تابستان ۱۳۹۹.
جداوی، فاطمه. قادری، سمین. (۱۴۰۲). بررسی اثرات متقابل انرژی‌های تجدیدپذیر و انتشار دی‌اکسیدکربن بر توسعه انسانی. فصل‌نامه تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران، پوهنتون الزهرا؛ سال ۱۴۰۳، شماره ۱.
جنگ‌آور، حسین. نوراللهی، یونس. یوسفی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی امکان‌پذیری تحقق اهداف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق تولید برق از منابع انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران. فصل‌نامه علمی انرژی‌های تجدیدپذیر و نو. سال ششم: شماره ۲.
حسینی علی‌آبادی، سید محمدرضا. شیخ‌لاری، ولی‌الله. رشیدپور، محمد معین. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در کاهش آلودگی محیط زیست. نشریه علمی-تخصصی شباک: سال ششم، شماره ۱.
دانه‌کار، شقایق. یوسفی، حسین. (۱۳۹۸). روش‌های ذخیره انرژی‌های تجدیدپذیر در منابع آبی. فصل‌نامه علمی انرژی‌های تجدیدپذیر و نو. سال هفتم: شماره ۲.
رضایی، ندا. حجازی، رخشاد. یوسفی، حسین. (۱۴۰۱). برآورد هزینه‌های هم‌تراز شده تولید انرژی الکتریکی در نیروگاه‌های تجدیدپذیر و فسیلی. تحقیق‌نامه اقتصاد انرژی ایران. پوهنتون علامه طباطبایی. سال ۱۴۰۱، شماره ۴۲.
زمانی‌نیا، امیر حسین. بیران صدیقه. (۱۳۸۹). توسعه پایدار و محیط زیست. مرکز تحقیقات استراتژیک.

- زين العابدین، صادقی و قاسمی، محبوبه. (۱۳۹۲). ارزیابی رانت اقتصادی نیروگاه های برق آبی استان خوزستان. اقتصاد منابع طبیعی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲.
- شريفی، علیمراد. کیانی، غلام حسین. خوش اخلاق، رحمان. باقری، محمدمهدی. (۱۳۹۱). ارزیابی جایگزینی انرژی های تجدید پذیر به جای سوخت های فسیلی در ایران. فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۲.
- صادقی، زين العابدین. قاسمی، محبوبه. (۱۳۹۲). ارزیابی رانت اقتصادی نیروگاه های برق آبی استان خوزستان: رهیافت برنامه ریزی توسعه ظرفیت. مجله اقتصاد منابع طبیعی. (۱).
- علائی شیخ رباط، زهرا. توکلی، اکبر. شریفی، علیمراد. (۱۳۹۳). اثر مصرف انرژی های تجدیدپذیر بر انتشار گازهای گلخانه ای CO₂ ایران و چهار کشور منتخب جنوب شرقی آسیا. همایش انرژی های تجدیدپذیر، پاک و کار آمد. دوره ۶.
- معینی، سام و دهقان منشادی، محسن. (۱۳۸۹). انرژی های تجدید پذیر و جایگاه آن در تأمین انرژی. گستره انرژی. سال چهارم، شماره ۲۱، سال ۱۳۸۹.
- یاروییسی، حیدر. صابری، جلال. باقری، محسن. احمدی لیوانی، محمد و نجاتی، رضا. (۱۳۹۳). بررسی انرژی جزر ومد در خلیج فارس و کاربرد آن در تولید برق با در نظر گرفتن سکوهای نفتی هنگام. شانزدهمین همایش صنایع بندر عباس، سال ۱۳۹۳.
- Ahadi, Shambli. Neradra, Dev. Anubha Mandal.(2020) An overview of the opportunities and challenges in sustaining the energy industry in Afghanistan. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202017303006>.
- David Timmons, Jonathan M. Harris, and Brian Roach.(2014).The Economics of Renewable Energy, Global Development And Environmental Institute.
- Nada Kh.M. A.Alrikabi. (2014). Renewable Energy Types. Journal of Clean Energy Technologies, Vol 2, No 1.
- Qasimi, A. B., Isazade, V., & Toomanian, A. (2022). A review of sustainable and renewable sources of energy for Afghanistan. Journal Renewable Energy & Mechanics (REM), 5(2). [https://doi.org/10.25299/rem.2022.vol5\(02\).10226](https://doi.org/10.25299/rem.2022.vol5(02).10226)
- Shiva Gorjian.(2017). An Introduction To The Renewable Energy Resources, ResearchGate.

بررسی امکان تولید بالم لب (مرطوب کننده لب) از منابع طبیعی افغانستان

احمد فرزاد عبدالمهی^{۱*}، پوهاند دکتور اسرارالدین گلزاد^۲

۱. محصل ماستری انجنیری صنایع کیمیاوی، پوهنتون پولی تخنیک کابل

۲. دیپارتمنت انجنیری صنایع کیمیاوی تصفیه نفت و گاز، پوهنتون پولی تخنیک کابل

* نویسنده مسئول- ایمیل: af.abdullahi@yahoo.com

چکیده

این تحقیق به بررسی امکان پذیری تولید مرطوب کننده لب (بالم لب) از منابع طبیعی و داخلی افغانستان پرداخته است. هدف اصلی تحقیق، ارزیابی کیفیت موم زنبور عسل، روغن های گیاهی و رنگ دانه های طبیعی موجود در کشور و بررسی توانایی آن ها برای تولید یک محصول صحتی سالم، باکیفیت و اقتصادی می باشد. روش تحقیق به صورت ترکیبی (تحلیلی-تجربی) انجام شده که شامل جمع آوری مواد خام داخلی، ارزیابی ویژگی های فیزیکی و کیمیاوی آن ها، ساخت نمونه آزمایشی مرطوب کننده لب و تحلیل اقتصادی تولید در مقیاس کوچک است. نتایج نشان داد که موم زنبور عسل افغانستان دارای نقطه ذوب و خلوص مطابق با معیارهای بین المللی است و روغن های گیاهی داخلی (کنجد، بادام و زیتون) از نظر تازگی و اسیدهای چرب غیر اشباع در سطح مطلوب قرار دارند. فورمول آزمایشی منجر به تولید مرطوب کننده لبی با بوی طبیعی، قوام مناسب و ۸۰٪ رضایت مصرف کنندگان شد. از نظر اقتصادی، تولید داخلی ارزان تر از واردات تمام می شود و می تواند زمینه اشتغال زایی برای زنان و جوانان را فراهم سازد. بر اساس یافته ها، توسعه تولید مرطوب کننده لب طبیعی در افغانستان از نظر تخنیک، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر است و نیاز به حمایت دولت و سکتور خصوصی دارد.

واژه های کلیدی: تولید داخلی افغانستان، صنعت محصولات صحتی، بالم لب طبیعی، موم طبیعی، روغن های گیاهی

Feasibility Study on Producing Lip Balm from Afghanistan's Natural Resources

Ahmad Farzad Abdullahi^{1*}, Prof. Dr Asraruddin Gulzad²

1. Master's Student in Chemical Industrial Engineering, KPU
2. Lecturer of Chemical Industrial Engineering (Department of PGIE),
Kabul Polytechnic University

* Corresponding Author Email: af.abdullahi@yahoo.com

Abstract

This research investigates the feasibility of producing natural lip balm (Lip-Sirin) using domestic resources available in Afghanistan. The main objective of the study is to evaluate the quality of locally produced beeswax, vegetable oils, and natural pigments, and to assess their potential for manufacturing a healthy, high-quality, and economical cosmetic product. The research employs a mixed analytical–experimental method, including the collection and evaluation of local raw materials, physical and chemical analyses, laboratory formulation of a test sample, and economic assessment of small-scale production. The results show that Afghan beeswax meets international quality standards in terms of melting point and purity, while local vegetable oils (sesame, almond, and olive) possess favorable freshness and a high content of unsaturated fatty acids. The experimental formulation resulted in a lip balm with a pleasant natural scent, good consistency, and 80% user satisfaction. Economically, domestic production can be up to 30% cheaper than imports and can create employment opportunities for women and youth. Overall, findings indicate that the development of natural lip balm production in Afghanistan is technically, economically, and socially feasible, provided that government and private sector support are ensured.

Keywords: Local production in Afghanistan, Cosmetic industry, Natural lip balm, Beeswax, Vegetable oils.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، صنعت محصولات آرایشی و مراقبت شخصی به یکی از پویاترین و سودآورترین بخش‌های اقتصاد جهانی مبدل شده است. افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان نسبت به سلامت، ایمنی و تأثیرات درازمدت محصولات آرایشی و صحتی بر بدن، سبب شده است که تقاضا برای محصولات طبیعی و مبتنی بر مواد خام گیاهی به‌طور قابل توجهی افزایش یابد (Swathi & Venkatesh, 2023). در این میان، مرطوب‌کننده لب یا بالم لب به دلیل استفاده مداوم و تماس مستقیم با پوست حساس لب، از جمله پرمصرف‌ترین محصولات آرایشی به‌شمار می‌رود. مطالعات نشان می‌دهند که مصرف‌کنندگان به‌طور فزاینده‌ای تمایل به استفاده از محصولاتی دارند که فاقد ترکیبات مصنوعی مضر بوده و از مواد طبیعی تهیه شده باشند (Yusof et al., 2025).

در افغانستان نیز طی سال‌های اخیر، به دلیل گسترش شهرنشینی، توسعه رسانه‌ها و افزایش سطح آگاهی عمومی، مصرف محصولات آرایشی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. با این حال، بازار داخلی به شدت متکی بر محصولات وارداتی بوده و این وابستگی منجر به خروج ارز، افزایش قیمت‌ها و محدود شدن فرصت‌های شغلی داخلی گردیده است (Sankpal et al., 2022). در چنین شرایطی، توسعه تولید داخلی محصولات آرایشی و صحتی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مؤثر برای کاهش وابستگی به واردات، ایجاد اشتغال و تقویت صنایع کوچک و متوسط مطرح شود. گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که صنایع کوچک و متوسط نقش اساسی در رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند. این درحالی است که در افغانستان ظرفیت تولید این محصول وجود دارد (Mishra et al., 2025).

افغانستان از نظر دسترسی به مواد خام طبیعی، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تولید محصولات آرایشی دارد. موم زنبور عسل که در بسیاری از ولایات کشور تولید می‌شود، یکی از مواد اصلی و پرکاربرد در فورمول بالم لب (مرطوب‌کننده لب) است. این ماده علاوه بر ایجاد قوام مناسب، دارای خواص محافظتی و نرم‌کنندگی برای پوست لب می‌باشد. تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که استفاده از موم زنبور عسل در ترکیب بالم لب، باعث بهبود ویژگی‌های فیزیکی-کیمیایی، پایداری و مقبولیت مصرف‌کننده می‌گردد (Kumar et al., 2020). علاوه بر آن، روغن‌های گیاهی طبیعی مانند روغن کنجد، روغن بادام و روغن زیتون که در افغانستان نیز در دسترس هستند، به دلیل خواص تغذیه‌ای و

مرطوب‌کنندگی، نقش مهمی در تولید بالم لب با کیفیت ایفا می‌کنند؛ این منابع در افغانستان به راحتی قابل دسترس است (Patel et al., 2023).

از دیدگاه صحتی، نگرانی‌های فزاینده‌ای نسبت به وجود ترکیبات کیمیاوی مصنوعی در محصولات صحتی تجارتي مطرح شده است. سازمان جهانی صحت در یک تحقیقات هشدار داده است که برخی محصولات آرایشی بی‌کیفیت یا تقلبی ممکن است حاوی مواد خطرناک باشند که در درازمدت باعث بروز حساسیت‌های جلدی، مسمومیت‌های مزمن و سایر عوارض صحتی شوند (Barreto et al., 2019). در مقابل، تحقیق‌ها نشان می‌دهد که فورمولاسیون‌های مبتنی بر مواد طبیعی، در صورت تولید تحت شرایط معیاری، از ایمنی بالاتر و سازگاری بیشتری با پوست برخوردار هستند. هم‌چنین استفاده از انتی‌اکسیدان‌های طبیعی مانند ویتامین E در ترکیب بالم لب، می‌تواند از اکسایدی شدن روغن‌ها جلوگیری کرده و در نهایت پایداری محصول را افزایش دهد (Khan et al., 2018).

در سطح بین‌المللی، مطالعات متعددی به بررسی فورمول و ارزیابی بالم لب‌های طبیعی و گیاهی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که محصولات تهیه‌شده از موم زنبور عسل و روغن‌های گیاهی می‌توانند از نظر بافت، یکنواختی، پایداری و رضایت مصرف‌کننده، عملکردی قابل‌مقایسه با محصولات تجارتي معیاری داشته باشند (Mishra et al., 2025; Yusof et al., 2025). علاوه بر این، رشد بازار محصولات صحتی ارگانیک نشان‌دهنده ظرفیت اقتصادی بالای این حوزه برای سرمایه‌گذاری و توسعه صنعتی است زیرا با کمتر کردن واردات می‌توانیم چرخه اقتصادی را در کشور قوت ببخشیم (Rodriguez et al., 2020).

با وجود این پیشرفت‌ها، مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که در افغانستان تاکنون مطالعه‌ای جامع و سیستماتیک در زمینه امکان‌پذیری تخنیک و اقتصادی تولید مرطوب‌کننده لب با استفاده از منابع بومی انجام نشده است. این خلای علمی، ضرورت انجام تحقیقی را برجسته می‌سازد که به صورت هم‌زمان به بررسی امکان تولید تخنیک، میزان مصرف مواد خام و انرژی، هزینه تولید هر واحد محصول و تحلیل اقتصادی آن بپردازد. از این رو، تحقیق حاضر با هدف ارزیابی امکان‌پذیری تولید مرطوب‌کننده لب طبیعی مبتنی بر موم زنبور عسل و روغن‌های گیاهی موجود در افغانستان انجام شده و تلاش دارد زمینه‌ای علمی برای توسعه صنعت کاسمتیک طبیعی در کشور فراهم نماید. (Alessandrea & Michelli, 2013)

مواد و روش تحقیق

این تحقیق یک مطالعه کاربردی با روش تحلیلی-تجربی است که با هدف بررسی امکان پذیری تولید بalm لب طبیعی از منابع داخلی افغانستان انجام شده است. در مرحله نخست، مواد خام شامل موم زنبور عسل، روغن های گیاهی و رنگ دانه های طبیعی از تولیدکنندگان محلی جمع آوری و از نظر ویژگی های فیزیکی و کیمیاوی اولیه ارزیابی گردید.

موم زنبور عسل از ولایات پروان، بامیان و وردک تهیه شد و روغن های گیاهی مورد استفاده شامل روغن کنجد، روغن بادام و روغن زیتون بودند که از بازارهای محلی کابل فراهم گردیدند. برای ایجاد رنگ و افزایش پایداری محصول، از رنگ دانه های طبیعی گیاهی، ویتامین E و عصاره نعنا استفاده شد. نمونه آزمایشی بalm لب در مقیاس لابراتواری و بر اساس ترکیب پیشنهادی تولید گردید. پروسه تولید شامل ذوب موم تحت کنترل حرارت، افزودن تدریجی روغن ها و رنگ دانه ها، متجانس سازی، قالب گیری، سردسازی و بسته بندی بود.

یافته های تحقیق

۱. مواد خام مورد نیاز

۱-۱. موم زنبور عسل

موم زنبور عسل یکی از مهم ترین اجزای فورمول مرطوب کننده لب است و نقش اساسی در ایجاد قوام و استحکام محصول دارد. در این تحقیق نمونه های موم از زنبورداران ولایات پروان، میدان وردک و بامیان جمع آوری شد.

۲-۱. روغن های گیاهی

روغن های مورد استفاده شامل روغن کنجد، روغن بادام و روغن زیتون بودند که از تولیدکنندگان محلی و بازار کابل تهیه شدند.

۳-۱. رنگ دانه های طبیعی

برای ایجاد رنگ طبیعی در مرطوب کننده لب، سه منبع رنگ دانه مورد بررسی قرار گرفت: پودر لبلبو، پودر گل محمدی و پودر زعفران.

۲. ترکیب مواد و نسبت ها

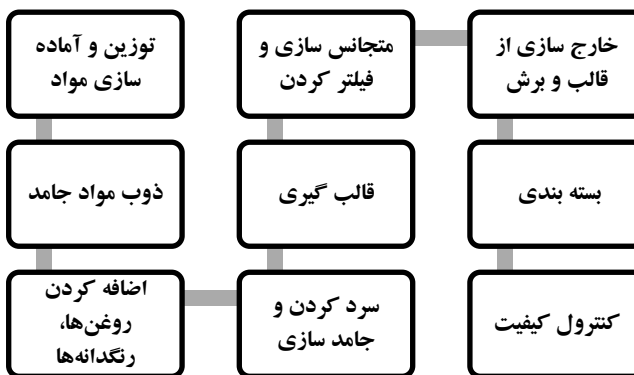
فورمول پیشنهادی به شکلی انتخاب شد که هم از مواد بومی استفاده کند و هم خصوصیات معیاری یک مرطوب کننده لب را داشته باشد. ترکیب مواد در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۱. ترکیب پیشنهادی برای ساختن بalm لب طبیعی با منابع داخلی افغانستان

ماده	فیصد (%)	وظیفه در ترکیب بalm لب
موم زنبور عسل	۲۰٪	ایجاد سختی و استحکام، نقطه ذوب مناسب
روغن کنجد	۲۵٪	نرمی و تغذیه لب، جذب سریع
روغن بادام	۲۰٪	رطوبت دهی، جلوگیری از ترقیدن لب
روغن زیتون	۲۰٪	نرم کننده و حامل چربی‌ها
رنگ دانه طبیعی (لبلیو)	۴٪	ایجاد رنگ سرخ طبیعی
ویتامین‌های افزودنی	۰.۵٪	انتهی اکسیدانت طبیعی و جلوگیری از اکسایدی شدن روغن‌ها
عصاره طبیعی (نعنا)	۰.۵٪	ایجاد بوی خوش و حس تازگی

۳. مراحل عمومی تولید مرطوب‌کننده لب

چارت (۱): مراحل تولید بalm لب



مرحله اول: توزین و آماده‌سازی مواد خام

در این مرحله، مواد اولیه شامل موم‌ها، روغن‌ها، رنگ‌ها، افزودنی‌ها و اسانس‌ها بر اساس فورمول مشخص و دقیق وزن می‌شوند. برای این کار از ابزارهایی مانند ترازوهای دقیق صنعتی و ظروف استیل استفاده می‌شود.

مرحله دوم: ذوب مواد جامد

موم‌ها و برخی روغن‌ها بر حرارت کنترل‌شده ذوب می‌شوند. این حرارت نظر به مواد اولیه متفاوت است اما به شکل معمول چیزی بین ۷۰-۹۰ درجه سانتی‌گرید می‌باشد. برای این کار باید از دیگ بخار دو استره^۱ و مخلوط‌کن حرارتی مقاوم در مقابل حرارت استفاده کرد.

مرحله سوم: اضافه کردن روغن‌ها، رنگدانه‌ها و افزودنی‌ها:

در مرحله بعدی روغن‌ها، رنگدانه‌ها و سایر افزودنی‌ها به تدریج اضافه شده و کاملاً با مخلوط داغ یکجا می‌شوند تا ترکیبی یکنواخت حاصل شود. ویتامین E یا رایحه‌ها در حرارت کمتر از ۶۰ درجه افزوده می‌شوند.

مرحله چهارم: متجانس‌سازی و فیلتر کردن^۲

برای یکنواخت‌سازی کامل ترکیب و جلوگیری از وجود ذرات ناخواسته، مخلوط از صافی یا فیلتر عبور داده می‌شود.

مرحله پنجم: قالب‌گیری^۳

مخلوط گرم شده بلافاصله در حالت مایع، در قالب‌های فلزی مخصوص مرطوب‌کننده لب ریخته می‌شود. معمولاً از جنس المونیم یا استیل ضدزنگ هستند.

مرحله ششم: سرد کردن و جامدسازی:

قالب‌ها در حرارت اتاق قرار داده می‌شوند تا ترکیب به سرعت جامد شود. این کار معمولاً بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه زمان می‌برد.

مرحله هفتم: خارج‌سازی از قالب و برش^۴

مرطوب‌کننده لب‌های جامدشده از قالب خارج شده و در صورت نیاز سر آن‌ها با دستگاه گرم‌کننده، صیقل داده می‌شود تا ظاهر یکنواخت و زیبا داشته باشند.

مرحله هشتم: بسته‌بندی اولیه

محصول در بسته‌بندی مخصوص خود مرطوب‌کننده لب قرار گرفته و بسته می‌شود.

1 Double Jacketed Mixer

2 Homogenizing & Filtering

3 Pouring into Molds

4 Demolding & Trimming

مرحله نهم: کنترل کیفیت^۵

چند نمونه از هر بچ تولید مورد آزمایش فزیک، کیمیاوی و ظاهری قرار می‌گیرد تا مطمئن شوند که یکنواختی رنگ و بافت به شکل درست انجام شده است. هم‌چنان موارد مهم دیگر مانند: (آزمایش ماندگاری، PH، بویایی، مقاومت در برابر حرارت، سازگاری با پوست و...) را با دقت بسیار زیاد انجام می‌دهیم.

۴. بیلاتس مادی و انرژی برای تولید محصول

اطلاعات عمومی راجع به تولید روزانه ۲۰۰ عدد بالم لب (مرطوب‌کننده لب) قرار ذیل است:
وزن هر مرطوب‌کننده لب در حدود ۱۰۰ گرم می‌باشد.
برای تولید ۲۰۰ مرطوب‌کننده لب ۲۰ کیلوگرام مواد نیاز است.
تلفات در جریان پروسه در حدود ۱٪ می‌باشد که شامل مواد باقی‌مانده در ظروف و تبخیر جزئی می‌باشد.

ظرفیت حرارتی متوسط مخلوط $Cp = 2.1 \frac{KJ}{Kg \cdot C}$ است. (در زمان مخلوط روغن‌ها و موم)

افزایش حرارت از $25^{\circ}C$ (تقریباً حرارت اتاق) تا $70^{\circ}C$ یعنی $\Delta T = 45^{\circ}C$

۱-۴. تحلیل مواد ورودی (تولید روزانه ۲۰۰ واحد)

جدول ۲. مقدار مواد ورودی به دستگاه مخلوط کن

شماره	ماده ورودی	فیصد (%)	وزن به g
۱	موم زنبور عسل	۳۰	۶,۰۰۰ گرم
۲	روغن کنجد	۲۵	۵,۰۰۰ گرم
۳	روغن بادام	۲۰	۴,۰۰۰ گرم
۴	روغن زیتون	۲۰	۴,۰۰۰ گرم
۵	رنگ‌دانه (لبلیو)	۴	۸۰۰ گرم
۶	ویتامین E	۰.۵	۱۰۰ گرم
۷	عصاره طبیعی	۰.۵	۱۰۰ گرم
	جمع ورودی‌ها	۱۰۰	۲۰,۰۰۰ گرم

احمد فرزاد عبدالههه

$$\text{ضایعات پروسه} = 20,000 \text{ kg} \times 0,01 = 0,200 \text{ kg} = 200 \text{ g}$$

$$\text{تولید خالص} = 20,000 \text{ kg} - 0,200 \text{ kg} = 19,800 \text{ kg} = 19'800 \text{ g}$$

$$\text{وزن هر واحد} = 19'800 \text{ g} \div 200 = 99,0 \text{ g}$$

$$\text{بازدهی پروسه} = 19,800 \text{ kg} \div 20,000 \text{ kg} = 0,99 = 99\%$$

۲-۴. تحلیل انرژی مصرفی (تولید روزانه ۲۰۰ واحد)

بیلاکس انرژی برای تولید روزانه ۲۰۰ واحد مرطوب‌کننده لب عمدتاً شامل انرژی لازم برای گرم کردن مخلوط (ذوب موم و یکجا کردن روغن‌ها)، انرژی برقی مخلوط‌کن و انرژی عات بسته‌بندی است. در محاسبات زیر گرمایش با $C_p = 2,1 \text{ kJ}/(\text{kg}\cdot^\circ\text{C})$ = افزایش حرارت $\Delta T = 45^\circ\text{C}$ و هدایت حرارتی $\eta = 70\%$ فرض شده است. سردسازی در حرارت اتاق در نظر گرفته شده و انرژی جداگانه‌ای برای آن محاسبه نشده است.

الف: انرژی لازم برای گرم کردن مخلوط

$$m = 20,0 \text{ kg}$$

$$C_p = 2,1 \text{ kJ}/(\text{kg}\cdot^\circ\text{C})$$

$$\Delta T = 45^\circ\text{C}$$

$$Q = m \times C_p \times \Delta T = 20,0 \times 2,1 \times 45 = 1890 \text{ kJ}$$

$$Q \text{ (kWh)} = 1890 \div 3600 = 0,525 \text{ kWh}$$

$$\eta = 70\% \text{ : با در نظر گرفتن هدایت حرارتی}$$

$$Q \text{ input} = Q \div \eta = 0,525 \div 0,70 = 0,75 \text{ kWh}$$

ب: انرژی لازم برای راه‌اندازی مخلوط‌کن

$$\text{Mixer power} = 0,5 \text{ kW}$$

$$\text{Mixing time} = 0,5 \text{ h}$$

$$E \text{ mixer} = 0,5 \times 0,5 = 0,25 \text{ kWh}$$

ج: انرژی لازم برای بسته‌بندی / پرکن

$$\text{Packing power} = 0,2 \text{ kW}$$

$$\text{Packing time} = 0,5 \text{ h}$$

$$E \text{ pack} = 0,2 \times 0,5 = 0,10 \text{ kWh}$$

۵. تحلیل کمی و اقتصادی

برای بررسی اقتصادی پروژه، هزینه تولید یک واحد مرطوب‌کننده لب در مقیاس کوچک (۱۰۰ نمونه آزمایشی) محاسبه گردید.

جدول ۳. قیمت مواد اولیه تولید برای هر عدد لب‌سیرین در سال ۱۴۰۴ ه.ش

ردیف	مورد هزینه دار	مقدار برای ۱۰۰ واحد	قیمت واحد	هزینه کل	هزینه هر واحد به افغانی
۱	موم زنبور عسل	۳kg	۶۰۰ AFN/kg	۱۸۰۰ افغانی	۱۸ افغانی
۲	روغن کنجد	۲.۵kg	۶۰۰ AFN/kg	۱۲۵۰ افغانی	۱۲.۵ افغانی
۳	روغن بادام	۲kg	۷۰۰ AFN/kg	۱۴۰۰ افغانی	۱۴ افغانی
۴	روغن زیتون	۲kg	۶۵۰ AFN/kg	۱۳۰۰ افغانی	۱۳ افغانی
۵	رنگ‌دانه گیاهی	۰.۴kg	۹۰۰ AFN/kg	۳۶۰ افغانی	۳.۶۰ افغانی
۶	ویتامین E	۵۰g	۲۰۰۰ AFN/kg	۱۰۰۰ افغانی	۱ افغانی
۷	عصاره طبیعی	۵۰g	۱۸۰۰ AFN/kg	۹۰ افغانی	۰.۹۰ افغانی
۸	(برق/گاز) انرژی	-	-	۵۰۰ افغانی	۵ افغانی
۹	بسته‌بندی تیوپ	۱۰۰ units	۱۰ AFN/unit	۱۰۰۰ افغانی	۱۰ افغانی
۱۰	کارگر	-	-	۱۵۰۰ افغانی	۱۵ افغانی
	جمع کل			۹۳۰۰ افغانی	۹۳ افغانی

قیمت متغیر هر عدد بالم لب: ۹۳ افغانی

۶. مشخصات تخنیکه ماشين آلات توليد بلم لب
جدول ۴. اطلاعات تخنیکه ماشين آلات توليد بلم لب

شماره	نام دستگاه	وظیفه در پروسس تولید	ظرفیت عاتی	جنس دستگاه	تصویر دستگاه
۱	ماشین ذوب و مخلوط کن	ذوب موم‌ها و ایجاد مخلوط یکنواخت	حدود ۳۰ لیتر در هر دسته	استیل ضدزنگ با ۳۱۶/۳۰۴ عایق حرارتی	
۲	مخزن نگه داری	نگهداری موقت مخلوط ذوب شده	حدود ۲۰ لیتر	استیل ضدزنگ با عایق حرارتی	
۳	ماشین پرکن حرارتی	پر کردن بلم لب داغ در داخل تیوپ	۱۵ الی ۲۰ تیوپ در دقیقه	نازل استیل ضدزنگ	
۴	قالب‌های شکل دهی	سردسازی و تثبیت شکل نهایی	۵۰ الی ۱۰۰ عدد در قالب	الومینیوم یا سلیکان صنعتی	
۵	دستگاه بستن سرپوش	بستن سرپوش تیوپ‌های پر شده	۱۵ الی ۲۰ عدد در هر دقیقه	پلاستیک صنعتی و استیل	
۶	دستگاه لیبل زن و تاریخ زن	درج لیبل، تاریخ تولید و انقضاء	۵۰ عدد در هر دقیقه	مواد متفاوت	

بحث

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تولید بalm لب طبیعی با استفاده از منابع بومی افغانستان از نظر تخنیکی، کیفی و اقتصادی امکان‌پذیر است. کیفیت مناسب موم زنبور عسل داخلی از نظر نقطه ذوب و خلوص، همراه با خواص تغذیه‌ای و نرم‌کنندگی روغن‌های گیاهی مورد استفاده، نقش کلیدی در دستیابی به یک ترکیب پایدار و قابل قبول ایفا نمود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات پیشین در زمینه بalm لب‌های طبیعی هم‌خوانی دارد که استفاده از موم زنبور عسل و روغن‌های گیاهی را عامل اصلی بهبود قوام، پایداری و مقبولیت محصول دانسته‌اند.

ترکیب پیشنهادی توانست بalm لبی با بافت یکنواخت، بوی طبیعی ملایم و رنگ قابل قبول تولید نماید که این ویژگی‌ها در مقایسه با بسیاری از محصولات وارداتی، مزیت محسوب می‌شود. نبود ترکیبات مصنوعی و مشتقات نفتی در ترکیب محصول می‌تواند خطر بروز حساسیت‌های پوستی را کاهش داده و سازگاری بهتری با پوست لب فراهم نماید. نتایج ارزیابی حسی نیز نشان داد که میزان رضایت مصرف‌کنندگان در سطح مطلوب قرار دارد که این امر نشان‌دهنده پذیرش بالقوه محصول در بازار داخلی است.

از دیدگاه اقتصادی، تحلیل ابتدایی هزینه‌ها بیانگر آن است که تولید داخلی بalm لب می‌تواند با هزینه کمتر نسبت به نمونه‌های وارداتی انجام شود. این موضوع علاوه بر کاهش وابستگی به واردات و جلوگیری از خروج ارز، ظرفیت ایجاد اشتغال در مقیاس‌های کوچک و متوسط، به‌ویژه برای زنان و جوانان را فراهم می‌سازد.

با وجود نتایج مثبت، این مطالعه در مقیاس لابراتواری انجام شده و آزمون‌های پایداری بلندمدت و تولید صنعتی در آن بررسی نگردیده است. بنابراین، انجام تحقیقات تکمیلی در مقیاس نیمه‌صنعتی و صنعتی، همراه با ارزیابی‌های کیفی پیشرفته و آزمایش‌های دوام محصول، برای توسعه تجارتي این محصول پیشنهاد می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، تولید بalm لب طبیعی (مرطوب کننده لب) با استفاده از موم زنبور عسل و روغن‌های گیاهی بومی افغانستان مورد بررسی قرار گرفت. ویژگی‌های حسی محصول تولیدی از جمله رنگ، بو و طعم نیز اهمیت زیادی داشتند؛ بalm لب طبیعی ارائه‌شده در این مطالعه دارای رنگ ملایم طبیعی حاصل از روغن‌ها و رنگ‌دانه‌های گیاهی لبلبو می‌باشد که خیلی زیاد جلب توجه نمی‌کند، بویی آرام

و طبیعی از موم عسل و عصاره‌های گیاهی دارد و طعمی بسیار ملایم و دلپذیر که برای مصرف‌کننده تجربه خوشایندی فراهم می‌کند، به‌ویژه در مقایسه با بسیاری از محصولات وارداتی که گاهی رایحه و طعم مصنوعی دارند.

تحلیل محصولات وارداتی نشان داد که در بازار جهانی و منطقه‌ای، برندهای مختلفی مانند Labello، ChapStick و Carmex از جمله محبوب‌ترین بalm لب‌ها هستند. برای مثال، Labello که توسط Beiersdorf AG آلمان تولید می‌شود، در سطح جهانی به‌عنوان یک محصول مرطوب‌کننده لب شناخته شده و با عملکردهای درمانی و محافظتی عرضه می‌شود، در حالی که ChapStick نیز به‌عنوان یک برند کلاسیک با انواع مختلفی از فورمول‌ها در بازارهای بین‌المللی حضور دارد. مواد تشکیل‌دهنده بسیاری از این محصولات شامل ترکیباتی مانند پارافین، لانولین و اسانس‌های مصنوعی بوده که با وجود اثربخشی در مرطوب‌کنندگی، ممکن است برای لب‌های حساس مناسب نباشند و حتی باعث تحریکاتی شوند که نیاز به تجدید مکرر مصرف را افزایش می‌دهد.

در بررسی مقایسه‌ای با بalm لب طبیعی، تفاوت‌های آشکاری مشاهده می‌شود. بalm لب‌های وارداتی معمولاً از ترکیبات مصنوعی یا مشتقاتی با پایه نفتی استفاده می‌کنند که می‌تواند در برخی شرایط به افزایش حساسیت یا خشکی مکرر منجر گردد، در حالی که فورمول طبیعی ارائه‌شده در این تحقیق بر پایه موم زنبور عسل، روغن‌های گیاهی (کنجد، بادام، زیتون) و عصاره‌های طبیعی است که علاوه بر اثربخشی در مرطوب‌کنندگی و تسکین لب‌ها، با پوست سازگارتر بوده و احتمال واکنش‌های حساسیت‌زا را کاهش می‌دهد.

مزیت دیگر بalm لب طبیعی پیشنهادی این است که علاوه بر فواید سلامت‌بخش و طبیعی بودن ترکیبات، ظرفیت اقتصادی بالایی برای تولید داخلی دارد. این محصول نه تنها از خروج ارز جلوگیری می‌کند، بلکه می‌تواند باعث ایجاد اشتغال، تقویت زنجیره تأمین مواد اولیه بومی و توسعه صنعت کاسمتیک طبیعی در کشور گردد. از نظر اقتصادی، هزینه تولید هر واحد در مقایسه با قیمت انواع وارداتی در بازار داخلی مقرون‌به‌صرفه‌تر بوده و با بهینه‌سازی تولید می‌تواند سهم بازار را افزایش دهد. در مجموع، تولید بalm لب طبیعی داخلی با استفاده از منابع بومی نه تنها از منظر علمی و تخنیکی امکان‌پذیر است، بلکه از دیدگاه اقتصادی و سلامت مصرف‌کننده نیز مزیت‌هایی قابل توجه نسبت به محصولات وارداتی دارد. این نوع تولید می‌تواند یک گزینه سالم‌تر، باکیفیت‌تر و سازگار با محیط‌زیست برای مصرف‌کنندگان و یک فرصت اقتصادی پایدار برای صنعت داخلی فراهم آورد.

احمد فرزاد عبدالهی

پیشنهادات

به دولت:

- معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران این بخش در پنج سال اول.

به سکتور خصوصی:

- سرمایه‌گذاری در طراحی بسته‌بندی جذاب و عقد قرارداد با زنبورداران و برای تأمین پایدار مواد

خام.

به محققان آینده:

- بررسی فورمول‌های متنوع با رنگ‌دانه‌های جدید و طبیعی و ارزیابی مدت نگهداری بیشتر.

منابع

- Alessandrea, R., & Michelli, F. (2013). *Stability evaluation of organic lip balm*. International Journal of Pharma and Bio Science.
- Ikeda, T. (1992). *Recent trends of research and development of lipsticks: Development of emulsion-stick based on the physiology of lips*. Fragrance Journal.
- Kadu, M., Vishwasrao, S., & Singh, S. (2014). *Review of natural lip balm*. Journal of Pharmaceutical Research.
- Kumar, A., Verma, N., & Joshi, R. (2024). *A research on the formulation and evaluation of herbal lip balm*. International Journal of Pharmaceutical Research and Applications.
- Mishra, I., Sharma, R., & Patel, K. (2025). *Formulation and evaluation of a polyherbal lip balm*. Journal of Clinical Case Reports, Medical Images and Health Sciences.
- Patel, D., Shah, M., & Rao, S. (2024). *Comparative evaluation of herbal lip balms formulated using natural sources versus standard market formulations*. International Journal of Drug Development & Technology.
- Rahman, N., Ali, F., & Hussain, M. (2024). *Formulation of herbal lip balm using natural ingredients such as rose oil and vitamin E*. World Journal of Pharmaceutical and Life Sciences.
- Sankpal, R. M., Kadam, S. R., Aswale, N. S., & Navale, S. S. (2022). *Natural lip balm*. International Journal of Advanced Research in Science, Communication and Technology.
- Singh, R., Kaur, P., & Mehta, S. (2024). *Formulation and evaluation of organic lip balm*. International Journal of Research and Reviews.
- Swathi, J., & Venkatesh, D. N. (2023). *A review on the Cosmetics Rule 2020 and ISO 22716*. Biomedical Journal of Science & Technology Research.
- Yusof, A. T. A. B., Ajit, A. B., Sulaiman, A. Z., & Thaila, A. (2025). *Production of lip balm from stingless bee honey: Physicochemical properties, stability, and acceptability*. Journal of Cosmetic and Pharmaceutical Research.

- International Organization for Standardization. (2007). *ISO 22716: Cosmetics—Good manufacturing practices (GMP): Guidelines on production, control, storage and shipment of cosmetic products*.
- U.S. Food and Drug Administration. (2013). *Guidance for industry: Cosmetic good manufacturing practices (GMPs)*.

بخش علوم اجتماعی

سال نهم، شماره چهارم: زمستان ۱۴۰۴ ه. ش

روند رشد اقتصاد سبز و توسعه پایدار در جهان: بررسی مقدراری کُتب‌سنجی و متون علمی

پوهنمل محمدبلال تائب^{۱*}، پوهندوی دکتور ضیاءالدین رحیمی^۲، پوهنیار حجت الله امین‌زی^۳

۱. دیپارتمنت امور مالی و بانکی، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون البیرونی

۲. دیپارتمنت امور مالی و بانکی، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون پروان

* نویسنده مسئول- ایمیل: m.bilaltayeb@gmail.com

چیکده

تحقیق حاضر به منظور بررسی نظام مند روند رشد اقتصاد سبز و توسعه پایدار در جهان با استفاده از تحلیل مقدراری کُتب‌سنجی و متون علمی و داده‌های پایگاه اوپن‌الکس در طول سال‌های (۲۰۰۰ الی ۲۰۲۴) میلادی انجام شده است. به تعداد ۱۸۷ مقاله از اوپن‌الکس در پیریود زمانی تعیین شده مشخص و جهت تحلیل روند رشد اقتصاد سبز و توسعه پایدار توسط نرم افزار Gephi جهت تحلیل کُتب‌سنجی مورد استفاده قرار گرفته است؛ اقتصاد سبز به عنوان رویکردی نوین برای تحقق توسعه پایدار، تحول بنیادین در تولید، مصرف و حکمرانی اقتصادی ایجاد می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این حوزه، میان‌رشته‌ای بوده و تمرکز عمده‌ی بر تکنولوژی، تولید و سرمایه‌گذاری سبز دارد. در میان مقالات نشر شده امریکا اولین کشوری است که با مجموع ۲۳ مقاله ۲۱۹ استناد مستقیم و ۳ ارتباط علمی با دیگر کشورها و مقالات ایجاد نموده است؛ هم‌چنین در رده دوم کشور هند است که بیست مقاله علمی ۱۸۵ استناد مستقیم بدون ایجاد ارتباط علمی با دیگر کشورها روی دست گرفته است. انگلستان با ۱۷ مقاله و ۱۳۹ استناد مستقیم توانسته تنها دو ارتباط علمی با دیگر کشورهای برقرار نماید. در تحقیق حاضر ایتالیا را با نشر ۵ مقاله و ۲۳۵ استناد به‌عنوان بزرگ‌ترین مشارکت‌کننده از آدرس استنادات در تحقیقات اقتصاد سبز و توسعه پایدار در رده اول، ایالات متحده در رده دوم و هند در رده سوم معرفی می‌کند. مدل رگرسیون خطی با در نظر داشت تخمین‌زن آن جهت ارایه پاسخ به سؤالات تحقیق نشان داد که انتشار مقالات در این زمینه سالانه به‌طور میانگین ۰.۳۰۹٪ رشد داشته است. آمریکا، هند و انگلستان پیش‌تاز تولید علمی‌اند و ژورنال‌هایی مانند IJGE و SSRN بیش‌ترین انتشار را دارند. چهار عامل کلیدی در این حوزه شامل سیاست‌گذاری اقتصادی، تغییرات اقلیمی، اقتصاد دیجیتال و نوآوری‌ها هستند. در نهایت، افزایش مداوم توجه جهانی به اقتصاد سبز و پیوند آن با توسعه پایدار، نشان‌گر اهمیت استراتژیک آن برای آینده جوامع انسانی است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد سبز، توسعه پایدار، تولید، سرمایه‌گذاری و محیط زیست

The Growth Trend of Green Economy and Sustainable Development Worldwide: A Quantitative Bibliometric and Scientific Literature Review

Senior Teaching Assistant Mohammad Bilal Tayeb^{1*}, Assistant Professor Dr. Ziauddin Rahimi², Teaching Assistant Zujatullah Aminzai³

1.3. Department of Banking and Finance Affairs, Economics Faculty, Alberoni University

2. Department of Banking and Finance Affairs, Economics Faculty, Parwan University

* Corresponding Author Email: m.bilaltayeb@gmail.com

Abstract

This study was conducted to systematically examine the global growth trends of the green economy and sustainable development using quantitative bibliometric analysis, scientific literature, and data obtained from the OpenAlex database during the period 2000 to 2024. A total of 187 articles from OpenAlex were identified within the specified timeframe and analyzed using Gephi software for bibliometric evaluation. The green economy, as an emerging approach to achieving sustainable development, introduces a fundamental transformation in production, consumption, and economic governance. The findings reveal that this field is interdisciplinary in nature, with a primary focus on green technology, green production, and green investment. Among the published articles, the United States ranks first, contributing 23 publications, 219 direct citations, and establishing 3 scientific collaborations with other countries. India ranks second with 20 articles and 185 direct citations, but no international collaborations. The United Kingdom, with 17 articles and 139 citations, has established only two international research links. In terms of citation-based contribution, Italy holds the top position with 9 articles and 235 citations, followed by the United States and India. Based on the results of a linear regression model, the average annual growth rate in the publication of articles in this field was estimated at approximately 0.309%. The United States, India, and the United Kingdom are leading contributors in this area, with journals such as IJGE and SSRN having the highest publication output. Four key influencing factors in this domain include economic policymaking, climate change, digital economy, and innovation. Ultimately, the sustained and growing global interest in the green economy and its interconnection with sustainable development underscores its strategic significance for the future of human societies.

Keywords: Green Economy, Sustainable Development, Production, Investment, Ecological Environment

مقدمه

اقتصاد سبز و توسعه پایدار یکی از موضوعات مهم و حیاتی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. اقتصاد سبز به‌عنوان یک مکانیسم عمل می‌کند که بهبود و توسعه جهت رفاه اقتصادی و کاهش خطرات زیست‌محیطی را به همراه دارد. از منظر منافع زیست‌محیطی، اقتصاد سبز با کاهش آلودگی به بهبود شرایط اقلیمی کمک می‌کند. هم‌چنین، نقش قابل توجه در ایجاد فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری دارد و از طریق تأمین منابع مادی و انسانی به از بین بردن فقر و محرومیت کمک می‌کند و در نتیجه منابع موجود را به‌گونه‌ی استفاده می‌کند که به نسل‌های آینده خدمت کرده و آینده آن‌ها را تضمین کند.

اقتصاد سبز یک استراتژی بلندمدت برای اقتصاد است که به‌منظور غلبه بر بحران‌ها و دستیابی به بهبود اقتصادی طراحی شده و در پی فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی مناسب برای همه افراد جامعه است. تحقق اقتصاد سبز نیازمند نیروی کاری مؤلد می‌باشد. یکی از اهداف اصلی اقتصاد سبز، اصلاح سیاست‌ها و مقررات است که ممکن است مانع از دستیابی به اقتصاد سبز شوند یا تحقق آن را تسهیل کنند. از جانب دیگر توسعه پایدار از منظر اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، به‌ویژه در شرایط و بحران‌های اجتماعی-اقتصادی و اقتصادی به مفاهیم اقتصادی آن و توسعه اقتصادی بیش‌تر توجه صورت می‌گیرد (Buse & Hawkes, ۲۰۱۵). بنأ توسعه پایدار یک استراتژی توسعه اقتصادی است که، از نظر اجتماعی مطلوب، از نظر اقتصادی ع و از نظر زیست‌محیطی قابل قبول باشد. با در نظر داشت این امر ماهیت توسعه پایدار، توافق برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در هماهنگی با اهداف اقتصاد سبز است (Landi, Iandolo, Renzi, & Rey, ۲۰۲۲).

توسعه پایدار به‌عنوان مدیریت و شکل‌دهی منابع محیط زیستی طبیعی و سازمان‌دهی زندگی اجتماعی به‌گونه‌ی که به بهبود آن منتج گردد، کیفیت بالای زندگی و استفاده صحیح از منابع طبیعی را حفظ کرده و توسعه فرایندهای تولیدی جدید را تضمین نماید، تعریف می‌شود (Rabie, ۲۰۱۶). توسعه زمانی پایدار تلقی می‌گردد که به‌عنوان یک حرکت مستمر به‌سوی بهترین نتیجه اقتصادی ممکن منتهی گردد و به اهداف محیط زیست و توسعه اجتماعی نیز در آن تحقق یابد (Dubravská, ۲۰۲۰) Marchevská, Vašaničová, & Kotulič. بدین ترتیب، توسعه پایدار توسعه اقتصادی و اجتماعی است که شامل فرایند ادغام اقدامات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با احترام به تعادل طبیعت و پایداری فرآیندهای طبیعی اساسی می‌شود، است. در نتیجه این اقدامات رفع نیازهای بنیادی

نسل‌های آینده علاوه فعلی تضمین نماید. هم‌چنین توسعه پایدار باید به‌عنوان یک فرایند اقتصادی- اجتماعی با ثبات و مستقر که سازگار با تغییرات و نوآوری‌ها باشد، شناخته می‌شود (Kemp, Parto, & R. B, ۲۰۰۵). برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) اقتصاد سبز را به‌عنوان مکانیزم تعریف می‌کند که به بهبود رفاه انسانی منجر شده و در عین حال خطرات محیط‌زیستی و کمبود منابع ایکولوژیکی را به‌طور قابل توجه کاهش می‌دهد. به بیان ساده، اقتصاد سبز حوزه‌ای از علوم اقتصادی است که بر کاهش انتشار کاربن و تأمین منابع برای همه گروه‌های اجتماعی به‌صورت کارآمد تمرکز دارد. هدف آن کاهش آلودگی و انتشار کاربن از طریق افزایش بهره‌وری در مصرف منابع و انرژی است. اقتصاد سبز هم‌چنین به رشد درآمد و فرصت‌های شغلی توجه دارد که باید با سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی هدایت شوند. این سرمایه‌گذاری‌ها نیازمند حمایت هزینه‌های عمومی هدف‌مند، اصلاح سیاست‌ها و تغییر مقررات هستند و مسیر توسعه باید سرمایه‌ی طبیعی را حفظ کرده و بهبود بخشد. در واقع، ساختار اقتصاد سبز در گرو نیازهای جوامع بشری و رفع آن قرار دارد، چرا که سرمایه طبیعی منبع از منافع عمومی، به‌ویژه برای فقرا است که امنیت و معیشت آن‌ها بیش از همه با طبیعت وابسته است (Nations, ۲۰۱۱).

بنابراین، مطالعه اقتصاد سبز و توسعه پایدار یکی از موضوعات مهم است که به دلیل اهمیت آن در توسعه و رشد جامعه در تمام ابعاد خود، مورد توجه محققان و دانشمندان قرار گرفته است. اقتصاد سبز به‌عنوان هسته‌ی اصلی توسعه پایدار و ستون اساسی رشد، توسعه و شگوفایی شناخته می‌شود. این اقتصاد به‌ویژه در زمینه توسعه اقتصادی، یک الگوی زنده و آینده‌آل از توسعه پایدار محسوب می‌شود که همه جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مفهوم اقتصاد سبز در سال‌های اخیر به دلیل اهمیت آن در کاهش فقر و محرومیت، افزایش سطح زندگی جمعیت و تضمین رفاه آن‌ها مطرح شده است (Hassan Al-Taai, ۲۰۲۱).

نقش توسعه پایدار تنها از طریق اجرای برنامه اقتصاد سبز و فراهم کردن محیط زیست سالم تعیین می‌شود. این امر تنها با جایگزین ابزارهای اقتصادی مضر برای زندگی افراد با ابزارهای سالم‌تر امکان‌پذیر است؛ مانند تولید انرژی حرارتی از منابع سالم به‌جای منابع سوخت، زیرا منابع سوخت منجر به آلودگی محیط زیست می‌شوند و به تمام اشکال به زندگی آسیب می‌رسانند.

با در نظر گرفتن عوامل فوق‌الذکر، هدف این مقاله انجام یک تحلیل جامع کمی از متون علمی موجود در خصوص توسعه پایدار و اقتصاد سبز است. این مقاله به دنبال کشف مهم‌ترین موضوعات

پوهنمل محمد بلال تائب

در حوزه‌ی روند اقتصاد سبز و توسعه پایدار، روابط متقابل آن‌ها و نحوه تکامل آن‌ها در طول زمان است. بناءً هدف این مقاله ارائه پاسخ به سؤالات زیر است:

✓ در دیتابیس داده‌های اوپن الکس، روند تاریخی محصولات علمی و تعداد تحقیقات در زمینه توسعه پایدار و اقتصاد سبز در جهان چگونه است؟

✓ روند تولید علمی محققان توسعه پایدار و اقتصاد سبز از نظر موضوعات/حوزه‌ها چگونه است؟

✓ فکتورهای تأثیرگذار کلیدی در ادبیات توسعه پایدار و اقتصاد سبز کدام‌هااند؟

این مقاله با ارائه خلاصه‌ی از چارچوب مفهومی و ادبیات دریافت شده از یافته‌های اخیر در ژورنال‌ها آغاز شده است تا تصویری وسیع‌تر از تحقیقات که در این زمینه انجام شده، ارائه دهد. در بخش بعدی (دوم) مقاله به پیشینه تحقیق و در بخش سوم بر روش تحقیق و در اخیر هم به یافته‌ها و استنتاج منطقی پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

توسعه پایدار به معنای بهره‌برداری بهینه از منابع مادی و انسانی، حمایت و به‌کارگیری آن‌ها به گونه‌ی است که نیاز و حقوق همه افراد جامعه در حال و آینده تضمین نماید. این مفهوم شامل منابع بشری و منابع طبیعی می‌شود و تأکید دارد که انسان باید منابع طبیعی را به گونه‌ی بهره‌برداری کند که به‌طور کامل مصرف نشود، بلکه حقوق نسل‌های آینده حفظ و توزیع عادلانه ثروت تضمین نماید.

مفهوم اقتصاد سبز در سال‌های اخیر مطرح شده است و آیده آن در چارچوب توسعه پایدار و کاهش فقر مورد بحث قرار گرفته است. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد اقتصاد سبز را به‌عنوان مدل تعریف می‌کند که با بهبود کیفیت زندگی انسان همراه بوده و خطرات زیست‌محیطی را کاهش دهد. این اقتصاد دارای درصد پایین از انتشار گاز کاربن بوده و منابع را به‌طور کارآمد استفاده می‌کند. مأموریت اصلی اقتصاد سبز کاهش انتشار کاربن و آلودگی، افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع و انرژی و جلوگیری از نابودی تنوع زیستی است. تحقق این اهداف تنها از طریق اصلاح سیاست‌های اقتصادی و قوانین حاکم در حوزه اقتصاد در اکثریت کشورهای جهان امکان‌پذیر خواهد بود (A, ۲۰۱۴).

اقتصاد سبز نیازمند نگرش نوین به تشبثات، سطح جدید از مهارت‌ها برای کارکنان و متخصصان است که توانایی کار در میان بخش‌های مختلف را داشته باشند و به‌عنوان بخش از تیم‌های چندرشته‌ی

فعالیت کنند. رسیدن به اهداف اقتصاد سبز مستلزم آماده‌سازی نیروی انسانی از طریق آموزش‌های رسمی و تخصصی است، که بسته‌های آموزشی حرفه‌ای باید با تأکید بر سبزشازی بخش‌های مختلف توسعه یابد. علاوه بر این، نظام آموزشی نیز باید با در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی در رشته‌های مختلف یک‌پارچه شود (H, ۲۰۱۲). اقتصاد سبز به منظور توسعه پایدار روی کاهش خطرات محیط‌زیست و کمبود منابع تمرکز دارد، که این روی‌کرد به سطوح پایین انتشار گاز کاربن، استفاده اقتصادی از منابع منجر می‌شود. در این زمینه، اقتصاد سبز می‌تواند از بهترین جایگزین مانند بهره‌برداری از انرژی بادی استفاده نماید. تخمین‌ها بیان‌گر آن است که انرژی بادی قادر است ۴۷٪ نیازمندی برق، ۲۵٪ نیازهای گرمایشی و ۲۲٪ نیازمندی حمل‌ونقل را تأمین کند. انرژی خورشیدی تا پایان سال ۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۹ به گونه‌ی صعودی که برابر با ۶۶٪ است رشد داشته است. ظرفیت فتوولتائیک^۱ در سال ۲۰۱۰ در سطح جهان به ۳۵۰۰۰ میگاوات می‌رسید که این ظرفیت معادل با ۳۵ راکتور ظرفیت هسته‌ای است که با هزینه اندک و در زمان محدود حاصل شده است. بناءً اقتصاد سبز استفاده بهینه، متمرکز و کارا از منابع با حفظ محیط‌زیست و فعال‌سازی انرژی را حمایت نموده که مستلزم حفظ و مدیریت پایدار آنها است (S, ۲۰۱۴). اقتصاد سبز منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و عدالت اجتماعی در بخش‌های مختلف می‌شود. بیش‌تر مطالعات نشان می‌دهند که این اقتصاد می‌تواند مفاد بین ۰,۵ تا ۲ درصد به همراه داشته باشد که به معنای ایجاد ۱۵ تا ۶۰ میلیون شغل اضافی در سراسر جهان است. میتودهای دیگر رشد اقتصاد سبز را می‌توان از طریق ایجاد موج جدید از سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد واقعی محقق کرد؛ جای که کشورهای در حال توسعه دارای پتانسیل‌های متقابل در این زمینه هستند. به‌گونه‌ی مثال، جهت کاهش هزینه‌ها و به‌کارگیری بقایای منابع استفاده شده در جریان سال به‌طوری اوسط سرمایه‌گذاری‌های تخمین شده بین‌المللی حدود ۲۳۰ میلیارد دلار تخصیص می‌دهد که، منتهی به ایجاد هشت میلیون شغل تمام‌وقت در کشورهای در حال توسعه می‌شود (S, ۲۰۱۴). اقتصاد سبز، مشابه اقتصاد عمومی در دو سطح تعریف می‌شود که شامل اقتصاد سبز جز (خرد) و کل (کلان) می‌باشد. اقتصاد سبز جز عمل‌کرد اقتصادی یک نهاد را بررسی و به تحلیل رابطه آن با محیط طبیعی، توسعه کیفی محیط و تأثیر سیاست‌های زیست‌محیطی بر نهاد می‌پردازد و عمده‌ترین وظایف آن قرار ذیل است:

✓ مطالعه و تحلیل عمل‌کرد نهاد و تأثیرات حفاظت از محیط زیست بر نهاد و کسب منفعت؛

¹ Photovoltaic: means producing electricity under the influence of light or radiation.

پوهنمل محمد بلال تائب

- ✓ ارائه مشاوره به نهاد و همسو ساختن آن با اهداف حفاظت از محیط زیست؛
- ✓ تولید مطابق با الزامات قوانین و مقررات زیست محیطی؛
- ✓ مطالعه سرمایه‌گذاری‌های زیست محیطی که ریسک‌های زیست محیطی را کاهش می‌دهند؛
- ✓ ارائه اطلاعات در مورد هزینه‌های حفاظت از محیط زیست، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تأثیر حفاظت از محیط زیست بر حسب سود و زیان، و تحلیل امکان‌سنجی زیست محیطی پروژه‌ها؛
- ✓ ارائه نظریات، تحلیل مشکلات و مطالعه چشم‌اندازهای آینده برخی از شاخه‌های اقتصاد داخلی در پرتو تحولات زیست محیطی، مانند مؤسسات خدماتی، حمل‌ونقل، حفاظت از محیط‌زیست، صنایع تجاری و بیمه‌ی (Mohammad, ۲۰۲۱).

شاخه دوم آن اقتصاد سبز کل است که به مشکلات زیست محیطی و کاهش آن در سطح کل یا کشور پرداخته و هدف آن رسیدن به سطوح بالاتر رفاه اقتصادی پایدار است. این بخش از اقتصاد هم‌چنین حفظ کیفیت محیط‌زیست در سطوح بالاتر را مدنظر قرار داده و با ارزیابی مادی و مالی آسیب‌های زیست محیطی، ارزیابی بهبود زیست محیطی ناشی از سیاست‌های زیست محیطی در بخش‌های عمومی و خصوصی مطالعه می‌نماید؛ هم‌چنین روابط موجود بین محیط‌زیست و اهداف کلان اقتصادی را شناسایی و مطالعه می‌کند و روابط بین سیاست‌های اقتصادی از یک سو و سیاست‌های زیست محیطی از سوی دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد (Mohammad, ۲۰۲۱). مهم‌ترین وظایف اقتصاد سبز کل به‌گونه‌ی ذیل است:

- ✓ شناسایی آسیب‌های زیست محیطی و اقدامات حفاظت از محیط‌زیست و نتایج آن؛
- ✓ توسعه ابزارهای سیاست‌گذاری زیست محیطی در سطح کشور و تعیین این‌که تا چه اندازه می‌توانند مشکلات موجود را حل کنند؛
- ✓ تأثیر حفاظت از محیط‌زیست و ابزارهای آن بر اهداف کلان اقتصادی، به‌ویژه بر رشد اقتصادی و سطح اشتغال؛
- ✓ تأثیر حفاظت از محیط‌زیست و ابزارهای آن بر سایر اهداف اقتصاد کل؛ به‌گونه‌ی مثال، سیاست‌های زیست محیطی بر سیاست حمل‌ونقل، سیاست انرژی، منابع تجارتي و سیاسی و ... تأثیر می‌گذارد.

تحقیق که توسط اپریانورو و دیگران در سال ۲۰۲۴ جهت تشخیص پایداری و اقتصاد سبز انجام و با استفاده از بررسی ۸۵۹ مقاله دریافت که، نرخ رشد سالانه این حوزه (اقتصاد سبز و پایداری) برابر

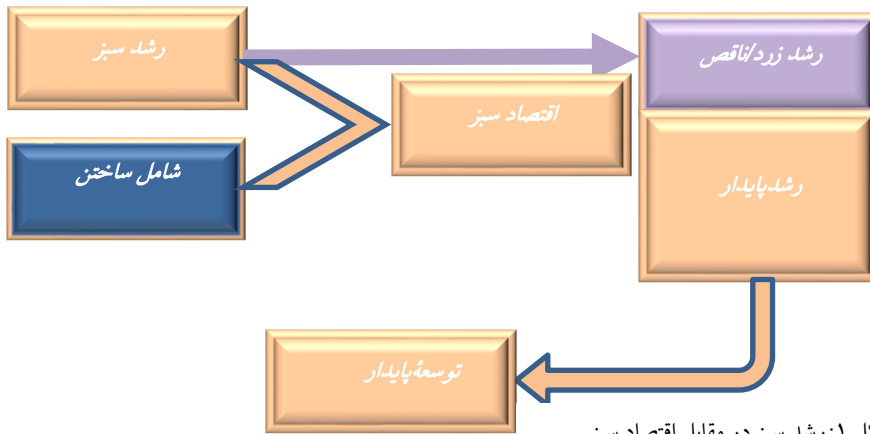
پوهنمل محمد بلال تائب

با ۱۷,۹۸ درصد بوده و بیشترین تعداد انتشارات در حوزه علوم محیطزیست در سال ۲۰۲۲ نشر گردیده است. کشور چین بیشترین میزان تولید علمی را در این حوزه داشته و آکادمی علوم چین بیشترین تعداد انتشارات مرتبط را ارائه کرده است (Apriantoro, Widyastuti, Ashfahany, & Alfikri Murtacla, ۲۰۲۴).

در تحقیق که توسط شریکاراچاریا^۲ و سیکاریا^۳ در سال ۲۰۱۰ انجام یافته دریافت که، چشم انداز اقتصاد سبز در راستای دستیابی به توسعه پایدار اولاً در گرو برنامه ریزی فضایی که شامل برنامه های هماهنگ استفاده از زمین و مواردی ایجاد دسته بندی برای زمین های تخریب شده، گسترش جنگل های اجتماعی و اجرای حفاظت از حوضه های آبریز را شامل می سازد. ثانیاً، در گرو حفاظت از جنگل، ثلاثاً در گرو توجه به معدنیات، اربعاً در گرو توجه به کشاورزی و در نهایت صرفه جویی در انرژی بوده، که این عوامل برای توسعه پایدار با در نظر گرفته اقتصاد سبز الزامی دانسته است. جهت رسیدن به توسعه پایدار توسعه سبز بسیار اهم است چون، توسعه سبز آینده "سبزسازی" اقتصاد موجود را گسترش می دهد و با تمرکز ویژه بر ستون سوم توسعه پایدار، یعنی توسعه اجتماعی، به عنوان یک رویکرد جامع تر شناخته می شود. توسعه سبز تلاش می کند شرایط متفاوت کشورهای صنعتی، نوظهور و در حال توسعه را مورد توجه قرار داده و به عدالت در این زمینه دست یابد. اما رویکرد توسعه پایدار در اقتصاد سبز، دیدگاه متفاوت از این مفهوم را مطرح می کند و شرایط مختلف کشورهای صنعتی، نوظهور و در حال توسعه را در نظر می گیرد. با توجه به سطح پایین توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، ایده "حق توسعه" توجه بیشتر را به کمبود ظرفیت این کشورها برای کاهش آسیب پذیری اقتصادی، شدت مصرف مواد و انرژی جلب را می کند (Shreekaracharya & Sequeira, ۲۰۱۰).

² Shreekaracharya.P

³ Aloysius Henry Sequeira



شکل ۱: رشد سبز در مقابل اقتصاد سبز

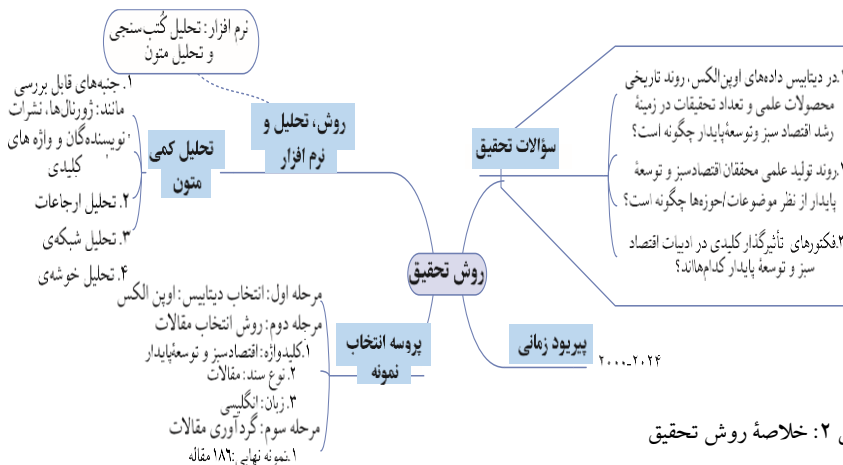
شکل ۱ نشان می‌دهد که رشد سبز بر توسعه فعالیت‌های اقتصادی مشروط بر این تأکید دارد که اثرات زیست‌محیطی کاهش یابد و منابع طبیعی به صورت پایدار مدیریت شوند؛ تا به رشد اقتصادی پایدار با کاهش تخریب محیط زیست، تقویت تکنالوژی جدید و پاک و انرژی‌های تجدید پذیر و عدالت اجتماعی منجر گردد. رشد سبز به عنوان هدف نه بلکه، به عنوان جزء از شبکه وسیع و گسترده‌ی اقتصاد سبز در نظر گرفته می‌شود. در صورت که تنها رشد سبز به عنوان هدف و به گونه‌ی انحصاری مورد توجه قرار گیرد در آن صورت به رشد زرد منجر می‌شود؛ چرا که، در آن صورت رشد اقتصادی به صورت ظاهری سبز به نظر می‌رسد اما به دلیل نادیده گرفتن برخی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پایدار مانند کاهش فقر، تأمین عدالت اجتماعی و عدم شامل ساختن اجتماع هم‌چون ناقص و زرد باقی می‌ماند (Oginni, ۲۰۱۶). هم‌چنین در رشد زرد از فناوری‌های سبز استفاده می‌شود، اما بدون در نظر گرفتن عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری، سیاست‌ها و اصلاحات اقتصادی (مانند حذف مالیات بر سوخت‌های فسیلی یا مالیات بر انتشار کاربن) ممکن است بدون ایجاد مکانیزم‌های حمایتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر انجام شوند و در نهایت منجر به تشدید نابرابری‌ها یا ایجاد فشار بر اقشار فقیر می‌شود. بنابر شکل ۱ بیان می‌دارد که رشد سبز با شامل ساختن اجتماع و تأمین عدالت اجتماعی به اقتصاد سبز که نتیجه آن رشد فراگیر و پایدار که به توسعه پایدار منتهی می‌گردد، می‌باشد (Barbier, ۲۰۱۱). بنا بر این مسیر توسعه پایدار باید منابع طبیعی که از عموم مردم و جامعه به‌شمار می‌رود، حفظ،

پوهنمل محمد بلال تائب

تقویت و در موارد ضروری بازسازی کند. این امر به‌ویژه برای فقیرترین افراد جامعه اهمیت دارد که معیشت و معیارهای زنده‌گی آن‌ها به‌شدت به طبیعت وابسته است، به‌خصوص در افغانستان.

روش تحقیق

در این مقاله از روش تحقیق کمی با استفاده از رویکرد تحلیل مقداری متون علمی جهت استنتاج علمی استفاده شده است. این رویکرد به‌عنوان ابزاری مؤثر برای انجام تحلیل کمی و به‌دست آوردن درک عمیق‌تر از ادبیات علمی، شناخته شده است. از آن‌جا که مقالات سایت اوپن‌الکس از اعتبار بیشتری برخوردار هستند، از آن به‌عنوان منبع برای تحلیل مقالات متمرکز بر اقتصاد سبز و توسعه پایدار، رشد و روند آن در جهان استفاده خواهد شد؛ جهت ارائه پاسخ به سؤالات تحقیق در این تحلیل مقداری متون علمی از مقالات منتشر شده پیرود زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۴ استفاده شده است. تمام مقالات نشر شده د ژورنال‌های معتبر اوپن‌الکس نخست توسط فورمت CSV^۴ تهیه و ثانیاً کلمات کلیدی، ارجاعات و دیگر موارد مهم آن به تحلیل گرفته می‌شود. به تعداد ۱۸۷ مقاله از اوپن‌الکس در پیرود زمانی تعیین شده مشخص و جهت تحلیل روند رشد اقتصاد سبز و توسعه پایدار مورد استفاده قرار می‌گیرند. جهت رشد اقتصاد سبز و توسعه پایدار در سراسرجهان در این تحقیق به کمک نرم افزار تحلیل کتاب‌سنجی و متون علمی و EXCEL سال‌های نشر مقالات، واژه‌های کلیدی و روبرط آن، ارجاعات، ارتباط محققان با کشورهای مربوطه و نویسندگان همکار مورد تحلیل قرار گرفته است. خلاصه روش تحقیق در شکل شماره ۲ ارائه گردیده است:



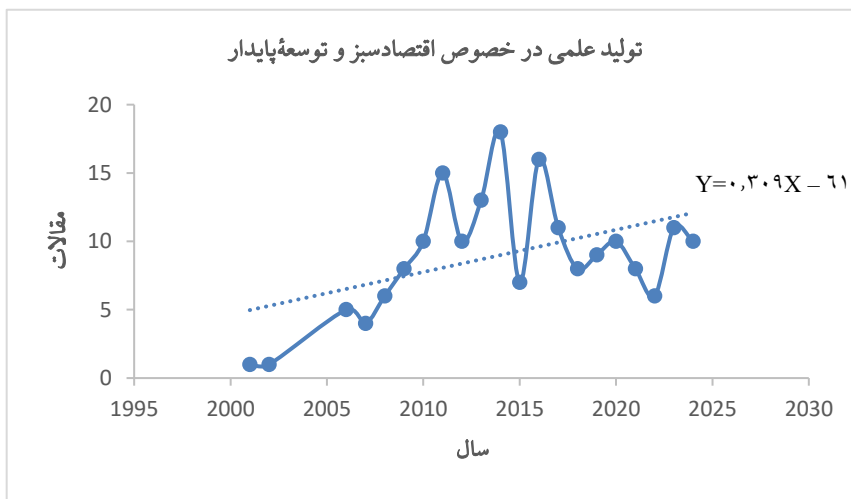
شکل ۲: خلاصه روش تحقیق

⁴ Comma Separated Values

یافته‌های تحقیق

بررسی روند انتشار مقالات در زمان تعیین شده

گراف (۱) روند انتشار ۱۸۷ مقاله معتبر در زمینه اقتصاد سبز و توسعه پایدار از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ را نشان می‌دهد. در سال‌های ابتدایی (۲۰۰۰-۲۰۰۶)، انتشار مقالات بسیار محدود و حتی در برخی سال‌ها صفر بود. از ۲۰۰۶ به بعد، رشد تدریجی آغاز و در سال ۲۰۰۸ علاقه به این حوزه افزایش یافت. از ۲۰۱۰، تعداد مقالات رشد چشم‌گیری داشت و در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ به اوج رسید. این روند بیانگر تحول اساسی پس از ۲۰۰۶ و افزایش توجه علمی و سرمایه‌گذاری در این حوزه است که تا ۲۰۲۴ نیز ادامه یافته است. در گراف (۱) میلان و تخمین برای نشر مقالات در این حوزه ذریعه مدل رگرسیونی $(Y=0,309X - 613,87)$ بوده قابل برآورد است؛ از این‌جا که در مدل رگرسیونی $\beta = 0,309$ معنی می‌دهد که در جریان هر سال نسبت به سال قبل به‌گونه‌ی اوسط نشر مقالات به اندازه ۰,۳۰۹٪ افزایش می‌یابد و تخمین می‌گردد سال‌های آینده نسبت به سال قبلی نشر مقالات و توجه محققین به این حوزه بیش‌تر است.



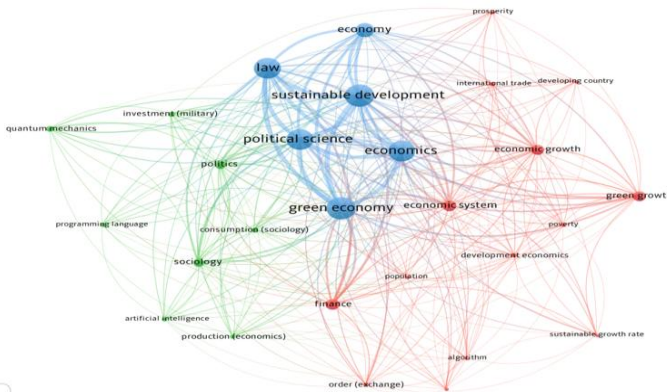
گراف ۱: میلان نشر مقالات در اقتصادسبز و توسعه پایدار

تحلیل مفاهیم اساسی در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار

جهت مطالعه همبستگی بین مفاهیم کلیدی در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار از تحلیل شبکه‌ی استفاده صورت گرفته است. تحلیل شبکه‌ی ارتباطات میان مفاهیم به صورت خطوط ارایه می‌نماید، که

پوهنمل محمد بلال تائب

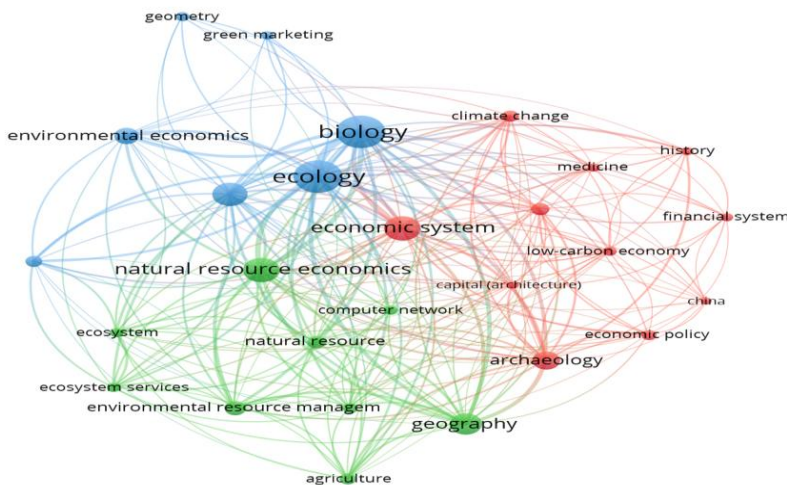
با کاربن اندک در استراتژی‌های کلان اقتصادی کشور مطرح گردد. که شکل شماره ۴ این بحث شرح نموده است.



شکل ۴: روابط مرتبط با سیاست‌گذاری اقتصادی برای توسعه پایدار

کلاستر دوم: زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی در اقتصاد سبز و توسعه پایدار

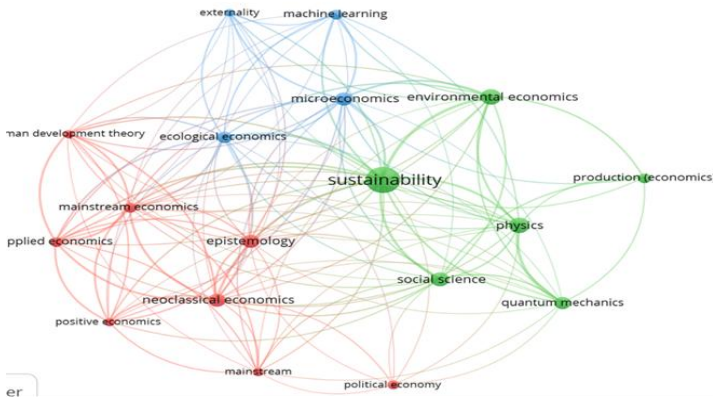
این خوشه به نقش محیط زیست در توسعه پایدار و سیاست‌های کاهش تغییرات اقلیمی می‌پردازد و شرح می‌دهد که جهت توسعه پایدار و اقتصاد سبز ضرور است تا مدل‌های توسعه پایدار سازگار با محیط زیست جستجو گردد. که شکل شماره ۵ این بحث شرح نموده است.



شکل ۵: تغییرات اقلیمی در اقتصاد سبز و توسعه پایدار

کلیستر سوم: اقتصاد دیجیتال و تحلیل داده‌ها در اقتصاد سبز و توسعه پایدار

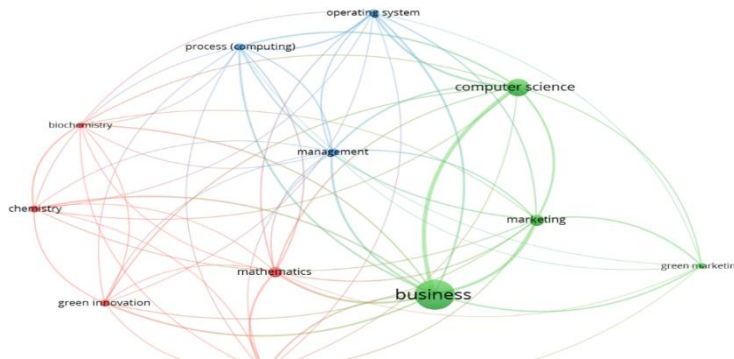
این خوشه بر استفاده از داده‌ها، اقتصاد رفتاری و مدل‌سازی اقتصادی برای سیاست‌گذاری‌ها در سطح جز و کل جهت توسعه پایدار و اقتصاد سبز تمرکز دارد و شرح می‌دهد که استفاده از یادگیری ماشین و هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی سیاست‌های اقتصاد سبز مهم است. که شکل شماره ۶ این بحث شرح نموده است



شکل ۶: اقتصاد دیجیتالی در اقتصاد سبز

کلیستر چهارم: مدیریت و نوآوری برای اقتصاد سبز و توسعه پایدار

این خوشه بر مدیریت پایدار، بازاریابی سبز و استفاده از نوآوری‌ها برای توسعه پایدار متمرکز است؛ راهکارهای تجاری، و مدل‌های کسب‌وکار پایدار برای حمایت از اقتصاد سبز در این بخش بررسی می‌نماید و برای آن الزامی می‌داند. که شکل شماره ۷ این بحث شرح نموده است.



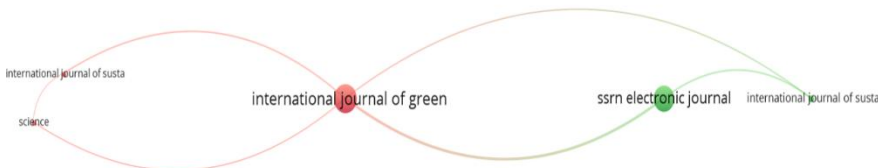
شکل ۷: مدیریت و نوآوری در اقتصاد سبز و توسعه پایدار

تحلیل استنادات در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار

جدول تحلیل استنادات، تصویر دقیق از تعداد مقالات منتشرشده در ژورنال‌های مختلف، مجموع استنادات به آن‌ها، و ترتیب استناد ارائه می‌دهد. این تحلیل به تأثیرگذاری و ارتباط حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار با سایر شاخه‌های علوم و به رسمیت شناختن آن کمک می‌کند.

ژورنال^۵ IJGE یکی از ژورنال‌ها با رتبه بالا در این حوزه محسوب می‌شود؛ این مجله با ۸۳ مقاله، ۶۶۳ استناد دریافت کرده است که به وضوح نشان می‌دهد این ژورنال توسط سایر پایگاه‌ها، پوهنتون‌ها و نهادهای تحقیقی به طور گسترده‌ی استفاده و به رسمیت شناخته شده است؛ هم‌چنین مجموع قدرت روابط که برابر با ۲۸ می‌باشد، شرح می‌دهد که قدرت روابط ارجاعی میان مقالات این ژورنال با مقالات سایر ژورنال‌ها برابر با ۲۸ است که این قدرت هم بیان‌گر ارتباط قوی می‌باشد. این معنی می‌دهد که مقالات این ژورنال به طور قابل توجه با سایر ژورنال‌ها در حال تعامل است و بر بنیاد آن ۲۸ رابطه علمی ایجاد نموده است. در رتبه دوم پایگاه،^۶ SSRN قرار دارد که با ۶۹ مقاله و ۲۲۴ استناد، نفوذ چشم‌گیری را نشان می‌دهد. هم‌چنین قدرت روابط علمی این ژورنال با سایر ژورنال‌ها برابر با ۲۲ می‌باشد، که معنی می‌دهد این ژورنال به گونه چشم‌گیری توسط دیگر ژورنال‌ها قابل استفاده است.

به‌همین ترتیب سایر ژورنال‌های در این حوزه نیز از استنادات کافی در رتبه‌بندی‌های بعدی قرار دارد، که این موقعیت برجسته در رتبه‌بندی نشان‌دهنده اثرگذاری ژورنال‌های مرتبط به علوم اقتصادسبز و توسعه پایدار است و این تحلیل جای‌گاه و نقش این حوزه در علوم دیگر و روابط علمی و تأثیرگذاری آن تثبیت می‌کند. که در شکل شماره ۸ نیز این روابط به گونه شبکه‌ی ارایه گردیده است:



شکل ۸: استنتاج تحلیل استنادات در اقتصاد سبز و توسعه پایدار

در تحلیل استناد از مجموع ۱۱۴۴ استناد یعنی در کل ذریعه مقالات نشر شده در پیریود زمانی تعیین شده در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار، مقالات که بیش از همه ذریعه آن استناد صورت گرفته

^۵ International Journal of Green Economics

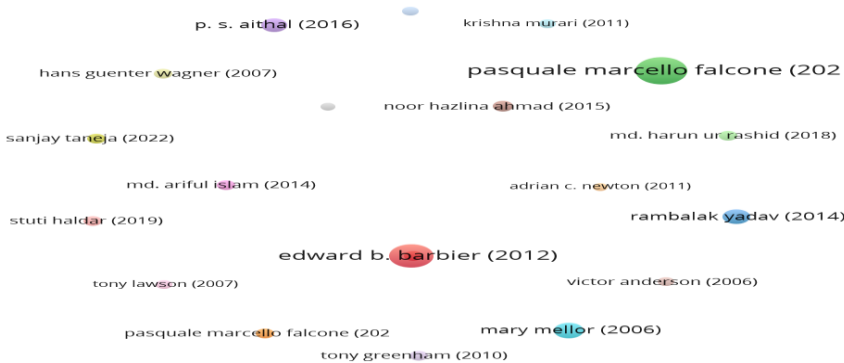
^۶ Social Sciences Research Network

در جدول ۱ ارایه گردیده است، که بیانگر روابط این حوزه با دیگر علوم و روند رشد آن جهت استفاده توسط دیگران به نمایش می‌گذارد.

جدول ۱: پر استنادترین مقالات جهت شرح روابط اقتصادسبز و توسعه پایدار با دیگر علوم

نویسنده	عنوان مقاله	منبع	سال	استناد
Pasquale Marcello Falcone	Environmental Regulation and Green Investments: The Role of Green Finance	IJGE	2020	182
Edward B. Barbier	The Green Economy Post Rio+20	Science	2012	132
Mary Mellor	Ecofeminist Political Economy	IJGE	2006	61
Rambalak Yadav; Govind Swaroop Pathak	Environmental Sustainability through Green Banking: A Study of Private and Public Sector Banks in India	SSRN	2014	53

نتایج استنادات از مقالات استفاده شده به گونه شبکه‌ی نیز در شکل ۹ ارایه گردیده است:



شکل ۹: نتایج استنادات مبتنی بر نویسنده

پوهنمل محمد بلال تائب

شکل ۹ هم بیان می دارد که مقالات منتشر شده توسط پاسکال (۲۰۲۰) و ایدوارد (۲۰۱۲) از استناد بیشتری برخوردار بوده است. به همین ترتیب در خصوص روند رشد اقتصاد سبز و توسعه پایدار ژورنال Science، IJGE و پایگاه SSRN نسبت به دیگران پیش تاز بوده است. در مورد استنادسازی این که، بدانیم کدام کشورها به رویت مقالات و تحقیقات علمی در حوزه اقتصاد سبز و توسعه پایدار با دیگر کشورها ارتباط برقرار کرده و این روابط به چه میزان بوده است؟ نیاز به تحلیل بیبولوگرافی بر مبنی کشور است که در جدول ۲ به شرح آن پرداخته شده است:

جدول ۲: تحلیل استناد مقالات به رویت کشور و بررسی روابط کشور بر مبنی تحقیقات در اقتصاد

سبز و توسعه پایدار

کشور	تعداد مقالات	استناد	قدرت روابط مجموعی
آیالات متحده	۲۳	۲۱۹	۳
هندوستان	۲۰	۱۸۵	-
انگلستان	۱۷	۱۳۹	۲
رومانیا	۸	۱۵	-
اندونیزیا	۷	۲۳	-
افریقای جنوبی	۶	۲۳	-
فرانسه	۵	۲۵	۱
چین	۵	۳۵	-
جرمنی	۵	۳۷	-
ایتالیا	۵	۲۳۵	-

جدول ۲ نشان می دهد که مقالات مربوطه در اقتصاد سبز و توسعه پایدار در اوپن الکس طی پیربود زمانی (۲۰۰۰ الی ۲۰۲۴) به رویت کشور و روابط تحقیقی-علمی کشورها با دیگر کشورها شرح



۱: روابط کشورها بر مبنی تحقیقات در حوزه اقتصاد سبز و توسعه پایدار

پوهنمل محمد بلال تائب

می‌نماید. در میان مقالات نشر شده آیالات متحده اولین کشور است که با مجموع ۲۳ مقاله ۲۱۹ استناد مستقیم و ۳ ارتباط علمی با دیگر کشورها و مقالات ایجاد نموده است؛ همچنین در رده دوم کشور هند است که بیست مقاله علمی و ۱۸۵ استناد مستقیم در زمینه ایجاد نموده است. به همین ترتیب هند، رومانیایا، اندونیزیا، افریقای جنوبی، چین، جرمنی و ایتالیا کشورهای است که در خصوص نشر مقالات علمی در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار نتوانسته با دیگر کشورها روابط علمی برقرار نماید. که این موضوع به‌گونه‌ی شبکه در شکل ۱۰ نیز شرح گردیده است:

شکل ۱۰ بیان می‌دارد که، در میان کشورهای که در حوزه اقتصاد سبز و توسعه پایدار مقالات علمی نشر نموده و بر مبنی آن روابط علمی ایجاد و تأثیر آن روی دیگر حوزه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. آیالات متحده، انگلستان و فرانسه از بین تمامی کشورها بیش از همه بر مبنی اقتصادسبز و توسعه پایدار روابط بیش‌تر ایجاد نموده است و اقتصادسبز و توسعه پایدار برای انجام مطالعات برای این کشورها از جمله فکتور تأثیر گذار روابط علمی برای این سه کشور است.

تحلیل منبع محور

فریکونسی مقالات منتشرشده در مجلات مختلف، امکان شناسایی توزیع تولیدات علمی-تحقیقی در حوزه اقتصاد سبز و توسعه پایدار را فراهم می‌کند. ژورنال International Journal of Green Economics، SSRN، International Journal of Sustainable Development، Doaj هر کدام آن به ترتیب با انتشار ۸۳، ۶۹، ۶ و ۲۶ مقاله، بیش‌ترین سهم (۹۸٪ سهم مجموعی) از مقالات این حوزه را به خود اختصاص داده است. این امر نشان‌دهنده جای‌گاه برجسته این ژورنال و احتمالاً تمرکز محدود آن در این رشته است که باعث شده تعداد قابل توجه از مقالات علمی-تحقیقی به آن ارسال شود.

این تحلیل در خصوص اقتصادسبز و توسعه پایدار نشان‌دهنده چشم‌انداز انتشارات دقیق‌تری است که در آن تعدادی از ژورنال‌ها، غالب بوده و بیش‌ترین تعداد مقالات را منتشر می‌کنند؛ در حال که بسیار دیگر نقش حمایتی دارند و تعداد کمتر از مقالات منتشر می‌کنند. این تمرکز می‌تواند ناشی از توجه ویژه و اعتبار بالای ژورنال‌ها شناخته‌شده‌ی باشد که محققان این حوزه ترجیح می‌دهند مقالات خود را در آن‌ها منتشر کنند. جدول ۳ بیان‌گر این تحلیل است:

جدول ۳: توزیع نشر مقالات اقتصادسبز و توسعه پایدار

منبع	تعداد مقالات	ارجاعات	قدرت همبستگی
International Journal of Green Economics	۸۳	۶۶۳	۲۱
SSRN	۶۹	۲۲۴	۲۲
International Journal of Sustainable Development	۶	۴۱	۷
Doaj	۲۶	۷۲	-

نتیجه‌گیری

اقتصاد سبز به‌عنوان رویکردی نوین در مسیر تحقق توسعه پایدار، مفهومی فراتر از صرفاً به‌کارگیری فناوری‌های پاک یا کاهش مصرف انرژی است. این مفهوم، دربردارنده‌ی یک تحول بنیادین در شیوه‌های تولید، مصرف، حکمرانی اقتصادی، و تعامل انسان با محیط‌زیست است. با توجه به چالش‌های زیست‌محیطی فزاینده‌ای که در دهه‌های اخیر بشر با آن مواجه بوده است؛ از جمله تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع زیستی، آلودگی منابع آب، هوا و خاک، و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی اکنون بیش از هر زمان دیگر، نیاز به بازاندیشی در مدل‌های توسعه احساس می‌شود. در این میان، اقتصاد سبز پاسخ جامع به این دغدغه‌ها ارائه می‌دهد و می‌کوشد تا با پیوند بین رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست، افق جدیدی در مسیر توسعه ترسیم نماید. این مطالعه از رویکرد مقداری کُتب‌سنجی برای تحلیل روندهای جاری و وضعیت توسعه اقتصادسبز و توسعه پایدار در جهان طی مدت (۲۰۰۰ الی ۲۰۲۴) از سایت اوپن‌الکس استفاده کرده است. بر مبنای یافته‌های تحقیق، می‌توان اذعان داشت که اقتصاد سبز، نه تنها چارچوبی برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی است، بلکه ظرفیتی برای ایجاد اشتغال، کاهش فقر، ارتقای بهره‌وری منابع، و دستیابی به رفاه پایدار نیز دارد. در این راستا، سیاست‌های اقتصادی باید از رویکردهای سنتی مبتنی تنها بر رشد فاصله گرفته و به سمت الگوهای حرکت کنند که در آن‌ها شاخص‌های پایداری زیست‌محیطی، بهره‌وری انرژی، و عدالت بین‌نسلی نیز لحاظ شده باشد. با بهره‌گیری از تحلیل رتبه‌بندی و بررسی عوامل کلیدی در مقالات نشرشده طی سال‌های (۲۰۰۰ الی ۲۰۲۴)، مفاهیم مهم شناسایی شدند که در توصیف دقیق موضوع

کمک کرده‌اند. تحلیل کلمات کلیدی در ادبیات مرتبط با اقتصادسبز و توسعه پایدار نشان می‌دهد که این حوزه به‌عنوان یک پدیده تحقیقی میان‌رشته‌ای اهمیت دارد و شامل سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه سازگاری با توسعه پایدار اقتصادی کشورها و تأمین مالی آنان است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از تحقیقات جهانی در زمینه اقتصادسبز و توسعه پایدار بر موضوعات مرتبط با تکنالوژی سبز، اقتصادسبز و تولید و سرمایه‌گذاری سبز تمرکز دارد. این تأکید از طریق تکرار مکرر کلمات کلیدی مانند اقتصادسبز و توسعه پایدار برجسته می‌شود و بیان‌گر اهمیت مداوم اقتصادسبز و توسعه پایدار به‌عنوان یک موضوع تحقیقی و بحث است. باوجود نوسانات در روند انتشار مقالات طی سال‌های (۲۰۰۰ الی ۲۰۲۴)، اقتصادسبز و توسعه پایدار هم‌چنان به‌عنوان بخش بنیادی در حوزه اقتصاد باقی مانده و رشد قابل توجه از خود نشان داده است. در خصوص روند انتشار مقالات در این حوزه بر مبنی یافته‌های تحقیق با استفاده از مدل رگرسیونی خطی و تخمین‌زن آن دریافت گردید که، در جریان هر سال نسبت به سال قبل به‌گونه‌ای اوسط نشر مقالات به اندازه ۰,۳۰۹٪ افزایش می‌یابد و تخمین می‌گردد سال‌های آینده نسبت به سال قبلی نشر مقالات و توجه محققین به این حوزه بیش‌تر گردد. در میان مقالات نشر شده در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار آیالات متحده امریکا اولین کشور است که با مجموع ۲۳ مقاله ۲۱۹ استناد مستقیم و ۳ ارتباط علمی با دیگر کشورها و مقالات ایجاد نموده است؛ هم‌چنین در رده دوم کشور هند است که بیست مقاله علمی ۱۸۵ استناد مستقیم بدون ایجاد ارتباط علمی با دیگر کشورها روی دست گرفته است. انگلستان با ۱۷ مقاله و ۱۳۹ استناد مستقیم توانسته تنها دو ارتباط علمی با دیگر کشورهای برقرار نماید. به همین ترتیب رومانی، اندونیزیا، افریقای جنوبی، چین، جرمنی و ایتالیا کشورهای است که در خصوص نشر مقالات علمی در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار نتوانسته با دیگر کشورها روابط علمی برقرار نماید. تحقیق حاضر ایتالیا را با نشر ۵ مقاله و ۲۳۵ استناد به‌عنوان بزرگ‌ترین مشارکت‌کننده از آدرس استنادات در تحقیقات اقتصادسبز و توسعه پایدار در رده اول، آیالات متحده در رده دوم و هند در رده سوم معرفی می‌کند. در خصوص روند رشد اقتصادسبز و توسعه پایدار ژورنال Science, IJGE و پایگاه SSRN نسبت به دیگران پیش‌تاز بوده است و نشان می‌دهد که نویسندگان آیالات متحده، فرانسه، هند و انگلستان بر اکثریت تحقیقات مرتبط با اقتصادسبز و توسعه پایدار تسلط دارند. در نهایت در خصوص سؤال تحقیق، در دیتابیس داده‌های اوپن‌الکس، روند تاریخی محصولات علمی و تعداد تحقیقات در زمینه اقتصادسبز و توسعه پایدار در جهان چگونه است؟ دریافت شده که، در دیتابیس داده‌های

پوهنمل محمد بلال تائب

اوپن الکس روند تاریخی محصولات علمی طی مدت تعیین شده به‌ویژه از سال ۲۰۰۶ الی ۲۰۲۴ یک روند صعودی و مثبت داشت که این بیان‌گر توجه محققان، دولت‌ها و نهادهای تحقیقی با در نظر داشت نقش برجسته آن به اقتصادسبز و تأثیرات آن روی توسعه پایدار است. در خصوص سؤال دوم که، روند تولید علمی محققان اقتصادسبز و توسعه پایدار از نظر موضوعات/حوزه‌ها چگونه است؟ دریافت شد که در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی، زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی، اقتصاددیجیتلی و نوآوری‌ها برای اقتصادسبز و توسعه پایدار نقش آن مثبت و از روند افزایشی برخوردار است که در این راستا محققان آیالات متحده، فرانسه، انگلستان و هندوستان نسبت با دیگران برجسته‌تر است. در خصوص سؤال سوم که، فکتورهای تأثیرگذار کلیدی در اقتصادسبز و توسعه پایدار کدام‌اند؟ میتوان گفت که، چهار عامل که شامل سیاست‌گذاری اقتصادی برای توسعه پایدار، تغییرات اقلیمی برای اقتصاد سبز و توسعه پایدار، اقتصاددیجیتلی و نوآوری‌ها برای اقتصادسبز و توسعه پایدار از جمله فکتورهای تأثیرگذار کلیدی در اقتصاد سبز و توسعه پایدار است که باید به آن توجه کرد. هم‌چنین اقتصاد سبز و توسعه پایدار هر دو با ۱۹۰ دفعات و ۲۳۵۶ همبستگی از بیش‌ترین ارتباط برخوردار و اهمیت بیش‌تری دارد. اقتصاد با ۱۷۲ دفعات و ۲۱۷۸ همبستگی در رتبه دوم قرار دارد، در حالی که مدیریت پسماند و جغرافیای اقتصادی با ۵ تکرار در رتبه‌های پایین قرار گرفته است.

پیشنهادات

در نتیجه تحقیق به ادارات ذیربط به‌ویژه برای محققان حوزه اقتصاد، تجارت و امور مالی و ارگان‌های ذیربط پیشنهادات ذیل ارائه می‌درام:

- ✓ تمرکز بر ارتقای روابط علمی با کشورهای پیش‌تاز در حوزه اقتصادسبز جهت توسعه پایدار: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همکاری‌های دوجانبه جهت نهاده‌سازی در خصوص سکتورهای تولیدی و مصرفی کشور با کشوری مانند هندوستان تقویت گردد؛
- ✓ توسعه تحقیقات در حوزه اقتصادسبز و توسعه پایدار: پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به بررسی تجربیات موفق کشورها در پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد سبز پرداخته، موانع بومی در این شناسایی کرده، و راهکارهای مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی برای تحقق توسعه پایدار در سطوح محلی، و منطقه‌ای ارائه دهند.

منابع

- A, K. (2014). Environmental Economics "Green Economy". *Assiut Journal, Environmental Studies*, 39, 55-59.
- Al Husaeni, D., & Nandiyanto, A. (2021). Bibliometric Using Vosviewer with Publish or Perish (using Google Scholar data): From Step-by-step Processing for Users to the Practical Examples in the Analysis of Digital Learning Articles in Pre and Post Covid-19 Pandemic. *ASEAN Journal of Science and Engineering*, 2(1), 19-46. Retrieved 2024
- Apriantoro, M., Widyastuti, H., Ashfahany, A., & Alfikri Muradla, A. (2024). SUSTAINABILITY AND GREEN ECONOMY IN DEVELOPMENTAL PARADIGMS: A BIBLIOMETRIC ANALYSIS OF SCHOLARLY TRENDS AND TRANSFORMATIONS. *Indonesian Interdisciplinary Journal of Sharia Economics (IJSE)*, 7(3), 4587-4610. Retrieved December 2024, from 4786-Article Text-20748-1-10-20240710
- Barbier, E. (2011). Policy challenges for the green economy and sustainable economic development. *United Nations Sustainable Development Journal*, 35(4). Retrieved December 2024
- Buse, K., & Hawkes, S. (2015). Health in the sustainable development goals: Ready for a paradigm shift? *Globalization and Health*, 11(1). Retrieved Dec 20, 2024, from <https://doi.org/10.1186/s12992015-0098-8>
- Dubravská, M., Marchevská, M., Vašaničová, P., & Kotulič, R. (2020). Corporate Social Responsibility and Environmental Management Linkage: An Empirical Analysis of the Slovak Republic. *Sustainability*, 12(13), 5431. Retrieved December 2024, from <https://doi.org/10.3390/su12135431>
- H, A. (2012). Green Economy in Action: Articles and Excerpts that Illustrate Green Economy and Sustainable Development Efforts – Introduction. *United Nations Development Program*, ٦.
- Hassan Al-Taai, S. (2021). Green economy and sustainable development. *IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science*. Bashdad. Retrieved December 2024, from doi:10.1088/1755-1315/779/1/012007

- Kemp, R., Parto, S., & R. B. G. (2005). Governance for sustainable development: moving from theory to practice. *International Journal of Sustainable Development*, 8, 12-30. Retrieved December 2024, from <https://doi.org/10.1504/IJSD.2005.007372>
- Landi, G., Iandolo, F., Renzi, A., & Rey, A. (2022). Embedding sustainability in risk management: The impact of environmental, social, and governance ratings on corporate financial risk. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 29(4), 1096–1107. Retrieved DEC 2024, from <https://doi.org/10.1002/csr.2256>
- Mohammad, A. (2021). without date The Economic Results of Environmental Protection Conferences and Their Role in Establishing the Principles of Green Economy during the Period 1972-2012. *Journal of Law and Human Sciences - Economic Studies*, 26(1), 346.
- Nations, U. (2011). Towards a green economy: Pathways to sustainable development and poverty reduction - a reference for policymakers. *Franc*, 1-5.
- Oginni, O. S. (2016). Reforming Fiscal Policy towards Inclusive Growth in Africa: From Brown Growth to Green Economy. *OIDA International Journal of Sustainable Development*, 11-28. Retrieved December 2024, from <http://www.ssrn.com/link/OIDA-Intl-Journal-Sustainable-Dev.html>
- Rabie, M. (2016). Meaning of Sustainable Development. In *A theory of sustainable sociocultural and economic development*, 17-31. Retrieved December 2024, from https://doi.org/10.1007/978-1137-57952-2_3
- S, I. (2014). The contribution of the green economy to achieving sustainable development in Algeria during the period 2005-2007. *Journal of Studies in Economy*, 3(2), 149-150. Retrieved December 2024
- Shreekaracharya, P., & Sequeira, A. (2010). A Model Of Green Economy For Developing Countries. *SSRN*. Retrieved December 2024, from <http://ssrn.com/abstract=2192369>

نقش رعایت ارزش‌های اخلاقی در تحولات صنعتی و عدالت اجتماعی

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب^{۱*}، پوهنیار ضیاء‌الدین نوری^۱

۱. دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسؤول- ایمیل: shahab.saqab12@gmail.com

چکیده

چنان‌پنداشته می‌شود که اسلام صرف بعد عبادتی دارد و تنها روح را پرورش می‌دهد در حالی که اسلام جسم را نیز پرورش داده و قواعد را مطابق با فطرت انسانی وضع می‌نماید، این تحقیق برای ما فهماند که رعایت اصول اخلاقی باعث تولید بهتر صنعت و تحقق عدالت اجتماعی گردیده و از همین طریق می‌توان جلو استفاده جویان را گرفت هم‌چنان، بعضی ارزش‌های اخلاقی را برای کارگر و کارفرما معرفی نموده است که خود سبب توسعه پایدار صنعت می‌گردد، این تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده و تلاش شده تا از منابع دست اول استفاده شود، در بخش حواله دهی از سیستم درون متنی استفاده شده است، در این تحقیق ارزش‌های اخلاقی در بخش صنعت مورد بررسی قرار گرفته است، مانند اخلاص، صداقت، احترام متقابل و ارج‌گزاری برای صانع، سپردن کار به اهل‌اش و... رعایت اصول اخلاقی باعث خوشبختی کارگر و کارفرما، صانع، هم‌کار و مستفید شوندگان گردیده و همگی از زندگی راضی و شگزار خالق و مخلوق می‌شوند، این تحقیق نشان می‌دهد که اخلاق در بخش صنعت کاربرد داشته و سبب تحول صنعت و تحقق عدالت اجتماعی می‌گردد، برای رسیدن به معیارهای بین‌المللی صنعت لازم است که اصول اخلاقی در بخش صنعت رعایت شود.

واژه‌های کلیدی: اخلاق، ارزش‌ها، اجتماعی، صنعت، عدالت.

The Role of Observing Ethical Values in Industrial Developments and Social Justice

Assistant Professor Shahabuddin Saqib^{1*}, Teaching Assistant Ziauddin Noori²

1. Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Alberoni University

* Corresponding Author Email: shahab.saqab12@gmail.com

Abstract

It is often assumed that Islam has only a worship aspect and nurtures only the soul, whereas Islam also nurtures the body and establishes rules in accordance with human nature. This research has taught us that adhering to ethical principles has led to better industrial production and the realization of social justice, and in this way, exploiters can be prevented. It has also introduced some ethical values for workers and employers, which in turn leads to the sustainable development of the industry. This research is descriptive and analytical, and an attempt has been made to use first-hand sources. An in-text system has been used in the reference section. In this research, ethical values in the industrial sector have been examined, such as sincerity, honesty, mutual respect, and appreciation for the creator, entrusting work to those who are qualified, and so on. Adhering to ethical principles brings happiness to workers, employers, manufacturers, colleagues, and beneficiaries, making everyone satisfied with life and grateful to the Creator and creation. This research shows that ethics is applicable in the industrial sector and leads to industrial transformation and social justice. To meet international industrial standards, it is necessary to adhere to ethical principles in the industrial sector.

Keywords: Ethics, Values, Society, Industry, Justice

مقدمه

الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين،
أما بعد:

با آغاز خلقت کاینات و بشریت، انقلاب صنعتی آغاز یافته و انبیاء از آدم الی محمد علیهم
الصلاة والسلام در عرصه‌های مختلف صنعت نقش برآزنده داشتند و برای بشریت در بخش صنعت
الگوی خوبی هستند، اصطلاح صنعت در آیات، احادیث گهربار پیامبر اسلام ﷺ و کتاب‌های
دانشمندان اسلام به‌کار رفته است، منابع اصیل اسلام همواره مسلمانان را در راستای صنعت و توسعه
صنعت توأم با رعایت ارزش‌های اخلاقی تشویق و ترغیب نموده است، صنعت که با ارزش‌های
اخلاقی آراسته باشد عین عبادت محسوب شده و شخص متخلق به اخلاق حمیده وارد بهشت برین
می‌شود، چنانچه پیامبر - ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وَصَائِمِ
النَّهَارِ».

ترجمه: همانا انسان با خوش اخلاقی خودش به‌درجه‌ی کسی می‌رسد که روزها را روزه و شب‌ها
نمازگزار بوده اند.

و می‌فرماید: «أَتَدْرُونَ أَكْثَرَ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ، تَقْوَى اللَّهِ وَحَسَنُ الْخُلُقِ». البیهقی، أبو بكر
أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الحُسْرُو جردی الخراسانی، (۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م). الآداب للبيهقي،
علق عليه: أبو عبد الله السعيد المندوه، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت - لبنان. ۶۳/۱.

ترجمه: از آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - از بیشترین کسانی که وارد بهشت می‌گردند پرسیده
شد، فرمود: «تقوی و پرهیزگاری از الله و خوش رفتاری».

وجه استدلال از احادیث: اگر صانعین در بخش صنعت، ارزش‌های اخلاقی را رعایت نمایند،
مصدق احادیث فوق قرار می‌گیرند، با آن‌که ایشان مصروف صنعت اند، اما به خاطر رعایت
ارزش‌های اخلاقی به‌درجه‌ی کسی می‌رسند که روزها را روزه و شب‌ها نمازگزار بوده اند. رعایت
ارزش‌های اخلاقی در بخش صنعت سبب تقوی الهی و خوش رفتای گردیده و این دو چیز موجب
ورود مسلمان به جنت می‌گردد.

اسلام برای تولید و صنعت بهتر و با کیفیت، ارزش‌ها و معیارها را معرفی نموده است، رعایت معیارهای پیش‌بینی شده سبب تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی می‌گردد.

سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی: در بخش صنعت کدام ارزش‌های اخلاقی رعایت گردد یکایک نام گرفته و چه نوع آثار بر آن‌ها مرتب می‌گردد؟

سؤالات فرعی

- 1- آیا اسلام برای صنعت بهتر و توسعه پایه دار معیارهای را معرفی نموده است؟
- 2- آیا رعایت ارزش‌های اخلاقی واقعاً سبب تحقق عدالت اجتماعی می‌گردد، چگونه؟
به نظر می‌رسد که اسلام، در بخش صنعت آموزه‌ها و موازین اخلاقی را معرفی نموده که رعایت آن سبب تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایه دار اقتصادی گردیده و نیز سعادت دارین را تضمین می‌نماید.
- به نظر می‌رسد که اسلام چهارده قرن قبل، برای تولید و صنعت بهتر بعضی اصول اخلاقی را معرفی نموده که جهان معاصر فعلاً بیدار و اتباع خویش را به رعایت و تمسک به اصول اسلامی توصیه و تأکید می‌نمایند.
- به نظر می‌رسد که رعایت ارزش‌های اخلاقی موجب تحول صنعتی پایه دار و تحقق عدالت اجتماعی می‌گردد.

مقاله‌ی تحقیقی هذا روی اهمیت ذیل به رشته تحریر در آورده شده است

این تحقیق برای ما فهماند که هیچ بعد زندگی انسان از اخلاق بی‌نیاز شده نمی‌تواند و اگر کسی زندگی خویش را از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی جدا سازد زندگی‌اش تنگ شده و بالاخره با ناهنجاری‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند.

این تحقیق ارزش‌های اخلاقی را که موجب تحول صنعتی و تحقق عدالت اجتماعی می‌گردد، برملا ساخته است و تأکید دارد که اسلام طرف‌دار صنعت، پیشرفت و توسعه صنعتی بوده و هر نوع جعل و استفاده جویی را در عرصه صنعت مردود و منفور می‌داند.

پیشنه‌ی تاریخی موضوع

صنعت با خلقت کاینات و بشریت آغاز شده است، چون بدون صنعت جامعه انسانی به انقراض مواجه و از هم متلاشی می‌شود، انبیاء علیهم الصلاة والسلام و نسل‌های گذشته در عرصه صنعت فعالیت‌های چشم‌گیری داشتند، فقهاء و دانشمندان اسلام صنعت را گاهی تحت عنوان استصناع و گاهی تحت عنوان صنعت و تصنیع در کتاب‌های خویش مورد بحث قرار داده‌اند. کتاب‌های مانند: (واجبات العمال و حقوقهم فی الشریعة الإسلامیة مقارنة مع قانون العمل الفلستانی) از سمیر محمد جمعة العوادة، منتشره (۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م). اما مقاله و کتابی که مشخص به این موضوع پرداخته باشد به چشم نخورد، در این تحقیق سعی نمودیم تا نقش ارزش‌های اخلاقی را در صنعت و عدالت اجتماعی مختصراً در یک مقاله منسجم و به زبان درمی به‌طور سلیس به‌رشته تحریر در آوریم.

در این تحقیق از روش توصیفی، تحلیلی و در بخش حوالی دهی از سیستم از درون متنی استفاده صورت گرفته است. در این تحقیق نهایت تلاش شده است تا از منابع دست اول استفاده صورت گیرد.

این تحقیق روی اهداف ذیل به رشته تحریر در آمده است:

- ۱- تبیین و توضیح موقف اسلام در برابر صنعت و این که اسلام برای توسعه پایدار و صنعت باکیفیت چی راهکاری را پیش‌بینی نموده است.
- ۲- ثابت می‌سازیم که یگانه راه پیشرفت، تحول صنعتی و توسعه پایدار همانا تمسک به آموزه‌های اسلامی است، زیرا اسلام همواره انسان را به تقوی الهی توصیه می‌نماید.
- ۳- تفهیم این که صنعت و توسعه پایدار، از اخلاق بی‌نیاز شده نمی‌تواند، بدون شک هر عمل دنیوی که با ارزش‌های اخلاقی انجام شود بی‌اجر و پاداش نخواهد بود. و انجام دهنده مستحق جنت می‌گردد

یافته‌های تحقیق

برای ثبات و توسعه پایدار صنعت، اسلام رهکارهای مناسبی را توصیه نموده است اگر صنعت‌گران آن رهکارها را رعایت نمایند، اقتصاد جهان اسلام، اقتصاد جهان را تسخیر خواهد نمود و هم‌چنان صنعت مسلمان در جهان مقام اول را کسب خواهد کرد.

اخلاق اجازه نمی‌دهد که مسلمان در بخش تأمین رابطه خویش با خالق و یا مخلوق خیانتی را مرتکب شود.

اخلاق ذات و جوهر اسلام می‌باشد، هیچ بُعد زندگی مسلمان از آن بی‌نیاز شده نمی‌تواند، رعایت آن در ابعاد مختلف زندگی، سبب قرب الهی و موجب دخول انسان به جنت می‌گردد.

نقش رعایت ارزش‌های اخلاقی در تحولات صنعتی و عدالت اجتماعی

ارزش‌های اخلاقی در تحولات صنعتی نقش خوبی را ایفاء می‌نماید که در این جا

۱. **اخلاص در صنعت:** اخلاص در صنعت یکی از اساسی‌ترین اصولی است که می‌تواند صنعت را از مسیر فساد، استثمار و بی‌عدالتی دور و آن را در راه خدمت به بشریت هدایت کند.

اخلاص در صنعت، یعنی انجام صنعت به هدف کسب رضایت الله متعال و رساندن نفع برای بشریت است، رشد و توسعه صنعت، به نیت این‌که جامعه اسلامی و انسانی نسبت به جامعه کفری تمایز داشته باشد تا انسان واقعاً ممثلاً خلیفه الله متعال در روی زمین قرار گیرد.

شخص سهیم در صنعت، صنعت و انکشاف را عبادات دانسته و اخلاص را طوری که در عبادت حتمی می‌داند، در عرصه صنعت نیز حتمی و لازمی بداند، لهذا تمام حرکات و سکانات ما در راستای تولید صنعت باید مبتنی بر اخلاص بوده باشد.

خلوص نیت به معنای تولید محصولات با کیفیت، صداقت در تبلیغات، اجتناب از فریب مشتریان، در نظر گرفتن منفعت و مصلحت جامعه و اعتقاد بر این‌که خدای متعال تمام حرکات صنعتی را مراقبت و نظارت دارد. الله متعال در زمینه می‌فرماید: ﴿ قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾ [التوبة: ۱۰۵].

ترجمه: بگو: عمل کنید، پس الله و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را خواهند دید و به سوی دانای پنهان و آشکار باز می‌گردید و او شما را از آنچه انجام داده اید آگاه خواهد ساخت.

این آیه با تأکید بر این نکته اشاره دارد که هر عمل انسان، از جمله فعالیت‌های صنعتی، باید با نیت خالص و در جهت رضایت الله متعال انجام شود و در نهایت شخص، منتظر نتایج و پیامد مثبت دنیوی و اخروی فعالیت‌های صنعتی خویش باشد.

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَىٰ أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَىٰ صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَىٰ قُلُوبِكُمْ».

(القشيري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن النيسابوري، (ب.ت). صحیح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بیروت. ۱۹۸۶/۴).

ترجمه: الله متعال به اموال و اجساد شما نگاه نمی‌کند، بلکه به دل‌ها و اعمال شما نگاه می‌کند.

این حدیث نشان می‌دهد که خلوص نیت و کیفیت، در تمام فعالیت‌های صنعتی از خواسته‌های شریعت بوده و مسلمان باید ملتزم به آن باشد.

اخلاص در فعالیت‌های صنعتی سبب ورود انسان به جنت گردیده و حتی یک فعالیت خالصانه صنعتی، سه نفر را وارد جنت می‌سازد، چنانچه پیامبر - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَدْخُلُ الثَّلَاثَةَ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ الْجَنَّةَ: الصَّانِعَ يَحْتَسِبُ فِي صَنْعَتِهِ الْخَيْرَ، وَالْمُؤَدِّ بِهٖ، وَالرَّامِيَ بِهٖ». (قزوینی أبو عبد الله محمد بن یزید القزويني، وماجة اسم أبيه یزید (ب.ت)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي. ۱۹۴۰/۲).

ترجمه: همانا الله به وسیله یک تیر، سه نفر را وارد بهشت می‌کند: کسی که آن را با نیت خیر می‌سازد، کسی که آن را به دیگری می‌دهد (تأمین می‌کند) و کسی که با آن تیراندازی می‌کند.

ترمذی - رحمه الله - می‌گوید: حدیث حسن و صحیح است. (عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر (۱۴۱۹هـ. ۱۹۸۹م). التلخیص الحبير في تخریج أحاديث الرافي الكبير، دار الكتب العلمية. ۳۹۵/۴).

صنعت خالصانه و همکاری مخلصانه با صانع، صدقه محسوب شده و تا زمانی مصنوع مورد استفاده قرار گیرد برای صانع و همکار او پاداش داده می‌شود، در زمینه پیامبر - صلی الله علیه و سلم - چنین می‌فرماید: «وَأَمَّا طَتَكَ الْأَذَىٰ عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ، وَعَوْنُكَ الصَّانِعَ صَدَقَةٌ» برداشتن آزار دهنده چیزی زیان بار) از راه، صدقه است و کمک تو به صنعت‌گر صدقه است. (أصبهانی (۱۳۹۴هـ - ۱۹۷۴م). حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ۱۰۸/۷). البانی - رحمه الله - می‌گوید: حدیث صحیح لغيره است. (البخاري محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة، أبو عبد الله (۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م). صحیح الأدب المفرد للإمام البخاري، حقق أحاديثه وعلق عليه: محمد ناصر الدين الألباني، دار الصديق للنشر والتوزيع. ۱۶۴/۱).

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

ابن قیم جوزی- رحمه الله- می فرماید: عمل (صنعت) بدون اخلاص و بدون اقتدا به سنت، همچون مسافری است که در توشه خود خاک حمل می کند، او را سنگین کرده، اما هیچ سودی به او نمی رساند. (ابن قیم (۱۳۹۳هـ ق - ۱۹۷۳م، الفوائد، ص ۴۹).

پس درجهانی که صنعت و فناوری نقش مهمی در سرنوشت جوامع ایفا می کند، خلوص نیت می تواند ضامن یک توسعه سالم و عادلانه باشد. خلوص نیت مسیر پیشرفت پایدار را همواره و عدالت اجتماعی را متحقق می سازد. بنابراین، جامعه‌ای که به دنبال تحولات صنعتی مثبت و عدالت اجتماعی است، باید این اصل اخلاقی را در تمامی ابعاد خود نهادینه کند.

۲. صداقت: صداقت یکی از مهم ترین اصول اخلاقی در دین مقدس اسلام است که تأثیر ژرفی بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و صنعتی دارد. جامعه‌ای که در آن صداقت، راست گویی، امانت داری و شفافیت رواج داشته باشد، شاهد پیشرفت و ترقی پایدار در صنعت و استقرار عدالت اجتماعی خواهد بود. اما اگر دروغ و فریب کاری رایج شود، فساد، ظلم و نابرابری بر آن جامعه سایه خواهد افکند. تحولات صنعتی و اقتصادی زمانی پایدار و سودمند خواهند بود که بر پایه صداقت و امانت داری بنا شوند. کارفرمایان و تولیدکنندگان راستگو، محصولات را طبق میل فرمایش دهنده با کیفیت تولید و به عهد خویش وفادار می مانند، اعتماد مشتریان را جلب کرده و از فساد اقتصادی جلوگیری می نمایند. الله متعال در این زمینه می فرماید: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [الاسراء: ۳۵].

ترجمه: و چون پیمانانه کنید، پیمانانه را تمام دهید و با ترازوی درست وزن کنید، این بهتر و خوش فرجام تر است.

این آیه به ضرورت رعایت صداقت در معاملات اشاره دارد؛ زیرا تقلب و کم فروشی نه تنها موجب نارضایتی مردم می شود، بلکه نظام اقتصادی را نیز دچار بحران می کند.

پیامبر ﷺ در باره اهمیت صداقت در معاملات و کسب و کار فرمود: «الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا، - أَوْ قَالَ: حَتَّى يَتَفَرَّقَا - فَإِنْ صَدَقَا وَبَيْنَا بُرُوكَ لُهُمَا فِي بَيْعِهِمَا، وَإِنْ كَتَمَا وَكَذَبَا مَحَقَّتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا» (البخاری (۱۴۲۲هـ ق)، صحیح البخاری ۵۸/۳). فروشنده و خریدار تا زمانی که از هم جدا نشده اند، اختیار فسخ معامله را دارند؛ اگر راست بگویند و حقیقت را آشکار کنند، در معامله شان برکت خواهد بود، و اگر دروغ بگویند و پنهان کاری کنند، برکت معامله شان از بین خواهد رفت.

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

این حدیث نشان می‌دهد که صداقت در معاملات موجب برکت اقتصادی و رونق تجارت می‌شود، در حالی که دروغ‌گویی و فریب‌کاری سرانجامی جز نابودی ندارد.

اگر در صنعت صداقت در نظر گرفته شود، از یکطرف افراد جامعه از کیفیت صنعت بهره‌برده و گاهی برای صانع دعای خیر و برکت می‌نمایند، از طرف دیگر اجناس باکیفیت، زودتر استهلاک نشده و مال بی‌موجب ضایع نمی‌گردد، صداقت نتایج مثبت را در حق تولیدکننده و استفاده‌کننده دارد. پس پیامد صداقت تنها موجب رستگاری فرد نگردیده، بلکه سبب گسترش نیکی و عدالت در جامعه نیز می‌شود.

تولیده‌کننده صادق را الله متعال دوست داشته و او را در زمره شهداء حشر می‌نماید، چنانچه می‌فرماید: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ» تاجر راستگو در روز قیامت نزد الله متعال در جایگاه شهید خواهد بود. (ابن ابی شیبۀ (۱۴۰۹ هـ ق)، المصنف فی الأحادیث والآثار ۴/۵۵۵).

این حدیث صانع صادق و شهید را با هم یکجا قرار داده است، پس زحمات صانع صادق نادیده گرفته نشده بلکه در قبال تمام حرکات و سکنات مستحق اجر و پاداش شناخته می‌شود.

امام شافعی - رحمه الله - فرمود: نهایت هر کاری صداقت است. (ابن عساکر (۱۴۱۵ هـ ق - ۱۹۹۵ م)، تاریخ دمشق ۵۱/۴۰۸).

این سخن امام شافعی - رحمه الله - به این معنی است که در هر کاری صداقت و راستی، اساس و نهایت آن است و امام شافعی - رحمه الله - تأکید می‌کند که صداقت در گفتار و کردار، پایه و رکن اصلی برای رسیدن به موفقیت و درستی در امر است. و بدون صداقت هیچ کاری نمی‌تواند به درستی و کمال برسد.

پس صداقت در اسلام یک ارزش اساسی است که تأثیر مستقیم بر پیشرفت صنعتی و عدالت اجتماعی دارد. جامعه‌ای که در آن صداقت حاکم باشد، شاهد رشد اقتصادی، اعتماد همگانی و عدالت پایدار خواهد بود. اما اگر به جای صداقت در آن دروغ و خیانت رایج شود، نظام اقتصادی و اجتماعی دچار فساد و فروپاشی خواهد شد. از این رو، پایبندی به صداقت نه تنها وظیفه اخلاقی و دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی برای پیشرفت و عدالت است.

۳. **عدم تقلب و فریب‌کاری:** غش به معنای خیانت و فریب‌کاری است و در دین مقدس اسلام، هرگونه نیرنگ و پنهان‌کاری در معاملات، تولیدات و ارائه خدمات، به شدت نکوهش شده است. این عمل نه تنها موجب بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود، بلکه به تضعیف عدالت اقتصادی و اجتماعی نیز می‌انجامد.

صنعت گران نباید با جعل و تقلب از لگو و نام نشان سائر صنعت پیشه‌گان استفاده نمایند، زیرا چنین امر از دید اسلام مردود است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ غَشَّ فَلَيْسَ مِنِّي» (مسلم (ب. ط) صحیح مسلم ۶۹/۱) کسی که فریب‌کاری کند، از من نیست.

فریب‌کاری عمل ناپسند بوده و هیچ‌کس دوست ندارد که فریب بخورد، فریب‌کاری از صفات مسلمان نیست چون مسلمان آنچه را برای خود دوست دارد برای دیگران نیز می‌پسندد، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» هیچ‌یک از شما ایمان کامل ندارد، تا زمانی که برای برادر خود هم آنچه را بخواهد که برای خود می‌خواهد. (البخاری (۱۴۲۲هـ.ق). صحیح البخاری (۱/۱۲).

عینی -رحمه الله- می‌گوید: این حدیث بر تحریم فریب‌کاری دلالت می‌کند. (عینی (ب. ط)، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ۱۱/۱۹۶).

سری سقطی -رحمه الله- می‌فرماید: بهترین روزی، روزی است که از پنج چیز سالم باشد: از گناه در کسب روزی، از ذلت در درخواست کمک، از خیانت و فریب‌کاری در حرفه و صنعت، از هزینه‌های آلات معاصی و از هم‌دستی با ظالمان. (ابی‌نعیم (۱۳۹۴هـ.ق - ۱۹۷۴م)، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء ۱۰/۱۲۴).

هر نوع فریب و غش در بخش صنعت از سوی شریعت نهی و آن‌را از جمله‌ی گناه‌های کبیره محسوب نموده است، اگر شخص فریب‌دهنده و جعل‌کار بدون توبه وفات کنند، مستحق آتش جهنم خواهد بود.

در صورتی‌که صنعت‌عاری از فریب، تقلب و جعل‌کاری باشد، مال مردم حیف و میل نشده و در نهایت میان صنعت‌گر و استفاده‌کننده الفت و صمیمیت حاکمیت پیدا شده و نظام طبقاتی از بین رفته و عدالت اجتماعی تأمین می‌گردد.

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

رعایت این اصل اخلاقی نه تنها به اعتماد سازی میان افراد جامعه کمک می‌کند، بلکه پایه گذار پیشرفت صنعتی سالم و عدالت اجتماعی مستمر و پایدار است. و غش و فریبکاری و خیانت موجب بی‌اعتمادی و در فرجام به رکود و زوال معاملات می‌انجامد.

۴. احترام متقابل و ارج‌گرایی برای صانع: احترام یکی از ارزش‌های اخلاقی بنیادین است، اگر در تحولات صنعتی و روابط اجتماعی رعایت شود، موجب پیشرفت پایدار و تحقق عدالت خواهد شد.

پیامبر ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «أَنْزَلَ النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، وَأَحْسَنُ أَدَبِهِمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ» مردم را در جایگاه‌های شایسته شان از نظر خوبی و بدی قرار ده، و آنان را به نیکوترین شیوه بر اخلاق شایسته تربیت کن. (الخرائطي ۱۴۱۹ هـ ق - ۱۹۹۹ م). مکارم الأخلاق ومعاليها ومحمود طرائقها ۳۷/۱). البانی - رحمه الله- می‌گوید: حدیث ضعیف است، (الألبانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (ب.ت)، ضعیف الجامع الصغير وزیادته أشرف علی طبعه: زهیر الشاویش، المکتب الإسلامی. ۱/ ۱۹۴).

این حدیث نشان می‌دهد که احترام به‌دیگران، صرف نظر از جایگاه اجتماعی شان، از اصول اساسی اخلاق اسلامی است که رعایت آن موجب عدالت و همبستگی اجتماعی خواهد شد. احترام شامل همه اقشار جامعه است؛ چه در محیط کار، چه در صنعت و چه در مدیریت منابع باشد. اگر مدیران صنعتی به کارگران احترام بگذارند و به حقوق آنان توجه کنند، انگیزه و بهره‌وری افزایش می‌یابد. در مقابل اگر صنعتگران و کارگران نیز نسبت به کار خود احساس مسئولیت کنند و به قوانین احترام بگذارند، جامعه به سوی رشد و عدالت گام بر می‌دارد.

در محیط صنعت نباید شخص فخر فروشی، امتیاز طلبی، تفوق جوی، راحت طلبی کند و خود را نسبت به‌دیگران بهتر بشمارد. بغوی- رحمه الله- می‌فرماید: جایگاه و موقف هر شخص را الله متعال تعیین نموده است، لازم است قدر و جایگاه هریک را بدانیم. بغوی (۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م). شرح السنة ۲/۱).

احترام و تأثیر آن در تحولات صنعتی این است که به حقوق کارگران حرمت گذاشته شود و اصول اخلاقی در تولید و تجارت رعایت گردد و به ارزش‌های انسانی ارج گذاشته شود تا کارگران با انگیزه

و تعهد بیشتری کار کنند. بسیاری از کشورهای صنعتی موفق، اصول اخلاقی را در کنار فناوری رعایت کرده‌اند و به این ترتیب، پیشرفت پایدار و مستمر را تجربه نموده‌اند.

عدالت اجتماعی و توسعه پایدار بدون احترام به حقوق دیگران امکان پذیر نیست. اگر صاحبان قدرت و ثروت به حقوق فقرا و کارگران احترام بگذارند و از استثمار اجتناب کنند، فاصله طبقاتی کاهش یافته و جامعه‌ای متوازن و پایدار شکل می‌گیرد.

در محیط صنعت برای اشخاص مسلکی احترام و کارهای صانع مورد تمجید و تقدیر قرار گیرد تا شخص مسلکی نسبت به گذشته به کیفیت بهتر صنعت توجه نموده و در نهایت اشپای با کیفیت را در بازار عرضه دارند، پیامبر ﷺ در مورد تمجید چنین می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ» کسی که از مردم سپاسگزاری نکند، از الله متعال سپاسگزاری نکرده است. (الترمذی ۱۳۹۵هـ ق = ۱۹۷۵) سنن الترمذی ۵/۳ (۵۰۵).

از این حدیث استنباط می‌شود کسانی که در عرصه خدمات عامه، فراهم سازی سهولت و نفع رساندن به مردم فعالیت می‌نمایند، مورد تقدیر مالی و یا معنوی قرار گیرند.

کار فرما نباید کارگر به دیده حقیر بنگرد بلکه آن‌را به هر شیوه ممکن راضی نگه داشته تا کارگر در کارگاه احساس حقارت نکند، پیامبر ﷺ در مورد آشپز و دست پخت او چنین می‌فرماید: «إِذَا جَاءَكُمْ الصَّانِعُ بِطَعَامِكُمْ، قَدْ أَعْنَى عَنْكُمْ عَنَاءَ حَرِّهِ وَدُخَانِهِ، فَادْعُوهُ فُلْيَأْكُلْ مَعَكُمْ، وَإِلَّا فَالْقَمُوهُ فِي يَدِهِ» هرگاه آشپز، غذای شما را برای تان آورد، در حالی که شما را از رنج گرما و دود آن بی نیاز ساخته است، او را فراخوانید تا با شما بخورد و اگر (نتوانست یا نیامد) لقمه‌ای در دستش بگذارید. (احمد بن حنبل، مسند الامام احمد (۱۴۲۱هـ ق - ۲۰۱م)، ۵۱۸/۱۳).

این حدیث بر استحباب تکریم آشپز دلالت می‌کند، وقتی که آشپز احترام شود پس صانع صنعت به طریق اولی احترام شود.

۵. رعایت معیارهای و بین المللی در صنعت: دین مقدس اسلام بر تعادل در کار و صنعت تأکید داشته و از هر گونه افراط و تفریط در صنعت برحذر می‌دارد، افراط و تفریط در تمام امور دینی و دنیوی مذموم و تعادل و توازن مطلوب است، در صنعت معیارها و استانداردهای پذیرفته شده و بین المللی رعایت شود، تا صنعت روز به روز توسعه و کیفیت بالا برود، الله متعال کار بی کیفیت را دوست

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

نداشته چون ذات اقدس الهی مخلوقات را بی کیفیت خلق ننموده بلکه آن‌ها را خالی از افراط و تفریط با بهترین کیفیت و کمیت خلق نموده است، طبیعت کوها ایجاب می نمود تا قوی تر و محکم تر خلق شوند، لهذا الله متعال آنها قوی و مستحکم تر خلق نمود، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي لَدَيْهِ أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [النمل: ۸۸]. و کوه ها را می بینی (و) آنها را ساکن و بی حرکت می پنداری، حال آنکه مانند ابرها در سیر و حرکت هستند. آفرینش آن خدایی است که همه چیز را در کمال استواری پدید آورده است. بی گمان او به آنچه می کنی آگاه است.

امام طبری -رحمه الله- در ذیل آیت می نویسد: الله متعال هر چیز را درست، برابر و با کیفیت بالا و مستحکم خلق نموده است. (الطبري(۱۴۲۰ هـ ق - ۲۰۰۰ م). جامع البيان في تأويل القرآن ۱۹/ ۵۰۶)

همچنان ابن کثیر - ر حمه الله- در ذیل آیت می نویسد: هرچیز را الله متعال با قدرت و حکمت خود مستحکم تر خلق و در آن حکمتی نهاده است، او تعالی بر اعمال و صنعت بندگانش ناظر نیکوکاران را مکافات و بدکاران مجازات می نماید. (ابن کثیر(۱۴۲۰ هـ ق - ۱۹۹۹ م). تفسیر القرآن العظیم ۶/۱۹۵).

الله متعال در جای دیگر می فرماید: ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾ [السجدة: ۷] خدایی که هرچیزی را به نیکوترین وجه آفریده است. در خلقت و نظام کاینات کمبود و کاستی دیده نمی شود، انسان با بهترین شکل و قیافه خلق شده است، حیوانات، حشرات، خزندگان و... با اشکال مختلفه خلق شده اند، این همه تصادفی نبوده بلکه خالق و وجود دارد، اشکال آن‌ها را متناسب به حال خود شان شکل و خلق نموده است.

پیامبر ﷺ در زمینه دقت در اتقان و استحکام کار و صنعت و رعایت معیارها چنین می فرماید: عَنْ عَطَاءٍ قَالَ: لَمَّا دُفِنَ إِبْرَاهِيمُ، رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْقَبْرِ جُحْرًا فَقَالَ: «سُدُّوا الْجُحْرَ؛ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ لِلنَّفْسِ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ الْعَبْدُ عَمَلًا أَنْ يُتَّقَنَهُ» از عطاء-رحمه الله- روایت شده است که فرمود: هنگامی که ابراهیم (فرزند پیامبر) دفن شد، پیامبر- صلی الله علیه و سلم- در قبر سوراخی دید. پس فرمود: این سوراخ را ببوشانید؛ زیرا این برای نفس آرام بخش تر است. همانا خداوند دوست دارد که هرگاه بنده ای کاری انجام می دهد، آن را به خوبی و با دقت انجام دهد. (

أبو زيد النميري (١٣٩٩ هـ ق). تاريخ المدينة لابن شبة (٩٨/١). به راستی الله دوست دارد که هرگاه یکی از شما کاری را انجام می دهد، آن را به خوبی و با دقت انجام دهد. و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ وَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ لِيُحَدِّثَ شَفْرَتَهُ ثُمَّ لِيُرِخْ ذَبِيحَتَهُ» همانا الله عزوجل نیکی کردن در هر کاری را دوست دارد. پس هرگاه حیوانی را ذبح می کنید، نیکی ذبح کنید و هرگاه می کشید، نیکی بکشید. باید کارد خود را تیز کند و حیوان را راحت نماید. (قزوینی (ب.ط). سنن ابن ماجه ٢/١٠٥٨).

حدیث دلالت بر احسان و استحکام فعالیت دارد اگرچه فعالیت قصابی باشد، اتقان و استحکام در کار شرعاً مطلوب است.

طوری که الله متعال و رسولش در کیفیت و استحکام مخلوقات، معیارها را رعایت نموده اند، پس بر انسان، به خصوص مسلمان صنعت‌گر که خلیفه الله متعال و امت رسول الله ﷺ است، بروی لازم است که در کیفیت، استحکام، طراحی و ساخت صنعت به اندازه تلاش نماید که برای بیننده، استفاده کننده و خریدار جای گپ و ابراز نظر نماند. الله متعال تولیدات بی کیفیت را دوست ندارد، حتی اگر افراد و اشخاص متضرر نشوند،

صنعت و تولید، اگر با اخلاق همراه باشد، نه تنها موجب رفاه جامعه می شود بلکه عدالت اجتماعی را نیز تضمین می کند. توازن بین توسعه صنعتی و رعایت ارزش‌های اخلاقی نه تنها موجب رشد اقتصادی سالم می شود، بلکه عدالت اجتماعی را نیز در جامعه نهادینه می کند و این همان چیزی است که دین مقدس اسلام به آن دعوت کرده است اما اگر صرفاً به سود جویی و بهره کشی بی رویه از منابع و نیروی کار توجه شود، صنعت به ظلم و فساد کشیده خواهد شد. در نهایت . .

٦. پرداخت عندالموقع حقوق کارگران: در دین مقدس اسلام، رعایت حقوق کارگران و توجه به شرایط کاری آنان نه تنها یک وجیبه شرعی بلکه یکی از ارکان عدالت اجتماعی به شمار می رود. در محیط صنعت و روابط کاری، این حق بدون تأخیر و به موقع پرداخت شود. قرآن کریم و سنت نبوی در این زمینه تأکیدات بیشتر دارند، در زمینه الله متعال متعال، از زبان دختر شعیب علیه الصلاة والسلام چنین حکایت می کند: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَفَيْتَ لَنَا» [القصص: ٢٥]. پدرم تو را دعوت می کند، تا به تو پاداش آب دادن (گوسفندانمان) را بدهد.

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

مظهري-رحمه الله- در ذیل آیت می‌نویسد: موسی (علیه السلام) به خاطر اجرای حق الزحمه خواسته شد، ایشان دعوت را پذیرفت و جهت دریافت حق الزحمه رهسپار خانهٔ شعیب (علیه السلام) شد. (المظهري (ب.ط). التفسیر المظهري ۱۵۷/۷)

ایه مبارکه بر جواز اخذ اجرت دلالت می‌کند. بعد از اجرای کار، اگر چه اجیر تقاضای اجرت را نکند، کار فرما مکلف به پرداخت حق الزحمهٔ اجیر می‌باشد. طوری که موسی علیه الصلاة والسلام بعد از اجرای کار تقاضای اجرت را نکرد، اما پیشنهاد دریافت حق اجرت را اجابت کردند.

قرآن کریم پرداخت اجرت را بعد از اجرای کار، بالای فرمایش دهنده، استخدام و توظیف کننده فرض گردانیده است، چنانچه الله متعال می‌فرماید: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» [الطلاق: ۶] پس اگر (فرزندان تان) را برای شما شیر دهند، مزد شان را بپردازید.

بعد از انجام و اجرای موفقانه کار، اجرت بر مؤجر لازم می‌گردد. هم‌چنان حسب آموزه‌های اسلامی، اجیر فقیر که قیومیت طفل صغیر و یتیم را به عهده دارد، طبق عرف و عادات و به حد تکافؤ بدون افراط و تفریط، از مال یتیم اجرت خویش را دریافت کرده می‌تواند. این آموزه‌ها بیان‌گر آن است که اسلام برای اجیر ارج گذاشته و شخص استخدام و توظیف کننده را مکلف به پرداخت اجرت نموده است.

رعایت این اصل در شرایط صنعتی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار بوده تا جای که تأخیر در پرداخت حقوق می‌تواند باعث نارضایتی و اختلال در عملکرد کارگران شود. برای جلوگیری از چنین حالت و بحران، پیامبر ﷺ به تعجیل پرداخت اجرت تأکید نموده و می‌فرماید: «أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ، قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ» مزد کارگر را پیش از اینکه عرقش خشک شود، بدهید. (قزوینی (ب.ط). سنن ابن ماجه ۸۱۷/۲). به کارگر قبل از آن که عرقش خشک شود، دستمزدش را بدهید.

یکی دیگر از اصول اخلاقی این است که اجرت اجیر از قبل تعیین و بعداً نباید به بهانه‌های مختلف اجرت وی، کاسته شود. زیرا رسول الله ﷺ از اجاره گرفتن بدون تعیین اجرت نهی نموده است: «نَهَى عَنْ اسْتِجَارِ الْأَجِيرِ حَتَّى يُبَيِّنَ أَجْرَهُ» پیامبر (صلی الله علیه و سلم) از کارگر گرفتن کارگر پیش از روشن شدن مزدش، نهی کرده است. (الشیبانی احمد بن حنبل (۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م). مسند الإمام أحمد بن حنبل ۱۸/۱۹۳).

اسلام اجیر را مورد حمایت قرار داده است، اما بدین معنی نیست که وی در برابر اعمال و اجراءات خویش مسؤولیت نداشته نباشد بلکه مسؤول بوده و حتی مکلف به جبران خساره می‌باشد، چنانچه رسول الله ﷺ فرموده است: «الْأَجِيرُ مَضْمُونٌ لَهُ أَجْرُهُ، ضَامِنٌ لِمَا اسْتَوْدَعَ» کارگر مزدش تضمین شده است و نسبت به آنچه به او سپرده شده، ضامن می‌باشد. (ابن ابی شیبیه ۱۴۰۹ هـ.ق). المصنف فی الأحادیث والآثار ۴/ ۳۱۰).

در حدیث قدسی، پیامبر ﷺ توظیف‌کننده را از استعمار اجیر نهی و حتی شخص استعمارکننده را دشمن الله و رسولش معرفی نموده است، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ خَصَمْتُهُ: رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ غَدَرَ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ، وَلَمْ يُؤْفِقْ أَجْرَهُ « الله متعال می‌فرماید: سه نفر اند که من در روز قیامت، دشمن آنان هستم و کسی که من دشمن او باشم، به راستی مغلوبش خواهم کرد: مردی که به نام من عهد ببندد، سپس آن را بشکند (خیانت کند)، مردی که انسان آزاد را بفروشد و پولش را بخورد و مردی که کارگری را به کار گمارد، از او کار بگیرد ولی مزدش را ندهد. (طحاوی (۱۴۱۵ هـ.ق - ۱۴۹۴ م) شرح مشکل الآثار ۸/ ۱۳).

احادیث بر پرداخت کامل و به موقع حقوق کارگران دلالت می‌کنند، هر نوع استفاده جویی، غدر و خیانت با کارگر را نوع دشمنی با الله و رسولش دانسته است. زیرا تأخیر و عدم اجرای کامل حقوق و دستمزد نه تنها به کارگر آسیب می‌رساند بلکه می‌تواند به کاهش بهره‌وری و ایجاد ناخشنودی در محیط کار منجر شود.

گاهی اوقات ممکن مؤجر، فرمایش دهنده، استخدام یا توظیف‌کننده، دامنگیر مشکلات شود و نتواند اجرت را عندالموقع اجرا نماید، در این صورت بر اجیر لازم است تا برای مؤجر، توظیف، استخدام‌کننده یا کارفرما، فرصت و مهلت داده و نباید در مطالبه اجرت عجله کند، چون رسول الله ﷺ اجیر عجزول را مذمت نموده و گفته است: «إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَسْأَلَهُ شَيْئًا فَأَكُونَ كَالْأَجِيرِ السُّوءِ إِذَا عَمِلَ طَلَبَ الْأَجْرَةَ، وَكِنِّي أَعْمَلُ تَعْظِيمًا لَهُ» من از پروردگام عذوجل شرم می‌کنم که چیزی از او بخواهم، مبادا مانند کارگر بدی باشم که وقتی کاری انجام داد، مزدش را طلب می‌کند؛ بلکه من (عبادت او را) از روی بزرگداشت و تعظیم او انجام می‌دهم. (أصبهانی ۱۳۹۴ هـ.ق - ۱۹۷۴ م) حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء ۳/ ۲۴۲).

پس رعایت این اصل اخلاقی، سبب افزایش انگیزه و بهره‌وری، کاهش مشکلات اجتماعی، تقویت اعتماد و روابط کاری و جلب نیروی کار با کیفیت در محیط کاری می‌شود.

۷. قوت، امانت و مهارت: یکی از اصول اخلاقی در بخش صنعت این است تا اشخاص مسلکی، متخصص، قوی و امین توظیف و استخدام شوند، امانت و قوت موسی (علیه السلام) سبب استخدام اش به صفت اجیر گردید و قرآن کریم به خاطر الگو و نمونه‌گیری از آن یاد و می‌فرماید: ﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ، إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ [القصص: ۲۶]. یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر من! او را استخدام کن، همانا بهترین کسی است که استخدام می‌کنی: هم نیرومند (وهم) درستکار و امین است.

مؤجر در هنگام استخدام مستأجر، امانت و قوت وی را ارزیابی در صورتی که مستأجر به این دو صفت متصف باشد استخدام، در غیر آن از استخدام وی معذرت و صرف نظر صورت گیرد، چون قوت سبب جرأت، انجام و اجرای بهتر کار گردیده و امانت سبب خشیت از الله، مصؤونیت و حفاظت از مال و سرمایه می‌گردد.

اما این دو صفت برای اجیر و کارمند کافی و بسنده نبوده بلکه در کنار آن‌ها، سواد، مهارت، کتابت، توانایی و چگونگی مدیریت منابع مالی و بشری را حتمی و لازمی می‌باشد. طوری که الله متعال در وصف یوسف (علیه السلام) می‌فرماید: ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾. [یوسف: ۵۵] (یوسف) گفت: مرا بر خزائن این سرزمین بگمار که من نگاهدارنده ای دانا هستم.

از آیه مبارکه دانسته می‌شود که شخص مؤظف باید ذکی، هوشیار، با علم و درایت باشد، چون ذکاوت و هوشیاری، سبب می‌شود که مؤظف و کارمند کار را به وجه احسن انجام و طمعه توطئه دیگران نشود، درایت و علم سبب می‌شود که در امور سکتگی نیامده، به صلاحیت و وظایف غیر مداخله ننموده و شکار استفاده جویان قرار نمی‌گیرد.

پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَرَفَ» همانا الله، فردی را که دارای حرفه و مهارت است، دوست دارد. (الطبرانی (ب. ط.) المعجم الکبیر ۳۰۸/۱۲).

عواوده مصری در ذیل آیهی متبرکه می‌فرماید: باید کارمند نسبت به کار گماشته شده خویش مهارت و علم داشته باشد تا از عهده آن به موفقیت درآید، چون بدون علم کار به وجه احسن انجام نمی‌یابد. هرگاه کارمند داری و ویژگی علم و هوشیاری باشد، کار به خوبی پیش‌رفته و صاحب کار راضی می‌شود. (العواوده ۱۴۳۱ هـ ق - ۲۰۱۰ م). واجبات العمال و حقوقهم في الشريعة الإسلامية مقارنة مع قانون العمل الفلسطيني (۱/ ۴۰).

۸- **عدم سپردن کار به غیر اهل اش:** پیامبر ﷺ مایان را از استخدام اشخاص زیر سن و ناتوان، غیر متخصص و مسلکی بر حذر داشته و تأکید می‌نماید که حسب ظرفیت اشتغالزایی و استخدام صورت گیرد، چنانچه می‌فرماید: «لَا تُكَلَّفُوا الصَّغِيرَ الْكَسْبَ فَيَسْرِقُ، وَلَا تُكَلَّفُ الْجَارِيَةُ غَيْرَ ذَاتِ الصَّنْعِ فَتُكْسَبُ بِفَرْجِهَا، وَعِفْوًا إِذَا أَعْفَكُمُ اللَّهُ، وَعَلَيْكُمْ مِنَ الْمَكَاسِبِ مَا طَابَ لَكُمْ» کودک خردسال را به کسب و کار وادار نکنید که ممکن است به دزدی روی آورد، و کنیزی را مهارتی ندارد، به کار وادار نکنید که ممکن است با عورت خود درآمد کسب کند. و اگر خدا شما را پاک دامن قرار داده، پاک دامن بمانید، و از درآمدهایی بهرمنند شوید که برای تان پاک و حلال است. (ابن ابي شيبة - ۱۴۰۹ هـ ق). المصنف في الأحاديث والآثار ۴/ ۴۷۴).

سپردن کار به غیر اهل آن، منجر به تراکم کاری، عدم کیفیت کار، تداخل وظیفوی، تقابل و تضاد می‌شود، در زمینه پیامبر ﷺ « إِذَا وَسَدَّ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ » هرگاه کار (و مسئولیت) به دست نا اهلان سپرده شود، پس در انتظار قیامت (و نابسامانی و تباهی) باش. (البخاري ۵۱۴۲۲هـ). صحيح البخاري ۸/ ۱۰۴).

رعایت اصل متذکره موجب پیشرفت صنعت و توسعه پایدار اقتصادی می‌گردد، آیات و احادیث پیامبر ﷺ به رعایت این امر تأکید می‌ورزند.

۹. **عدم جواز احتکار و انحصار صنعت:** ادخار عبارت است از ذخیره کردن مال برای رفع نیازمندی احتکار به معنای نگه داشتن کالاها به منظور بالا رفتن قیمت و فروش آن‌ها با نرخ بیشتر در آینده. (بقاعي ب. ط). نظم الدرر في تناسب الآيات والسور ۴/ ۴۰۶).

احتکار به معنی انحصار تولید و صنعت، در دست یک یا چند طبقه خاص و یا دولت خاص و عدم اجازه تولید و یا تحریم تولید بر دیگران، انحصار در کارهای ذهنی نیز متصور است بدین معنی اگر متخصص و مسلکی داشته‌ها و مهارت‌های خویش را با دیگران شریک نسازد، چنین امر به انحصار

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

منجر و از دید شریعت مردود است، باید گفت طوری که انحصار ثروت در دست اغنیاء مردود است پس انحصار صنعت در دست یک تعداد خاص نیز مردود و منفور می باشد، هر نوع ممانعت و تعطیل کار و تعلیم اگر چه از سوی دولت باشد نوع احتکار بوده و شرعاً حرام است. صاحب تفسیر المنار در زمینه چنین می نویسد: «وَلَا يَتَجَرَّأُ فِيهَا حَاكِمٌ وَلَا زَعِيمٌ عَلَىٰ احْتِكَارِ عِلْمٍ مِنَ الْعُلُومِ أَوْ عَمَلٍ مِنَ الْأَعْمَالِ» هیچ حاکم و رهبری در آن جامعه جرأت نمی کند که دانشی از دانش ها یا کاری از کارها را به انحصار خود درآورد. (رشید رضا (۱۹۹۰ م). تفسیر المنار ۴/ ۱۳۶)

احتکار در دین مقدس اسلام به طور صریح نهی شده است؛ زیرا به عدالت اجتماعی آسیب می رساند و باعث می شود که نیازمندان نتوانند به کالاهای ضروری دسترسی پیدا کنند. الله متعال مطلق احتکار را ظلم و عدول از اسلام معرفی نموده است: چنانچه خدای متعال می فرماید: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نَذْفَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» [الحج: ۲۵] و کسی که از روی ستم در آنجا مرتکب خلاف گردد، عذاب دردناکی به او می چشایم.

در آیهی مبارکه الحاد به معنای احتکار آمده است و پیامبر ﷺ احتکار را در حرم الحاد معرفی نموده است. پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرمود: «احتکار الطعام في الحرم إحداه فيه» احتکار طعام و مواد خوراکی در حرم، ارتکاب الحاد در آن است. (السَّجِسْتَانِي (ب.ت). سنن أبي داود ۲/ ۲۱۲).

احتکار سبب بروز امراض، محرومیت از نعمت و منتج به ورشکستگی محتکر می گردد، رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ احْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامَهُمْ، ضَرَبَهُ اللَّهُ بِالْجُدَامِ وَالْإِفْلَاسِ» هرکس غذای مردم (مسلمانان) را احتکار کند، خداوند او را به بیماری جذام، فقر و ورشکستگی گرفتار می سازد. (قزوینی (ب. ط) سنن ابن ماجه ۲/ ۲۷۹).

«نَزَلَتِ الْمَائِدَةُ خُبْرًا وَلَحْمًا، وَأَمْرًا أَنْ لَا يَخُونُوا وَلَا يَدْخَرُوا وَلَا يَرْفَعُوا لِعَدٍ، فَخَانُوا وَادَّخَرُوا وَرَفَعُوا، فَمَسَحُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ» مائده (سفره آسمانی) نازل شد در حالی که نان و گوشت بر آن بود و به آنان (بنی اسرائیل) دستور داده شد که خیانت نکنند، ذخیره نکنند و چیزی برای فردا برندارند؛ اما آنان خیانت کردند، ذخیره کردند و برای فردا برداشتند، پس به صورت میمون ها و خوک ها مسخ شدند. (الطبری (۱۴۲۰ هـ ق = ۲۰۰۰ م) جامع البيان في تأويل القرآن ۱۱/ ۲۲۹).

پیامبر ﷺ محترک ملعون را و فراهم کننده را تشویق و عده رزق نموده است، در زمینه می‌فرماید: «الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ، وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ» کسی که کالا را (برای فروش) وارد بازار کند، روزی داده می‌شود، و کسی که آن را احتکار کند، ملعون است. (قزوینی (ب. ط) سنن ابن ماجه ۲۸۲/۳).

این حدیث نشان می‌دهد که احتکار یک عمل ناپسند و گناه آلود است. پس کسی که کالاهای ضروری مردم را انبار می‌کند تا قیمت آن بالا برود و سپس با سود بیشتر بفروشد، گناه کار معرفی شده است. این نشان می‌دهد که دین مقدس اسلام با احتکار که باعث سختی و فشار بر مردم می‌شود، مخالفت دارد و آن را رفتار ناپسند از نظر اخلاقی و دینی می‌داند.

مناقشه

جهانیان می‌پندارند که در تسخیر بازار، ساخت و ساز صنعت، آزادی مطلق داشته و می‌توانند با هر رهنمایی جلب توجه نمایند، اشیای را بی کیفیت ساخته و با تبلیغات تجارتي، گذاشتن جوایز، کالاهای تجارتي خویش را به فروش می‌رسانند. پنداشته می‌شود که انسان در بخش فعالیت‌های صنعتی و دنیوی مختار و هر نوع تصرف و خود کامگی را دارا می‌باشد. در حالی که انسان در بخش فعالیت‌های صنعتی آزادی مقید داشته و اسلام به خاطر جلوگیری از هر نوع استفاده جویی و استثمار، غبن و غدر، خود کامگی و انحصار، تصرفات بی‌مورد، معیارهای اخلاقی را معرفی کرده است، هرگاه انسان به آن متمسک شود سعادت دارین نصیب حال اش خواهد گردید و در نهایت شکران الله متعال را به جای آورده و او تعالی از ایشان می‌شود.

نتیجه گیری

قرآن کریم و سنت نبوی بهترین قواعد، قانون، معیارها و ارزش‌های اخلاقی برای صنعت، تولید بهتر و با کیفیت جهانی معرفی نموده است که با طبیعت انسانی مطابقت و همخوانی داشته و با شنیدن معیارهای متذکره، انسان امید وار و چشم به انتظار تطبیق معیارهای متذکره می‌گردد.

اسلام با عبارات و اصطلاحات مختلف بر صنعت، کیفیت و استحکام آن، تأکید داشته و مسلمانان را تشویق و ترغیب به صنعت نموده و هر نوع کسالت، تنبلی و توکل بدون تمسک به اسباب را مردود و از دادهای اسلام نمی‌داند.

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

ساخت و صنعت از ویژگی‌های انسان و متوجه او بوده که حیوانات و جمادات از آن مستثنی است، لذا ایجاب می‌کند که ساخت و صنعت را اخلاق همراهی کند. اخلاق در صنعت یعنی خلوص نیت، صداقت، سپردن کار به اهل‌اش، عدم غش و فریب‌کار و ... در صورت تحقق و رعایت اخلاق در صنعت و ساخت و ساز، فعالیت انسانی عبادت محسوب شده و شخص درجه و جایگاه صائم نهار و قائم لیل را کسب و کماهی می‌کند.

پیشنهادات

- ۱- علی‌الرغم آن‌که در آیات، احادیث و اقوال فقهاء، اصطلاح صنعت به کثرت دیده می‌شود، ولی در این زمینه نوشته‌ها خیلی نادر است، لذا پیشنهاد می‌گردد تا محققین، محصلان دوره‌های لیسانس، ماستری و دکتورا در این راستا بذل مساعی نموده و این خلا و کمبود را مرفوع سازند.
- ۲- حصر معیارهای ارزش اخلاقی در یک مقاله غیر ممکن به نظر می‌رسد، لذا پیشنهاد می‌گردد که در این راستا نویسندگان یک و یا چند جلد کتاب مستقل به رشته تحریر درآورده و بدسترس خوانندگان قرار دهند.
- ۳- برای صنعت پیشه‌گان، پیشنهاد می‌شود که اصول اخلاقی را در بخش صنعت رعایت تا از این طریق بتوانند بازارهای جهان را تسخیر و توجه مشتریان را جلب نمایند.

منابع

- ابن أبي شيبة، أبو بكر عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي، (١٤٠٩). المصنف في الأحاديث والآثار، المحقق: كمال يوسف الحوت، مكتبة الرشد - الرياض.
- ابن عساكر ابو القاسم علي بن الحسن (١٤١٥هـ - ق- ١٩٩٥م)، تاريخ دمشق، تحقيق: عمرو بن غرامة العمروي، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ابن قيم، شمس الدين محمد بن ابى بكر (١٣٩٣هـ - ق- ١٩٧٣م)، الفوائد. دار الكتب العلمية- بيروت.
- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي، (١٤٢٠هـ - ١٩٩٩ م). تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، دار طيبة.
- ابى نعيم احمد بن عبد الله الاصبهاني (١٣٩٤هـ - ق- ١٩٧٤م)، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، السعادة. أصبهاني، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران (١٣٩٤هـ - ١٩٧٤م). حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، دار السعادة - بجوار محافظة مصر.
- الألباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (ب.ت)، ضعيف الجامع الصغير وزيادته أشرف على طبعه: زهير الشاويش، المكتب الإسلامي
- البخارى، محمد بن اسماعيل (١٤٢٢)، صحيح البخارى، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.
- البخاري محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة ، أبو عبد الله (١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م). صحيح الأدب المفرد للإمام البخاري، حقق أحاديثه وعلق عليه: محمد ناصر الدين الألباني، دار الصديق للنشر والتوزيع.
- بغوي، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء الشافعي، (١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م). شرح السنة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط-محمد زهير الشاويش، المكتب الإسلامي - دمشق، بيروت.
- بقاعي، إبراهيم بن عمر بن حسن الرباط بن علي بن أبي بكر، (ب.ت). نظم الدرر في تناسب الآيات والسور دار الكتاب الإسلامي، القاهرة.

بوهندوى شهاب الدين ثاقب

البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسرَوُ جردى الخراساني، (١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م).
الأدب للبيهقي، علق عليه: أبو عبد الله السعيد المنذوه، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت - لبنان.

الترمذى، أبو عيسى محمد بن عيسى (١٣٩٥ هـ = ١٩٧٥) سنن الترمذى. تحقيق: احمد محمد شاكر و
محمد فؤاد عبد الباقي. طبع شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى مصر.

حسيني، محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي خليفة
القلموني، (١٩٩٠ م). تفسير المنار، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

الخراطي، أبو بكر محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاكر (١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م). مكارم الأخلاق
ومعاليها ومحمود طرائقها تحقيق: أيمن عبد الجابر البحيري، دار الآفاق العربية، القاهرة.

السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي، (ب.ت).
سنن أبي داود، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

الشياني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، (١٤٢١ هـ ق - ٢٠٠١ م). مسند الإمام
أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن
التركي، مؤسسة الرسالة.

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (ب.ت). المعجم الكبير،
المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، مكتبة ابن تيمية - القاهرة.

الطبرى، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد (١٤٢٠ هـ ق = ٢٠٠٠ م)، جامع البيان فى تأويل القرآن،
تحقيق: احمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة.

طحاوي، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري، (١٤١٥
هـ، ١٤٩٤ م). شرح مشكل الآثار تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة.

العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر (١٤١٩ هـ. ١٩٨٩ م). التلخيص الحبير
في تخريج أحاديث الرافعي الكبير، دار الكتب العلمية.

العوادة، سمير محمد جمعة، (١٤٣١ هـ - ٢٠١٠ م). واجبات العمال وحقوقهم في الشريعة الإسلامية
مقارنة مع قانون العمل الفلسطيني، جامعة القدس.

پوهندوی شهاب‌الدین ثاقب

عینی، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی (ب.ت). عمدة القاري شرح صحيح البخاري، دار إحياء التراث العربي.

قزويني أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد (ب.ت)، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

القشيري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن النيسابوري، (ب.ت). صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت.

المظهري، محمد ثناء الله، (ب.ت). التفسير المظهري، المحقق: غلام نبي التونسي، مكتبة الرشدية - باكستان.

النميري، أبو زيد، عمر بن شبة بن عبيدة بن ربيعة البصري، (١٣٩٩ هـ). تاريخ المدينة لابن شبة، حقه: فهيم محمد شلتوت.

فتوای غیر علمی و پیامدهای آن

پوهنمل عبدالرازق هدفمند^{۱*}، پوهنوال دكتور محمد سليم مدنی^۲

۱. دیپارتمنت فقه و قانون، پوهنخی شرعیات، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسؤول - ایمیل: com.ab.hadafmand@gmail.com

چکیده

آیات زیادی دلالت بر این دارند که تقوّل و افتراء بر الله ﷻ از جمله محرمات ابدی بوده و گناه بزرگ است؛ و هر آن کس که مرتکب آن شود در صورت عدم توبه و بازگشت جایش دوزخ است، آن گاه که این عمل سبب خروجش از اسلام گردد و در غیر آن تحت مشیّت الله ﷻ است اگر خواست او را عذاب می کند و یا این که برای او می آمرزد، چون فتوای غیر علمی و جاهلانه نوعی از تقوّل و افتراء بر الله ﷻ بوده؛ آفت و مصیبت بزرگی است که عماد و قوام جامعه را منهدم نموده و از هم می پاشد. خواستم با نگارش این مقاله پرده نامیمون و نخس را از روی این مشکل حاد و اساسی جامعه برداشته، و موافق همان هدایتی که علی رضی الله عنه برای ابن عباس رضی الله عنهما داده بود: (وَذَاكِرِ الْعَالَمِ) در حد مذاکره نمودن با علماء، نصیحت و خیرخواهی برای ائمه مسلمین و عامه مسلمانان مسؤلیت ایمانی و اخلاقی خویش را اداء نمایم تا همان اهداف بلندای که عبارت از حراست دین الله ﷻ و برحذر داشتن از اصدار فتوای غیر علمی و جاهلانه بوده که در این مقاله جلوه نمائی می کند به دست رس شائقین علم و معارف اسلامی قرار گرفته، و باعث بر آن گردد که امارت اسلامی جلو مفتیان جاهل و ماجن را گرفته و آن ها را از فتوا دادن جاهلانه منع نموده و در مقابل کسانی که اهلیت لازم برای افتاء را دارند این منصب سترگ را بدان ها تفویض نماید.

واژه های کلیدی: سلف صالح، فتوا، مفتی

Unscientific Fatwas and Their Consequences

Senior Teaching Assistant Abdul Raziq Hadafmand^{1*}, Associate Professor
Dr. Mohammad Salim Madani²

1. Department of Fiqh and Law, Faculty of Sharia, Al-Biruni University

* Corresponding Author – Email: ab.hadafmand@gmail.com

* Corresponding Author Email: Sebghatullah.jalili784@gmail.com

Abstract

Numerous Qur’anic verses indicate that fabricating statements about Allah Almighty (taqawwul and after against Allah ﷻ) constitutes one of the eternally prohibited acts and is among the gravest sins. Whoever commits such an act, if he does not repent and return [to the truth], his abode shall be Hell, particularly when this act leads to apostasy from Islam. Otherwise, his matter remains under the will of Allah ﷻ: He may punish him if He so wills, or forgive him if He so wills. Unscientific and ignorant fatwas are a form of fabricating lies against Allah ﷻ; they represent a great calamity and affliction that undermines and destroys the very foundations and cohesion of society. Through writing this article, I intend to remove the ominous and inauspicious veil from this acute and fundamental societal problem. In accordance with the guidance given by Ale (may Allah be pleased with him) to Ibn Abbas (may Allah be pleased with them both) “And engage in scholarly dialogue with the learned I seek, within the framework of scholarly discussion with scholars, sincere advice, and goodwill toward the leaders of Muslims and the general Muslim public, to fulfill my faith-based and ethical responsibility. The lofty objectives pursued in this article, namely, safeguarding the religion of Allah ﷻ and warning against the issuance of unscientific and ignorant fatwas, are presented herein so that they may reach seekers of Islamic knowledge and learning. It is further hoped that this will lead the Islamic Emirate to restrain ignorant and immoral individuals from issuing fatwas, prohibit them from reckless verdicts, and instead entrust this noble and weighty position to those who possess the necessary qualifications and competence for issuing legal opinions (ifta’).

Keywords: (Salaf al-Ṣāliḥ), Fatwa, Mufti

مقدمه

الحمد لله الذى حرم القول عليه بغير علم، فقال فى محكم كتابه: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [سورة الأعراف: آية: ۳۳]

«بگو ای پیامبر ﷺ! جزاین نیست که پروردگارم فواحش را حرام کرده است، آنچه آشکار باشد از آن و آنچه پوشیده باشد و گناه را حرام کرده است؛ و حرام کرده تعدی ناحق را و این که چیزی را با الله ﷻ شریک مقرر کنید، که هیچ دلیلی بر حقانیت آن نازل نکرده است و حرام کرده است، بر شما این که چیزی را که نمی دانید به الله ﷻ نسبت دهید».

هم چنان الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [سورة الإسراء: آية: ۳۶] «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال نکن زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد»

و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمداً عبده و رسوله صلى الله عليه وسلم و على آله وسلم تسليماً كثيراً إلى يوم الدين.

أما بعد

از آن جایی که اقتضای رحمت بی پایان الله ﷻ چنان است، که در زمان فترت و انقطاع پیامبران علیهم السلام بقایایی از اهل علم را جهت هدایت و رهنمایی بنده گانش خلق نموده، و وظیفه سترگ دعوت را به دوش ایشان گذاشت، تا گمراهان را به حق و راه راست دعوت نموده وسیله نجات شان از تاریکی ها و گرداب های هلاکت و نابودی شوند، و بر اذیت و آزاری که دامن گیر شان می شود صبر نموده و اجر و پاداش خود را از الله عزیز و حمید جویا گردند، و بر بنده گانش دستور داده است: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [سورة النحل: آية: ۴۳]

«اگر چیزی را نمی دانید از اهل علم بپرسید».

در صورت عدم توجه به احکام و فرامین الهی و خود را متصدی نمودن امری که بدان علم نداشته و سبب گمراهی دیگران می گردد در این مورد الله ﷻ می فرماید: ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾ [سورة النحل: ۲۵]

«آنان باید که در روز قیامت بار گناهان خود را به تمام و کمال بر دوش کشند، و هم برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون آگاهی گمراه ساختند؛ ها! چه بار گناهان بدی را بر دوش می‌کشند!».

چون در این مورد، آیات متعددی موجود است، لکن جهت صرفه جویی از وقت به آنچه تذکر داده شده اکتفاء می‌نمائیم، و می‌پردازیم به مطلبی که ما در پی برآوردن آن هستیم.

زیرا تا اکنون موضوع به طور عام مورد بحث و بررسی قرار گرفته که فتوای غیرعلمی جزء ای از آن بوده و در عین حال صُلب موضوع و هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد، لهذا ایجاب می‌نماید که روند نوشتاری آهسته آهسته به سوی هدف اصلی سوق داده شود؛ که جوینده، مطلب را زود تر و آسانتر به دست آرد.

بدین ملحوظ موضوع را در پرتو یک حدیث و گفتار یکی از علماء به بررسی گرفته و وانمود خواهیم ساخت که هدف اصلی و موضوع محوری ای که ما روی آن بحث داریم همین است و این که روی چه اهدافی برگزیده شده؛ در اخیر به آن اشاره خواهیم نمود.

اما در نخست می‌پردازیم به ذکر همان حدیثی که در فوق به آن اشاره نمودیم.

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ حَتَّى إِذَا لَمْ يَبْقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جُهَالًا فَسُئِلُوا فَأَمَتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» [البخاري، صحيح البخاري، ناشر: دار ابن كثير، بيروت: ج ۱ ص ۱۷۶ ش ۹۸]

«از عبدالله بن عمرو عاص رضی الله عنهما روایت شده که فرمود: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: الله ﷻ علم را به صورت بر کندن کامل از بندگان بر نمی‌گیرد، ولی علم را با بر گرفتن علماء از میان می‌برد. تا آن که عالمی باقی نگذارد و مردم افراد جاهل را رئیس خود برگزینند؛ از آن‌ها سوال شود و آنان هم از روی نادانی پاسخ دهند در نتیجه خود گمراه شدند و دیگران را هم گمراه ساختند».

در روشنائی مطالب فوق، اهمیت و جایگاه موضوع بر ملا گردیده دیگر ابهامی در ذهن خواننده باقی نخواهد ماند، این که موضوع، روی کدام اهداف انتخاب گردیده و در عصر کنونی چه مشاغل اجتماعی را حل می‌نماید به نکات ذیل عطف توجه نمائید:

اهداف تحقیق

۱- در عصر کنونی که ما شاهد آن هستیم می بینیم که، آفت و مصیبتی بزرگی دامنگیر این امت شده و آن اینکه افراد نا اهل و بی تقوا در هر گوشه و کناری خود را متصدی این امر خطیر قرار داده، و بی باکانه و بدون تحقیق آنچه که خوش شان می آید، بدان فتوا می دهند این که همچو فتوهای غیر علمی و بدون تحقیق چه پیامدهای دارد؟ از درک آن عاجز و یا از پیامد سوء آن بی خبر اند، بر علماء است که در این مورد سکوت نکرده و مسؤلیت خویش را اداء نمایند.

۲- چون عماد و قوام دین، نصیحت و خیر خواهی است. چنانچه پیامبر ﷺ می فرماید:

«عَنْ أَبِي رُقَيْةَ تَمِيمِ بْنِ أَوْسِ الدَّارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الدِّينُ النَّصِيحَةُ قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَنْمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»». [النيسابوري، مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، ناشر: دار الجليل - بيروت، عام الطبع: ۱۳۳۴هـ، ج ۱ ص ۱۸۲]

«از ابو رقيه تميم بن اوس داري رضي الله عنه روايت است که: پیامبر ﷺ فرمود: دين عبارت از نصيحت و خیر انديشي است. گفتند: براي چه کسي؟ فرمود: براي الله براي کتابش و رسولش و براي پيشوايان مسلمان ها، و براي همه مسلمانان».

خواستم با استناد از این حدیث خیر خواه مشفق و مخلص بر ایشان بوده و منجیث یک برادر کوچک آن‌ها در خدمت‌شان قرار گیرم، چون علمای پیشین امت همچو امام نووی رحمه الله در ذیل این حدیث نگاشته است:

«وَأَمَّا نَصِيحَةُ عَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَهُمْ مِنْ عَدَاؤِ الْأَمْرِ فَإِشَادُهُمْ لِمَصَالِحِهِمْ فِي آخِرَتِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ، وَكَفَّ الْأَذَى عَنْهُمْ فَيَعْلَمُهُمْ مَا يَجْهَلُونَهُ مِنْ دِينِهِمْ، وَيُعِينُهُمْ عَلَيْهِ بِالْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، وَسَتْرَ عَوْرَاتِهِمْ، وَسَدَّ خَلَاتِهِمْ، وَدَفَعَ الْمَضَارَّ عَنْهُمْ، وَجَلَبَ الْمَنَافِعَ لَهُمْ، وَأَمْرَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْهِمْ عَنِ الْمُنْكَرِ بِرَفْقٍ وَإِخْلَاصٍ، وَالسَّفَقَةَ عَلَيْهِمْ، وَتَوْفِيرَ كَبِيرِهِمْ ...» [نووي، محيي الدين يحيى بن شرف؛ شرح النووي على مسلم، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت عام الطبع: ۱۳۹۲هـ، ج ۱ ص ۱۴۴]

«هرچه مراد از نصیحت عامه مسلمین که ایشان غیر امراء اند اینست که آن‌ها را به مصالح دنیوی و اخروی‌شان رهنمائی و ارشاد نمائی، آزار و اذیت را از آن‌ها دفع نموده و آنچه که از دین خویش آگاهی ندارند بر ایشان بیاموزی و با گفتار و عمل آن‌ها را کمک نمائی، عیوب و آنچه از اظهار آن متأثر می‌شوند آن‌را ستر نموده و بپوشانی و رشکستگی‌های‌شان را جبیره نموده، گزند و نقصان را از

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

ایشان دفع نمائی، و جلب منافع را برای شان در نظر داشته و طلب نمائی، ایشان را با اخلاص و شفقت آمر به معروف و نهی از منکر نموده و به بزرگان و علمای شان احترام بگذاری...»
چون ضرر فتوا دادن بدون علم به دین و جامعه خیلی زیاد بوده، و نصوص متعددی از کتاب و سنت در این مورد آمده است لهذا اهداف این موضوع هم خیلی گسترده است.

لهذا جهت احتراز از تطویل بحث موضوع را با ذکر یک مثال عقلی به پایان می‌رسانیم. ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾

۳- هرگاه کسی در رشته طبابت تحصیل نکرده و از آن مدرکی به دست نداشته باشد و کلینیک تشخیصیه‌ای باز نماید فوراً از طرف مقامات ذی صلاح دروازه اش بسته می‌گردد و برایش گفته می‌شود تو سبب هلاکت و نابودی مردم می‌گرددی، و تو حق تشخیص و تداوی را نداری و یا اگر کسی بدون این‌که پوهنخی فارمسی را خوانده باشد، دواخانه‌ای باز نماید هکذا او را جزاء داده و محجورش می‌دارند و بدین منوال هرگاه شخصی پوهنخی وترنری را نخوانده باشد از تداوی حیوانات او را مانع می‌شوند و برایش گفته می‌شود تو اهل این فن نیستی و سبب هلاکت حیوانات مردم می‌گرددی، و صدها مثال دیگر... حتی اگر کسی از عقل کافی برخوردار نباشد او را از تصرف در مالش محجور می‌دارند.

واحسرتا! بر حال مسلمانان امروزی که هرکس و ناکس خود را متصدی این امر بزرگ و خطیر (فتوا دادن) معرفی نموده و با عبا و قباء نامیمونش هزاران فتنه و فساد را ایجاد می‌نماید، و هزاران شخص دیگری را به گمراهی و ضلالت سوق می‌دهد... ولیکن یک داد خواه و حراست گر از این دین نیست که از جناب عالیقدر بپرسد، چه خواندی، روی کدام دلیل فتوا می‌دهی شواهد و مدرکی در این فن داری، آیا درجه فقاہت و دانایی تو در دین ایجاب می‌کند، که متصدی این مقام بزرگ شده و از دین حراست نمایی و صدها پرسش دیگر...؟

بدین ملحوظ است که علماء در کتب خویش تحت عناوین خاصی، این مطلب را به بررسی گرفته

و بر

امیر مسلمانان هدایت داده اند، که مفتیان جاهل و ماجن را از اصدار فتوا منع نمایند.

با در نظر داشت مطالب فوق اهداف، مکانت و اهمیت این موضوع را دریافتیم و دانستیم که یکی از راه‌های حفاظت و حراست از دین، اجتناب از فتوای غیر علمی است.

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

همین اهداف سامی و سترگ باعث آن گردید تا مقاله علمی‌ای را در این مورد تحریر نموده و خدمت شایقین علم و دانش، نثار داعیان دلسوز نمایم.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: فتوای غیر علمی از دیدگاه شریعت چه حکم داشته و پیامدهای دنیوی و اخروی آن چیست؟

سوالات فرعی

- ۱- اسباب، علل، و انگیزه‌های فتوای غیر علمی چه بوده منبع و منشأ آن کدام‌ها اند؟
- ۲- علاوه بر اضرار اخروی که تعلق به شخص مفتی داشته اضرار و پیامدهای اجتماعی آن چه بوده و کدام‌ها اند؟

پیشینه تحقیق

یقیناً مرور پیشینه؛ منطق اساسی تحقیق را ارائه می‌دهد و خاستگاه بیان مسأله پرسشها یا فرضیه‌های تحقیقی بوده و طرح تحقیقی محقق است، چون در باره اغلب موضوعات کم و یا بیش تألیف و یا تحقیقی صورت گرفته است. لذا بر یک محقق لازم است که قبل از گردآوری اطلاعات و اساساً قبل از آغاز تحقیق باید پیشینه تحقیق را پیرامون موضوع، مطالعه و بررسی نماید. و در واقع آن‌ها را ارزیابی نموده و در پرتو آن‌ها تحقیق متمایز با تحقیقات قبلی ارائه دهد.

بدین ملحوظ بنده با مراجعه به آثار سابقین دریافتم که تعداد کثیری از علماء و دانشمندان، تحت عناوین مختلفی در مورد فتوی تألیفاتی ارزشمند و گران سنگی دارند، که هر یک مقام شامخی را در مکتبه اسلامی به خود اختصاص داده است و همچون چراغ‌های پر فروغی می‌درخشند؛ زمانی که انسان از گستردگی و غزارت علمی مؤلفین مطلع می‌گردد، مبهوت و حیران مانده و قلم از دستش می‌افتد، گویا همه چیز را نوشته اند و در هر بخشی بطور گسترده و یا نسبی معلومات ارائه نموده اند.

طور نمونه عده ای از آنها را نام می‌گیرم

- ۱- ضوابط الفتوی فی الشریعة الإسلامیة أصل هذا الكتاب رسالة ماجستير مقدمة من الطالب محسن صالح ملا نبي صالح الدومنيكي؛ (الطبعة الثانية: ۱۴۲۸ هـ ناشر: مکتبه نزار مصطفى البان).
- ۲- التيسير في الفتوى أسبابه و ضوابطه تألیف عبدالرازق عبدالله صالح بن غالب الکندي - ناشر مؤسسة الرسالة.

۳- رساله في منزلة الفتوى و عظم الإقدام عليها و أن السلف كانوا يتوقونها- تأليف ابو عبدالملك أحمد بن عبدالله السلمي، ناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع.

۴- الفتوى بين المفتي و المستفتي؛ إعداد: د/ وليد بن عبدالرحمن الحمدان أستاذ الفقه و أصوله المشارك بجامعة الملك سعود الرياض كلية التربية - قسم دراسات الإسلامية ۱۴۴۱ هـ ق.

۵- الفتوى بغير علم و أثرها على المجتمع؛ تأليف: راشد بن عبدالرحمن بن رذن البداح، مكتبة صيد الفوائد، ناشر: دار البشائر الإسلامية، بيروت، عام النشر: ۱۴۲۹ هـ ق.

چون در این مورد به طور عام آثار زیادی نگاشته شده و علاوه بر آن‌ها در فصول و ابواب؛ در کتب متعدد دیگری هم روی آن بحث صورت گرفته است؛ لهذا به ذکر آنچه که در فوق تذکر داده شد اکتفاء می‌نمائیم و بر می‌گردیم روی صُلب موضوع و مقاصد محوری مقاله که همانا فتوی غیر علمی و پیامدهای آن می‌باشد که در بعضی کتب و آثار کم رنگ جلوه‌نمایی می‌نماید و بر عکس در بعضی از آن‌ها روی آن تمرکز خوبی صورت گرفته است؛ که قابل منبع بودن را دارد. به هر حال چون در زبان فارسی روی این موضوع کدام آثار و یا مقاله علمی‌ای نگاشته نشده بود لازم دانسته شد که موافق مقتضای حال مقاله هذا تحریر گردد.

روش تحقیق

یقیناً روش تحقیق در هر علم نظر به ساحت کاربردی آن تفاوت داشته که در حوزه علوم شرعی از شیوه کتابخانه‌ای استفاده بیش‌تر به عمل آمده و کاربرد خوبی دارد که این تحقیق نیز به همان روش نگارش یافته و مشتمل بر شیوه توصیفی و تحلیلی است.

الفتوى

معنای لغوی فتوی: در لغتنامه «لسان العرب» از ابن منظور چنین آمده است: الفتوى {الإبانة} یعنی ظاهر ساختن، بیان نمودن چنانچه گفته می‌شود {أفتاه في الأمر} یعنی موضوع را برایش بیان نمود. و یا این‌که گفته می‌شود، {أفتاه في المسئلة} یعنی جواب سوال او را ارائه کرد.

{والفتوى تبين الحكم} فتوی بیان کردن حکم است چنانچه گفته می‌شود {أفتى الفقيه في المسئلة} إذا بین حکمها فتوی داد فقیه و دانشمند در آن مسأله وقتی که حکم آن را بیان نماید. [الأصاري، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، ناشر: دار صادر بیروت عام الطبع: ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۵ ص ۱۴۷] [قروینی، أحمد بن فارس بن زکریاء، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، ناشر: دار الفكر؛ عام النشر: ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، ج ۶ ص ۱۵۵] هر چند در مورد مدلول لغوی فتوی علمای مطالب خوبی را بیان داشته‌اند لکن جهت اختصار به آنچه در فوق ذکر گردیده اکتفاء می‌نماییم.

معنای اصطلاحی فتوی

در تعریف اصطلاحی فتوی، علماء دیدگاه متفاوتی دارند.

۱- بعضی چنین گفته اند: (الإخبار بحکم الله عن دلیل شرعی) خبر دادن از حکم الله ﷻ با دلیل شرعی.

۲- (الإخبار عن حکم الله تعالیٰ فی إلزام أو إباحة)

ترجمه: خبر دادن از حکم الله تبارک و تعالیٰ در آنچه که لازمی و فرض بوده و یا مباح باشد.

[القرافی، شهاب الدین أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن، ناشر: عالم الکتب، الفروق: ج ۴ ص ۵۳]

۳- (الإخبار عن الحکم الشرعی عن دلیل شرعی علی غیر وجه الإلزام)

ترجمه: خبر دادن از حکم شرعی که مستند با دلیل شرعی بوده که وجه تنفیذی و الزامی را دارد.

قابل تذکر است در این تعریف علماء قید گذاشته اند (علی غیر وجه الإلزام) مراد آنها این است که بالای مفتی لازم نیست تا تنفیذ و اجرای فتوای را که برای مستفتی داده است پی گیری نموده و تعقیب نماید و در غیر آن فتوای مفتی شرعاً الزام آور بوده و فتوا گیرنده را به اجراء و تعمیل محتوای آن را می دارد. مانند پرداخت حقوق به صاحبانش و ادای زکات و مانند این ها در حالی که اجراء تعقیب و تنفیذ مفتی به وظیفه قاضی و حاکم است نه از مفتی [الکندی، عبدالرازق عبدالله صالح بن غالب، التیسیر فی الفتوی، مؤسسة الرسالة، نقلاً عن الشبكة الدولية، ص ۱۹]

۴- فتوا عبارت از متن و نص جواب مفتی می باشد و به عبارت دیگر: حکم شرعی ای است که

مفتی با اصدار فتوا از آن خبر می دهد. [اصول دعوت مترجم: مؤمن حکیمی: ص ۲۰۱]

۵- (الإخبار بحکم الله تعالیٰ بإجتهد عن دلیل شرعی لمن سأل عنه فی أمر نازل) خبر دادن است از

حکم الله تعالیٰ با اجتهاد از دلیل شرعی برای کسی که سوال می کند از او در کار و پیش آمدی که به وقوع پیوسته است. [التیسیر فی الفتوی: ص ۱۹].

این بود نکات چندی به طور خلاصه و مختصر که پیرامون معنای لغوی و اصطلاحی فتوا که خدمت تان ایراد گردید و در نهایت ایجاب می نماید که به صلب موضوع و مقاصد محوری که همانا فتوای غیر علمی و پیامدهای آن است پرداخته شود ولیکن قبل از ورود به آن باید در مورد مقام و منزلت مفتی با کفایت که شروط افتاء را دارا بوده مطالبی را خدمت پوینده گان علم و دانش تقدیم نمود.

موجودیت مفتی واجب است

علماء بر این اذعان دارند، موجودیت مفتی با کفایت که شروط افتاء را داشته باشد از فرض های کفایی بالای امت اسلامی می باشد.

بنابر این واجب است که در هر شهر و قریه حد اقل یک مفتی وجود داشته باشد تا در مسایلی که برای مردم پیش می آید و سوال های که مطرح می گردد فتوای مناسب دهد و حتی قبل از سوال کردن به تعلیم آن ها اقدام نماید. شماری از علماء موجودیت تعداد زیاد مفتیان را لازم دانسته و می گویند که باید حد اقل در مسافه که نماز قصر می گردد باید یک مفتی وجود داشته باشد. [سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الأشباه والنظائر للسیوطی، ناشر: دار الکتب العلمیة، عام الطبع: ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م، ص ۴۱۴]

و حتی بخاطر بیان اهمیت موجودیت مفتی گفته اند: در مکانی که مفتی نباشد؛ سکونت کردن در آن جا حرام است و مسلمانان باید از آنجا هجرت نموده و به مکانی بروند که مفتی زندگی می کند تا احکام دینی خود را فرا گرفته و حکم شرعی را در مورد حوادثی که برای شان اتفاق می افتد بدانند. **امام ابن حزم فرموده:** بر هر جامعه که در قریه شهر و یا قلعه زندگی می کنند فرض است، که تعدادی از آن ها به طلب علوم دینی بر آمده و آن را بیاموزند. قرآن و حدیث؛ مخصوصاً احادیث احکام را به صورت درست فرا گرفته و به تعلیم و تربیت اجتماع خود بپردازند. اگر در محله و منطقه بود و باش شان کسی وجود نداشت که آن ها را تعلیم دهد بالای شان فرض است، که از آن جا هجرت کرده و به جایی بروند که مجتهدینی در تمام بخش های علوم اسلامی وجود داشته باشد اگر چه خیلی دور هم باشد. [قرطبی، علی بن أحمد بن سعید بن حزم، الإحکام فی أصول الأحکام، ناشر: دار الآفاق الجدیدة، بیروت، ج ۵ ص ۱۱۴].

پس جامعه مکلف است که شرایطی را آماده سازد تا یک تعداد افراد بتوانند احکام دین را آموخته و به قدر کافی تفقه حاصل نمایند، و بعد از آن به آموزش مردم اقدام کرده و در حوادثی که برای مردم پیش می آید، مطابق شرع فتوای لازم بدهند.

از آن جایی که امیر مسلمانان ممثل جامعه اسلامی می باشد و اوست که مکلفیت بر آوردن مصالح شان را به دوش دارد؛ لذا او باید به نیابت از جامعه به تربیت مفتی های با کفایت و اهلیت اقدام نموده وسایل ضروری و لازم را برای آموزش آن ها مهیا سازد. مدارسی را بخاطر آموزش علوم دینی تأسیس کند؛ شاگردان ممتاز را برای آن انتخاب نماید و بودجه ای خاصی را برای شان تخصیص دهد تا آن ها بتوانند تحصیلات خود را به وجه احسن به اتمام برسانند. و بعد از فراغت، آن ها را به منصب افتاء تعیین

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

نموده و معاش کافی برای شان مقرر نماید تا ضرورت به کسب و کار دیگری نداشته و فقط برای افتاء فارغ باشند. [نووي، محيي الدين يحيى بن شرف، المجموع شرح المهذب، ناشر: دار الفكر، ج ۱ ص ۴۷] [اصول دعوت؛ مترجم: مؤمن حکیمی].

نمونه‌هایی از تحذیر و استادگی سلف صالح نسبت به فتوا دادن

با در نظر داشت مطالب فوق جایگاه و مقام شامخ مفتی را از دیدگاه شریعت اسلامی در می‌یابیم ولی باز هم سلف این امت را می‌بینیم که تا حد توان از متصدی شدن این امر احتراز نموده و کناره‌گیری می‌نمایند. به‌طور نمونه به داستان چندتن از آن‌ها گوش فرا می‌دهیم.

[روى الإمام أحمد و غيره عن عبد الرحمن بن أبي لیلی قوله: "أدرکت عشرين ومائة من الأنصار من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم يسأل أحدهم عن المسألة، فيردها هذا إلى هذا، وهذا إلى هذا، حتى ترجع إلى الأول" صحيح] [الألباني، محمد ناصر الدين، المكتبة الشاملة، صحيح و ضعيف - سنن الترمذی: ج ۷ ص ۴۵۲] [فتاوی قطاع الإفتاء بالکویت: ج ۴ ص ۶].

«امام أحمد و دیگر محدثین از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت نموده‌اند که فرمود: یکصد و بیست نفر از اصحاب رسول الله ﷺ را که همه انصار بودند یافتیم هرگاه یکی از ایشان از مسأله‌ای پرسیده می‌شدند آن مسأله را یکی به دیگری رد می‌نمودند (و جواب نمی‌گفتند) تا این‌که همان مسئله به نفر اولی باز می‌گشت.»

[وقال البراء (۱) "لقد رأيت ثلاثمائة من أصحاب بدر، ما فيهم من أحد إلا وهو يحب أن يكفيه صاحبه الفتيان"] [أخرجه الخطيب (الفقيه والمتفقه) رقم: ۱۰۷۶، نجم الدين أحمد بن حمدان الحراني؛ صفة المفتي والمستفتي: ص ۱۳۱].

«براء گفت: به تحقیق سه صد نفر از اصحاب بدر را دیدم که هیچ یکی از آن‌ها نبود مگر این‌که دوست داشت رفیقش او را از فتوا دادن بی‌نیاز ساخته و جواب گوید.

[عن عبيد الله بن عمر، أن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: «اتقوا الرأي في دينكم» وأسأنيذ هذه الآثار عن عمر، في غاية الصحة أعلام الموقعين ۱/ ۵۴-۵۵]. [أنيس الساري تخريج أحاديث فتح الباري، ج ۴ ص ۲۶۷۱، عسقلاني، أحمد بن علي بن حجر، فتح الباري ناشر: دار المعرفة - بيروت، ۱۳۷۹، ج ۵۳ ص ۶۵۲].

«از عمر رضی الله عنه روایت است که فرمود: از رأی و نظریه پردازى در دین تان بپرهیزید.»

- هو: الصحابي الجليل البراء بن عازب - رضي الله عنه - توفي سنة ۷۲ هـ. تُنظر ترجمته في (سير أعلام النبلاء) رقم: ۳۹، ۳/ ۱۰۹۴.

{وكان عمر و علي و عامة خيار الصحابة رضي الله عنهم كانت ترد عليهم المسائل و هم خير القرون الذي بعث فيه النبي صلى الله عليه وسلم و كانوا يجمعون أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم و يسألون ثم يفتون فيها} [فتاوى و إستشارات الإسلام اليوم: ج ١٧ ص ١٥٩، الموقع: <http://www.islamtoday.net>]

{از عادت همیشگی عمر و علی و عامه ای اصحاب برگزیده شده رسول الله ﷺ که ایشان خیر القرون و بهترین امت اند و پیامبر ﷺ در بین شان مبعوث گردیده این بود که هرگاه برای شان مسائل و موضوعاتی پیش می آمد؛ اصحاب پیامبر ﷺ را جمع نموده و از ایشان می پرسیدند و باز در آن مورد فتوا می دادند.

{وقال ابن مسعود رضي الله عنه "من أفتى النَّاسَ في كُلِّ ما يسألونه عنه فهو مجنون"} [نجم الدين أحمد بن حمدان الحراني؛ صفة المفتي و المستفتي: ص ١٣٢].

{از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: کسی که به تمام سوالات و آن چه که از او می پرسند جواب گوید دیوانه است.}

{قال عبد الله: سألت أبي -أي: الإمام أحمد بن حنبل- رحمه الله تعالى- عن الرجل تكمن عنده الكتب المصنفة، فيها قول الرسول -صلى الله عليه وسلم، واختلاف الصحابة والتابعين، وليس للرجل بصر بالحديث الضعيف المتروك، ولا بالإسناد القوي من الضعيف، فهل يجوز له أن يعمل بما شاء، ويتخير ما أحب مما يجده في الكتب فيفتي ويعمل به؟ قال أي: الإمام أحمد بن حنبل: لا يعمل حتى يسأل أهل العلم عما يأخذ به منها، حتى يكون علمه على وجه صحيح}. [زيدان؛ عبدالكريم؛ أصول الدعوة: ص ١٦٢ مترجم: مؤمن «حکیمی»]

{عبدالله بن أحمد بن حنبل می گوید: از پدرم (امام أحمد بن حنبل) در مورد کسی سؤال کردم که کتاب های حدیث نبوی و اقوال مختلف صحابه و تابعین را نزد خود دارد، اما در شناخت حدیث آگاهی نداشته؛ ضعیف و متروک را نمی داند و اسناد قوی را از ضعیف تمیز کرده نمی تواند آیا چنین شخصی می تواند که بعضی احادیث و اقوال موجود در این کتاب ها را اختیار نموده و مطابق آن عمل نماید و به دیگران فتوا بدهد؟ امام فرمودند: نه! نباید چنین عمل نمایند؛ بلکه باید از اهل بصیرت و فهم در حدیث سؤال کند تا بداند که به کدام یک از این روایات عمل می شود تا عملش به صورت صحیح انجام یابد.}

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

[وقال أبو حنيفة رحمه الله لولا الفزع من الله تعالى أن يضيع العلم ما أفتيت! يكون لهم المهناً وعلي الوزر]. [فتاوى الشبكة الإسلامية: ج ٩ ص ٤٠٧ المكتبة الشاملة، الموقع: <http://www.islamweb.net>].

«اگر ترس الله ﷻ نمی بود که علم ضایع شود هرگز فتوا نمی دادم، دست مزد بی رنج و گوارا به آن‌ها و گناه بر من، یعنی در صورت به خطاء رفتنم در فتوا دادن».

فرق در بین کتمان علم شرعی و تحذیر از فتوا دادن

[عن أبي الهيثم بن جميل قال: شهدت مالك بن أنس سئل عن ثمان وأربعين مسألة قال في اثنتين وثلاثين منها: لا أدري]. [القرطبي، محمد بن أحمد بن رشد، المقدمات الممهديات، الناشر: دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان ج ٣ ص ٤٨٥]. «از أبي هيثم بن جميل روایت است که فرمود: نزد مالک رحمه الله نشسته بودم که چهل و هشت سوال به ایشان راجع گردید امام مالک رحمه الله در برابر سی و دو سؤال آن گفت نمی دانم».

[قال سفیان: أدركت الفقهاء وهم يكرهون أن يجيبوا في المسائل والفتيا ولا يفتون حتى لا يجدوا بدأ من أن يفتوا، وقال المعافى: قال سفیان: أدركت الناس ممن أدركت من العلماء والفقهاء وهم يترادون المسائل يكرهون أن يجيبوا فيها، فإذا أعفوا منها كان ذلك أحب إليهم. أعلم الناس بالفتوى أسكتهم فيها، وأجهل الناس بالفتوى أنطقهم فيها]. [الجوزي، جمال الدين عبد الرحمن بن علي، تعظيم الفتيا لابن الجوزي، محقق: مشهور بن حسن آل سلمان، ناشر: دار الأثرية ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م، ج ١ ص ٧٥]. «سفیان ثوری رحمه الله فرمود: فقهاء را دریافتم در حالی که ایشان بد می دیدند که به سوالات و فتواها جواب گویند؛ تا این که چاره ای نمی یافتند مگر این که فتوا دهند. و گفت علماء و فقهاء را دریافتم که سوالات و پرسش‌ها را یکی به دیگری رد می نمودند؛ و بد می دیدند که به آن‌ها جواب دهند؛ دوست داشتند که از جواب دادن به آن‌ها رها گردند. و گفت داناترین مردم به فتوا دادن ساکت‌ترین آن‌هاست؛ و جاهل‌ترین آن‌ها به فتوا دادن سخن گوینده و کلام کننده در آن است».

این بود مثالی چند مشت نمونه خروار از سلف این امت که با علم و تقوای خویش، تاریخ این امت را درخشان نموده و با خط زرین رقم زدند؛ و با زبان حال و قال از این دین حراست نموده و همچو چراغ‌ها سوختند و راه را به دیگران روشن نگهداشتند.

آن‌ها به این دین آنقدر دلسوز و حراستمند بودند که هرگاه اندک‌ترین تخطی؛ تکاسل و تعدی را می دیدند از غم و غصه به خود می پیچیدند.

از خلال آثاری فوق الذکر برای ما واضح گردید که سلف صالح این امت رحمهم الله با داشتن ایمان راستین؛ قلوب نرم و بی آرایش؛ دارا بودن علم وافر؛ فصاحت و زبان آوری درکلام؛ زندگی بدون تکلف و نزدیکترین مردم از نگاه قرب و درجه به الله تعالی باز هم از اصدار فتوا چقدر در هراس بودند و با وصف اهلیتشان آنرا به یک دیگر واگذار می نمودند؛ و دوست داشتند تا کس دیگری به عوض آنها پاسخگوی باشد.

هرگاه از آغاز این جزوه تا اینجا همه آثار و مدارک را یکی در پهلوی دیگر قرار دهیم و در ازاء آن آیات و احادیثی را که در مورد کتمان علم آمده قرار دهیم بعد از مناقشه و ارزیابی مطالب سودمند و گهر باری را به دست خواهیم آورد.

در قدم نخست می پردازیم به ذکر آیات متبرکه

۱- قال الله تعالی: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُيِّنَ مَا يَشْتَرُونَ﴾. [سورة آل عمران: آیه ۱۸۷]

«و یاد کن هنگامی را که الله ﷻ از کسانی که به آنان کتاب داده شده پیمان گرفت، که حتماً باید آنرا برای مردم بیان نمایید و کتمانش نکنید پس آن عهد را پشت سر خود انداختند و آنرا به بهای ناچیزی فروختند، چه بد است آنچه خریدند!».

۲- ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبُسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾. [سورة آل عمران: آیه ۷۱]

«ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل در می آمیزید و چرا حقیقت را کتمان می کنید، با آن که خود می دانید».

۳- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾. [سورة الأنبياء: آیه ۷]

«و پیش از تو نیز جز مردانی را که به آنان وحی می کردیم، گسیل نداشتیم پس اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید».

۴- «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ يَعْلَمُهُ فَكْتَمَهُ الْجَمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ تَحْقِيقُ الْأَلْبَانِي: صحيح» [صحيح و ضعيف سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۳۳۶] [شيباني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، مسند أحمد، محقق، محمد بن إبراهيم، ناشر: دار الصمعيي الرياض، عام الطبع: ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م، ج ۱۶ ص ۲۶۴].

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

«از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: کسی که از علمی پرسیده شود و آن شخص همان علم را پنهان دارد؛ در روز قیامت به دهن آن شخص لگام آتشین انداخته می‌شود». به ذکر آیات متبرکه و حدیث فوق الذکر اکتفاء نموده، و می‌پردازیم به بررسی و نتایج حاصله آیات و آثار متذکره و از خلال آن‌ها درخواست می‌یافت که فتوا دادن بر چه کسانی واجب است، و بر چه کسانی حرام؟ و در کدام حالت مکروه است و در کدام حالت مباح؟

آیا می‌توان بی‌باکی تعدادی از متصدیان این امر ایشان را با آن‌ها مقایسه نمود؟ کلا و حاشا! یقیناً عصر کنونی‌ای که ما در آن زیست می‌کنیم از هر سو فتنه و فساد دامن امت اسلامی را فرا گرفته و در هر گوشه و کناری جلوه‌نمایی می‌کند؛ و امراض گوناگون چون تفرقه؛ تحزب و گروه‌گرایی؛ تعصب؛ فقر اقتصادی؛ عدم اعتماد به نفس... و صدها امراض و عوامل دیگری که قلم از نگارش آن به عجزش اذعان دارد کیان و قوام این ملت را تهدید نموده، و سبب تعرض و جرأت‌مندی کفار و استکبار جهانی بالای این امت مظلوم گردیده است.

و در همچو حالت ناگوار و پریشانی امت اسلامی که از هرسو تیرهای کینه‌توز دشمن او را هدف قرار داده است و نمی‌گذارد که قامتش را راست نماید. یک تعداد افرادی که نه دشمن شناس اند و نه از مکر و حيله دشمن آگاهی دارند؛ خود نا آگاهانه در خدمت دشمنان کینه‌توز اسلام قرار گرفته، و با عبا و قبا نا میمون‌شان به دشمن مکار و حيله‌گر خوش‌خدمتی نموده و به فتوهای غیر علمی و جاهلانه پرداخته و سبب تشتت و پراکندگی امت اسلامی گردیده‌اند؛ و با این عملکرد خود کیان و قوام امت اسلامی را از هم پاشیده و سبب بروز هزاران فتنه و فساد گردیده‌اند.

شاید مطالب فوق الذکر شما را اندکی حیرت زده نماید و لیکن هرگاه یکی دو مثال برای تان ارائه نمایم خود بر آن خرسند خواهید شد.

هرگاه تاریخ اسلام را مطالعه کرده باشید بخوبی در می‌یابید که یگانه راه پیروزی دشمن که هزینه کمتر و نتایج خوبتر داشته، همانا ایجاد تفرقه در بین مسلمانان بوده است؛ آیا گروه‌ها ای که خود را منسوب به اسلام دانسته و خود را عَلم برداران دین معرفی می‌نمایند؛ در بین آن‌ها علماء نیست؟ آیا تفرقه و گروه‌گرایی را اسلام می‌پذیرد؟ آیا به اثبات تحزب و تفرقه در بین امت یک آیت و یا حدیثی و یا کدام اسنادی آورده می‌توانند؟ آیا خود نا آگاهانه به آسیاب دشمن آب نمی‌ریزانند؟ آیا خلاف فرموده پروردگار شان که به او خود را مؤمن و مخلص می‌شمارند عمل نمی‌کنند؟ آنجا که می‌فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: ۱۰۳] «و همگی به حبل الله چنگک زنید و پراکنده نشوید»

و می فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [سورة آل عمران: آیه ۱۰۵] «و همانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند پس از آن که بینات برای شان آمد؛ بینات: آیات روشنی است که تبیین کننده حق و موجب عدم اختلاف است؛ و برای شان عذابی بزرگ است».

و می فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ [سورة الشوری: آیه ۱۳]

«از احکام دین و آیین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرده بود برای شما نیز مشروع گردانید و آنچه را به سوی تو وحی کردیم ای محمد ﷺ! از قرآن و قوانین و مقررات اسلام و برائت از شرک و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی در باره آن سفارش کردیم از احکام؛ این که دین را برپا دارید و در آن متفرق نشوید». آیا نمی دانند که پروردگارش قتل برادر مؤمن شان را بالای آن ها حرام گردانیده است؟ و صدها پرسش دیگر... آیا اکثر این قتل و قتال ها از فتوهای جاهلانه و مستکبرانه منشأ نمی - گیرد؟ آیا علمای امت خود را در قبال همه این مفاسد که امت اسلامی را از هر سو احتواء نموده مسؤل می دانند و یا خیر؟...

اسباب جرأت مندی بر فتوای غیر علمی

۱- پیروی از هواء و خواهشات

قال الله تعالى: ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتِيمَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ [سورة

محمد: آیه ۱۴]

۲- تکبر و خود پسندی

۳- ترس و خوف از تجهیل

۴- جهل

۵- فقدان و کمی علماء

۶- نقصیر و کوتاهی نمودن علماء از واجبات

۷- شتاب و عجله نمودن در اطلاق و اصدار احکام... [الفتویٰ بغیر علم و اثرها علی

المجتمع: ص ۵۳]

یقیناً هرگاه علماء این امت مقام و منزلت معنوی خویش را احراز نمایند امید است که این ملت سرگردان نجات خواهد یافت؛ به هر حال می‌پردازیم به پیامدهای فتوای غیرعلمی که موضوع محوری این مقاله علمی است اما قبل از آن جهت تأکید و توثیق، مطلب، آتی‌الذکر را مرور نمود:

مکلفیت دولت اسلامی در قبال مفتیان جاهل و منع کردن آن‌ها از اصدار فتوا

عنایت بفرمائید به متن یکی از این کتب که در آن چنین آمده است:

امیر مسلمانان باید مفتیان جاهل را که علمیت و اهلیت لازم برای افتاء را ندارند از دادن فتوا منع کند؛ چه آن مفتیانی که از طرف بعضی دستگاه‌های دولتی تعیین گردیده اند، و چه آن‌های که بدون تعیین شدن فتوا می‌دهند؛ اگر از طرف دولت مقرر شده است باید فوراً عزل گردیده و شخص با کفایتی - را به عوض او تعیین نمایند و اگر خودش فتوا می‌دهد باید از طرف مسئولین امور منع گردیده و مورد تهدید قرارگیرد.

هم‌چنان مفتی ماجن باید از اصدار فتوا منع گردد؛ مفتی ماجن همان مفتی جاهلی را می‌گویند که مطابق خواهشات مردم فتوا داده و با شبهات باطل و تأویلات فاسد در نصوص؛ حرام را حلال و حلال را حرام قرار می‌دهد تا مردم را راضی نگهداشته و خواهشات‌شان را بر آورده سازد، و از این طریق به کسب منافع مادی بپردازد. این دو مفتی (مفتی جاهل و مفتی ماجن) اهلیت و صلاحیت فتوا را ندارند و باید از دادن فتوا منع شوند.

ابن نجیم فقیه حنفی می‌گوید: «بر امام لازم است که از علماء مشهور عصر خود در مورد کسانی که اهلیت فتوا را دارند بپرسد تا کسانی را که اهلیت فتوا را ندارند؛ تشخیص داده و آن‌ها را از این کارشان منع نماید و در صورت مخالفت؛ آن‌ها را به مجازات تهدید کند» [اصول دعوت؛ دوکتور عبدالکریم زیدان؛ مترجم: مؤمن «حکیمی» ج ۱ ص ۱۹۱] فقهای شافعی و حنبلی هم مطالب فوق را با شیوه دیگری که همین مفهوم را افاده می‌نماید، بیان داشته اند. البته این حکم در مورد کسانی قابل تطبیق است که بدون تعیین شدن از سوی مراجع مسؤول؛ اقدام به فتوا می‌کنند. و امیر مسلمانان صلاحیت دارد که این‌گونه مفتیان را از دادن فتوا منع کند؛ و مفتیانی را که خود تعیین نموده است، در صورتی که جهل و مجنون بودن‌شان آشکار گردید. حتماً باید آن‌ها را عزل نموده و به عوض آن‌ها افراد با کفایت

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

و اهلیت را تعیین نماید. [اصول دعوت؛ دوکتور عبدالکریم زیدان؛ مترجم: مؤمن «حکیمی» ج ۱ ص ۱۹۱]

فتوهای غیر علمی و جاهلانه دو نوع پیامد دارند یکی پیامد دنیوی است و دیگری هم اخروی
الف: پیامدهای دنیوی فتوهای غیر علمی

اگر به قرآن کریم و کتب حدیث و رساله‌هایی که پیرامون فتوهای غیر علمی نگاشته شده است نظر اندازی نموده و تدبر نمائیم در می‌یابیم که موضوع خیلی خطیر بوده و سبب بروز هزاران مفسادی می‌گردد که این امت را از هم می‌پاشد و قامت رسایش را به زمین می‌افکند و به مثابه موری می‌ماند - که از درون باعث خشکیدن درخت پر بار و پر ثمری می‌گردد.

بناءً پیامدهای آن هم خیلی زیاد است؛ لیکن جهت صرفه جویی از وقت به چند نکته بارز آن ذیلاً اشاره می‌نمائیم.

- ۱- جرأت و بی‌ادبی در مقابل دین الله ﷻ.
- ۲- ایجاد تفرقه و بروز کشت و خون و درگیری‌های مستمر و دوامدار در بین امت اسلامی.
- ۳- آگاهانه و یا نا آگاهانه خوش خدمتی کردن به دشمن کینه توز اسلام.
- ۴- در بعضی حالات حلال الله ﷻ را بر مردم حرام ساختن و حرام آن را حلال ساختن.
- ۵- با لباس دین؛ دین و شریعت را از درون ضربه زدن و همچو موری درخت پر بار او را خراشیدن.
- ۶- سبب ایجاد بدعت در دین.
- ۷- گستاخی و بی‌ادبی در مقابل علماء متقی، پرهیزگار و مردم را نسبت به آن‌ها بدگمان ساختن.

ب: پیامدهای اخروی فتوهای غیر علمی و جاهلانه

پیامدهای اخروی عنوان فوق‌الذکر را فقط با ذکر چند آیت و حدیث خلاصه می‌نماییم.

۱- قال الله تعالی: ﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾. [سورة الزمر: آیه ۶۰]

«و روز قیامت کسانی را که بر الله ﷻ دروغ بسته‌اند روسیاه می‌بینی آیا منزل‌گاه متکبران در جهنم نیست؟»

۲- ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾. [سورة النحل: آیه ۱۱۶]

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

« ای مشرکان! نگویند که این حلال است و آن حرام تا بر الله دروغ بندید بی گمان کسانی که بر
الله ﷻ دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند.»

۳- ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾
[سورة النحل: آیه ۲۵] «تا روز قیامت بارگناهان خود را تمام بردارند و نیز بخشی از بارگناهان کسانی را
که آنان را گمراه می‌کنند بر می‌دارند از روی نادانی خبردار بسیار بد است آن چیزی را که بر می‌دارند از
گناهان.»

۴- ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾. [سورة یونس: آیه ۳۹]

«بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برای شان نیامده
است»

هرچه احادیث

۱- «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَفْبِضُ
الْعِلْمَ أَنْتِرَاعًا يَنْتَرَعُهُ مِنَ النَّاسِ، وَلَكِنْ يَفْبِضُهُ بِفَبْضِ الْعُلَمَاءِ، حَتَّى إِذَا لَمْ يَتْرُكْ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُؤْسَاءَ
جُهَالًا، فَسُئِلُوا، فَأَقْتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ، فَضَلُّوا، وَأَضَلُّوا» [قال الألباني حديث صحيح: صحيح الجامع الصغير
و زيادته: ج ۱ ص ۳۷۹، مختصر صحيح البخاري: ج ۱ ص ۵۵ ش ۶۶]

«عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما گوید: شنیدم که پیغمبر ﷺ می‌گفت: الله ﷻ علم
را به این صورت که آن را از قلب علماء بیرون آورد بر نمی‌دارد، بلکه علم را به وسیله از بین بردن علماء
از بین می‌برد، به نحوی که دیگر عالم دینی باقی نمی‌ماند، مردم از رؤسای جاهل به امور دینی پیروی
می‌نمایند این جاهلان بدون علم فتوا می‌دهند، خود که گمراه هستند دیگران را نیز گمراه می‌سازند.»

۲- «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - مَنْ أَقْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ،
كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَقْتَاهُ» [قال الألباني حديث حسن؛ صحيح و ضعيف ابن ماجه: ج ۱ ص ۱۲۵]
[الحميدي، محمد بن فوح، الجمع بين الصحيحين تحقيق: د. علي حسين البواب؛ ناشر: دار ابن حزم
- بيروت - ۱۴۲۳هـ - ۲۰۰۲م، ج ۵ ص ۴۲۷] «از ابوهريره رضي الله عنه روایت است فرمود: که فرمود
پیامبر ﷺ هرکس بدون آگاهی فتوایی صادر کند گناه انجام دهنده آن به صادرکننده فتوا بر می‌گردد.»

مناقشه

یقیناً هر فرد مسلمان مکلف بر این است که تمام عمل کردهایش را موافق احکام و دستورات دین مقدس اسلام عیار ساخته و همه فیصله‌های شریعت را که در نتیجه افعالش صادر می‌گردد بپذیرد. و رابطه خود را با دیگران به نحو مشروع برقرار سازد، اگر در این موارد چیزی نمی‌دانست و یا در بعضی حالات حکم شرع برایش واضح نبود؛ واجب است که نسبت به آن معرفت کامل پیدا کند. و یکی از راه‌های کسب معرفت و معلومات دینی اینست که علماء به تعلیم و آموزش مردم اقدام نموده، و احکام دینی را به مردم برسانند. و یا این که مردم با مراجعه به علماء سوال‌های خود را با آن‌ها مطرح نموده و از احکام شرعی معلومات حاصل کنند.

از این که تعلیم دادن مردم و تبلیغ احکام دینی به آن‌ها از فریضی است، که اسلام به دوش اهل علم گذاشته است. لهذا ایشان شرعاً مکلفیت دارند که مردم را در اموردینی تعلیم داده و به اندازه که اسلام آموزش آن‌را لازم می‌داند؛ به آن‌ها آگاهی دهند. فرضیت این امر زمانی قوت می‌گیرد، که جهل در بین مردم افزایش یافته معالم و نشانه‌های شریعت کم‌رنگ شده و بدعت‌ها در بین مردم رایج گردد؛ و اگر علماء در ادای این فریضه کوتاهی کنند؛ گنهکار بوده و با سخت‌ترین محاسبه مواجه می‌شوند. زیرا هر نوع تقصیر در مسؤولیت مرادف با کتمان علوم می‌باشد، که نزد آن‌ها امانت بوده و مأمور به نشر و تبلیغ آن می‌باشند.

اما وقتی که علماء به تبلیغ دین می‌پردازند؛ بر مردم واجب است که به سخنان آن‌ها گوش داده و از گفته‌های شان بیاموزند؛ و به آن عمل نمایند. اگر چنین نکردند گناه آن به دوش خود آن‌ها بوده، و در آخرت مورد محاسبه قرار می‌گیرند؛ زیرا با تبلیغ علماء و بیان احکام دینی حجت بر ایشان قایم می‌گردد.

این بود مطالبی که تعلق می‌گیرد به مکلفیت فرد مؤمن که همانا رساندن دین و عدم کتمان آن است. با مطالعه موارد فوق‌الذکر دریافتیم که در مورد پخش و نشر دین تأکیدات زیادی صورت گرفته و کتمان آن گناه بزرگی است که سبب انحطاط افراد جامعه گردیده و آن‌ها را از رحمت الله ﷻ محروم می‌سازد.

با در نظر داشت آن چه گفته شد چرا سلف صالح این امت از اصدار فتوا در هراس بوده و از آن خود داری می‌نمودند در حالی که فتوا دادن به معنای تبلیغ دین و ارشاد مردم به سوی شریعت الله متعال

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

بوده و یک فریضه‌ای دینی می‌باشد؟ علماء در این مورد گفته‌اند: چون مفتی در معرض خطاء و لغزش قرار دارد؛ به همین علت است که تعدادی از علماء سلف با وجود این که اهلیت و صلاحیت فتوا دادن را داشتند از دادن فتوا احساس ترس نموده، و هرکدام‌شان می‌خواستند که شخص دیگری این مسؤولیت را به عهده بگیرد و حتی سوال‌های راجع شده به خود را به دیگران محول می‌کردند. زیرا آن‌ها می‌دانستند که از فتوای خویش مورد محاسبه الهی قرار می‌گیرند؛ در آن روزی که الله ﷻ پیرامونش می‌فرماید: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾. [سورة الشعراء: آیه ۸۸] چه جواب خواهند گفت؟

واحسرتا! زمانی که ما در آن زندگی به سر می‌بریم چه فتوای آسان و نا میمونی او را بکش اگر بهشتی بود به جنت می‌رود و اگر دوزخی بود به جهنم، فتوایی که نه ضرورت به مطالعه کتاب داشته نه به مراجعه فتاوی و هزاران پرسش دیگر... که پاسخ آن‌ها را شما بهتر می‌دانید.

به هر حال یقیناً سلف صالح این امت می‌دانستند که بر مفتی واجب است تا در اصدار فتوا عجله نکند بلکه از تأنی و تفکر کارگرفته و بعد از غور و دقت کامل جواب بدهد؛ و اگر جواب را نمی‌دانست با صراحت و بدون این که احساس کمتری کند؛ بگوید که نمی‌دانم؟ زیرا چنان چه علماء گفته‌اند: نمی‌دانم نصف علم است؛ باید گفت چنان که ترس از افتاء به عنوان شیوه نیکویی در بین سلف صالح ما به کثرت دیده می‌شد جرئت به فتوا دادن نیز در بین سلف امت به مشاهده رسیده است و می‌بینیم که تعدادی از آن‌ها به کثرت فتواداده‌اند؛ و طبعاً کثرت فتوا در صورت ترس از آن ممکن نیست. پس چگونه می‌توانیم بین ترس از فتوا دادن که شیوه ستوده‌ای در دین است و جرئت بر فتوا که از بعضی صحابه و تابعین نقل شده است توافق بیاوریم. در مورد ترس از فتوا دادن مطالبی را قبلاً خدمت‌تان بیان داشتیم. هرچه در مورد جرئت بر فتوا دادن باید گفت که: ممکن است که سبب آن یکی از دو علت بوده باشد.

۱- کمی و قلت علم و عدم شناخت سنگینی گناه آن.

۲- وسعت علم و وجوب فتوا بر کسانی که اهلیت آن‌ها دارند.

جرئت بر فتوا به سبب قلت علم در این است که انسان‌های کم علم بخاطر این که متهم به جهل نگردند در مقابل هر سوالی به پا خواسته و جواب هر فتوایی را ارائه می‌کنند. الحمد لله که این صورت- در بین سلف صالح ما وجود نداشته است.

اما سبب دوم که عبارت از وسعت علم و کثرت سوال کننده‌گان است؛ در بین سلف صالح وجود داشته است؛ چنان چه مشاهده می‌کنیم عده‌ای از آن‌ها فتوای خیلی زیادی داده و به جرئت در فتوا مشهور

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

بودند. مثل عبدالله بن عباس رضی الله عنهما که فتاوی‌شان در بیست جلد ضخیم جمع آوری شده است؛ و از جمله تابعین سعید بن مسیب بیش‌ترین فتوا را داده است که به سعید بن مسیب جرئت‌مند معروف بود. [اصول دعوت؛ مترجم مؤمن حکیمی: ص ۱۹۹] همراه با تصرف.

با در نظر داشت مطالب فوق‌الذکر در می‌یابیم که فتوا دادن برای افرادی واجب و برای افرادی حرام و برای اشخاص دیگری مکروه است حتی بعضی علماء درجه مستحب و مباح را هم زیاد نموده‌اند.

فتوا دادن و احکام آن، نظر به اشخاص

۱- کسانی که فتوا دادن بر آن‌ها واجب است

فتوا دادن در دو حالت بر کسانی که اهلیت آن‌را دارند واجب است.

اول: کسی که از طرف دولت اسلامی بحیث مفتی مقرر می‌گردد؛ و او این منصب را می‌پذیرد؛ در این صورت فتوا دادن بالایش واجب می‌گردد. اما باید تذکر داد که وجوب فتوا به این معنی نیست که او مجبور است به هر مسأله‌ای که نزدش می‌آورند فتوا بدهد.

بلکه به این معنی است که مفتی مکلف است که تمام سوال‌های مطرح شده را تحت غور و تدقیق قرارداد و به اراده‌ای فتوا دادن به مطالعه و تحقیق پردازد. اگر مسأله را دانست باید مطابق فهم خود جواب بدهد اما اگر از فهم آن عاجز ماند؛ به صراحت بگوید که نمی‌دانم! و جائز نیست که او را مکلف به دادن فتوا در امری مجبور سازیم که نمی‌داند. [زیدان؛ عبدالکریم؛ اصول دعوت مترجم: مؤمن حکیمی: ص ۱۹۷]

ولیکن هرگاه به موضوع علم داشت و فتوا گیرنده هم اشد ضرورت دارد وقت عمل فرا رسیده؛ بر مفتی واجب است که علی‌الفور بر جواب دادن مبادرت ورزیده و بیان حکم را از وقت حاجت به تأخیر نیندازد. [الجوزی؛ ابن قیم؛ إعلام الموقعین: ج ۴ ص ۲۰۳]

دوم: کسی که اهلیت فتوا را دارد اما از سوی امام بحیث مفتی تعیین نشده است در صورتی که در همان‌ما حول و منطقه مفتی دیگری غیر از او وجود نداشته باشد؛ و سوالی بر او راجع می‌گردد؛ بالایش واجب است؛ که مطابق فهم خود به جواب آن پرداخته و فتوای لازم را صادر نماید؛ ولیکن هرگاه غیر از او در آن منطقه کسی دیگری هم وجود داشت و هر دو حاضر بودند؛ جواب دادن در حق هر دوی آن‌ها

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

فرض کفایی است. [المجموع: ج ۱ ص ۷۹؛ زیدان؛ عبدالکریم؛ اصول دعوت مترجم: مؤمن حکیمی: ص ۱۹۷].

۲- کسانی که فتوادادن بر آن‌ها حرام است

فتوا دادن شخص جاهل به صورت مطلق حرام است زیرا فتوا در حقیقت امر، إخبار و بیان شریعت الله متعال است و این کار بدون علم جائز نیست. چون الله متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾. [الأعراف: ۳۳]

«گو ای پیامبر ﷺ! جز این نیست که پروردگارم فواحش را حرام کرده است آن چه آشکار باشد از آن و آن چه پوشیده باشد و گناه را حرام کرده است و حرام کرده است تعدی ناحق را و این که چیزی را با الله ﷻ شریک مقرر کنی که او هیچ دلیلی بر حقانیت آن نازل نکرده است و حرام کرده است بر شما این که چیزی را که نمی‌دانید به الله ﷻ نسبت دهید».

پس فتوا دادن بدون علم گمراهی و سبب گمراهی دیگران است و همه‌ای آن در شریعت الله حرام می‌باشد. هم چنان که فتوا دادن شخص جاهل حرام است. هکذا شخص بی پروا و (ماجن) فاسق نیز حق فتوا دادن را ندارد. (ماجن) کسی را گویند که بر اساس خواسته‌های نفسانی خود و مطابق پسند و رضایت مستفتی فتوا داده و در اصدار فتوا بی‌باک است.

هرگاه در مورد چیزی سوال شد که تا اکنون به وقوع نپیوسته است و توقع موجودیت آن نمی‌رود فتوا دادن در آن مکروه است. [التیسیر فی الفتوی: ص ۶۶]

هرچند علماء در مورد فتوا، مندوب و مباح هم بحثی دارند ولیکن اهم آن همان است که بیان گردید.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصله‌ای که از محتوای این مقاله به دست آمده در نکات ذیل خلاصه می‌گردد:

- ۱- رساندن دین الله ﷻ به بنده گانش به هر نحوی که امکان پذیر بوده باشد.
 - ۲- حراست دین الله ﷻ و برحذر داشتن از تقوّل و سخن بافتن بر الله و رسولش.
 - ۳- عماد و قوام دین اسلام مبتنی بر نصیحت و خیرخواهی است.
 - ۴- معرفی فتوا و دانستن مقام و منزلت مفتی از دیدگاه اسلام.
 - ۵- فتوا نظر به اهل آن به سه نوع است: ۱- واجب ۲- حرام ۳- مکروه.
- هرچند بعضی علماء دو نوع دیگر را هم اضافه نموده اند که عبارت مندوب و مباح است.

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

۶- بر حذر داشتن از اصدار فتوای غیرعلمی و جاهلانه.

۷- بر امیر مسلمانان لازم است که باید مفتیان جاهل را که علمیت و اهلیت لازم برای افتاء را ندارند

از

دادن فتوا منع نماید.

۸- دانستن اضرار و پیامدهای فتوای غیرعلمی و جاهلانه بر جامعه.

۹- پیامدهای اخروی فتوای غیرعلمی و جاهلانه.

۱۰- چون تیسیر و تسهیل بالای مکلفین از جمله مقاصد شریعت اسلامی است علماء در هر عصر و زمان کوشیده اند که با حفظ شروط و ضوابط فتوا راه اعتدال را اختیار نموده خود بسوزند و دیگران را در روشنائی قرار دهند.

۱۱- چون امیر مسلمانان مثل جامعه اسلامی بوده بناءً مکلفیت دارد که به نیابت از جامعه به تربیت مفتی‌های با کفایت و با اهلیت اقدام نموده وسائل ضروری و لازم را برای آموزش آن‌ها مهیا ساخته و بودجه‌ای خاصی را برای شان تخصیص دهد؛ تا آن‌ها بتوانند تحصیلات خود را به وجه احسن به اتمام برسانند.

۱۲- سلف صالح امت که نزدیک‌ترین مردم از نگاه قرب و درجه به الله متعال بودند و لیکن باز هم می‌بینیم که از اصدار فتوا با داشتن اهلیت آن‌چقدر در هراس بودند زندگی آن‌ها چه خوب درس پند آموز است برای لاحقین.

۱۳- اگر در مورد فتوای غیرعلمی و جاهلانه کلام را خلاصه نمائیم می‌توان گفت: که این پدیده نامیمون به مثابه موری است که درخت پر بار و با ثمر اسلام را از درون می‌خراشد و در لباس دوست؛ دشمن‌کینه توزی است که دیگران از آن خوب استفاده می‌نمایند.

پیشنهادات

۱- به امارت اسلامی نخستین پیشنهاد ما این است که جلو مفتیان جاهل و ماجن را که علمیت و اهلیت لازم برای افتاء را ندارند گرفته و آن‌ها را از فتوا دادن جاهلانه منع نماید.

۲- چون موجودیت مفتی در جامعه اسلامی فرض کفایی می‌باشد؛ پس اقدام به تربیت و تهیه‌ای اسباب و لوازم تعلیم آن‌ها نیز واجب است؛ لهذا بر امیر مسلمانان لازم است که مدارس را بخاطر آموزش علوم دینی تأسیس کند؛ و شاگردان ممتاز را به آن مدارس انتخاب نموده و بودجه‌ای خاصی را برای- شان تخصیص دهد تا آن‌ها بتوانند تحصیلات خود را به وجه احسن به اتمام برسانند؛ و بعد از فراغت

پوهنمل عبدالرازق هدفمند

آن‌ها را به منصب افتاء تعیین نموده و معاش کافی برای‌شان مقرر نماید؛ تا ضرورت به کسب و
کار دیگری نداشته و فقط برای افتاء فارغ باشند.

۳- ایجاد دار الإفتاء در مرکز و ولایات کاری است ضروری که به آن توجه جدی صورت گیرد تا نظم
در جامعه برقرار گردیده و مراجع افتاء به همه‌گان معلوم باشد.

منابع

قرآن کریم

الأندلسي، علي بن أحمد بن سعيد بن حزم، الأخلاق والسير، ناشر: دار المشرق العربي، القاهرة عام الطبع: ١٤٠٨هـ=١٩٨٨م.

الأنصاري، محمد بن مكرم بن علي لسان العرب ناشر: دار صادر بيروت عام الطبع: ١٤١٤ هـ.
الألباني، محمد ناصر الدين بن الحاج مُختَصَر صَحِيحُ الإمامِ البُخَارِيِّ ناشر: مكتبة المعارف الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م.

البخاري، صحيح البخاري ناشر: دار ابن كثير، بيروت: ١٤٠٧ - ١٩٨٧م.
الجوزي، جمال الدين عبد الرحمن بن علي تعظيم الفتيا محقق: مشهور بن حسن آل سلمان ناشر: دار الأثرية ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م.

الحراني، نجم الدين أحمد بن حمدان بن شبيب صفة المفتي والمستفتي ناشر: دار الصمعي الرياض عام الطبع: ١٤٣٦ هـ - ٢٠١٥ م.

الحميدي، محمد بن فتوح الجمع بين الصحيحين تحقيق: د. علي حسين البواب؛ ناشر: دار ابن حزم - بيروت - ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م.

السامري، معظم الدين الفروق على مذهب الإمام أحمد بن حنبل تحقيق: محمد بن إبراهيم ناشر: دار الصمعي الرياض، عام الطبع: ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.

الكندي، عبدالرازق عبدالله صالح بن غالب، التيسير في الفتوى ناشر: مؤسسة الرسالة، نقلاً عن الشبكة الدولية.

النيسابوري، مسلم بن الحجاج صحيح مسلم ناشر: دار الجيل - بيروت عام الطبع: ١٣٣٤ هـ.
دمشقي، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد إعلام الموقعين عن رب العالمين ناشر: دار ابن الجوزي الرياض الطبعة: الأولى، ١٤٢٣ هـ.

بغوي، البغدادي، محمد بن الحسن بن محمد بن علي بن حمدون، التذكرة الحمدونية، الناشر: دار صادر، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ.

زيدان، عبدالكريم أصول الدعوة مترجم: مؤمن "حكيمي" ناشر: مؤسسة الرسالة عام الطبع: ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.

بوهنمل عبدالرازق هدفمند

سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، الأشباه والنظائر ناشر: دار الكتب العلمية، عام الطبع: ١٤١١هـ - ١٩٩٠م.

شيباني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد مسند الإمام أحمد بن حنبل محقق: أحمد محمد شاكر، ناشر: دار الحديث - القاهرة الطبعة الأولى: ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م.

عسقلاني، أحمد بن علي بن حجر فتح الباري ناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩.

قرطبي، محمد بن أحمد بن رشد المقدمات الممهدة تحقيق: د. محمد حجي ناشر: دار الغرب الإسلامي بيروت عام الطبع: ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.

قرطبي، علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأحكام في أصول الأحكام ناشر: دار الآفاق الجديدة، بيروت.

قزويني، أحمد بن فارس بن زكرياء معجم مقاييس اللغة محقق: عبدالسلام محمد هارون ناشر: دار الفكر؛ عام النشر: ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.

لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية فتاوى الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>

مجموعة من المؤلفين فتاوى قطاع الإفتاء بالكويت ناشر: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الإدارة العامة للإفتاء والبحوث الشرعية.

مسيميري، د. رياض بن محمد؛ فتاوى واستشارات موقع الإسلام اليوم الناشر: موقع الإسلام اليوم؛ <http://www.islamtoday.net>

نوي، محيي الدين يحيى بن شرف؛ المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت عام الطبع: ١٣٩٢هـ.

نوي، محيي الدين يحيى بن شرف المجموع شرح المهذب ناشر: دار الفكر.

بررسی مزایا و معایب استفاده از هوش مصنوعی در تحقیقات علمی

پوهنمل اسدالله آریا^{۱*}، پوهندوی محمدیحی رحیل^۲

۱. دیپارتمنت مطبوعات، پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون البیرونی

۲. دیپارتمنت روابط عامه، پوهنځی ژورنالیزم و ارتباطات، پوهنتون کابل

* نویسنده مسئول - ایمیل: tahoraaria@yahoo.com

چکیده

هوش مصنوعی یکی از پدیده‌های نوین در دنیای تکنالوژی است که تلاش می‌کند تا شیوه‌ی اندیشیدن و تصمیم‌گیری انسان را بازآفرینی کند. در سال‌های اخیر، استفاده از این فناوری در عرصه‌ی تحقیقات علمی گسترش چشم‌گیری یافته و توجه بسیاری از محققان را برانگیخته است. این تحقیق ماهیت کاربردی دارد و بر بنیاد روش‌های کیفی و نظریه‌ی داده‌بنیاد در سال ۱۴۰۴ خورشیدی انجام شده است. جامعه‌ی آماری شامل استادان و محققان پوهنتون البیرونی می‌باشد که به‌گونه‌ی هدفمند برگزیده شده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری گردیده و به وسیله‌ی نرم‌افزار MAXQDA مورد تحلیل قرار گرفته است. روند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری انتخابی صورت گرفته که در نهایت منجر به شکل‌گیری طرح پارادایم تحقیق گردیده است. نتایج یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از هوش مصنوعی در کنار تمامی سودمندی‌هایش، پیامدها و چالش‌هایی نیز دارد. از یک سو می‌تواند دقت، سرعت و سهولت در تحلیل داده‌ها را افزایش دهد، اما از سوی دیگر ممکن است به مسایلی چون تحلیل نادرست محتوا، سرقت علمی، نقض حریم خصوصی و کم‌رنگ شدن ارزش نوآوری و توانایی انسانی بینجامد. بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از استفاده‌ی نادرست از این فناوری در محیط‌های علمی و رسانه‌ای، چارچوب‌ها و قوانین روشن ژورنالیزم سایبری تدوین و ع‌گردد تا بهره‌گیری از هوش مصنوعی به‌گونه‌ی سالم و مؤثر انجام پذیرد.

واژه‌های کلیدی: تحقیقات علمی، مزایا، معایب، هوش مصنوعی.

Critical Examination of the Advantages and Disadvantages of Artificial Intelligence in Scientific Research

Senior Teaching Assistant Asadullah Aria^{1*}, Associate Professor Mohammad Yahya Rahil²

1. Department of Press, Faculty of Journalism, Alberoni University.
2. Department of Public Relations, Faculty of Journalism and Communication, Kabul University.

* Corresponding Author Email: tahoraaria@yahoo.com

Abstract

Artificial Intelligence (AI) is one of the remarkable innovations in modern technology, designed to imitate the way humans think, reason, and make decisions. In recent years, the use of AI in scientific research has expanded rapidly and captured the attention of many scholars and academic institutions. This study is applied in nature and was conducted using qualitative methods based on the grounded theory approach in 2025. The research population consisted of professors and researchers from Alberoni University, who were selected through purposeful sampling. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed with the help of MAXQDA software. The analysis process involved several stages, open, axial, and selective coding, which ultimately led to the development of a paradigm model representing the study's findings. The results reveal that while AI brings numerous benefits to scientific research, such as improving accuracy, efficiency, and accessibility, it also poses several challenges. Among the major concerns are inaccurate content analysis, plagiarism, privacy violations, and the diminishing value of human creativity and intellectual capacity. Based on these findings, the study recommends the formulation and implementation of clear cyber-journalism regulations to ensure responsible and ethical use of AI within academic and research environments, thereby maximizing its advantages while minimizing potential risks.

Keywords: Advantages, Artificial Intelligence, Disadvantages, Scientific Research.

مقدمه

هوش مصنوعی به توانایی ماشین‌ها برای انجام وظایف شناختی مرتبط با مغز انسان، مانند حس کردن، تفکر، یادگیری، تعامل با محیط، حل مشکلات و حتی نوآوری اطلاق می‌شود (وکیلی، ۲۰۲۳). هوش مصنوعی یکی از شاخه‌های ریاضیات است که به‌عنوان یک ابزار برای حل مسایل فکری و کمک به انسان‌ها در بسیاری از زمینه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (حبیبی، ۲۰۲۳).

مهم‌ترین مسئله‌ای که زمینه‌ساز این تحقیق شده، افزایش تردیدها و پرسش‌ها در مورد تأثیرات مثبت و منفی استفاده از ابزارهایی چون ChatGPT و سایر پلتفرم‌های هوش مصنوعی در روند تحقیقات علمی می‌باشد. بسیاری از محققان نگران‌اند که اتکای بیش از حد به این فناوری‌ها ممکن است توان تحلیل مستقل، نوآوری علمی و دقت در استناددهی را کاهش دهد و در نهایت، بر کیفیت و اعتبار تولیدات علمی تأثیر منفی بگذارد.

توسعه هوش مصنوعی در سال‌های اخیر بر تمامی عرصه‌های زندگی بشر تأثیر گذاشته است. امروزه، یافتن حوزه‌ای از کار انسانی که در آن از نفوذ هوش مصنوعی برای تغییر محتوای مشاغل یا ایجاد مشاغل و فرصت‌های جدید استفاده نشود، غیرممکن است. هوش مصنوعی (AI) در حال تبدیل شدن به بخشی از تجربیات روزمره ما است و انتظار می‌رود تا سال‌های آینده بیش از پیش در زندگی عادی ادغام شود. بنابراین، برای کسانی که در توسعه محصول، تحقیق و سیاست عمومی هستند، مهم است تا بفهمند که درک عمومی از هوش مصنوعی چگونه شکل می‌گیرد. ادغام هوش مصنوعی در تحقیقات علمی یک تغییر واقعی در این عرصه به‌شمار می‌رود. خط سیر هوش مصنوعی در تحقیقات علمی دارای پتانسیل اجرایی قابل توجهی بوده و البته می‌تواند به تجربه بهتر محققان نیز کمک کند (Aria, ۲۰۲۴).

فراگیری علم در سطوح مختلف به واسطه‌ی هوش مصنوعی امکان‌پذیر بوده و انسان می‌تواند با استفاده از این فناوری برتر روند راحت‌تری در راستای بهره‌مندی از دانش را طی کند. از جمله قابلیت‌های هوش مصنوعی می‌توان به تحقیقات علمی در عرصه‌های مختلف علوم، ارائه برنامه درسی، آموزش مجازی، تسهیل روند آموزش در مکاتب و پوهنتون‌ها و برخی موارد دیگر اشاره کرد (Abdullahi et al, ۲۰۲۴).

کاربرد هوش مصنوعی در تحقیقات علمی از جنبه‌های مختلف قابل مشاهده بوده که در وهله‌ی اول می‌توان به تأثیر این فناوری در پیشینه و مرور آثار اشاره کرد. محققان همواره به دنبال این بوده تا

کارهای تحقیقی قبلی را مرور نموده و سپس با الهام گرفتن از روش کار و نتایج به دست آمده به شیوه‌ی دقیق طرح تحقیق خویش را طراحی کرده و اجرایی نمایند که با استفاده از هوش مصنوعی به راحتی قابلیت انجام این کار را خواهند داشت.

پاسخ‌دهی مناسب به سوالات محققان، پیش‌کش نمودن روش تحقیق مناسب، طراحی و دیزاین مدل‌های مختلف و ارائه مواد خام تحقیق نیز از دیگر تأثیرهای مثبت این فناوری در تحقیقات علمی می‌باشد. یکی از چالش‌های پیش روی محققان مواجه شدن با پیچیده‌گی تحلیل داده‌ها و انتخاب نظریه‌ی مناسب جهت پشتیبانی تحقیق می‌باشد که ابزارهای ارائه شده از هوش مصنوعی در تحقیقات علمی به آن‌ها کمک خواهد کرد. استفاده از هوش مصنوعی در تحقیقات علمی، یک سیستم پرسش و پاسخ با قابلیت پاسخ‌دهی سریع و به دور از هرگونه ابهام را در اختیار محققان قرار می‌دهد (Saqib & Naqibullah & Toheedmal, Shahzada, ۲۰۲۳). علاوه بر طراحی مدل اجرای تحقیق، محققان بایستی به استفاده از روش‌های استفاده از این سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها از دیگر کاربردهای هوش مصنوعی در عرصه تحقیقات علمی بلدیت داشته باشد. ارائه روش‌های تحقیق، تحلیل و بررسی داده‌ها، دسترسی به محتوای مناسب و ارائه آن از دیگر قابلیت‌های فناوری هوش مصنوعی در تحقیقات علمی می‌باشد.

هوش مصنوعی در تحقیقات علمی کاربرد بسیار گسترده‌ای دارد. مواردی مانند بررسی‌کننده سرقت ادبی می‌تواند به محققان کمک کند تا از هوش مصنوعی برای تقویت مقالات و تحقیقات خویش، استفاده کنند. سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند کلمات استفاده‌شده را بخوانند و از پایگاه داده‌های خود برای تحقیق در مورد هر آنچه می‌دانند در یک چشم به هم زدن استفاده کنند. این به آن‌ها امکان می‌دهد املا، دستور زبان، محتوای سرقت‌شده و سایر مسایل مرتبط را بررسی کنند.

سوال اصلی تحقیق در این است که چگونه می‌توان ضمن استفاده از مزایای مفید هوش مصنوعی در تحقیقات علمی، از معایب آن دوری گزید؟

برجسته‌ترین هدف تحقیق نیز در پاسخ به پرسش فوق نهفته است که محقق می‌خواهد مزایا و معایب هوش مصنوعی را در تحقیقات علمی بررسی نموده و نتایج آن را با نهادهای علمی-تحقیقی شریک ساخته تا باشد که حتی الامکان جلو مشکلات بعدی در راستای استفاده از هوش مصنوعی در این راستا گرفته شود.

مروری بر آثار قبلی تحقیق

با تحقیق و جستجو در آثار قبلی، محقق دریافت که در مورد مزایا و معایب هوش مصنوعی در تحقیقات علمی در کشور، کدام کار درخور تحسین صورت نگرفته است، مطالعات در این بخش صرفاً در حد معرفی و تشویق به استفاده از هوش مصنوعی بوده است.

آخرین تحقیق علمی در این مورد در ماه سنبله ۱۴۰۳ بوده که توسط سه تن از استادان پوهنتون-های البیرونی و کابل هر یک اسدالله آریا، نقیب الله بیان و محمدیحی رحیل تحت عنوان «مطالعة نقش هوش مصنوعی در تولید محتوا، سرگرمی و جذب مخاطبان به کمیته فرهنگی پوهنتون البیرونی» بوده که در کنفرانس استقبال از آینده: ابتکارات، ابهامات، تهدیدات و چالش های هوش مصنوعی در پوهنتون کاردان ارائه شده است. در این تحقیق علمی، محققان ضمن عنوان نمودن معایب هوش مصنوعی، به مزایای آن در تولید محتوا، سرگرمی و جذب مخاطبان پرداخته اند. از آنجایی که در این تحقیق آکادمیک به بررسی استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در تحقیقات علمی پرداخته نشده است؛ بناءً این تحقیق علمی به این مسئله‌ی مهم پرداخته است (Aria et al, ۲۰۲۴).

سیستم های هوش مصنوعی در حال حاضر بر نحوه‌ی زنده‌گی ما تأثیر می‌گذارند و درهای آینده برای این‌که چگونه در آینده بر ما تأثیر بگذارد کاملاً باز است. فناوری مبتنی بر هوش مصنوعی احتمالاً به بهبود کارایی و بهره‌وری ادامه خواهد داد و در طول زمان به صنایع بیشتری گسترش خواهد یافت (Kattel, ۲۰۲۳).

کاربرد هوش مصنوعی در بخش تحقیقات علمی به میزان تأثیر این فناوری در چگونگی استفاده آن به خود محقق بستگی دارد، این تکنولوژی به عنوان یک موتور پیشرفته با بهره‌گیری از هوش انسانی در کنار تحقیق‌گران، فعالیت می‌کند (Sančanin & Penjišević, ۲۰۲۲).

ابزارهای هوش مصنوعی مانند ChatGPT بحث‌های زیادی را در بین محققان علوم اجتماعی به راه انداخته است؛ در حالی که برخی آن‌ها را ابزاری سودمند برای سرعت بخشیدن به تحقیق و برخی دیگر آن را تهدیدی برای یک پارچگی تألیف می‌دانند. نگرانی اولیه درباره‌ی این‌که آیا ابزارهایی مانند ChatGPT باید به عنوان یک نویسنده مشترک در فهرست نویسندگان قرار گیرند یا خیر همواره وجود داشته است.

اخیراً تیم‌های تحریریه Science and Nature اعلام کرده‌اند که بسته‌های هوش مصنوعی معیارهای یک نویسنده را ندارند و نمی‌توانند مسئولیت تصمیم‌گیری مربوط به محتوای خود و یک-پارچگی مقاله را بپذیرند (السادات حیدری، ۱۴۰۲).

به‌همین سان، منتقدین بدین باور هستند که ظهور هوش مصنوعی در تحقیقات علمی، معضلات زیادی را به‌بار می‌آورد. جعل، سرقت ادبی، عدم صداقت و استفاده بدون اجازه از ملکیت فکری دیگران، نگرانی‌های اساسی هستند. برخی از روشن‌فکران استدلال می‌کنند که فناوری هوش مصنوعی باید روشن باشد.

یکی از برجسته‌ترین بحث‌ها، ایجاد و استفاده از فناوری دیپ فیک است که از هوش مصنوعی برای ایجاد تصاویر و ویدیوهای فوق واقعی اما کاملاً ساخته شده استفاده می‌کند. نگرانی‌های اخلاقی قابل توجهی را ایجاد کرده است. منتقدان استدلال می‌کنند که دیپ‌فیک‌ها می‌توانند برای اهداف مخرب مانند انتشار اطلاعات نادرست، جعل هویت شخصیت‌های عمومی و ایجاد محتوای صریح و بدون توافق مورد استفاده قرار گیرند. احتمال آسیب باعث ایجاد بحث در مورد نیاز به مقررات و مسئولیت‌های اخلاقی توسعه‌دهندگان و کاربران هوش مصنوعی شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، کیفی بوده و بر اساس گزند تیوری انجام شده است. فرایند کار به این صورت بوده که یافته‌های تحقیق، در رابطه با سؤالات تحقیقی، جمع‌آوری و سپس انتخاب، متمرکز و به صورت خلاصه‌تر تنظیم شده است.

در مرحله‌ی بعدی، اطلاعات به‌دست آمده از طریق مصاحبه، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان را طبقه‌بندی کرده و جزئیات را برای دستیابی به حالت کلی درآمده است.

در فرجام مصاحبه با خبرگان بر مبنای گزند تیوری در کودهای باز، محوری و انتخابی دسته‌بندی شده که در نهایت، بر اساس زنجیره‌ای از شواهد و ایجاد روابط منطقی، میان مطالب و همین‌طور پشتی-بانی مدل پارادایم تحقیق نتیجه‌گیری صورت گرفته است. شاخص راوایی و پایایی محتوایی آن نیز بر اساس فرمول لاوشه و محاسبه^۱ CVR و^۲ CVI صورت گرفته است. محقق پرسش‌نامه آزمایشی را در اختیار خبرگان و متخصصین امور قرار داد تا شاخص راوایی و پایایی محتوایی سؤالات مصاحبه را به

¹ Content Validity Ratio

² Content Validity Index

پوهنمل اسد الله آریا

سنجش بگیرند. تحقیق‌گر پس از تست نهایی دریافت که محاسبه نسبت روایی محتوا (CVR) ۰/۵۹ بوده که پس از تاییدی ۱۱ تن از خبرگان به دست آمده است. به همین سان در قسمت شاخص روایی محتوا (CVI) نیز از خبرگان خواسته شد تا میزان مرتبط بودن هر گویه را در طیف چهار قسمتی زیر مشخص کنند.

- غیر مرتبط
- نیاز به بازبینی اساسی
- مرتبط اما نیاز به بازبینی
- کاملاً مرتبط

در نهایت تعداد محققان و خبرگانی که طیف‌های مرتبط اما نیاز به بازبینی و کاملاً مرتبط به موضوع اصلی را انتخاب نموده بودند بر تعداد کل خبرگان تقسیم گردیده که نتیجه نهایی آن ۰/۸۱۵ بوده که قابلیت اعتماد و قبولی روایی محتوایی را به دست آورده است.

یافته‌های تحقیق

برای دریافت نتایج کیفی این تحقیق مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۵ تن از اساتید و محققان پوهنتون البیرونی انجام یافته که برای تجزیه و تحلیل آن از نحوه کدگذاری در گراندد تیوری و با استفاده از نرم افزار MAXQDA در سه بخش کودهای باز، محوری و انتخابی، کار گرفته شده است.

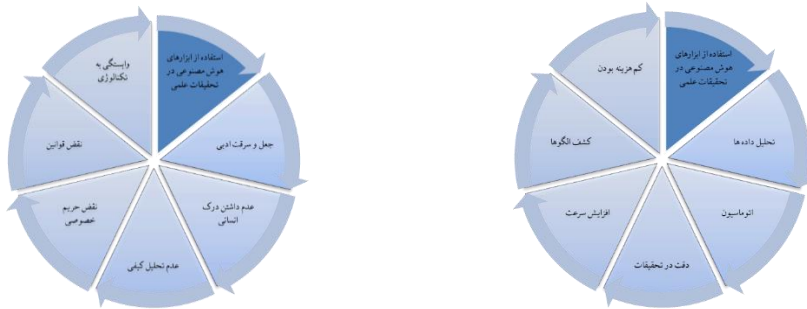
جدول ۱: کودهای به دست آمده از مصاحبه نیمه ساختاریافته

کودهای باز	کودهای محوری	کودهای انتخابی
هوش مصنوعی	کاربردهای هوش مصنوعی در تحقیقات علمی	الگوریتم‌های یادگیری ماشین
تحلیل داده	دقت و سرعت تحلیل داده‌ها	مدل‌های پیش‌بینی
Data Analysis		
اتوماسیون	کاهش هزینه‌ها	تاثیر بر فرایندهای تحقیقی
Automation		
مزایا	اعتماد به نتایج هوش مصنوعی	چالش‌های قانونی و حریم خصوصی
Advantage		
معایب	خطرهای اخلاقی و اجتماعی	توانمند سازی محققان
Disadvantage		

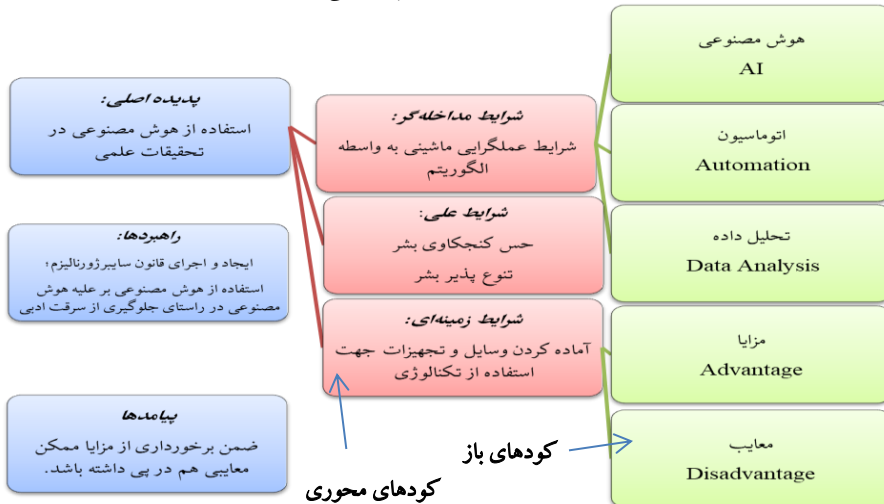
طوری که در جدول فوق مشاهد می‌کنید، پس از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان امور و تحقیقگران، از میان انبوهی از داده‌ها، محقق با استفاده از کودگذاری باز، محوری و گزینشی، مهم-ترین و معقول‌ترین موارد آن را مقوله‌بندی نموده و در محورهای اساسی جا دهد تا خوانندگان بتوانند به درستی روابط و مقایسه میان آن‌ها را درک نمایند.

با توجه به دریافت نتایج از مصاحبه نیمه ساختار یافته در این تحقیق چنین استنباط به عمل می‌آید که هوش مصنوعی ضمن داشتن مزایای فراوان در عرصه‌ی تحقیقات علمی، معایبی نیز به همراه دارد که ممکن در آینده روند امور را در عرصه‌ی تحقیقات علمی-تحقیقی با چالش‌های مواجه سازد. ضریب خطر استفاده از هوش مصنوعی در تحقیقات علمی می‌تواند چیزی در حدود ۵۰ درصد نسبی و تخمینی محاسبه گردد که در این میان مزایای آن نیز فوق‌العاده ارزشمند توصیف می‌گردد.

شکل ۲: مزایای استفاده از هوش مصنوعی در تحقیق
شکل ۳: معایب استفاده از هوش مصنوعی در تحقیق



شکل ۴: مدل پارادایمی تحقیق



مناقشه

هوش مصنوعی در تحقیق‌های علمی؛ از ابزار توانمندساز تا چالش اخلاقی و معرفت‌شناختی رشد شتابان هوش مصنوعی در دهه‌های اخیر، با پیامدهای گسترده‌ای برای علوم انسانی و اجتماعی همراه بوده است. آنچه در آغاز به‌عنوان ابزاری مکمل در خدمت تحقیق‌گر تصور می‌شد، امروز به مرحله‌ای رسیده است که مرز میان نقش انسان و ماشین در تولید علم را دستخوش تردید و بازتعریف نموده است. در چنین بستری، مناقشه‌ی اصلی این است که آیا هوش مصنوعی باید به‌مثابه‌ی یک فناوری توانمندساز در تحقیق‌های علمی تلقی گردد یا آنکه کاربرد آن تهدیدی جدی برای اصالت، صداقت، و نوآوری در فرایند تحقیق به‌شمار می‌رود؟

تحقیق حاضر، برخلاف آثار پیشین که غالباً به کارکردهای عمومی یا رسانه‌ای هوش مصنوعی (نظیر تولید محتوا یا سرگرمی) پرداخته‌اند، تمرکز خود را بر بستر آکادمیک و فرآیند علمی تحقیق قرار داده است. نویسندگان با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (Grounded Theory) و تحلیل داده‌های میدانی گردآوری‌شده از اساتید پوهنتون افغانستان، تصویری زمینه‌مند، بومی و تجربه‌محور از فرصت‌ها و تهدیدهای این فناوری در حوزه تحقیقات علمی ارائه کرده‌اند.

از منظر فرصت‌ها، هوش مصنوعی ابزارهایی همچون تحلیل سریع داده، تسهیل در طراحی مدل‌های تحقیق، دسترسی گسترده به منابع علمی، و ارتقای دقت در فرایندهای تحقیقاتی را فراهم می‌سازد. چنین امکانی می‌تواند به دموکراتیزه‌شدن دانش و کاهش شکاف‌های ظرفیت تحقیقاتی در کشورهای در حال توسعه، از جمله افغانستان، کمک کند. استفاده از نرم‌افزارهای پیشرفته مانند MAXQDA در کدگذاری و تحلیل کیفی داده‌ها، نشانی از ظرفیت هم‌افزایی انسان و ماشین در تولید علم دارد.

با این حال، بهره‌گیری گسترده و گاه بی‌ضابطه از هوش مصنوعی، سؤالات بنیادینی در باب اخلاق تحقیق، مالکیت فکری، شفافیت روش‌شناختی، و اعتبار معرفت علمی برمی‌انگیزد. چالش‌هایی چون سرقت ادبی پنهان، تحلیل سطحی یا سوگیرانه داده‌ها، تهدید حریم خصوصی، و کاهش نقش تفکر انتقادی و قضاوت انسانی، از مهم‌ترین دغدغه‌های اخلاقی-معرفتی در این زمینه‌اند. در واقع، به همان میزان که AI می‌تواند روند تحقیق را تسهیل کند، امکان دارد مسیرهای انحرافی جدیدی نیز در تولید و مصرف دانش ایجاد کند.

نکته قابل توجه در تحقیق حاضر، برجسته‌سازی زمینه‌های بومی و فرهنگی استفاده از AI در فضای آکادمیک افغانستان است؛ جایی که قوانین ناظر بر اخلاق تحقیق هنوز به صورت نهادینه شده وجود ندارند، و خطر استفاده ابزاری و غیر قابل کنترل از فناوری بسیار بالاست. مقایسه مقاله حاضر با تحقیق‌هایی مانند (Abdullahi et al (۲۰۲۴ یا السادات حیدری (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که برخلاف رویکرد هشداردهنده و عمومی آن‌ها، این تحقیق با پیشنهاد مشخص تدوین و اجرای قانون «سایبرژورنالیزم»، به یک پاسخ سیاست‌گذارانه و ساختاری نیز اندیشیده است.

بنابراین، مناقشه اصلی این تحقیق را می‌توان در این پرسش خلاصه کرد: چگونه می‌توان از قابلیت‌های هوش مصنوعی در راستای ارتقای کیفیت تحقیق بهره گرفت، بی‌آن‌که اصول بنیادین اخلاق علمی و استقلال فکری تحقیقگر قربانی شود؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم تعامل میان نظام علمی، نهادهای قانون‌گذار، و کاربران این فناوری است. آنچه تحقیق حاضر پیشنهاد می‌کند، نه حذف و نه پذیرش مطلق هوش مصنوعی، بلکه نوعی مدیریت انتقادی، اخلاق‌محور و زمینه‌مند برای استفاده از این فناوری است تا در عین بهره‌گیری از فرصت‌ها، از تهدیدها نیز پیش‌گیری شود.

نتیجه‌گیری

فرجامین سخنان این تحقیق علمی بیان می‌دارد که هوش مصنوعی به صدها روش ممکن در عرصه‌ی تحقیقات علمی، استفاده می‌شود. هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) یکی از پربازده‌ترین و پیشرفته‌ترین فناوری‌های دنیای امروز است. با پیشرفت فراگیر هوش مصنوعی در زمینه‌های مختلف، از جمله تحقیقات علمی، صنعت، طبابت، خدمات مالی و حمل و نقل، تأثیر آن بر جامعه و اقتصاد به مراتب بزرگ‌تر شده است. امروزه این فن‌آوری انجام امور را ساده ساخته و زندگی بشری را راحت‌تر و جالب‌تر کرده است. در بخش تحقیقات علمی، هوش مصنوعی با کاربردهای ع این فن‌آوری در قالب پروژه‌های مختلف توانسته برای محققان سهولت آفرین باشد.

هوش مصنوعی با مزایا و معایب خود یکی از تکنولوژی‌های برتر و تأثیرگذار در دنیای امروز است. استفاده هوشمندانه از این فناوری می‌تواند به بهبود کارایی، افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها منجر شود. اما در عین حال، نیاز به مدیریت مسئولانه و قوانین صادرشده برای اطمینان از امنیت و اخلاق در استفاده از هوش مصنوعی احساس می‌شود.

عمده‌ترین معایب و چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی در عرصه‌ی تحقیقات علمی عبارت
اند از:

۱- بروز خطرات امنیتی: هوش مصنوعی قابلیت جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل حجم عظیمی از داده‌ها را دارد، اما این امر می‌تواند به تبدیل شدن اطلاعات شخصی به خطر بیفتد و حریم خصوصی را تهدید کند.

۲- اتلاف شغل: پیشرفت هوش مصنوعی ممکن است منجر به جای‌گزینی برخی از فعالیت‌های انسانی و اتلاف شغل برخی از صنایع شود. این وضعیت می‌تواند منجر به نگرانی‌هایی درباره‌ی بروز بحران شغلی شود.

۳- عدم شفافیت و تبعات اخلاقی: بسیاری از سیستم‌های هوش مصنوعی بسیار پیچیده و قابل فهم نیستند. این امر می‌تواند منجر به عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و تبعات اخلاقی در استفاده از هوش مصنوعی شود.

در نهایت و حتی‌الامکان جهت جلوگیری و محدود ساختن ضریب خطرات و معایب هوش مصنوعی در تحقیقات علمی چند توصیه به‌طور پیشنهاد ذیلاً پیش‌کش می‌گردد.

۱- آگاهی‌بخشی همه‌جانبه در مورد مزایا و معایب و استفاده از هوش مصنوعی بر علیه هوش مصنوعی؛

۲- تهیه و به اجرا گذاشتن قانون سایبرژورنالیزم از سوی امارت اسلامی.

منابع

- السادات حیدری. (۱۴۰۲). ChatGPT در نگارش مقالات علمی: دوست یا دشمن؟. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد.
- حبیبی، منصور. (۲۰۲۳). هوش مصنوعی و علم اعصاب، مجله هوش مصنوعی، شماره دوم.
- عزتی، مرتضی. (۱۳۸۳). روش تحقیق در علوم اجتماعی و کاربرد آن در زمینه مسایل اقتصادی. همدان، ایران: مرکز تحقیق‌های اقتصادی.
- فرکلاف، نورمن. (۱۹۶۱). تحلیل انتقادی گفتمان. (مترجمان: محمد نبوی، مهران مهاجر، المحرر، و فاطمه شایسته پیران و دیگران) تهران، ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و ارشاد اسلامی.
- منصوریان، یزدان. (۱۳۹۱). مبانی تحقیق کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. اطلاعات، ارتباطات و دانش سیاسی
- وکیلی، جمشید. (۲۰۲۳). تکامل هوش مصنوعی. مجله هوش مصنوعی، شماره دوم.
- Abdullahi, Yusuf; Nasrin, Pervin; Román-González, Marcos. (2024). Generative AI and the future of higher education: a threat to academic integrity or reformation? Evidence from multicultural perspectives. *International Journal of Educational Technology in Higher Education*, 28. doi:10.1186/s41239-024-00453-6
- Aria, Asadullah. Bayan, Naqibullah & Hazeem, Shafiqullah. (2024, 8 13). Investigating the Impact of TOLONews TV Political and News Programs on the Political Participation of the Afghan People. (A. Aria, Ed.) *Studies in Media, Journalism, and Communications*, 2(2), 1. doi:10.32996/SMC
- Aria, Asadullah; Bayan, Naqibullah; Rahil, Mohammad Yahya. (2024). Explaining the Role of Artificial Intelligence (AI) in Entertainment, Creation of Content, and Attracting Audiences to the Cultural Committee of Al-Boruni University. *Kardan University*. Kabul, Afghanistan: Kardan University.
- Kattel, S. (2023). *Implementation of an AI-based Content Creation Strategy in the WineTourism Organization: The case study at Winalist*. Paris, France: University of Bordeaux.
- Sančanin, B., & Penjišević, A. (2022). USE OF ARTIFICIAL INTELLIGENCE FOR THE GENERATION OF MEDIA CONTENT. *Social Informatics Journal*, 1. Retrieved from www.socialinformaticsjournal.com

تأثیرات ارتقای فرهنگ شهرنشینی بر توسعه گردشگری مطالعه موردی: شهر محمودراقی

پوهنمل سمیع الله امان^{۱*}، پوهنمل دکتور عبدالمنیر رحیمی^۱، جواد رحیمی^۲

۱. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

۲. مدیر نشریه مجله علمی، معاونیت تحقیقات علمی، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: Sami.aman1368@gmail.com

چکیده

فرهنگ شهرنشینی مجموعه‌ای از قانون‌مندی‌های حاکم بر زندگی افراد جوامع شهری است که بدون حاکمیت این قانون‌مندی‌ها؛ زندگی شهرنشینی به‌واقع‌ای تلخ، غیر قابل تحمل برای پیر و جوان و خرد و کلان مبدل می‌شود. شهر محمودراقی مرکز ولایت کاپیسا بوده و این شهر یکی از شهرهای افغانستان می‌باشد که ۲۰۰،۰۰۰ تن نفوس دارد. مساحت این شهر ۱۲۰ کیلومتر مربع است و ۶۵ کیلومتر از شهرکابل فاصله دارد، این شهر یک شهر تفریحی افغانستان است و دارای چهار ناحیه بوده که مراکز این چهار ناحیه عبارتند از مرکز ناحیه اول ده باباعلی، مرکز ناحیه دوم نوآباد، مرکز ناحیه سوم شوخی و مرکز ناحیه چهارم صیاد می‌باشد. گردشگری شهری عبارت است از مسافرت به شهر با انگیزه‌های مختلف بر پایه جاذبه‌های گوناگون، امکانات و تسهیلات شهری که در شخص ایجاد جذابیت و انگیزه می‌نماید. تقویت فرهنگ شهرنشینی و ارتقای آن سبب جذب هزاران گردشگران شهری در شهرها می‌گردد. شناخت و تحلیلی سازمان یافته از فرهنگ شهرنشینی در زمینه عوامل پیش برنده و باز دارنده توسعه گردشگری شهری در شهر محمود راقی، هدف راهبردی تحقیق را شکل می‌دهد و مطالعه‌ی پیش رو با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از استراتژی‌های تصمیم‌گیری SWOT، به بررسی یافته‌های مطالعات کتابخانه‌ای و نتایج یک بررسی میدانی از طریق توزیع پرسش- نامه بین فرهنگیان و کارشناسان پرداخته است. در پاسخ به این پرسش است که آیا ارتقای فرهنگ شهرنشینی سبب توسعه گردشگری شهری در شهر محمود راقی می‌شود؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های ارتقای فرهنگ نشینی و توسعه گردشگری شهری وجود دارد و مناسب‌ترین استراتژی برای تاثیرگذاری بیشتر بر توسعه گردشگری شهری شهر محمود راقی استراتژی بازنگری است.

واژه‌های کلیدی: استراتژی SWOT، گردشگری شهری، شهر محمود راقی، فرهنگ شهرنشینی

The Impacts of Promoting Urban Citizenship Culture on Tourism Development: Case Study: Mahmud Raqi City

Senior Teaching Assistant Samiullah Aman^{1*}, Senior Teaching Assistant Dr. Abdul Munir Rahimi¹, Jawad Rahimi²

1. Department of Geography, Faculty of Education, Alberoni University

2. Journal Office, Vice Chancellor for Scientific Research Office, Alberoni University

* Corresponding Author Email: Sami.aman1368@gmail.com

Abstract

Urban citizenship culture is a set of governing rules and norms that regulate the lives of individuals in urban societies. Without the dominance of these norms, urban life turns into a bitter and intolerable experience for people of all ages. Mahmud Raqi is the capital of Kapisa Province and one of the cities of Afghanistan, with a population of approximately 200,000 people. The city covers an area of 120 square kilometers and is located 60 kilometers from Kabul. Mahmud Raqi is considered a recreational city of Afghanistan and consists of four districts, whose centers are: Baba Ali (District 1), Nawabad (District 2), Shokhi (District 3), and Sayad (District 4). Urban tourism refers to travel to cities with various motivations based on diverse attractions, urban facilities, and services that create interest and motivation among visitors. Strengthening and promoting urban citizenship culture leads to attracting thousands of urban tourists to cities. The strategic objective of this research is to provide a systematic identification and analysis of urban citizenship culture in terms of driving and inhibiting factors affecting urban tourism development in Mahmud Raqi city. The present study adopts a descriptive–analytical method and, using the SWOT decision-making strategy, examines findings from library-based studies as well as the results of a field survey conducted through questionnaires distributed among cultural figures and experts. The main research question is whether the promotion of urban citizenship culture leads to the development of urban tourism in Mahmud Raqi city. The findings indicate that there is a significant relationship between the components of promoting urban citizenship culture and the development of urban tourism. Moreover, the most appropriate strategy for enhancing the impact on urban tourism development in Mahmud Raqi city is the review (reassessment) strategy.

Keywords: SWOT Strategy; Urban Tourism; Mahmud Raqi City; Urban Citizenship Culture

مقدمه

فرهنگ شهری یعنی احساس مسؤولیت در شهر، فرهنگ شهری یعنی احساس دلپستگی و وابستگی به شهر و مسائل آن؛ فرهنگ شهری یعنی مشارکت عمومی در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مربوط به شهر؛ فرهنگ شهری یعنی اینکه یک شهروند احساس کند شهر، خانه اوست و باید با تمام توان در سالم سازی و زیبایی فضای فزیک، حفظ امنیت و آرامش داخلی و حفظ محیط زیست آن کوشا باشد و استفاده معقول و صحیح مصرف آب، برق، انرژی و حتی نان را بداند و به آن عمل کند (محمدی، ۱۳۸۰ص ۳۴).

فرهنگ شهری بخش مستقل از فرهنگ اجتماعی عمومی است که در کنار برنامه‌های عمومی فرهنگی و آموزشی مورد شناسایی ساماندهی و هدایت قرار می‌گیرد؛ چرا که کمیت و کیفیت آن نقش موثری در بهبود زندگی شهری و به طور خاص غنای توسعه فرهنگی دارد. هم چنین هرگونه اختلال در آن، به اختلال کل حیات شهری منجر می‌شود. از طرف دیگر به دلیل رشد سریع و ناموزون جوامع توسعه نیافته هنوز این فرهنگ شهری در شهرهایی مثل شهرهای افغانستان انسجام و قوام پیدا نکرده و یا انواع ناهماهنگی و عدم کارایی روبه‌رو می‌باشد (روزنامه مدنیت، ۴ دلو ۱۳۹۹). بدون شک ارتقای فرهنگ شهروندی موضوعی نیست که به سهولت برای جوامع محقق گردد، مگر اینکه دولت‌ها، مدیریت‌های شهری و در نقطه بسیار مهمتر و اساسی تر، شهروندان به آن اهمیت دهند و به عنوان فاکتوری مهم و تاثیرگذار بر روی دیگر شئون زندگی برای تحقق آن بکوشند (فاضل، ۱۳۹۸ص ۱۹).

فرهنگ شهرنشینی مجموعه‌ای از قانون‌مندی‌های حاکم بر زندگی افراد جوامع شهری است که بدون حاکمیت این قانون‌مندی‌های؛ زندگی شهرنشینی به واقع‌ای تلخ، غیر قابل تحمل برای پیر و جوان و خرد و کلان مبدل می‌شود. امروزه یکی از کارها برای رسیدن به مناسبات اجتماعی مطلوب و کاهش هزینه‌های وارده بر شهر توجه و برنامه‌ریزی برای ارتقای فرهنگ شهرنشینی در بین شهروندان می‌باشد. آموزش و توانمندسازی شهروندان برای ارتقای دانش، تقویت مهارت‌ها، کسب عادت‌های صحیح زندگی اجتماعی و بروز رفتارهای مطلوب شهروندی بویژه در راه بهره‌گیری مناسب از امکانات شهری از جمله ضرورت‌هایی است که در توسعه فرهنگ شهرنشینی قلمداد می‌شود (همان ص ۲۳).

گردشگری شهری عبارت است از مسافرت به شهر با انگیزه‌های مختلف بر پایه جاذبه‌های گوناگون، امکانات و تسهیلات شهری که در شخص ایجاد جذابیت و انگیزه می‌نماید.

در تعریف و مفهوم فرهنگ صاحب نظران و دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی نقطه نظرات زیادی ارائه کرده اند که در اینجا به مقتضای موضوع به برخی از آنها اشاره می شود:

- فرهنگ مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی های اعتقادی اعضای یک جامعه معین است.
- فرهنگ کلیت همبافتهی است شامل: دین، دانش، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون و ابزار و کاربرد آنها.

- فرهنگ پدیدهی اکتسابی است و محیط اجتماعی (شهری و روستایی) و نهادهای واقع در آن در شکل گیری آن نقش مؤثری دارد (محمدی، ۱۳۸۰ ص ۱۳).

گردشگری شهری عبارت است از مسافرت به شهر با انگیزه های مختلف بر پایه جاذبه های گوناگون، امکانات و تسهیلات شهری که در شخص ایجاد جذابیت و انگیزه می نماید. هم چنین از نظر اندازه شهر، شهرهایی که ۲۰۰۰۰ نفر و بیشتر جمعیت داشته باشند به عنوان حداقل توان گردشگری مناطق در نظر می گیرد. (موحد، ۱۳۸۶ ص ۳۱). بطورکل گردشگری شهری بازدید از شهرهاست و هدف آن دیدار از مکان های دیدنی، خرید کردن، انجام کسب و کار یا لذت بردن از سرگرمی ها است (Velissariou and Theoharis، ۲۰۱۷: ۴).

کاپیسا از جمله ای ولایات مرکزی و تاریخی افغانستان است که در ۱۰۲ کیلومتری مرکز کابل قرار دارد. ارتفاع آن از سطح بحر ۱۵۰۰ متر و مساحت آن حدود ۱۹۰۸ کیلومترمربع می رسد که در حدود ۳،۰ فیصد مجموع مساحت کشور را تشکیل داده که با داشتن ۶ ولسوالی و در هر کیلومترمربع آن به تعداد ۲۶۰ تن زندگی می نمایند. کاپیسا در شمال با ولایت پنجشیر در غرب با ولایت پروان در جنوب با ولایات کابل و لغمان و در شرق با ولایت لغمان هم سرحد می باشد. جمعیت این ولایت بالغ بر ۵۰۶۲۰۰ نفر تخمین زده شده که از اقوام مختلف تاجک، پشتون، پشهئی و نورستانی می باشند. ولایت کاپیسا با داشتن منابع طبیعی فراوان، مقصد خوبی برای سرمایه گذاری جهت رشد و تعالی صنعت محسوب می شود و با مدیریت و برنامه ریزی درست و معقول می توان از اثرات مثبت اقتصادی و فرهنگی این صنعت بیشتر مستفید شد (احصایه، ۱۳۹۹).

ولایت کاپیسا مخصوصاً شهر محمود راقی با داشتن جاذبه های طبیعی (دره های زیبا، کوه ها و کوه بچه های زیبا، چشمه های خروشان) و تاریخی دیرینه، مقصد خوبی برای گردشگران جهت رشد این صنعت محسوب می شود و با مدیریت و برنامه ریزی درست و معقول و ارتقای فرهنگ شهرنشینی می توان از اثرات مثبت این صنعت بیشتر مستفید شد و سالانه هزاران گردشگر و بازدید کننده را جذب

پوهنمل سمیع الله امان

کرد. شناخت و بررسی اثرات ارتقای فرهنگ شهرنشینی بر توسعه گردشگری شهری در شهر محمود راقی و ارائه پیشنهادهاى راهبردى برای تقویت فرهنگ شهرنشینی جهت توسعه گردشگری شهری در شهر محمود راقی هدف کلی این تحقیق می باشد و سوال کلی چنین مطرح می شود که آیا ارتقای فرهنگ شهرنشینی سبب توسعه گردشگری شهری در شهر محمود راقی می شود؟

ضرورت و اهمیت موضوع

این تحقیق از اهمیت بسزای برخوردار بوده که برای برنامه ریزان در شاروالی ها مخصوصاً برای شاروالی شهر محمود راقی می تواند خیلی مفید قرار گیرد و از دیدگاه گردشگری شهری، فرهنگ شهرنشینی برای رشد و توسعه بیشتر بازدید شهری یک ضرورت راهبردی به شمار می آید. امروزه وجود پتانسیل های بالقوه گردشگری در شهر محمود راقی، موجودیت ظرفیت های نسبی جهت پذیرش گردشگران، توسعه گردشگری در این شهر یک امری ضروری پنداشته می شود. چون هویداست که یکی دیگر از مزایای گردشگری رساندن پیام صلح و آشتی بوده و ملت ها را باهم پیوند میدهد. بنابراین ضرورت مبرم است که از ظرفیت های موجود شهر محمود راقی استفاده اعظمی صورت گیرد و یکی از وظایف شهرداری محمود راقی این است که باید در زمینه فرهنگ شهرنشینی بیشتر کار کند که گردشگری شهری توسعه پیدا نماید و تا بتوانند از مزایای صنعت گردشگری جهت توسعه و انکشاف شهر محمود راقی مستفید شوند.

پیشینه موضوع

در مورد فرهنگ شهرنشینی و اثرات آن بر توسعه گردشگری شهری در شهر محمود راقی تاکنون تحقیق های به زبان فارسی و غیر فارسی انجام نگرفته است. بنابراین به تعداد از منابع و تحقیق هایی که در این زمینه و یا مقالات که به این موضوع تقریباً مرتبط می باشد، اشاره می شود.

منظور از فرهنگ شهرنشینی مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها، نهادها، فضاها، امکانات، مقررات و آدابی است که به زندگی در جامعه شهری نظم و تعادل می بخشد، از این منظر فرهنگ شهرنشینی امروزه بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر جامعه را تشکیل می دهند که کیفیت آن نقش اساسی در فرآیند توسعه پایدار، کیفیت زندگی، سلامت و شادابی مردم دارد. از سوی دیگر تبدیل ساکنان شهر به شهروندان تمام عیار مستلزم ایجاد و گسترش فرهنگ شهرنشینی می باشد (حیدری، ۱۳۹۲ ص ۴۰).

فرهنگ شهری یعنی احساس مسؤولیت در شهر، فرهنگ شهری یعنی احساس دلبستگی و وابستگی به شهر و مسائل آن؛ فرهنگ شهری یعنی مشارکت عمومی در مسائل اجتماعی، سیاسی و

فرهنگي مربوط به شهر؛ فرهنگ شهري يعنى اينکه يک شهروند احساس کند شهر، خانه اوست و بايد با تمام توان در سالم سازی و زیبایی فضای فزيکی، حفظ امنيت و آرامش داخلي و حفظ محيط زیست آن کوشا باشد و استفاده معقول و صحيح مصرف آب، برق، انرژی و حتی نان را بداند و بدان عمل کند (محمدی، ۱۳۸۰ ص ۱۲).

والساریو، جیکاگ کالیتسیس (۲۰۱۷)، در مقاله تحت عنوان راهبرد بازاریابی گردشگری برای شهر دیسالونیکي یونان، گردشگری شهري یا گردشگری شهر، نوعی گردشگری جدید است که نتیجه آن بین المللی سازی و روند جدید در گردشگری می باشد. گردشگران برای بازدید پایتخت ها، شهرهای بزرگ و یا شهرهای کوچک را برای اقامت کوتاهی خود انتخاب می کنند. گردشگران طی اقامت خود، گردشگری شهري را با دیگر اشکال گردشگری مانند کنگره فرهنگی ترکیب می کنند. بر اساس تحقیقی که توسط اتحادیه اروپا انجام شده است، گردشگری شهري اولین گزینه برای ۲۰ درصد از مسافران است، در حالی برای ۴۰ درصد دیگر "خورشید و بینید" اولین انتخاب آن ها است. بر اساس این تحقیق، گردشگری شهري ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۰ و ۱۶ درصد در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. این نوع از توریسم مزایای اقتصادی و اجتماعی زیادی دارد و این دلیلی است که توسط دولت-های مرکزی و بازیگران محلی ترویج داده می شود. این فواید عبارتند از: کاهش بیکاری، ارتقاء سطح افزایش کیفیت زندگی مردم و توسعه فرهنگی می باشد. در حوزه تحقیق مان این مقاله مفید بوده و قابل استفاده می باشد (الساریو، جیکاگ کالیتسیس، ۲۰۱۷: ۴).

طبق آمار سازمان جهانی گردشگری، ۳۷ فیصد گردشگری بین المللی با انگیزه ای فرهنگی است و به طور چشم گیری این فرایند در حال افزایش است. رشد روز افزون این نوع از گردشگری، توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران را در جهان به خود معطوف کرده است. سابقه کهن و درخشان در فرهنگ و تمدن، آثار باستانی و تاریخی فراوان، تنوع فرهنگی، نژادی، زبانی و صدها جاذبه گردشگری دیگر، بالقوه می تواند افغانستان را در جایگاه ممتاز یکی از مقصدهای گردشگری فرهنگی قرار دهد. بسیاری از کشورهای دنیا بدون داشتن منابع گسترده و متنوع فرهنگی و طبیعی به قطب های اصلی گردشگری تبدیل شده اند؛ اما به رغم این واقعیت ها، افغانستان، کشوری با داشته های بی نظیر

¹ Velissariou

² Gkougkoulitsas

پوهنمل سمیع الله امان

جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی نتوانسته است به موفقیتی بین‌المللی در صنعت گردش‌گری دست یابد (عظیمی، ۱۳۹۴).

صنعت گردش‌گری بر مبنای ارتباطات انسان‌ها با فرهنگ‌های متفاوت در بستر مقاصد گردش‌گری جریان داشته و این ارتباطات گردش‌گران با فرهنگ‌های متفاوت، تاثیرات مثبت و منفی متعددی در پی خواهد داشت. میان گردش‌گری و فرهنگ رابطه‌های دو سویه وجود دارد؛ همان‌طور که فرهنگ منبعی برای توسعه گردش‌گری محسوب می‌شود، گردش‌گری نیز در توسعه فرهنگی نقش مهمی ایفا می‌کند. منظور از اثرات فرهنگی تغییراتی است که در هنر، عادات، رسوم و معماری جامعه مقصد به سبب تماس مستقیم مردم محلی و گردشگران رخ می‌دهد. توسعه گردش‌گری پایدار از طریق تقویت فرهنگ محلی می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر جای بگذارد و به احیای اداب و رسوم باستانی کمک کند (وزین و شیخی، ۱۳۹۹).

اسدی (۲۰۱۱)، در این تحقیق تحت عنوان استراتژی‌های توسعه گردش‌گری شهری ایران، گردش‌گری شهری به عنوان مهم‌ترین شکل گردش‌گری، یک استثنا نیست و آماده‌سازی استراتژی‌ها برای توسعه آن بدون در نظر گرفتن محیط خاص و خارق‌العاده آن امکان‌پذیر نخواهد بود. امروزه صنعت گردش‌گری یا اقدام سفر با هدف سرگرمی یکی از صنایع بزرگ و بخش‌های اقتصادی در جهان و یکی از بخش‌های اشتغال در اکثر کشورها و مهم‌ترین منابع ارز خارجی است. از سوی دیگر، بیشتر دولت‌ها گردش‌گری را به عنوان یک رهنمود برای توسعه کشور در نظر می‌گیرند، به دلیل آثار تکاثری درآمد گردش‌گری، که در آن ارز خارجی فراهم شده توسط گردشگران، صرف خرید محصولات و خدمات محلی خواهد شد. پس صنعت گردش‌گری به عنوان یکی از ارکان مهم جهان اقتصاد بوده که روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. ارتقای فرهنگ شهرنشینی بالایی جذب گردشگران شهری در یک منطقه نقش برانده‌ای را دارد که باید در زمینه تلاش صورت گیرد تا اینکه شاهد توسعه گردش‌گری شهری در شهرها شویم. این مقاله می‌تواند در حوزه تحقیق مان مفید واقع شود (آسدی، ۲۰۱۱: ۱۹۳۳).

کاپیسا از جمله ای ولایات مرکزی و تاریخی افغانستان است که در ۶۵ کیلومتری مرکز کابل قرار دارد. ارتفاع آن از سطح بحر ۱۵۰۰ متر و مساحت آن حدود ۱۹۰۸ کیلومتر مربع می‌باشد که ۳،۰۳ درصد مجموع مساحت کشور را تشکیل می‌دهد که با داشتن ۶ ولسوالی و در هر کیلومتر مربع آن به تعداد ۲۶۰

تن زندگی می نمایند. کاپیسا در شمال با ولایت پنجشیر در غرب با ولایت پروان در جنوب با ولایات کابل و لغمان و در شرق با ولایت لغمان هم سرحد می باشد. جمعیت این ولایت بالغ بر ۵۰۶۲۰۰ نفر تخمین زده شده که از اقوام مختلف تاجیک، پشتون، پشه ئی و هزاره و نورستانی می باشند. ولایت کاپیسا با داشتن منابع طبیعی فراوان، مقصد خوبی برای سرمایه گذاری جهت رشد و تعالی صنعت محسوب می شود و با مدیریت و برنامه ریزی درست و معقول می توان از اثرات مثبت اقتصادی و فرهنگی این صنعت بیشتر مستفید شد (احصایه، ۱۳۹۹).

گسترش شهرنشینی از علل مهم شکل گیری جهان گردی قلمداد می شود. پدیده شهر نشینی، به حضور مردم بیشتری در فضاهای کاری و اقامتی شهری انجامید. به همین دلیل و با توجه به چنین نیازهایی از طرف جوامع شهری است که صنعت توریسم به عنوان یکی از اشکال گذران اوقات فراغت و به لحاظ این که قادر به پاسخ گویی این گونه نیازها و خواسته های انسان است، رونق گرفته و روز به روز در حال توسعه و گسترش است (عظیمی، ۱۳۹۱: ۹۳).

باید گفت درسا از منابع تاریخی مرکز کاپیسا بگرام نیز بنام کاپیسی "کاپیسی، کی، پن" یاد شده است، چنانچه ظاهر چینی حیوان ترسناک پایتخت کاپیسا را (کا- پی - شی) گفت محیط آن را در حدود دومیل تخمین کرده است (۲) فوشه دانشمند فرانسوی آن را با بگرام یکی میدانند طبق نظراین محقق و دیگر مورخان بگرام (کاپیسا) تا سال ۷۹۲ یا ۹۳ میلادی پایتخت کابل شاهان بوده است و در سه قرن اول مسیحی کوشانیان در کاپیسا استقرار داشته اند، در عصر کانشیکای کبیرکه بگرام (کاپیسا) پایتخت امپراطوری وی بود از نگاه صنعت گریگوبودیک ترقی زیاد داشت، در قرن دهم میلادی انگاه که این منطقه مربوط و موسم به سلطنت کابل بود چینیان آنرا تسان (Tasan) یا کی پن گفته اند. ولایت کاپیسا دارای هفت واحد سیاسی می باشد؛ محمود راقی مرکز ولایت، ولسوالی حصه اول کوهستان، ولسوالی حصه دوم کوهستان، ولسوالی کوه بند، ولسوالی نجراب، ولسوالی تکاب و ولسوالی اله ساي است (بیمین، ۱۳۸۶).

روش تحقیق

روش تحقیق مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است که در یک کلیت منطقی و در قالب فرآیند علمی تحقیق صورت می پذیرد؛ در روش توصیفی اجزای مراتبی فرهنگ شهرنشینی و توسعه ی گردشگری شهری با استفاده از استراتژی های تصمیم گیری SWOT مورد بررسی قرار گرفته است، یافته های مطالعات کتابخانه ای و نتایج یک بررسی میدانی از طریق توزیع پرسشنامه به تعداد ۱۵۰ تن بین

پوهنمل سمیع الله امان

فرهنگیان و کارشناسان پرداخته است و نیز تلاش شده که از منابع معتبر و تحقیق‌های محققین و محققان حوزه فرهنگ و توریسم استفاده شود.

شهر محمود راقی

شهر محمود راقی مرکز ولایت کاپیسا، این شهر یکی از شهرهای افغانستان می‌باشد که ۲۰۰،۰۰۰ تن نفوس دارد. مساحت این شهر ۱۲۰ کیلومتر مربع است و ۶۵ کیلومتر از شهر کابل فاصله دارد (همان). مکان‌های تفریحی این شهر عبارتند از پارک صیاد، پارک ریگ‌روان، تپه‌ی حصارک، قول‌بابر و غیره می‌باشند. مرکز این شهر در تپه‌ی وزیر عبدالرحیم خان موقعیت دارد و مناطق مهم دیگر این شهر عبارتند از صدق‌آباد، ملازادخیل، نوآباد، شوخی، قلعه‌ی سیدخان، عبدالله خیل، ده باباعلی، ادوخیل، گلدان، ریگ‌روان، صیاد، علی خیل، شهبازخیل، دیرستان، دربانان، قاضی خیل، هزاره‌ها، هروکی، زاگیرا، قلعه‌ی سفید، رحمان خیل، محمد عمرخیل، ده بابی و غیره می‌باشند. این شهر یک شهر تفریحی افغانستان است و دارای چهار ناحیه بوده که مراکز این چهار ناحیه عبارتند از مرکز ناحیه ی اول ده باباعلی، مرکز ناحیه ی دوم نوآباد، مرکز ناحیه‌ی سوم شوخی و مرکز ناحیه چهارم صیاد می‌باشد. هم‌چنان در منطقه‌ی صیاد شهر محمود راقی چهار دریا؛ دریای پنجشیر، غوربند، شتل و سالنگ با هم وصل شده و متعاقباً در نزدیکی نگاب و سروبی به حوزه‌ی دریای کابل می‌ریزد و به سوی سند روان می‌شود و دریای پنجشیر در سرسبزی شهر محمود راقی نقش مهم خود را دارد (صاحب‌زاده، ۱۳۹۴).



تصویر شماره (۱) نقشه ولایت کاپیسا (منبع: احصایه، ۱۳۹۹)

يافته های تحقیق

يافته‌ها تحليل استراتژيک ارتقای فرهنگ شهرنشینی و اثرات آن در گردشگری شهری

در مدل SWOT که یک مدل استراتژيک جهت تصميم گيري برای برنامه‌ريزی بوده و ابعاد پروژه از جنبه‌های مختلف و از هر نظرکه مورد توجه تصميم‌گيران باشد بررسی می‌شود و در ماتريس درج می‌گردد. در ماتريس سوات نقاط قوت و نقاط ضعف، فرصت‌ها و محدودیت‌های هر پروژه مورد تجزيه و تحليل قرار می‌گیرد و سپس بوسیله نظر خواهی از صاحب نظران و مسؤولین امر وزن دهی یعنی نمره دهی به هرکدام از این عوامل و سپس محاسبه و تحليل آنها انجام می‌گیرد و بعد با آگاهی کامل تر از واقعیت‌های مرتبط با پروژه در باره اجرا یا عدم اجرای آن تصميم‌گيري و استراتژی و راهکار مناسب ارائه می‌شود (حیدری، ۱۳۹۶ص ۱۸).

- ماتريس ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) به اساس وزن دهی، نمره دهی مسؤولین و یافته‌های پرسش‌نامه

جدول ۱- ماتريس ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف)

نقاط قوت	وزن	رتبه	نمره نهایی
احترام به حقوق یکدیگر	۰,۰۶۷	۳	۰,۲۰۱
حمایت از دیگران و عدم بی تفاوتی آنان در برابر یکدیگر	۰,۰۵۴	۳	۰,۱۶۲
برخوردار بودن از حس انسان دوستی مردم	۰,۰۵۴	۳	۰,۱۶۲
پاییند بودن به سنت و آداب و رسوم سنتی	۰,۰۶۷	۴	۰,۲۶۸
برخوردار بودن از فرهنگ و اصالت افغانی	۰,۰۵۴	۳	۰,۲۰۱
برخورداری از حس بالای قوم مداری	۰,۰۴	۳	۰,۱۲
داشتن جاذبه های زیادی گردشگری	۰,۰۶۷	۳	۰,۱۲
داشتن فرهنگ مهمان نوازی	۰,۰۵۴	۳	۰,۱۶۲
زندگی در کنار هم بدون دخالت	۰,۰۲۷	۳	۰,۰۸۱
زدیک قرار گرفتن به پایتخت	۰,۰۲۷	۳	۰,۰۸۱
مجموع	۰,۵۱۱	۳۱	۱,۵۵۸

نقطه ضعف	وزن	رتبه	نمره
گذاشتن زباله بیرون از آشغال دانی و یا در وسایل رو باز عبور و مرور بدون توجه به علایم	۰,۰۵۴	۲	۰,۱۰۸
رد و بدل شدن حرف های رکیک و غیر اخلاقی	۰,۰۲۷	۲	۰,۰۵۴
نوشتن یادگاری در دیوارهای مراکز آموزشی	۰,۰۲۷	۲	۰,۰۵۴
پرتاب کردن ته ی سگریت و زباله از داخل موتر	۰,۰۵۴	۲	۰,۱۰۸
جنگ بر سر سوار کردن و سوار شدن در موترها	۰,۰۶	۱	۰,۰۶
عدم زیرساخت شهری برای جذب گردشگران شهری	۰,۰۵۴	۲	۰,۱۰۸
عدم برخورد مناسب با گردشگران شهری	۰,۰۶۷	۲	۰,۱۳۴
توجه نکردن به درآمد گردشگری شهری	۰,۰۶۶	۲	۰,۱۳۲
عدم بروشورهای آگاهی دهی جهت جذب گردشگران	۰,۰۴	۲	۰,۰۸
مجموع	۰,۴۸۹	۱۹	۰,۹۱۸

منبع: نگارنده

- ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (نقاط فرصت و نقاط تهدید) به اساس وزن دهی، نمره دهی مسؤولین و یافته های پرسش نامه

جدول ۲- ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (نقاط فرصت و نقاط تهدید)

فرصت ها	وزن	رتبه	نمره
بالا بودن فرهنگ اصیل افغانی	۰,۰۴۲	۳	۰,۱۲۶
آموزش به مردم توسط نهادهای دولتی	۰,۰۵۷	۴	۰,۲۸۸
امکان فرهنگ سازی و ارتقاء هویت فرهنگی مردمی	۰,۰۱۴	۳	۰,۰۴۲
استفاده از روش های نوین در زندگی	۰,۰۴۲	۳	۰,۱۲۶
استفاده از رسانه ها	۰,۰۲۸	۳	۰,۰۸۴
استفاده از تکنالوژی روز در زندگی	۰,۰۴۲	۳	۰,۱۲۶
بودن جاذبه های زیادی گردشگری	۰,۰۴۲	۳	۰,۱۲۶

۰,۱۶۸	۳	۰,۰۴۲	ژديک قرار گرفتن شهر محمود راقی به پایتخت
۰,۱۷۱	۳	۰,۰۵۷	داشتن اتحاد و همبستگی مردم
۰,۱۶۸	۴	۰,۰۴۲	داشتن توت فراوان برای جشن توت
۱,۴۲۵	۳۲	۰,۴۰۸	مجموع
نمره	رتبه	وزن	تهدیدها
نهایی			
۰,۱۴۴	۲	۰,۰۷۲	تهاجم فرهنگی بیگانگان
۰,۱۱۴	۲	۰,۰۵۷	عدم شناخت حقوق فردی و اجتماعی
۰,۰۸۴	۲	۰,۰۴۲	رد و بدل شدن حرف های بی مورد در بین مردم
۰,۱۴۲	۲	۰,۰۷۱	ضعف در مشارکت اجتماعی، تعهد شهری و شهروندی و رفتارهای مبتنی بر آن
۰,۱۴۲	۲	۰,۰۷۱	وجود گروه های مختلف قومی با قشر بندی خاص اجتماعی و عدم سنخیت آنها
۰,۱۱۴	۲	۰,۰۵۷	ازدیاد فقر و تقسیمات دو سطحی (فقر و غنی)
۰,۰۸۴	۲	۰,۰۴۲	رشد و گسترش آسیب های اجتماعی به علت ازدیاد و جوانی جمعیت
۰,۰۸۴	۲	۰,۰۴۲	تهدید در سایت های گردشگری
۰,۱۴۲	۲	۰,۰۷۱	نبود سرک های معیاری جهت عبور و مرور گردشگران در داخل سایت های گردشگری
۰,۰۶۷	۱	۰,۰۶۷	عدم وجود اشارات ترافیکی در داخل شهر
۱,۱۱۷	۱۹	۰,۵۹۲	مجموع

منبع: نگارنده

جدول ۳- مجموع ماتریس عوامل داخلی

نقاط قوت و ضعف	وزن	رتبه	نمره نهایی
	۱	۵۰	۲,۴۷

منبع: نگارنده

جدول ۴- مجموع ماتریس عوامل خارجی

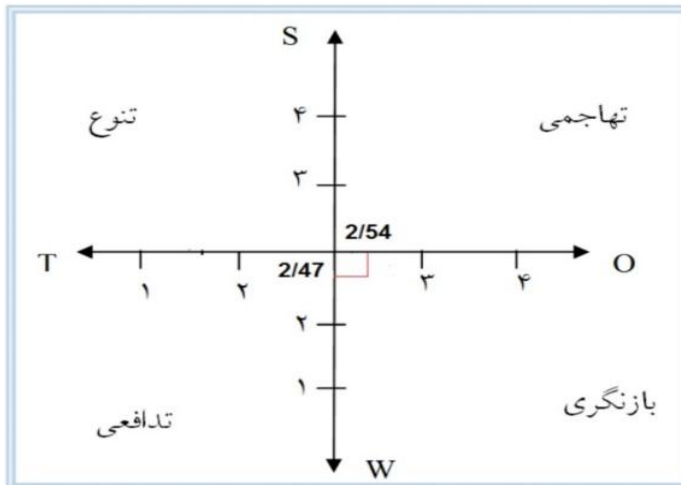
نقاط فرصت و نقاط تهدید	وزن	رتبه	نمره نهایی
	۱	۵۱	۲,۵۴۲

منبع: نگارنده

نمودار ۱- ارزیابی مجموع عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهرنشینی و اثرات آن بر

توسعه ی گردشگری شهری

- نظر به وضعیت نمودار یافته‌ها نشان می‌دهد که در حالت بازنگری قرار می‌گیرد



با توجه به جدول ماتریس عوامل داخلی و خارجی بر طبق نمودار (۱) مشاهده می‌گردد که در ربع دوم

محور مختصات واقع شده که نشان دهنده استراتژی بازنگری است.

راهبرد انطباقی یا راهبرد حداقل- حداکثر، تلاش دارد تا با کاستن از ضعف‌ها بتواند حداکثر استفاده را

از فرصت‌های موجود ببرد.

مناقشه و نتيجه گيري

ابعاد ارتقاي فرهنگ شهرنشيني بر توسعه ي گردش گري شهري شهر محمود راقی هم رابطه داشتند و هم اثر داشتند که قابل پيش بينی بوده است. (فاضل، ۱۳۹۸)، (موحد، ۱۳۸۶)، (۴: ۲۰۱۷)، (Velissariou and Theoharis)، (صاحب زاده، ۱۳۹۴)، (حيدری، ۱۳۹۲)، (محمدي، ۱۳۸۰)، (والساريو، جیکاگ کالیتسيس، ۲۰۱۷: ۴)، (اسدی (۲۰۱۱) نتایج حاصله نشان داد که رابطه معناداری بين مولفه های ارتقاي فرهنگ نشيني و توسعه ي گردش گري شهري وجود دارد و مناسب ترين استراتژی برای تأثير گذاري بیشتر بر توسعه گردش گري شهري شهر محمود راقی استراتژی بازنگري است.

از مباحث مطرح شده چنين نتيجه گرفت می شود که تبیین مبانی فرهنگ شهر نشيني برای همه مردم به ویژه قشر جوان و نوجوان، برقراری زمينه مناسب برای رشد و ارتقاي اين فرهنگ، گاهی مؤثر در دستيابی به شهر فرهنگي است. شهروندان تکیه گاه اصلي جامعه ما هستند و منابع پايان ناپذير جوهر حيات شهري و عنصر اصلي شهر را تشكيل می دهند، بنابراین حيات شهري تنها زمانی حفظ و حراست می شود که روح آن يعنی شهروندان اش آگاه و آموزش ديده باشند. نا آگاهی از فرهنگ شهرنشيني و قواعد رفتاری زندگی شهري، هزینه های زيادی به اداره کنندگان شهر، محيط شهري و ساکنان شهر تحميل می کند که اثرات منفي اين نا آگاهی مستقيماً معطوف به شهر و شهرداری می شود. ارتقاي فرهنگ شهر نشيني نقش مهمی در موفقیت برنامه های گردش گري و توسعه ي گردش گري شهري دارد. بنابراین پایداری در توسعه فرهنگ شهر نشيني در شهر محمود راقی، مستلزم توجه نظام مند به ابعاد فني، فرهنگي، سياسي، اقتصادي، تاريخي و زیست محيطي است تا استفاده از تمامی جنبه ها، مطابق با نیاز امروز و حفظ و نامگذاری هويت فرهنگ اجتماعي برای آيندگان نیز باشد.

با رعایت نمودن اصول فرهنگ شهرنشيني و ارتقاي اين پديده بتوانيم در توسعه ي گردش گري شهري در شهر محمود راقی بیشتر سهم شويم و از فوايد اين صنعت، شهروندان و حکومت محلی شهر محمود راقی بیشتر مستفيد گردند.

پيشنهاها

۱- تبليغات گسترده در جهت ارتقاي فرهنگ شهرنشيني و آموزش مردم از طريق برنامه های متنوع و آموزنده.

پوهنمل سمیع الله امان

- ۲- تقویت رویکردهای ارزشی، بومی و محلی فرهنگ شهروندی با توجه به تنوع قومی و فرهنگی در این شهر.
- ۳- برای اینکه فرهنگ شهروندی در اذهان شهروندان نهادینه گردد، باید همراه با کاربرد منابع دینی و اخلاقی اهتمام و توجه کامل مدیران شهری قرارگیرد.
- ۴- با توجه به فرایند گذار از سنت به مدرنیته باید بر اساس مؤلفه‌های درونی فرهنگ شهروندی پایه‌های آن را تقویت کرد.
- ۵- جهت رشد صنعت گردشگری در شهر محمود راقی باید ارزش‌های درآمدی و فرهنگی آن را بین مردم مطرح نموده تا اینکه شهروندان با ارتقای فرهنگ شهرنشینی در توسعه‌ی گردشگری شهری سهیم گردند.
- ۶- برگزاری ورکشاپ‌های آموزشی جهت آگاهی‌دهی برای کارمندان اداره، کسبه‌کاران و مردم منطقه در بخش اهمیت صنعت توریسم و پیامدهای آن.
- ۷- حفظ ساحات باستانی و آبدات تاریخی و مواظبت و مراقبت دائمی از آنها در این شهر.

منابع

- اسدی، رامین (۱۳۹۰). رویکردها و اشکال توریسم. چاپ اول، تبریز، انتشارات کینون.
- حیدری، رحیم (۱۳۹۳). مبانی برنامه ریزی صنعت گردشگری، چاپ چهارم، انتشارات سمت.
- حیدری، مریم (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ شهرنشینی بر توسعه پایدار شهری و ارتقاء هویت اجتماعی، تهران، اول، کنگره علمی افق های نوین.
- صاحب زاده، مریم (۱۳۹۴). اوضاع جغرافیایی ولایت کاپیسا، کاپیسا، اول، پوهنتون البیرونی.
- عظیمی، محمد عظیم (۱۳۹۱). میراث فرهنگی و گردشگری در افغانستان، کابل، چاپ اول، انتشارات خراسان.
- عظیمی، محمد عظیم (۱۳۹۴). اصول و مبانی جغرافیای توریستی افغانستان، کابل، چاپ اول، انتشارات نشر نگار.
- فاضل، سعید (۱۳۹۸). نقش گردشگری در ارتقای فرهنگ شهروندی، تهران، اول، انتشارات پوهنتون آزاد اسلامی.
- محمدی، حسن بیک (۱۳۸۰). فرهنگ شرنشینی و توسعه پایدار، زاهدان، چاپ اول، انتشارات ویژه نامه جغرافیا و توسعه.
- موحد، علی (۱۳۹۵). مقدمه ای بر گردشگری شهری، چاپ اول، انتشارات سیمای دانش.
- نوربخش، سید مرتضی و پورسراسکانرود، محمد اکبر (۱۳۸۹). نقش گردشگری شهری در توسعه اقتصادی کلان شهرها، ویژه نامه اقتصاد گردشگری شهری، زمستان.
- وزین، نرگس، شیخی، احمد رضا (۱۳۹۹). پیامدهای فرهنگی توسعه گردشگری در کشور از دیدگاه خبرگان، مجله گردشگری فرهنگ، ص ۲۱.
- یمین، محمد حسین (۱۳۸۶). افغانستان تاریخی، چاپ پنجم، کابل، انتشارات سعید.
- اداره احصاییه افغانستان، سالنامه احصاییوی، ۱۳۹۹.
- Asadi, Ramin. 2011. Strategies for the Development of Iran's Urban Tourism, Australian Journal of Basic and Applied Sciences.
- Velissariou, Efstathios & Gkougkoulitsas, Theoharis. 2017. Tourism marketing strategy for the City of Thessaloniki, Greece, Held on 24 May 2017. University of Sunderland. UK.
- Adongo, Charles et al, the tourism experience-led length of stay hypothesis, Journal outdoor Recreation and Tourism 18 (2017) 65-74.

بررسی کاربرد یوتیوب در یادگیری غیر رسمی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی

نامزد پوهنیار حیات الله سلجوقی^{۱*}، پوهنیار محمد خرم فقیری^۲

۱. دیپارتمنت مطبوعات، پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون البیرونی

۲. دیپارتمنت رادیوتلوویزیون، پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون البیرونی

*تویسنده مسؤل- ایمیل: hayat.saljuqi@gmail.com

چکیده

رشد رسانه‌های اجتماعی به خصوص یوتیوب، شیوه‌های یادگیری را متحول نموده و فرصت‌های تازه‌ای را برای یادگیری غیررسمی فراهم کرده است. در این راستا، محققان با درک اهمیت موضوع، نیاز دانستند تا کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان را مورد بررسی قرار دهند تا در روشنی نتایج آن، محصلان ژورنالیزم از مزیت‌های کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی، جهت ارتقای مهارت‌های ژورنالیستی و دانش خود، بهره‌مند شوند. این تحقیق به هدف بررسی کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی طی سال ۱۴۰۴ ه.ش انجام شد. روش تحقیق از نوع کمی با رویکرد توصیفی-همبستگی بوده که از طریق پرسش‌نامه‌های صحت‌سنجی شده، پیرامون کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی صورت گرفته است. جامعه آماری شامل تمام محصلان پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی در سال تحصیلی ۱۴۰۴ ه.ش بوده که با استفاده از فورمول کوکران، ۱۵۱ تن به‌عنوان نمونه انتخاب گردیده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه می‌باشد و اطلاعات با نرم افزار SPSS و آزمون همبستگی پیرسون تحلیل گردیده است. نتایج نشان داد که هزینه بلند و سرعت پایین اینترنت از محدودیت‌های اساسی استفاده مؤثر محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی از یوتیوب در فرآیند یادگیری غیررسمی است و از جانب دیگر، هر قدر میزان استفاده از یوتیوب بیش تر باشد، مهارت‌های ژورنالیستی محصلان نیز افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، محصلان ژورنالیزم، یادگیری غیررسمی، یوتیوب.

Investigating the Use of YouTube in the Informal Learning of Journalism Students at Alberoni University

Teaching Assistant Hayatullah Saljuqi^{1*} Teaching Assistant Mohammad Khurram Faqiri²

1. Department of Press, Faculty of Journalism, Alberoni University

2. Department of Radio & Television, Faculty of Journalism, Alberoni University

*Corresponding Author – Email: hayat.saljuqi@gmail.com

Abstract

The growth of social media, particularly YouTube, has transformed learning methods and created new opportunities for informal learning. Recognizing the importance of this issue, the researcher wants to investigate the use of YouTube in the informal learning of students, to enable them to benefit from the advantages of using YouTube, and to enhance their journalistic skills and knowledge. This study was conducted in 2025 to examine the role of YouTube in the informal learning of students at the Faculty of Journalism, Alberoni University. The research employed a quantitative method with a descriptive-correlational approach, using validated questionnaires focused on the use of YouTube in informal learning. The statistical population included all journalism students at Alberoni University in the mentioned academic year. Based on Cochran's formula, 151 students were selected. A researcher-made questionnaire was used for data collection, and the data were analyzed using SPSS software and the Pearson correlation test. The findings revealed that high internet costs and low connection speed are major limitations for the effective use of YouTube by journalism students in their informal learning processes. Moreover, the results indicated a positive correlation; the more frequently students use YouTube, the more their journalistic skills will improve.

Keywords: Informal Learning, Journalism Students, Social Media, YouTube.

مقدمه

فناوری اطلاعات و ارتباطات، آنچنان نیرویی را در عرصه‌های گوناگون حیات بشری دارد که بی‌تردید می‌توان آن را ظهور یک موج تمدنی جدید دانست (Sung et al, ۲۰۱۰). این فناوری، با ویژگی‌های از قبیل سرعت زیاد در پردازش داده‌ها، دقت فوق‌العاده و سرعت بالای دسترسی و کیفیت اطلاعات، به بخش ضروری از تمام جنبه‌های زندگی تبدیل شده است (Lam et al, ۲۰۰۷).

از آنجایی فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر شگرفی بر ابعاد مختلف از جمله یادگیری دارد (پورامینی و همکاران، ۲۰۱۹). اگر این فناوری به خوبی در محیط یادگیری ادغام شود آن‌گاه یادگیری در هر زمان و مکانی امکان پذیر خواهد بود و می‌تواند مواد آموزشی را برای دانش‌آموزان تسهیل کند و روند یادگیری را تغییر دهد به ویژه زمانی که از انترنت استفاده می‌شود (Dabamona & Yunus, ۲۰۲۲).

یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌رفت‌های اجتماعی در زندگی انسان یادگیری است، به‌طور کلی یادگیری به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود (Schugurensky, ۲۰۰۰). با توجه به رشد فناوری در چند سال اخیر، بیش‌تر یادگیری‌های غیررسمی از طریق رسانه‌های جمعی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته (حامدی نسب و سراجی، ۲۰۲۱). که در این میان، استفاده از یوتیوب به‌عنوان ابزار آموزشی در سال‌های اخیر مورد بررسی و بحث گسترده قرار گرفته است (Dabamona & Yunus, ۲۰۲۲). نتایج نشان می‌دهد که یوتیوب یک منبع آموزشی ارزشمند بوده و به‌طور مؤثر به‌عنوان بستری برای یادگیری غیررسمی در سنین مختلف و پس زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی عمل کرده است (Quintero-Rodríguez & Colás-Bravo, ۲۰۲۴).

از آنجایی که رشته ژورنالیزم به دلیل ماهیت ع و مهارت محور، نیازمند منابع آموزشی پویا، تصویری و به‌روز است. با این حال، در پوهنتون البیرونی، محدودیت‌های زیرساختی و فقدان امکانات آموزشی پیشرفته، محصلان این رشته را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در چنین شرایطی، یوتیوب می‌تواند به‌عنوان یک ابزار توان‌مندساز، فرصت‌های تازه‌ای برای یادگیری غیررسمی فراهم کند و به ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای محصلان ژورنالیزم یاری رساند.

تا اکنون روشن نیست که محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی چگونه از یوتیوب برای یادگیری غیررسمی استفاده می‌کنند و این پلتفرم چه تأثیری بر توسعه مهارت‌ها و دانش آنان دارد. این خلأ تحقیقی، ضرورت انجام مطالعه‌ای علمی را برجسته می‌کند که بتواند الگوهای استفاده، انگیزه‌ها، چالش‌ها و پیامدهای کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم را شناسایی کند.

تحقیق حاضر در پی بررسی استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی، میان محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی است. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند در ارایه راهبردهای کاربردی برای ارتقای سطح یادگیری غیررسمی مبنی بر استفاده از یوتیوب، جهت بالابردن توان علمی، اجتماعی و حرفوی محصلان در این پوهنتون راه‌گشا باشد. از آنجایی که این موضوع جدید است و در این زمینه تحقیق‌های قبلی در افغانستان و به‌طور خاص در پوهنتون البیرونی روی محصلان صورت نگرفته، با انتشار نتایج این تحقیق، مسؤولین نهادهای آموزشی می‌توانند با آگاهی به روش‌های برتر و مؤثر یادگیری، راهبردهای مؤثرتری را در پیش گیرند و هم‌چنان مسؤولان نهادهای علمی با داشتن درک درست از این که چه منابع و روش‌هایی بیش‌ترین رابطه را با یادگیری محصلان دارد، می‌توانند با تقویت این‌گونه عوامل از طرفی موجب افزایش یادگیری محصلان گردد و از سوی دیگر مسؤولان را در کشف فرصت‌ها و محدودیت‌ها در زمینه‌ی یادگیری یاری دهند. بر علاوه مدیران آموزش، می‌توانند از دست‌آوردهای این تحقیق در برنامه ریزی‌های آموزش استفاده کنند؛ زیرا در حال حاضر بیش‌ترین زمان و هزینه صرف دریافت آموزش‌های رسمی می‌شود، در حالی که نتایج تحقیق‌ها از جمله فلورانس (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که یادگیری غیررسمی نسبت به یادگیری‌های رسمی تأثیر بیشتری در عمل کرد افراد داشته است (الیاسی و آیینه‌ساز، ۲۰۱۱).

از جانب دیگر فناوری‌های جدید اطلاعات، توانایی فوق‌العاده‌ای برای تغییر و یا شکل‌دهی فعالیت تدریس و یادگیری در تمام مؤسسات آموزشی دارند و امکاناتی را برای طراحی محیط‌های نوین علمی فراهم می‌نمایند (فراهانی و همکاران، ۲۰۱۲).

با توجه به مسایل یاد شده در بالا، پرسش اصلی تحقیق چگونگی کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی می‌باشد، به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از یوتیوب و تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی، رابطه معنادار وجود دارد.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

تحقیق‌های که همه متغیرهای این تحقیق را در یک جا و در ارتباط با یک‌دیگر مورد بررسی قرار داده باشند را نمی‌توان یافت ولی هر یک از متغیرها به‌صورت جداگانه در تحقیق‌های انجام‌شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند که قرار ذیل اند:

در مطالعه‌ای که به هدف بررسی رابطه بین ابعاد ابزاری و آموزشی یوتیوب در زمینه یادگیری غیررسمی صورت گرفته است، نتایج نشان می‌دهد که یوتیوب یک منبع آموزشی ارزش‌مند است و

نامزدپوهنیا حیات الله سلجوقی

به طور مؤثر به عنوان بستری برای یادگیری غیررسمی در سنین مختلف و پس زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی عمل می‌کند. نتایج بدست آمده از ابعاد ابزاری و آموزشی نشان می‌دهد که کاربران ارزش بالایی برای هر دو جنبه‌ی فنی و آموزشی یوتیوب قایل هستند و یادگیری سریع، تنوع محتوا و شخصی سازی را به عنوان مزایای کلیدی برجسته می‌کنند (Quintero-Rodríguez and Colás-Bravo ۲۰۲۴).

(Yunus & Dabamona, ۲۰۲۲)، در تحقیقی با عنوان استفاده از یوتیوب در یادگیری زبان انگلیسی در موسسه (IAIN) پرداخته‌اند، نتایج نشان می‌دهد که یوتیوب می‌تواند به عنوان فناوری آموزشی برای یادگیری زبان انگلیسی مورد استفاده قرار گیرد تا به محصلان در یادگیری مستقل زبان انگلیسی در موقعیت‌های غیررسمی کمک کند و هم چنین فرصت‌های گسترده‌تری را برای بهبود مهارت‌های زبان انگلیسی آن‌ها فراهم کند.

تکتم و هم‌کاران (۲۰۱۳)، در تحقیقی که به بررسی و مقایسه وضعیت یادگیری رسمی و غیررسمی و منابع آن روی محصلان پوهنتون افسر امام علی انجام داده‌اند نتایج نشان می‌دهد که روش‌های یادگیری غیررسمی بیش از یادگیری رسمی در یادگیری محصلان نقش دارد و منابع یادگیری در این تحقیق تعاملات اجتماعی-انسانی، فعالیت‌های کاری-ع و آموزش- انتشارات ذکر شده است.

هم‌چنان در تحقیقی که صورت گرفته نتایج بیان می‌دارد که معلمان نمی‌توانند یوتیوب را خارج از فرآیند آموزشی قرار دهند، زیرا این بستر تمام مزایای داشتن تجربه آموزشی مفیدتر و هیجان انگیزتر را فراهم می‌کند و ویدیوهای یوتیوب باید به‌طور هم‌زمان بخش جدایی ناپذیر و مکمل از فرآیند یادگیری باشند. هم‌چنان دانش‌آموزان استفاده از ویدیوهای یوتیوب را لذت بخش دانسته و آن‌ها را به عنوان ابزار آموزشی جدی می‌گیرند، علاوه بر این دانش‌آموزان معتقداند که ویدیوهای یوتیوب مهارت‌ها و جنبه‌های زبانی آن‌ها را بهبود می‌بخشد (Fadhil Abbas and Ali Qassim ۲۰۲۰).

(Boekaerts & Minnaert, ۱۹۹۹) در تحقیقی با عنوان خود انضباطی با اشاره به یادگیری غیررسمی نشان دادند اهدافی که محصلان در یادگیری به صورت غیررسمی برای خود تنظیم می‌کنند، متفاوت از زمانی است که اهدافی را برای یادگیری رسمی تنظیم می‌کنند. علاوه بر آن نشان دادند که محصلان استراتژی‌های خود انضباطی متفاوتی را در یادگیری غیررسمی دارند و بیشتر از اطلاعات موازی با اهداف که قابل دسترس است، استفاده می‌کنند.

(Eid & Nuha, ۲۰۱۱) به بررسی تأثیر فرهنگ یادگیری و استفاده از فناوری اطلاعات بر

اشتراک‌گذاری دانش محصلان عربستان سعودی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که یک ارتباط مثبت

و معناداری بین دو فرهنگ یادگیری محصلان و استفاده از فناوری اطلاعات و اشتراک دانش وجود دارد.

پورامینی و همکاران (۲۰۱۹)، که به بررسی کاربرد فناوری اطلاعات بر روی یادگیری رسمی و غیررسمی پرداختند، نتایج رابطه مثبت و معناداری بین کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات و یادگیری غیررسمی را تایید می‌کنند و هم‌چنان بیان می‌کنند که میزان تأثیر کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات بر یادگیری غیررسمی (یادگیری از طریق انجام کار و تعاملات اجتماعی) بیشتر از یادگیری رسمی است. تحقیق‌های فوق نشان می‌دهند که استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی در کشورهای متفاوت موثر بوده است. اما در افغانستان در زمینه استفاده از یوتیوب در یادگیر غیررسمی میان محصلان و به‌طور خاص در پوهنتون البیرونی، تا کنون تحقیق علمی صورت نگرفته است، و این تحقیق در زمینه چگونگی کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی میان محصلان یک تحقیق علمی بکر می‌باشد.

یادگیری غیررسمی

یادگیری به معنای تقویت توانایی به کمک تجربه‌ای است که از پیگیری امور در طی زمان و در مسیر زندگی واقعی به‌دست می‌آید، در واقع یادگیری یک آموزش مداوم است (جارویس، ۲۰۰۲ به نقل از تکتم و همکاران، ۲۰۱۳). یادگیری به‌طور کلی به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. یادگیری غیررسمی شامل تمام یادگیری‌هایی است که خارج از برنامه درسی مؤسسات و برنامه‌های آموزشی رسمی رخ می‌دهد (Schugurensky, ۲۰۰۰). این نوع یادگیری به‌طور معمول ساده بوده و به‌طور خاص بر علاقه، اولویت‌ها و نیازهای یادگیرنده تمرکز دارد (Coombs Ahmed ۱۹۷۴) به نقل از الیاسی و آینه‌ساز (۲۰۱۱).

واژه‌ی آموزش غیررسمی در سال ۱۹۶۸ در زمانی که عقاید گسترده‌ای در خصوص انحلال نظام رسمی آموزش وجود داشت شکل گرفت و نه تنها در کشورهای پیشرفته، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز به‌عنوان نوش‌داروی نظام مریض آموزشی جوامع به آن نگریسته شد (افضل‌نیا و کلوی، ۲۰۱۰). در عرصه تعلیم و تربیت مفهوم یادگیری غیررسمی، ابتدا توسط «جان دیوی» مطرح شد و بعدها متداول گردید، این نوع یادگیری زمانی رخ می‌دهد که یادگیرنده ترغیب می‌شود تا به شیوه‌ای خود آموز، موضوعی را فراگیرد (الیاسی و آینه‌ساز ۲۰۱۱).

یادگیری غیررسمی به‌عنوانی چون یادگیری ضمنی، یادگیری تجربی و یادگیری زمینه‌شده نیز یاد شده است (کوهی و همکاران، ۲۰۱۹). این نوع یادگیری به سه نوع شناسایی شده است، یادگیر خود راهبر، یادگیری اجتماعی و یادگیری اتفاقی (Schugurensky ۲۰۰۰).

نامزدپوهنیا ر حیات الله سلجوقی

یادگیری خود راهبر؛ به «پروژه‌هایی یادگیری» اطلاق می‌شود که توسط افراد به تنهایی یا به‌عنوان بخشی از یک گروه، بدون کمک معلم، مربی و تسهیل‌گر انجام می‌شود، مانند شخصی که می‌خواهد در باره یک رویداد تاریخی اطلاعات بیشتری کسب کند و برای این کار کتاب‌ها و اسناد آرشیف‌ها را می‌خواند، فیلم‌ها را تماشا می‌کند، به موزیم‌ها می‌رود و با افرادی که در آن رویدادها شرکت کرده یا شاهد بوده‌اند صحبت می‌کند.

یادگیری اتفاقی؛ زمانی رخ می‌دهد که یادگیرنده قبلاً قصد یادگیری چیزی از آن تجربه را نداشته است، اما پس از تجربه متوجه می‌شود مقداری یادگیری صورت گرفته است. بنابراین، ناخواسته اما آگاهانه است، مانند کودکی نوپا که اتوی داغ را لمس می‌کند و بلافاصله متوجه می‌شود که انجام دوباره آن عاقلانه نیست.

یادگیری اجتماعی که به آن یادگیری ضمنی نیز گفته می‌شود، به درونی‌سازی ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و مهارت‌ها اشاره دارد که در طول زندگی روزمره اتفاق می‌افتد طوری که، نه تنها قصد پیش‌بینی برای بدست آوردن آن‌ها نداریم، بلکه آگاه نیستیم که چیزی یاد گرفته‌ایم. مانند گروهی از دوستان که به‌طور منظم برای انجام یک ورزش یا بازی خاص گرد هم می‌آیند و بعد از سال‌ها مهارت خاصی پیدا می‌کنند، بدون این‌که متوجه شوند که این یک فرآیند یادگیری طولانی است.

مهم‌ترین ویژگی‌های یادگیری غیررسمی آن است که عمدتاً خارج از محیط‌های آموزشی اتفاق می‌افتد. فاقد برنامه درسی، آزمون و یا سازماندهی حرفه‌ای مشخص بوده و اغلب به‌صورت تصادفی و در ارتباط با شرایط خاص که مستلزم تغییرات ع است روی می‌دهد. کارکرد یادگیری غیررسمی به‌طور مستقیم در زندگی روزمره تجربه می‌شود. عمدتاً خلاقانه و ناخود آگاهانه است (Rogoff et al., ۲۰۱۶). موقعیت‌های سازمانی، فراگیری زبان، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از مهم‌ترین زمینه‌گسترش حوزه یادگیری غیررسمی است (کارشکی و همکاران، ۲۰۱۹).

یوتیوب YOTUBE

یوتیوب از جمله محبوب‌ترین رسانه‌های اجتماعی است که در زمینه‌ی اشتراک‌گذاری فایل‌های ویدیویی فعالیت می‌کند. اعضای یوتیوب می‌توانند ویدیوهای‌شان را در سایت بارگذاری کنند یا کانال شخصی‌شان را بر اساس ویدیوهای مورد علاقه‌شان بسازند.

علاوه بر هزاران فلم کوتاه‌ی شخصی که با کمره‌های دیجیتالی آماتور یا وب‌کمره‌ها تصویر برداری شده و به‌وسیله اعضای یوتیوب در سایت قرار داده شده است، هزاران کلیپ هم از برنامه‌های تلویزیونی

یا تکه‌هایی از فلم‌هایی سینمایی در یوتیوب قرار دارد و این سایت را به مخزن عظیمی از تصاویر ویدیویی تبدیل کرده است.

در سال ۲۰۰۵ توسط سه انجنیر پیشین شرکت پی‌پال (چاد هرلی، استیو چن و جاوید کریم) بنیان‌گذاری شد. یک سال بعد در سال ۲۰۰۶، گوگل این پلتفرم را با مبلغ ۱٫۶۵ میلیارد دالر خریداری کرد و از آن زمان زیر مجموعه آلفابت (شرکت مادر گوگل) قرار گرفت (حیدری، ۱۳۹۳).

ویژگی‌ها و امکانات در یوتیوب

کاربران می‌توانند ویدیوهای خود را تا اندازه‌ای ۱۲ ساعت یا ۲۵۶ گیگابایت ویدیو، بارگذاری کنند. هر کاربر می‌تواند یک یا چند کانال ایجاد کند و مخاطبان با کلیک بر "اشتراک‌گذاری" محتوای جدید را دنبال کنند. با فعال‌سازی "گوگل ادسنس" تولیدکنندگان محتوا می‌توانند از تبلیغات در ویدیوهای خود درآمد کسب کنند؛ شرایط اصلی عضویت در برنامه‌ی شراکت، حداقل ۱۰۰۰ اشتراک‌کننده و ۴۰۰۰ ساعت تماشای ویدیو در ۱۲ ماه اخیر می‌باشد.

پخش زنده، استوری، ویدیوها و کلیپ‌های کوتاه و امکان بارگذاری ویدیوهای ۳۶۰ درجه، از جمله امکانات دیگر یوتیوب می‌باشد که اکثر رسانه‌ها این قابلیت را ندارند.

کاربرد یوتیوب

صدها هزار کانال آموزشی از ریاضیات و فیزیک تا آشپزی، در یوتیوب فعال‌اند و بسیاری از کاربران برای یادگیری مهارت‌های جدید به این بستر مراجعه می‌کنند، هم‌چنان مزیت خاص آن آموزش زبان‌های مختلف به‌صورت رایگان می‌باشد. شرکت‌ها و افراد می‌توانند با تولید محتوای جذاب، مخاطب خود را جلب کرده و به تبلیغ محصولات یا خدمات خود بپردازند.

یوتیوب موجب جهانی شدن دسترسی به محتوا شده و فرهنگ، زبان و گویش‌های مختلف را در سطح بین‌المللی در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهد. یکی دیگر از قابلیت‌های بی‌نظیر یوتیوب ساخت و نشر مستندها در بخش‌های تاریخ، طبیعت، آثار باستانی، نسل‌های انسانی و... می‌باشد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی بوده و با رویکرد کمی انجام شده است. هدف تحقیق، بررسی کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی می‌باشد. این طرح به دلیل امکان سنجش کمی متغیرها و تحلیل آماری ارتباط میان آن‌ها انتخاب گردیده است. جامعه آماری شامل تمام محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی در سال تحصیلی ۱۴۰۴ ه.ش که شامل ۲۵۲ تن است، می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۵۲ تن تعیین شده است. روش نمونه‌گیری

نامزدپوهنپار حیات الله سلجوقی

به صورت تصادفی ساده اجرا گردیده تا احتمال انتخاب برای همه محصلان ژورنالیزم یکسان باشد. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه، گردآوری شده که شامل چهار بخش زیر است: اطلاعات جمعیت‌شناختی (سال تحصیلی دوره کارشناسی)، مقیاس میزان استفاده از یوتیوب، شاخص «انگیزه استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی»، شاخص «میزان تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان با استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی» و شاخص «محدودیت استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی» می‌باشد. روایی محتوایی پرسش‌نامه توسط سه تن از استادان حوزه‌ی رسانه و آموزش تأیید شده و برای سنجش پایایی، از آلفای کرونباخ استفاده گردیده که برای شاخص انگیزه استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی، که دارای ۷ گویه می‌باشد آلفای کرونباخ با مقدار (۰,۷۱۱)، و برای شاخص «تقویت مهارت‌های ژورنالیستی با استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی» با داشتن ۵ گویه، آلفای کرونباخ با مقدار (۰,۷۱۳) و برای شاخص «محدودیت استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی»، با داشتن سه گویه، آلفای کرونباخ با مقدار (۰,۷۶۲) بدست آمده، که بیانگر پایایی مطلوب ابزار است. پرسش‌نامه‌ها در ماه سرطان ۱۴۰۴، به صورت حضوری بین نمونه‌های تحقیق توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شده است، تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته و برای توصیف داده‌ها از میانگین، انحراف معیار و توزیع فراوانی استفاده شده است. پاسخ دهندگان با رضایت آگاهانه در تحقیق حضور یافتند و داده‌ها فقط برای اهداف علمی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخ دهندگان

طوری که در جدول شماره (۱) شرح شده، تمام اشتراک‌کنندگان این تحقیق شامل ۱۵۱ تن محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی، می‌باشند.

جدول شماره (۱)				
معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد مجموعی
	۱۵۱	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰

تحصیلات پاسخ دهندگان

طوری که در جدول شماره (۲) شرح شده، پاسخ دهندگان شامل محصلان سال اول، دوم، سوم و چهارم دوره‌ی لیسانس، پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی می‌باشند.

جدول شماره (۲)

دوره کارشناسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد مجموعی
سال اول	۳۸	۲۵,۲	۲۵,۲	۲۵,۲
سال دوم	۴۰	۲۶,۵	۲۶,۵	۵۱,۷
سال سوم	۳۶	۲۳,۸	۲۳,۸	۷۵,۵
سال چهارم	۳۷	۲۴,۵	۲۴,۵	۱۰۰,۰
مجموعه	۱۵۱	۱۰۰	۱۰۰,۰	

جدول‌های شماره (۳) و (۴) مبین میزان کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم می‌باشند.

جدول شماره (۳)

فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد مجموعی
۸	۵,۳	۵,۳	۵,۳
۵۵	۳۶,۴	۳۶,۴	۴۱,۷
۷۰	۴۶,۴	۴۶,۴	۸۸,۱
۱۸	۱۱,۹	۱۱,۹	۱۰۰,۰
۱۵۱	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول شماره (۴)

شاخص	تعداد	کم‌ترین	بیشتر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
مدت زمان استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی.	۱۵۱	۱,۰۰	۴,۰۰	۲,۶۴۹۰	۰,۷۵۸۹۴	۰,۵۷۶

تحلیل نتایج جدول‌های شماره (۳ و ۴)، که نشان‌دهنده‌ی میزان کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی می‌باشد.

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل توصیفی در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که الگوی استفاده از یوتیوب در میان محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی، بیشتر در سطح استفاده متناوب قرار دارد. بر اساس توزیع فراوانی، تنها (۵,۳) درصد از شرکت‌کنندگان هر روز از یوتیوب در یادگیری غیررسمی استفاده می‌کنند، در حالی‌که (۴۶,۴) درصد، در ماه و (۳۶,۴) در هفته از این پلتفرم در یادگیری غیررسمی بهره می‌برند. هم‌چنان (۱۱,۹) درصد از پاسخ‌دهندگان به ندرت یا اصلاً از یوتیوب در یادگیری غیررسمی استفاده نمی‌کنند.

هم‌چنان طوری که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، میانگین نمره میزان استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی، میان محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی با مقدار (۲,۶۴۹۰) با انحراف معیار (۰,۷۵۸) به‌دست آمده است. میانگین بدست‌آمده نشان می‌دهد که سطح استفاده از یوتیوب میان محصلان ژورنالیزم در پوهنتون البیرونی، بین استفاده در ماه و در هفته، قرار دارد و تمایل بیشتر به سمت استفاده ماهانه وجود دارد. مقدار انحراف معیار نیز بیان‌گر آن است که الگوی استفاده از این پلتفرم در میان پاسخ‌دهندگان به‌صورت نسبی همگن بوده و بیشتر حول محور استفاده ماهانه و هفتگی متمرکز است.

به‌طور کلی، میانگین میزان استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی با مقدار (۲,۶۴۹۰)، نشان می‌دهد که استفاد از این پلتفرم، نسبتاً کم است.

۱۵۱	۰	۱،۵۷	۴،۵۷	۳،۹۱۶۹	۰،۴۳۳۹	۰،۵۷۰۱۰	۰،۳۳۵
					۱۵۱		
نمونه معتبر							

تحلیل نتایج جدول‌های شماره (۵)، (۶)، (۷) و (۸)، که شاخص انگیزه کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی میان محصلان ژورنالیزم را بیان نموده است:

شاخص انگیزه کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی میان محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی، طوری طراحی گردیده که شامل هفت گویه می‌گردد و کویاف گویه‌ها در جدول شماره (۸) شرح شده است.

بعد از تحلیل داده‌ها در SPSS که نظر به مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، برای پاسخ‌گویی به گویه‌ها در نظر گرفته شده است، طوری که در جدول شماره (۶) دیده می‌شود، تعداد نمونه (۱۵۱)، دامنه مجموعی (۳،۰۰)، کم‌ترین نمره (۱،۵۷)، بیش‌ترین نمره (۴،۵۷)، میانگین مجموعی گویه‌ها (۳،۹۱۶۹)، انحراف معیار (۰،۵۷۰۱۰) و واریانس (۰،۳۲۵) می‌باشد، از جانب دیگر، قسمی که در جدول شماره (۷) دیده می‌شود آلفای کرونباخ گویه‌ها (۰،۷۱۱) می‌باشد که نشان می‌دهد گویه‌ها به خوبی یک‌سازه واحد را می‌سنجند. این آمار نشان می‌دهد که محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی انگیزه‌ی بالایی برای استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی دارند.

هم‌چنان طوری که در جدول شماره (۵) بررسی میانگین هفت گویه‌ای، شاخص انگیزه استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی را میان محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی نشان می‌دهد، بیش‌ترین میانگین مربوط به گویه پنجم با مقدار ۴،۲۲ است که در بازه "موافق و رفتن به کاملاً موافق" قرار دارد و بیانگر بالاترین سطح انگیزه میان پاسخ‌دهندگان می‌باشد. درمقابل، کم‌ترین میانگین مربوط به گویه چهاردهم با مقدار (۳،۶۴) است و نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح انگیزه در میان گویه‌ها است. یافته‌ی جدول شماره (۵) بیان می‌کند که اگرچه انگیزه کلی استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی میان محصلان ژورنالیزم بالا ارزیابی شده است، اما شدت انگیزه در میان گویه‌های مختلف متفاوت است. به‌طور کلی بررسی این آمار نشان می‌دهد که محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی انگیزه بالایی برای استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی دارند.

جدول شماره (۱۱): خلاصه پردازش موارد گویه‌های جدول شماره ۱۰		جدول شماره (۱۲): پایایی گویه‌های جدول شماره ۱۰	
درصد	تعداد نمونه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۹۴،۰	۱۴۲	۵	۷۱۳،
۶،۰	۹		
۱۰۰،۰	۱۵۱		

تحلیل نتایج جدول‌های شماره (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲)، که چگونگی تقویت مهارت‌های محصلان پوهنخی

ژورنالیزم پوهنتون البیرونی را توسط یوتیوب در یادگیری غیررسمی نشان می‌دهد، قرار ذیل است:

بررسی شاخص کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی که تقویت مهارت‌های محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی را با استفاده از این بستر سنجش نموده است، طوری طراحی گردیده که شامل پنج گویه می‌باشد و کویف گویه‌ها در جدول شماره (۱۱) شرح شده است.

بعد از تحلیل داده‌ها در SPSS که نظر به مقیاس پنج درجه‌ای لکیرت، که برای پاسخ‌گویی به گویه‌ها در نظر گرفته شده است، طوری که در جدول شماره (۹) دیده می‌شود، تعداد نمونه (۱۵۱)، دامنه‌ی مجموعی (۳،۰۰)، کم‌ترین نمره (۲)، بیش‌ترین نمره (۵)، میانگین مجموعی گویه‌ها (۴،۰۵۶۷)، انحراف معیار (۰،۵۳۵۱۷) و واریانس (۰،۲۸۶) می‌باشد، از جانب دیگر، قسمی که در جدول شماره (۱۲) دیده می‌شود آلفای کرونباخ گویه‌ها (۰،۷۱۳) می‌باشد که نشان می‌دهد گویه‌ها به خوبی یک سازه واحد را می‌سنجند. این آمار نشان می‌دهد که استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی سبب تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی گردیده است.

هم‌چنان طوری که در جدول شماره (۱۰) میانگین پنج گویه به‌صورت جداگانه که مربوط شاخص «تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی با استفاده از یوتیوب به‌گونه‌ی غیررسمی» بررسی شده است، نتایج حاکی از آن است که بیش‌ترین میانگین مربوط به گویه دوازدهم با مقدار ۴،۱۴۲۹ است که در بازه " رفتن به کاملاً موافق" قرار دارد و بیانگر بالاترین سطح تقویت مهارت‌های ژورنالیسی پاسخ دهندگان به‌گونه‌ی غیررسمی با استفاده از یوتیوب می‌باشد. در مقابل، کم‌ترین میانگین مربوط به گویه دهم با مقدار ۳،۹۳۲۹ است و نشان‌دهنده‌ی پایین‌ترین سطح تقویت مهارت‌های ژورنالیستی در میان گویه‌ها است. تحلیل جدول شماره (۱۰) بیان می‌کند که اگر چه به‌طور گسترده استفاده از یوتیوب به‌گونه غیررسمی، سبب تقویت مهارت‌های ژورنالیسی محصلان ژورنالیزم گردیده است، اما شدت تقویت مهارت‌های ژورنالیسی در میان گویه‌های مختلف، متفاوت است.

نامزد پوهنیار حیات الله سلجوقی

به طور کلی بررسی این آمار نشان می‌دهد که استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی، سبب تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البرونی گردیده است و پاسخ دهندگان، موافق اند که یوتیوب مهارت‌های ژورنالیستی‌شان را در یادگیری غیررسمی تقویت کرده است و این یافته نشان‌دهنده پذیرش بالای یادگیری غیررسمی در کنار آموزش رسمی می‌باشد. جدول‌های شماره (۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶) مبین شاخص محدودیت کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم می‌باشند.

جدول شماره (۱۳)

تعداد نمونه	دامنه	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic
۱۵۱	۴،۰۰۰	۱،۰۰۰	۵،۰۰۰	۴،۳۷۰۹	۰،۷۶۱۲	۰،۵۸۷۵
۱۵۰	۴،۰۰۰	۱،۰۰۰	۵،۰۰۰	۴،۳۵۳۳	۰،۷۳۹۷	۰،۵۷۸۱
۱۵۱	۴،۰۰۰	۱،۰۰۰	۵،۰۰۰	۴،۳۱۱۳	۰،۸۰۹۴	۰،۶۵۹۹
نمونه معتبر						
۱۵۰						

جدول شماره (۱۴)

تعداد نمونه	دامنه	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic
۱۵۱	۳،۲۱۷	۱،۳۳۳	۵،۰۰۰	۴،۳۴۳۳	۰،۶۳۰۸	۰،۴۰۱
نمونه معتبر						
۱۵۱						

محدودیت استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی.

جدول شماره ۱۵، خلاصه پردازش موارد گویه‌های جدول شماره (۱۳)			جدول شماره (۱۶)، پایایی آمار		
تعداد نمونه	%	معتبر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	موارد
۱۵۰	۹۹,۳	معتبر	۳	۰,۷۶۲	
۱	۰,۷	مبهم یا بی جواب			
۱۵۱	۱۰۰,۰	مجموعه			

تحلیل نتایج جدول‌های شماره (۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶)، که محدودیت‌های کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم را نشان می‌دهد، قرار ذیل است:

شاخص محدودیت‌های استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی میان محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی طوری طراحی گردیده که شامل سه گویه می‌باشد.

بعد از تحلیل داده‌ها در SPSS که نظر به مقیاس پنج درجه‌ای لکیرت، که برای پاسخ‌گویی به گویه‌ها در نظر گرفته شده است، طوری که در جدول شماره (۱۴) دیده می‌شود، تعداد نمونه (۱۵۱)، دامنه‌ی مجموعی (۳,۶۷)، کم‌ترین نمره (۱,۳۳)، بیش‌ترین نمره (۵)، میانگین مجموعی (۴,۳۴۳۳)، انحراف معیار (۰,۷۷۵۱۳) و واریانس (۰,۶۰۱) می‌باشد، از جانب دیگر، قسمی که در جدول شماره (۱۶) دیده می‌شود آلفای کرونباخ گویه‌ها (۰,۷۶۲) می‌باشد که نشان می‌دهد گویه‌ها به خوبی یک سازه واحد را می‌سازند. بنابراین نظر به میانگین مجموعی گویه‌ها (۴,۳۴۳۳)، این آمار نشان می‌دهد، محدودیت برای محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی در استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی در حد بالاتری قرار دارد.

هم‌چنان طوری که در جدول شماره (۱۳) میانگین سه گویه‌ی «شاخص محدودیت استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی، محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی» نشان می‌دهد، بیش‌ترین میانگین مربوط به گویه شانزدهم «قیمت بلند انترنت، مانع استفاده من از یوتیوب در یادگیری است» با مقدار (۴,۳۷۰۹) و گویه هفدهم «سرعت پایین اینترنت، استفاده از یوتیوب در یادگیری را برایم دشوار می‌سازد» با مقدار (۴,۳۵۳۳) است که در بازه «کاملاً موافق» قرار دارد و بیانگر بالاترین سطح محدودیت استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان می‌باشد. درمقابل، کم‌ترین میانگین مربوط به گویه هجدهم «گاهی زبان و لهجه به کار رفته در ویدیوهای یوتیوب، یادگیری را برایم دشوار

ساخته است" با مقدار ۴,۳۱۱۳ می‌باشد که این هم نشان‌دهنده بالاترین سطح محدودیت استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی را نشان می‌دهد که در بازه «کاملاً موافق» قرار دارد. یافته جدول شماره (۳) بیان می‌کند که محدودیت استفاده از یوتیوب در یادگیری غیررسمی در سطح بالاتری قرار دارد، اما شدت محدودیت هزینه بلند انترنت و سرعت آن بیشتر از محدودیت زبان و لهجه به کار رفته در ویدیوهای یوتیوب که مانع یادگیری می‌شود، می‌باشد.

یافته‌های این پرسش نشان می‌دهد که محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی در سطح بسیار بالا، وجود محدودیت‌ها را در استفاده از یوتیوب برای یادگیری غیررسمی تایید کرده‌اند و این امر بیانگر آن است که با وجود استفاده از مزایای یوتیوب، محدودیت‌های در قسمت هزینه و کیفیت اینترنت، هم‌چنان چالش عمده‌ای محسوب می‌شوند.

آزمون فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق: به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از یوتیوب و تقویت مهارت‌های محصلان در یادگیری غیررسمی با استفاده از این بستر، رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره (۱۷)، آمار آزمون فرضیه تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۱۷)		همبستگی بین متغیرها	
مهارت	مدت زمان		
	۱	ضریب همبستگی پیرسون	مدت زمان استفاده
		Sig. (۲-tailed)	از یوتیوب.
.۱۸۹*		تعداد نمونه	
.۰۲۰		ضریب همبستگی پیرسون	تقویت مهارت‌های
	۱۵۱	Sig. (۲-tailed)	ژورنالیستی
		تعداد نمونه	
۱۵۱	۱۵۱		

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

تحلیل جدول شماره (۱۷) که به آزمون فرضیه تحقیق پرداخته است قرار ذیل است: طوری که در جدول شماره آزمون فرضیه، رابطه بین دو متغیر "میزان استفاده از یوتیوب" و "تقویت مهارت‌های ژورنالیستی" محصلان دیده می‌شود، ضریب همبستگی پیرسون با مقدار (۰,۱۸۹) r می‌باشد، این ضریب بیانگر یک همبستگی مثبت و ضعیف بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هر

چقدر میزان استفاده از یوتیوب بیشتر باشد، تمایل به تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان نیز افزایش می‌یابد، اما شدت این رابطه پایین است.

هم‌چنان سطح معناداری با مقدار ($p = 0,020$) به دست آمده است که مقدار p کمتر از ($0,05$) است و می‌توان این چنین نتیجه گرفت که رابطه مشاهده شده از نظر آماری معنادار است و احتمال اتفاقی بودن آن کمتر از ۵ درصد است و به روی همین ملحوظ، فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین میزان استفاده از یوتیوب و تقویت مهارت‌های ژورنالیستی در یادگیری غیررسمی، مورد تایید قرار می‌گیرد و از جانب دیگر ضریب ($r^2 = 0,1892 = 0,357 \approx 3,57\%$) که نشان می‌دهد؛ میزان استفاده از یوتیوب تنها حدود ۳,۵۷ درصد از تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان را توضیح می‌دهد و بخش عمده‌ای از این مهارت‌ها به عوامل دیگر بستگی دارد.

به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از یوتیوب و تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0,189$)، بیانگر یک همبستگی مثبت اما ضعیف است. هم‌چنان مقدار سطح معناداری ($\text{Sig} = 0,020$)، کمتر از ($0,05$) بوده که نشان می‌دهد این رابطه از نظر آماری معنادار است؛ بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیقی تایید می‌شود.

مناقشه

نتایج بررسی کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی نشان داده است که بین میزان استفاده از یوتیوب و تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و محصلان در سطح بسیار بالا، وجود محدودیت‌ها را در کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی، تأیید کرده‌اند.

تحقیق‌های که همه متغیرهای این تحقیق را در ارتباط با یک‌دیگر مورد بررسی قرار داده باشد را نمی‌توان یافت که از روی آن مناقشه کرد، اما مشابه به این نتایج، تحقیقات علمی محققان تحت عنوان بررسی تأثیر فرهنگ یادگیری و استفاده از فناوری اطلاعات بر اشتراک‌گذاری دانش محصلان عربستان سعودی نشان داد که یک ارتباط مثبت و معناداری بین یادگیری محصلان و استفاده از فناوری اطلاعات و اشتراک دانش وجود دارد (عید و نوهو، ۲۰۱۱)، که این نتایج هم‌خوانی دارد با مطالعات (Yunus & Dabamona, 2022)، با عنوان استفاده از یوتیوب در یادگیری زبان انگلیسی در موسسه (IAIN)، نتایج نشان داده است که یوتیوب توانسته است به‌عنوان فناوری آموزشی برای یادگیری زبان انگلیسی مورد استفاده قرار گیرد و به محصلان در یادگیری مستقل زبان انگلیسی در

موقعیت‌های غیررسمی کمک کرده است و هم چنین فرصت‌های گسترده‌تری را برای بهبود مهارت‌های زبان انگلیسی آن‌ها فراهم کرده است.

تحقیق مرتبط دیگر، تحقیق علمی صالحی عمران (۲۰۱۶)، با عنوان بررسی نقش یادگیری‌های غیررسمی در پرورش شایستگی‌های کلیدی در محیط‌های تحصیلات عالی و شغلی می‌باشد؛ نتایج نشان داده است که یادگیری غیررسمی، سبب تقویت توان‌مندی شخصی و مهارت‌های اجتماعی گردیده است و استدلال گردیده است که، یادگیری غیررسمی دارای ظرفیت بیشتری در جهت توسعه صلاحیت‌های فردی و اجتماعی، نسبت به آموزش و پرورش رسمی برخوردار است که این نتایج مرتبط است با تحقیق بوکاتر و مینارت (۱۹۹۹م) تحت عنوان "خود انضباطی با اشاره به یادگیری غیررسمی". نتایج بدست آمده حاکی است، اهدافی که محصلان در یادگیری به صورت غیررسمی برای خود تنظیم می‌کنند متفاوت از زمانی است که اهدافی را برای یادگیری رسمی تنظیم می‌کنند. علاوه بر آن نتایج این تحقیق بیان می‌کند که محصلان، استراتژی‌های خود انضباطی متفاوتی را در یادگیری غیررسمی دارند و بیشتر از اطلاعات موازی با اهداف که قابل دسترس است استفاده می‌کنند؛ یافته‌های این دو تحقیق مرتبط است با آنچه در این تحقیق تحت عنوان تقویت مهارت‌های محصلان ژورنالیزم بررسی گردیده است.

با توجه به نتایج حاصله از تحقیق حاضر، میزان استفاده از این پلتفرم در میان محصلان، نسبتاً کم است و نقش نه چندان پررنگ در فرآیند یادگیری غیررسمی دارد؛ هزینه بلند انترنت و پایین بودن سرعت و کیفیت انترنت، از جمله محدودیت‌های اصلی عدم کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی محصلان ژورنالیزم پوهنتون البیرونی می‌باشد. از سویی هم، با وجود میزان کم کاربرد یوتیوب در یادگیری غیررسمی، استفاده از این پلتفرم در یادگیری غیررسمی، سبب تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی گردیده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میان استفاده از یوتیوب و تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون البیرونی در بافت یادگیری غیررسمی، رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه بیانگر آن است که یوتیوب می‌تواند به عنوان یک ابزار تکمیلی مؤثر در ارتقای توانایی‌های ع و حرفه‌ای محصلان ژورنالیزم ایفای نقش کند؛ و هر چقدر میزان استفاده از یوتیوب بیشتر باشد، تمایل به تقویت مهارت‌های ژورنالیستی محصلان نیز افزایش می‌یابد.

نامزدپوهنپار حیات‌الله سلجوقی

هم‌چنان از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که هزینه بلند اینترنت و سرعت پایین آن، از محدودیت‌های اساسی در بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های یوتیوب محسوب می‌شود که توجه به بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و فراهم‌سازی دسترسی مقرون به صرفه، می‌تواند زمینه‌ی استفاده گسترده‌تر و کارآمدتر از این پلتفرم را فراهم سازد و در نهایت به بهبود آموزش ژورنالیزم در کشور یاری رساند.

پیشنهادها

با توجه با نتایج این تحقیق، هزینه بلند و سرعت پایین اینترنت از محدودیت‌های اساسی استفاده مؤثر محصلان ژورنالیزم از یوتیوب در فرآیند یادگیری غیررسمی است که جهت بهبود این فکتورها، پیشنهادهای ذیل رایه می‌گردد.

برای سیاست‌گزاران و نهادهای دولتی

○ وزارت مخابرات و تکنالوژی‌معلوماتی و سایر شرکت‌های عرضه‌کننده خدمات اینترنتی، می‌توانند با در نظر گرفتن اهمیت آموزش، بسته‌های ویژه و مقرون به صرفه اینترنتی برای محصلان پوهنتون‌ها ایجاد کنند.

○ توسعه زیرساخت‌های اینترنت پرسرعت در مراکز آموزشی، به ویژه در ولایات دوردست، باید به‌عنوان یک اولویت در سیاست‌های فناوری اطلاعات قرار گیرد.

برای پوهنتون‌الهیرونی و سایر نهادهای آموزشی

○ مسؤولان پوهنتون‌الهیرونی و سایر نهادهای آموزشی در کشور، می‌توانند لابراتوارها و مراکز آموزشی مجهز به اینترنت پرسرعت و رایگان ایجاد کرده و زمینه استفاده گسترده‌تر محصلان از منابع آموزشی آنلاین را فراهم سازند.

○ فراهم‌سازی کارگاه‌های آموزشی برای آشنایی محصلان با روش‌های استفاده مؤثر از یوتیوب در یادگیری غیررسمی نیز می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای مهارت‌های علمی و ع آنان داشته باشد.

برای محصلان پوهنتون‌الهیرونی

○ محصلان می‌توانند با استفاده از ابزارهای مدیریت مصرف اطلاعات (بارگذاری ویدیوها در کیفیت پایین‌تر و بهره‌گیری از برنامه‌های کم‌مصرف) هزینه‌های اینترنت خود را کاهش دهند.

○ انتخاب زمان‌های مناسب برای استفاده از اینترنت که در آن سرعت بالاتر و هزینه پایین‌تر است، می‌تواند بهره‌وری آموزشی را افزایش دهد.

نامزد پوهنپار حیات الله سلجوقی

برای محققان آینده

پیشنهاد می‌شود تحقیق‌های بیشتری در زمینه مقایسه نقش دیگر بسترهای دیجیتال (فیسبوک، تیک‌تاک و...) در یادگیری غیررسمی محصلان انجام گیرد.

منابع

- افضل نیا، باشکوه؛ کلوی، آیلاز. (۲۰۱۰). بررسی جایگاه آموزش رسمی، غیررسمی و یادگیری مادام-العمر در عصر ناپایداری اطلاعات. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۲(۴۵)، ۵۷-۶۸.
- پورامینی، زهرا؛ باشکوه، محمد؛ فروزنده، سمیه؛ باشکوه، حسن. (۲۰۱۹م). بررسی تأثیر کاربرد فناوری اطلاعات بر روی یادگیری رسمی و غیررسمی. مطالعه موردی: مدیران و معاونان مدارس متوسطه شهرستان اصفهان. روان شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۷(۴)، ۴۰-۵۴.
- حامدی نسب، آیتی؛ رستمی نژاد، سراجی. (۲۰۲۱م). طراحی الگوی برنامه درسی برای استفاده از یادگیری غیررسمی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجاز در جهت توسعه حرفه‌ای محصل معلمان. فناوری آموزش، ۱۵(۴)، ۷۲۳-۷۴۲.
- حیدری، ذبیح‌الله. (۱۳۹۳ه.ش). ژورنالیزم آنلاین و نگاهی به رسانه‌های آنلاین در افغانستان. کابل: انتشارات عازم.
- صالحی‌عمران، ابراهیم. (۲۰۱۶). بررسی نقش یادگیری‌های غیر رسمی در پرورش شایستگی‌های کلیدی در محیط‌های آموزش عالی و شغلی. تحقیق در برنامه ریزی درسی، ۵۱(۱۳): ۸۷-۱۰۶.
- کوهی، محمد؛ کارشکی، حسین؛ مهرا، بهروز. (۲۰۱۹). بررسی نقش گروه‌های آموزشی و مقاطع تحصیلی در خودتنظیمی تحقیقی دانشجویان تحصیلات تکمیلی. تحقیق‌های تربیتی، ۳۸(۶)، ۸۶-۱۰۶.
- ماستری، فراهانی؛ رضایی، شریف؛ استاد حسنلو، حسین. (۲۰۱۲). موانع به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یادگیری و یاددهی. ماهنامه علمی-تحقیقی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۵(۱)، ۲۱-۱۵.
- محمد الیاسی؛ قنبر، آینه‌ساز، حامد. (۲۰۱۱م). شناسایی چارچوبی برای عوامل تأثیرگذار بر یادگیری غیررسمی کارآفرینان در صنعت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات. علوم مدیریت، ۲۳(۶)، ۸۱-۱۰۰.
- نجفی، تکتم؛ آتشی، سیدحسین؛ جعفری، علیرضا. (۲۰۱۳). بررسی و مقایسه وضعیت یادگیری رسمی و غیررسمی و منابع آن در محصلان (مطالعه موردی- پوهنتون افسری).
- Boekaerts, M., & Minnaert, A. (1999). Self-regulation with respect to informal learning. *International journal of educational research*, 31(6), 533-544.

- Dabamona, M., & Yunus, A. (2022). The use of YouTube for learning English: exploring a technology-based approach. *Interference: Journal of Language, Literature, and Linguistics*, 3(1), 68-89.
- Eid, M., Nuha, N. A. (2011). Impact of learning culture and information technology use on knowledge sharing of Saudi students. *Knowledge Management Research and Practice*, 9(1), 48-57.
- Fadhil Abbas, N., & Ali Qassim, T. (2020). Investigating the effectiveness of YouTube as a learning tool among EFL students at Baghdad University. *Arab World English Journal (AWEJ) Special Issue on CALL*, (6).
- Lam, T., Cho, V., & Qu, H. (2007). A study of hotel employee behavioral intentions towards the adoption of information technology. *International Journal of Hospitality Management*, 26(1), 49-65.
- Maziriri, E. T., Gapa, P., & Chuchu, T. (2020). Student perceptions towards the use of YouTube as an educational tool for learning and tutorials. *International Journal of Instruction*, 13(2), 119-138.
- Quintero-Rodríguez, I., & Colás-Bravo, P. (2024). YouTube and Informal Learning: An Analysis of the Relationship Between the Platform and the Educational Experience. *Comunicar*, 32(79), 23-34.
- Rogoff, B., Callanan, M., Gutiérrez, K. D., & Erickson, F. (2016). The organization of informal learning. *Review of Research in Education*, 40(1), 356-401.
- Schugurensky, D. (2000). The forms of informal learning: towards a conceptualization of the field centre for the study of education and work.
- Sung, Y. T., Chang, K. E., Hou, H. T., & Chen, P. F. (2010). Designing an electronic guidebook for learning engagement in a museum of history. *Computers in Human Behavior*, 26(1), 74-83.

بررسی جرم چپاولگری و مقایسه آن با جرایم مشابه در فقه و حقوق افغانستان

سید حبیب حبیب^{۱*}، پوهنمل دکتور سیدعباس موسوی^۲، جواد رحیمی^۳

۱. مدیر عمومی تحقیقات علمی، آمریت تحقیق، معاونیت تحقیقات علمی، پوهنتون البیرونی

۲. دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی.

۳. مدیر نشریه مجله علمی، آمریت مجله علمی، معاونیت تحقیقات علمی، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول-ایمیل: Sayedhabib334@gmail.com

چیکده

از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق جزا، جرم چپاولگری در زمره جرایم تعزیری قرار می‌گیرد. در اصطلاح فقهی، این عمل به معنای ربودن و تصرف اموال دیگران بدون توسل به زور و قدرت بدنی است. هرچند این جرم از جهاتی با سرقت، غصب و راهزنی مشابهت دارد، اما در ماهیت و شرایط تحقق، تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد. چپاولگری از جمله جرایمی است که علیه دارایی افراد ارتکاب می‌یابد و غالباً زمانی رخ می‌دهد که مجنی علیه در حالت غفلت یا بی‌اطلاعی قرار داشته باشد. هدف اصلی این تحقیق بررسی جایگاه و ماهیت جرم چپاولگری در فقه اسلامی و حقوق جزای افغانستان است. در این راستا تلاش گردیده تا تعریف، ویژگی‌ها، عناصر تشکیل دهنده و شرایط تحقق این جرم، همراه با مقایسه آن با جرایم مشابه مانند سرقت، غصب و راهزنی مورد مطالعه قرار گیرد. پرسش بنیادین این تحقیق آن است که: «از حیث مفهوم، ارکان و نوع مجازات، چپاولگری چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با سرقت، غصب و راهزنی در فقه اسلامی و حقوق جزا دارد؟ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و منابع اطلاعاتی از طریق مطالعه کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در منابع فقهی و حقوق جزا، چپاولگری به دلیل ماهیت تعدی به اموال دیگران، از جمله جرایم ضد اموال و تهدیدکننده امنیت اقتصادی جامعه محسوب می‌شود. با توجه به این که فلسفه حقوق جزای اسلامی بر مبنای حفظ دین، جان، مال، عقل و نسل انسان‌ها و نیز تأمین عدالت و نظم اجتماعی استوار است، ارتکاب چپاولگری تهدیدی جدی برای ثبات اجتماعی تلقی شده و مجازات آن در قالب تعزیر مشروع و موجه دانسته می‌شود. در نهایت، ضرورت تدوین تعریف روشن و مستقل از جرم چپاولگری در قوانین جزایی و هم‌چنین تقویت نقش فقه اسلامی در تعیین کیفرهای تعزیری، از جمله نتایج اصلی تحقیق به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: جرم، چپاولگری، راهزنی، سرقت، غصب

An Examination of the Crime of Pillage (looting) and a Comparison with Similar Crimes, Islamic Jurisprudence, and the law of Afghanistan

Sayed Habib Habib^{1*}, Senior Teaching Assistant Sayed Abbas Mousavi², Jawad Rahimi³

1. General Director of Scientific Research, Research Directorate, Vice-Chancellery for Scientific Research, Alberoni University
2. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University
3. Journal Office, Vice Chancellor for Scientific Research Office, Alberoni University

*Corresponding Author – Email: hayat.saljuqi@gmail.com

Abstract

From the perspective of Islamic jurisprudence and criminal law, plundering is classified as a discretionary (ta'zir) offense. In juristic terminology, it refers to the unlawful taking and appropriation of others' property without the use of force or physical power. Although this crime shares certain similarities with theft, usurpation, and highway robbery, there are important differences in its nature and the conditions for its commission. Plundering is considered a crime against property and often occurs when the victim is negligent or unaware.

The main objective of this study is to examine the status and nature of the crime of plundering in Islamic jurisprudence and in Afghanistan's criminal law. In this regard, efforts have been made to analyze its definition, characteristics, constituent elements, and conditions of occurrence, and to compare it with similar crimes such as theft, usurpation, and highway robbery. The fundamental research question is: "In terms of concept, elements, and type of punishment, what similarities and differences exist between plundering and theft, usurpation, and highway robbery in Islamic jurisprudence and criminal law .The research method is descriptive-analytical, and the data have been collected from library-based sources. The findings indicate that in both juristic and criminal law sources, plundering—because it infringes on others' property—is treated as a crime against property and a threat to society's economic security. Given that the philosophy of Islamic criminal law is based on the protection of religion, life, property, intellect, and lineage, as well as the establishment of justice and social order, the commission of plundering is regarded as a serious threat to social stability. Its punishment within the framework of ta'zir is considered legitimate and justified. Finally, the necessity of formulating a clear and independent definition of the crime of plundering in criminal legislation, as well as strengthening the role of Islamic jurisprudence in determining discretionary punishments, are among the main conclusions of this study.

Keywords: Crime, Plundering, Highway Robbery, Theft, Usurpation

مقدمه

پدیده چپاول در تاریخ افغانستان، به‌ویژه در دوران ناآرامی‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی، همواره یکی از معضلات جدی اجتماعی و حقوقی بوده است. این عمل معمولاً با خشونت و در بستر بی‌نظمی صورت می‌گیرد و سبب تضعیف اعتماد عمومی به نظام عدلی و قضایی می‌شود.

این جرم را فقه حنفی به عنوان جرم مستقل شناسایی کرده و برای آن مجازات تعزیری مشخصی در نظر گرفته است، از سوی دیگر به تفکیک میان چپاولگری، سرقت و غصب ایجاب بررسی بیش‌تری را می‌نماید.

هدف این تحقیق بررسی جرم چپاولگری از دیدگاه فقه اسلامی می‌باشد در این تحقیق تلاش شده تا مفهوم، ماهیت، عناصر تشکیل‌دهند، شرایط و تفاوت این جرم با سایر جرایم مشابه مانند سرقت، غصب و راهزنی بیان گردد.

در فقه حنفی، چپاولگری به صورت صریح و مدون مطرح نشده است، اما با مراجعه به مفاهیم نزدیک مانند غصب، اختلاس و نهب و نیز قواعد کلی فقهی، می‌توان ماهیت این رفتار را به‌طور دقیق تبیین کرد. فقهای حنفی با تأکید بر حفظ اموال و صیانت از نظم عمومی، هر نوع تصرف غیر مجاز در مال غیر را مشمول ضمان و مسئولیت می‌دانند، بناءً جرم چپاولگری را می‌توان نوعی تسلط یافتن علنی و عدوانی بر مال غیر است، که از جهت ماهیت به نهب نزدیکی دارد.

پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه تحقیق (مروری بر ادبیات تحقیق) به مجموعه‌ای از مطالعات، نظریات و یافته‌های علمی پیشین گفته می‌شود که به موضوع تحقیق جدید ارتباط مشابه دارند. موضوع تحقیق این مقاله تفاوت جرم چپاولگری با سرقت، راهزنی و غصب است که.

داکتر حسین میرمحمد صادقی مؤلف کتاب حقوق جزای اختصاصی است، این کتاب شامل سه جلد می‌باشد که در جلد اول در مورد مبانی جرایم علیه اشخاص و در جلد دوم در مورد جرایم علیه اموال و مالکیت و در جلد سوم جرایم علیه آسایش عمومی بحث نموده است (صادقی، ۱۳۸۳).

عبدالقادر عوده، در کتاب بررسی حقوق جزای اسلام و قوانین عرفی (۱۳۸۹) در موارد چون: جرم و ارکان آن، مجازات مبانی و اقسام آن، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص و جرایم علیه آسایش عمومی بحث داشته است، بحث مرتبط به موضوع ما در دو، قسمت جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص و جرایم علیه آسایش عمومی دارد (عوده، ۱۳۸۹).

سلطان شاه سلطانی کتابی را تحت عنوان حقوق جزای اسلام (الفقه الجنایی) در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی به چاپ رسانیده است این کتاب دارای پیش‌گفتار ، مقدمه و دارای ده فصل می‌باشد در فصل اول روی عمومیات بحث داشته و در فصل دوم در مورد جرایم و ارکان عمومی آنها، در فصل سوم در مورد حدود، در فصل چهارم در مورد حد قذف، در فصل پنجم روی موضوع حد سرقت بحث داشته و در فصل ششم روی موضوع محاربه (قطع الطریق) بحث داشته و در فصل هفتم روی موضوعات خمر و مسکرات بوده. در فصل هشتم در مورد بغاوت و ارتداد بحث کرده است. (سلطانی، ۱۳۹۵)

تفاوت تحقیق بنده با دیگر تحقیق‌ها در این است که آن‌ها به طور جزئی اشاره کرده اند اما در این تحقیق به شکل واضح و روشن مفاهیم، ارکان و مجازات تحقیق شده است.

روش تحقیق

این تحقیق کتاب‌خانه‌ی و توصیفی-تحلیلی می‌باشد، که معلومات لازم را از طریق مطالعه منابع مکتوب مانند، متون فقه اسلامی، مقالات مرتبط به موضوع گردآوری گردیده است. در این تحقیق یک سوال اصلی جرم چپاولگری در فقه اسلام و یک سوال فرعی که تفاوت جرم چپاولگری با نهب، سرقت و غصب در فقه اسلامی و ترتیب گردیده است.

یافته های تحقیق

جرم چپاولگری

از نظر فقه اسلامی جرم چپاولگری از جمله جرایم تعزیری به حساب می‌آید که مفهوم این جرم در فقه اسلامی عبارت از غارت کردن اموال دیگران، بدون استفاده از زور و قوت می‌باشد. جرم چپاولگری با جرایم دیگر از قبیل سرقت، غصب و راهزنی در عین حال که مشابهت دارد متفاوت است.

تجاوز علیه مال و مالکیت می‌تواند به اشکال و انواع مختلف انجام شود، بنابراین اگر گرفتن و بردن مال دیگری بدون رضایت صاحب آن رخ دهد یا وصف جرم راهزنی را دارد.

مفهوم جرم چپاولگری

تعریف نهب (منتهب) از دیدگاه فقه: منتهب مصدر میمی به معنای غارت کردن است (لویس، ۱۳۸۵). در اصطلاح شخصی که، با اِعمال قوت و زور چیزی را از نزد مردم با جبر و غلبه به صورت آشکار می‌رباید (زحیلی، ۱۴۰۹)

و یا یک نوع سرقت تعزیری است که به صورت علنی ارتکاب می‌یابد و مرتکب با استفاده از بی‌خبری مجنی علیه، مال او را بدون زور و قوت اخذ می‌کند (دریز، ۱۳۶۹).
تعریف سرقت: عبارت است از ربودن مخفیانه‌ی مال غیر (عوده، ۱۳۸۹).
یا عبارت است از ربودن مال متقوم دیگری از مکان (محرز) بطور (مخفیانه) و پنهان (زحیلی، ۱۴۰۹).
تعریف راهزنی: راهزنی عبارت است از ناامن ساختن راه برای گرفتن مال دیگران (ابن قدامة، ۱۴۱۷).

دلیل شرعی در جرم چپاولگری

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (سوره نساء: ۲۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید اموال هم‌دیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یک‌دیگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است. این آیه به‌طور کلی تصرف غیرمشروع در اموال دیگران، از جمله (ربایش آشکار با زور) را منع می‌کند. هم‌چنان در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) آمده است:

وعن جابر - رضي الله عنه -، عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: «ليس على خائن، ولا مُتَّهَبٍ، ولا مُخْتَلَسٍ قَطْعٌ»

از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بر خائن، چپاولگر و اختلاس‌کننده؛ حد (سرقت) نیست (ترمذی، ۲۰۰۲).

«كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عَرَضُهُ.» (قشیری، ۲۰۰۳).

یعنی: خون، مال و آبروی هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.

دو حدیث فوق‌الذکر، به‌طور واضح مال مسلمان را محترم شمرده و هرگونه تجاوز به آن را حرام می‌داند.

وجه مشترک چپاولگری با سرقت، راهزنی و غصب

در صورتی‌که جرم چپاولگری با جرایم مشابه چون: سرقت، غصب، و راهزنی مقایسه گردد ملاحظه می‌شود که وجوه تشابه زیادی دارند. وجوه تشابه این جرایم عبارت است از: تمامی این جرایم عمدی‌اند، موضوع همه‌ی این جرایم مال منقول و ملکیت غیر بوده و مالک مال رضایت ندارد. عنصر مادی تمامی این جرایم اخذ مال است.

تفاوت چپاول‌گری با سرقت، راهزنی و غصب

وجه تفاوت سرقت با چپاول‌گری از نظر فقه در آن است که سرقت از جمله جرایم حدود به شمار رفته، شرط است که اخذ مال خفیه بوده مال مسروقه محرز باشد. ولی جرم چپاول‌گری جرم تعزیری بوده، اخذ مال به صورت علنی و در حضور صاحب آن انجام می‌شود و محرز بودن مال شرط نیست (منصوری، ۱۳۹۸).

حد سرقت از جمله حق الله (اجتماع) است لذا احتمال عفو، گذشت، ابرا، صلح و تبدیل.... بعد از احاله آن به محکمه شرعی جواز ندارد، در حالی که جرم چپاول‌گری از جمله حقوق العبد است و مربوط به جرایم تعزیری است که احتمال عفو، گذشت، ابرا، صلح... غیره را دارد.

وجه تفاوت راهزنی با چپاول‌گری از نظر فقه در آن است که راهزنی از جمله جرایم حدود بوده و چپاول‌گری یک جرم تعزیری به شمار می‌رود. از نظر فقه رفتار مجرمانه در جرم راهزنی ارتکاب یک یا چند عمل: تخویف عابری، گرفتن مال غیر از طریق مغالبه، قتل انسان و گرفتن مال غیر می‌باشد. هم چنین شرط تحقق جرم راهزنی آن است که این جرم در جایی خارج از شهر یا یک محل محصور با سلاح باید ارتکاب یابد. در حالی که رفتار مجرمانه در جرم چپاول‌گری تنها عمل (اخذ مال دیگری) است بدون مغالبه و زور و قوت، مکان و وسیله اخذ مال اصلاً در آن شرط قرار نگرفته است.

در قسمت مجازات جرم راهزنی با چپاول‌گری تفاوت دارد، اگر رهزن تنها مال را ربود، دست راست و پای چپ آن بر خلاف قطع می‌گردد، اگر عابر و مسافر را می‌کشد در مقابل آن قصاص می‌گردد، در صورتی که هم مال را سرقت کرد و هم باعث قتل گردید فقها به زمامدار وقت و زمان، تفویض صلاحیت می‌نمایند، اگر خواست نخست دست راست و پای چپ او را برخلاف قطع نموده، بعد کشته و به دار آویزان نماید، و یا اختیار دارد بدون قطع، کشته و بدار آویزان نماید. در صورت چهارم اگر جانی نه شخصی را کشت و نه مالی را ربود یعنی تنها باعث ارباب و تخویف عابری در راه شد نفی بلد می‌شود. در حالی که در جرم چپاول‌گری از جمله جرایم تعزیری است تمام صلاحیت به قاضی واگذار گردیده که مطابق جرم انجام شده مجرم را مجازات نماید (سلطانی، ۱۳۹۵).

حدَّثنا عبدُ الله بنُ أحمد، قال: حدَّثني أبي، قال: حدَّثنا عفَّان، قال: حدَّثنا حمَّاد بن سلمة، عن ثابت، عن انس بن مالك، قال: قال رسولُ الله صلى الله عليه و سلم «لا يَحِلُّ مالُ امرئٍ مسلمٍ إلا بِطِيبِ نفسٍ منه» نظر به حدیث فوق که یکی از قواعد فقهی در مذهب احناف نیز است و نشان دهنده اینست

سید حبیب حبیب

که هر تسلط عدوانی بدون عنوان خاص موجب ضمان مالی است و هم مستحق مجازات تعزیری به دلیل این که سبب بی نظم در جامعه گردیده است.

اگر شخص مسلح باشد و با استفاده از عنف و اکراه و تهدید و ارباب مال دیگری را بگیرد وصف رفتار مجرمانه، غضب است نه چپاولگری. تفاوت عمده جرم نهب یا چپاولگری با جرم راهزنی در این است که در جرم نهب گرفتن مال غیر به اکراه و عنف نبوده، بلکه به شکلی صورت می‌گیرد که از غفلت صاحب مال استفاده نموده و آشکارا و به غیر از حالات مندرج جرم راهزنی، سرقت، یا غضب، اموال منقول اشخاص را می‌رباید. در حالی که در جرم راهزنی مرتکب با زبردستی، تهدید و غلبه مال عابر را آشکارا از وی می‌گیرد.

وجه تفاوت جرم چپاولگری با جرم غضب در آن است که برای تحقق جرم غضب اموال منقول، عنف، اکراه، تهدید و ارباب از عناصر متشکله جرم غضب به شمار می‌رود در حالی که در جرم چپاولگری اکراه، تهدید و زور از اجزای عنصر مادی جرم به حساب نمی‌آید و اصلاً بدون زور و قوت واقع می‌شود. شخص در جرم چپاولگری با زرنگی دفعتاً پول، مایمل، کیف و یا سایر اموال منقول دیگری را چور کرده و فرار می‌نماید یعنی از غفلت و بی‌خبری مجنی علیه سو استفاده کرده و مال او را می‌گیرد.

عناصر متشکله جرم چپاولگری:

این جرم از جمله جرایمی است

الف - عنصر قانونی جرم چپاولگری

در فقه عنصر قانون جرم چپاولگری بر قواعد کلی شرعی استوار است نه بر عنوان مستقل جزایی، که از جمله حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم که به عنوان یکی از قواعد در فقه حنفی است می‌توان استدلال نمود «لایحل مال امری مسلم إلا بطیب نفسه» که قاعده تصرف مال غیر را بدون رضایت مالک حرام می‌داند و هم چنان اصل «لا ضرر ولا ضرر فی الاسلام» از دلیل های الزام آور آن محسوب می‌گردد. بر این اساس هرگونه چپاول یا اخذ علنی و قهری مال غیر فاقد مشروعیت شرعی بوده و موجب ضمان و تعزیر می‌گردد.

ب- عنصر مادی جرم چپاولگری:

عنصر مادی در جرم چپاولگری عبارت است از تسلط و اخذ مال غیر به صورت علنی و قهری باشد.

اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جرم چپاول‌گری

رفتار مجرمانه - عبارت است از گرفتن مال منقول مادی دیگری به شیوه‌ی غیر قانونی است اخذ مال در جرم چپاول‌گری از طریق زور و اجبار و اکراه مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه چپاول‌گر با استفاده از فرصت پیش آمده و بی‌خبری مجنی علیه استفاده می‌کند و مال او را به صورت علنی و فوری می‌گیرد و فرار می‌کند (منصوری، ۱۳۹۸).

موضوع جرم چپاول‌گری: موضوع این جرم پول و دیگر اموال منقول از شخص دیگر است. یعنی مال منقول متعلق به غیر (مانند پول، طلا و سایر اموال فزیکتی) که دارای ارزش اقتصادی و قابلیت ربودن را داشته باشد (عوده، ۱۳۸۹).

نتیجه مجرمانه: این جرم زمانی واقع می‌شود که مرتکب مال را به صورت غیر قانونی در حيازت خود در آورد و عمل ارتكابی نتیجه فعل مرتکب باشد (عوده، ۱۳۸۹).

عنصر معنوی جرم چپاول‌گری: جرم چپاول‌گری یک جرم عمدی است و عنصر معنوی این جرم قصد جرمی است و علم مجرمانه با آگاهی و قصد ارتكاب می‌یابد (شخص هم رفتار مجرمانه و نتیجه مجرمانه را با میل و اراده خود انجام می‌دهد (عوده، ۱۳۸۹)).

مجازات جرم چپاول‌گری

جرم چپاول‌گری از جمله جرایم تعزیری است و مجازات آن در فقه اسلامی نظر به قواعد «الضَّمَانُ عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذَتْ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ» ثبوت ضمان برید متعددی است که در صورت وارد کردن خساره ملزم به جبران خساره می‌باشد و نظر به قاعده «التصرف على الرعية منوط بالمصلحة» حاکم می‌تواند نظر به حالات و شرایط مجرم، متکرر بودن، مجرم را مجازات جرم مرتکب هم‌چنان جبران خساره عین مال نماید. (زیدان، ۲۰۰۱)

نتیجه‌گیری

جرم چپاول‌گری یا نهب، یکی از جرایم تعزیری در فقه اسلامی است که از نظر ماهیت با جرایمی چون سرقت، غصب و راهزنی شباهت‌هایی دارد، اما در عین حال تفاوت‌های اساسی نیز میان آن‌ها وجود دارد. مهم‌ترین ویژگی جرم چپاول‌گری این است که ربایش مال به صورت آشکار و بدون استفاده از زور و تهدید صورت می‌گیرد و معمولاً از غفلت صاحب مال سوء استفاده می‌شود.

چپاول‌گری برخلاف سرقت که به صورت مخفیانه انجام می‌شود، معمولاً در فضای آشوب، ناامنی یا در جریان تظاهرات، درگیری‌ها و شرایط اضطراری با استفاده از زور، تهدید یا بهره‌برداری از

سیدحیب حیب

بی‌نظمی اجتماعی صورت می‌گیرد. در این عمل مجرمانه، عنصر مادی ربایش علنی مال غیر و عنصر معنوی قصد تجاوز به مالکیت دیگران به‌طور کامل تحقق می‌یابد.

از آن‌جا که چپاول‌گری آسیب‌های عمیق اقتصادی، روانی و اجتماعی را در پی دارد و موجب تضعیف حاکمیت قانون و بی‌اعتمادی مردم نسبت به نهادهای عدلی و امنیتی می‌گردد، برخورد قاطع، قانونی و به موقع با مرتکبان آن از ضروریات اساسی در راستای تأمین عدالت، امنیت و ثبات در جامعه است.

در نهایت، تطبیق دقیق مواد قانونی، افزایش ظرفیت نهادهای تطبیق قانون، و آگاهی‌دهی عمومی می‌تواند نقش مؤثری در پیش‌گیری و کاهش این جرم در سطح کشور ایفا نماید.

پیشنهادات و سفارشات

جرم‌انگاری، جرم چپاول‌گری در قوانین و اصول نامه جزایی امارت اسلامی تا هنوز جرم انگاری نگردیده است.

اصلاحات تقنینی برای پیش‌گیری مؤثر و مجازات عادلانه نیاز مبرم است.

تفاوت میان تطبیق رسمی قانون جزای مدرن و احکام فقهی در زمینه جرم سرقت، غضب، راهزنی و چپاول‌گری بررسی گردد.

منابع

قرآن کریم

- ابن قدامة، المقدسی الجماعلی الددمشقی الصالحی الحنبلی، المغنی، ۱۴۱۷، الرياض، دارعالم الکتب، ج ۱۱، ص ۳۰۶.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ۲۰۲، بیروت: دار ابن حزم، ج ۷، ص: ۵۴۲۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ایران، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۳۵۶.
- حبیب زاده، محمد جعفر، جرائم علیه اموال، تهران، سمت، ۱۳۷۳
- حبیب زاده، محمد جعفر، سرقت در حقوق کیفری ایران، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، چاپ اول،
- دریز، غلام محی الدین، حقوق جزا در فقه اسلامی و قوانین وضعی، افغانستان، کابل (ب ت) زحیلی، وهبة، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: مؤسسة، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۶، ص: ۹۴.
- زیدان، عبدالکریم، فی شرح القواعد الفقهية في الشريعة الإسلامية، ۲۰۰۱، بیروت- لبنان.
- سلطانی، سلطان شاه، حقوق جزای اسلامی، ۱۳۹۵، افغانستان، مزارشریف انتشارات ثقافت، ص- ۱۷۵، ۱۸۱
- عوده، عبدالقادر، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلام و قوانین عرفی، تهران، شرکت بین المللی تحقیق و نشر یادآوران ۱۳۸۹
- قشیری، مسلم بن الحجاج بن مسلم، صحیح المسلم، ۲۰۰۳، بیروت، دارالکتب العربی.
- معلوف، لويس، فرهنگ بزرگ جامع نوین المنجد، ۱۳۸۵ هـ.ق مترجم: احمد، سیاح، تهران انتشارات اسلامی، ج ۲، ص: ۲۱۲.
- منصوری، انارگل، حقوق جزای اختصاصی ۲، سال چاپ ۱۳۹۸، کابل، ستاره تلاش
- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اموال و مالکیت) تهران، میزان، ۱۳۸۳، چاپ اول،
- نذیر، دادمحمد، حقوق جزای اختصاصی اسلام، کابل انتشارات رسالت، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸.

په ادب کې د معنا او هنریت ونډه

پوهنمل حامد شینواری^۱، پوهنوال فهیم بهیر^۱

۱. د البیروني پوهنتون، ژبو او ادبیاتو پوهنځي د پښتو څانگې استاد

* د لیکنې مسؤل: ایمیل: hamidshinwari40@gmail.com

لنډیز

ادب په خپل جوړښت کې بېلابېل عناصر لري. هر عنصر جلا تعریف او ځانگړنې لري، چې د ادب جوهر جوړه وي. په ادب کې په متباززه بڼه دوه توکي ډیر مهم دي: یو هنریت او بل معنا. که چېرې په یو متن کې د دواړو توکو سیوری پروت و؛ نو متن ادبي دی. که چېرې یوه برخه یې پیکه او بله پیاوړې وي؛ نو د ادب په اساسي تصویر باندې د نميگړتیا غبار پرېوځي. په دې مقاله کې د ادب په معنا او هنریت باندې بحث شوی دی. د موضوع ارزښت په دې کې دی چې د ادب اصلي بڼه او څېره لوستونکو ته ور پېژني او اوسنی هغه اړتیا یاستونزې ته ځواب وړاندې کوي چې ډیری لوستونکو څخه د ادب (شعر او هنري نثر) اصلي جوهر هېر شوی دی بلکې د شعر په ځای شعار او د هنري نثر په ځای کله کله عادي ته امتیاز ورکوي. او د ادب مینه والو، څېړونکو او محصلانو ته د ادبي او عادي متن او وینا توپیر په څرگند ډول وړاندې کولای شي. د دې څېړنې ډول کتابتوني او د تشریحي او تحلیلي مېتود څخه کار اخیستل شوی دی. د لیکنې په پایله کې واضح شوي دي، چې همدا دواړه برخې د ادب جوهر جوړه وي او هنري - ادبي متن له ساده او معلوماتي او نظمي متن څخه جلا کولای شي.

کلیدي کلمې: ادب، هنریت، تخیل، معنا، شعر

The Role of Meaning and Artistry in Literature

Senior Teaching Assistant Hamid Shinwari^{1*}, Associate Professor Fahim Bahir¹

1. Department of Pashto, Faculty of Language and Literature, Alberoni University

* Corresponding Author Email: hamidshinwari40@gmail.com

Abstract

Literature has distinct structural elements. Each element has its own definition and characteristics, which together constitute the essence of literature. Two things are very important in literature: one is art, and the other is meaning. If both elements are present in a text, then the text is literary. If one part is firm and the other is strong, then, on the basic image of literature, the balloon of imperfection works. This article discusses the meaning and artistry of literature. The value of the subject is that it makes readers aware of the original form and character of literature and provides an answer to the current problem that many readers have forgotten the essence of literature (poetry and artistic prose), but instead of poetry, slogans, and artistic prose sometimes privilege the ordinary. It can also clearly present the difference between literary and ordinary text and speech to literature lovers, researchers, and students. The type of this research is bibliographic, and descriptive and analytical methods have been used. As a result of the writing, it is clear that these two parts are the essence of literature and can separate the artistic-literary text from the simple, informational, and rhythmic text.

Keywords: Literature, art, imagination, meaning, poet

سريزه

ادب خپله هنر دی او هنر ټاکلی تعريف نه لري. په همدې اساس د وخت په تېرېدو سره گڼو ادبپوهانو يې په تړاو بېلابېل نظرونه يا تعريفونه وړاندې کړي دي. د گڼو ادبپوهانو په اند هنريت له يوې وينا او ليکنې څخه ادب جوړه وي. په همدې اساس يو ادبي يا هنري متن بايد د هنريت رنگونو تر څنگ د تفکر يا مفکورو اړخ هم ولري. په يو متن کې بايد دواړه داسې غاړه غړی چې بېلول او کمزور کول يې د ادب جوهر هم زيانمنوي. زموږ په فرهنگي حوزه کې کله لوستونکي او پنځونکي يوازې د شعر او نثر ښکلايز يا هنري اړخ ته امتياز ورکوي او فکري اړخ يې عادي گڼي کله کله بيا فکري اړخ دومره مهم وپولي چې شعر ته يوازې نظمي جوړښت کافي گڼي. په همدې اساس په دې ليکنه کې د دواړو توکو په شته والي باندې بحث شوی.

پورتنی دواړه توکي د پنځونکي په اثر کې تلپاتې يو ډول حرکت نه لري بلکې داسې ليکوال او شاعران هم لرو چې يوه اړخ يې نسبت بل ته ډېر پياوړی وي لکه د الفت د نثرونو او د ډاکټر اکبر د شاعرۍ فکري اړخ. اوسمهال زموږ ډيری پنځونکي او د ادب لوستونکي او مينه وال هغه اثر زيات خوبنوي چې خبره پکې څرگنده وي کله چې پيغام څرگند شو نو بيا متن عادي گڼل کېږي او هنري امتياز يې له منځه ځي. د دې ارزښت په دې کې دی، چې اصلي ادب له عادي ادب څخه بېلوي. د دې موخه دا ده تر څو لوستونکی او د ادب مينه وال د ادب اصلي دا دوه برخې په سمه توگه درک او وپېژني. دا څېړنه کتابتوني ده او د څېړنې مېتود يې تشریحي او تحليلي دی.

د موضوع ستونزې

اوسمهال زموږ په فرهنگي حوزه کې ډير داسې ليکنې او اثار د ادب يا ادبياتو تر سرليک لاندې چاپېږي چې د هنريت اړخ يې ډېر کمزوری وي. د دې تر څنگ ډيری هغه شعر او ادبي متن ته امتياز ورکوي چې هنري يا ښکلايزو کلمو څخه مالا مال وي. د دې لړۍ بهير بيا کولای شي چې اصلي ادب د لوستونکو له مخه پټ وساتي او د وخت په تېرېدو سره د ادب جوهر يې ارزښته شي. په دې ليکنه کې د شعر يا نثر په هنري او فکري اړخ باندې بحث شوی دی، نمونې وړاندې شوې دي او دواړه توکي د يو ادبي متن له پاره مهم گڼل شوي دي. هنريت او فکر دواړه لکه د يوې تنې مخ او شاه. پرته له دې څخه ادبي متن ارزښت نه شي لرلای.

د څېړنې تاریخي پس منظر

د پښتو ادب په یو شمېر اثارو کې لکه اکاډمېسن ډاکټر سید محي الدین هاشمي اثر (ادبپوهنه)، د محمد صدیق روهي اثر (پښتو ادب تاریخ) او د پوهاند ډاکټر لال پاچا ازموڼ اثر (د ادبیاتو فلسفه) ... کې د هنري ارزښت په تړاو بحثونه شوي دي. خو د پورتنی سرلیک لاندې زما په اند دا لومړنۍ مقاله ده چې په ادب کې د معنا او هنریت پر ونډې بحث کوي او د همدې موضوع یو انځور لوستونکو ته وړاندې کوي.

اصلي موضوع

اوسمهال له گڼ شمېر کسانو څخه اورو، چې د پلانکی شعر ډېر ساده او روان او پر معنا یې هر څوک پوهېږي. د ځینو په اند ښه لیکنه او شعر هغه دی، چې خلک یې پر معنا پو شي. دلته د لیکنې طرز د نثري ژانرونه سره تړاولري. اوسمهال نثر د شکل له مخې پر ساده او هنري ویشل شوی دی، چې هنري نثر هم زیات ژانرونه لري.

هغه لیکنه (نثر) چې لیکوال غواړي یوازې معلومات خلکو ته ورسوي؛ نو باید معنا په کې واضح وي. که چېرې دا ځانگړنه ونه لري بیا د لیکوال پیغام لوستونکي نه شي اخیستی. همدا اوسمهال ډیری داسې لیکوال او تکړه استادان لرو، چې کله لیکنه کوي، د کلمو کارونه او د جملو جوړښت یې داسې پیچلی وي، چې په سختۍ سره یې له متن څخه مطلب اخیستل کېږي. په هنري نثر کې هم باید ژبه روانه او ساده وي، خو د هنریت جوهر باید هم ور سره مل وي. که چېرې وچ په وچه د معلوماتو لیرد په کې وي؛ نو بیا هنریت د لاسه ورکوي. هنري لیکنه ورته نه شو ویلی فقط یو معلوماتي نثر دی یانې یوازې معنا لري نه هنریت. ادب دانساني ژوند تفسیر دی (سیدی، ۱۳۹۸).

پخوانۍ یوه مقوله ده ډېره مشهوره وه چې ادب د ادب له پاره او ادب د ټولني له پاره او ډېرو به څېړنېز مسایل هم ادب له دادب له پاره گنل (دوکتورا سکالران، ۱۳۹۸).

ادب داداب جمع ده او اداب د پوهې فرهنگ پېژندنې غوره دود او ښه خوی په ماناو راځي (درسوال، ۱۳۷۰).

ادب دیوه دادبي حرکت یا شخصیت منظمه علمي مطالعه ده (وفا، ۱۳۹۶).

د ادب موضوعات هغه څه دي چې دانسان د چاپیریال سره تړلي دي (بهر، ۱۳۹۷).

د موضوع او منځپانگې له مخې ادبپوهانو ادبیات پر دوه برخو ویشلي دي: تخلیقي یا هنري ادبیات او تحقیقي یا څېړنیز ادبیات. تخلیقي یا هنر ادبیاتو ته اصلي ادبیات وايي، چې په هغو کې د

پوهنمل حامد شينواری

شعر بېلابېل ډولونه او هنري نثرونه لکه لنډه کيسه، ناول، رومان، ادبي راپورتاژ، تکل، طنز او داسې نور راځي. تحقيقي يا څېړنيز هغه ادبيات دي، چې د يو لړ علمي، ټولنيزو اصولو او معيارونو په اساس د ادبياتو پر منشا، ماهيت، جوړښت او گڼو نورو برخو باندې بحث او څېړنه کوي (هاشمي، ۱۳۹۳).

هر ډول ليکنې اوس څوک په ادبياتو کې نه شمېري. يوازې هغه اثار د ادبياتو تر عنوان لاندې دمطالعې ځای لري، چې هنري ارزښت ولري (هېواد مل، ۱۳۷۹).

په هنري نثر کې کله نا کله مصنوعي صنعتونه هم راځي (آزمون، ۱۴۰۰).

ويکتور ماري هوگو وايي: ادبيات د تمدن پټ راز او شعر د پټو هيلو سرچينه ده (صفا، ۱۳۹۳).

ادب هنر دی. ډيری مهال دمعیارونو او اصولو پرځای دهر لیکوال لید لوری او ذوقی برداشت ډېره غلبه مومي (بهر، ۱۴۰۱).

اوس د شعر د پېژندنې په اړه څو کرښې را واخلو: « شعر او نظم: شعر د قوی احساس، جذبي او عاطفی تخیلي څرگندونه ده، چې په موزونه او اهنکواله توگه شوې وي او د نظم لغوي معنا ترتیبول او د مرغلرو په لړ کې پیل دي او په ادبي اصطلاح کې هغه وینا چې وزن او قافیه لري (او نثر نه وي) نظم بلل کېږي.

که څه هم د نظم اصطلاح معمولاً د شعر سره مترادفه یا له هغې سره په یوه معنا استعمالېږي، حال دا چې تر مینځ یې جوت او ښکاره توپیر شته او هغه دا چې: شعرو موزونه او تخیل لرونکې وینا ده او نظم موزونې قافیه لرونکې وینا ته ویل کېږي. په دې حساب مور په پښتو ادب کې ډېرې داسې منظومې لرو، چې شعر نه دی او یوازې یې نظم بللی شو، لکه ځینې دیني، طبي، تاریخي او نور ډول ډول منظوم اثار، چې ناظمانو نظم کړي، خو د تخیل څرک په کې نه لیدل کېږي، یوازې په وزن او قافیه برابر دي (هاشمي، ۱۳۹۳).

په پورتنیو کرښو کې وینو، چې په ادب کې پرته د هنریت څخه یوازې معنا مهمه نه ده، ځکه مور د معنا یا د معلوماتو څخه ډکې او ښې لیکنې وینو، چې د وخت اړتیاو او بدلون له پاره ډېرې گټورې دي؛ مگر ادب ورته نه شو ویلای. په ادب کې هم معنا مهمه ده او هم هنریت. پرته له یو بل څخه ادب نیمگړی او په ټولنه کې تلپاتې ځای نه لري. دهنر په اړه رحمان بابا وايي:

بې له عشقه که مې عیب که مې هنر دی

ما غوڅ کړی دی له ځانه بل پيوند دی

(غضنفر، منلی، ۱۳۹۹).

ولې باید د ادب معنا پټه وي؟

اوسمهال هغه شعر او لیکنه لوړ ارزښت لري، چې ستر پیغام په کې وړاندې شوی وي. ستر پیغام داسې نه، چې په ساده ژبه او د هنر خواږه او رنگ ور سره نه وي. ادبي لیکنو کې ضمني کلمې کارول کېږي، استعارې، تشبې او د فنونو د بېلابېلو برخو اړخونه په کې لیدل کېږي. کله چې په یو متن کې یوه کلمه د اصلي معنا پر ځای په ضمني یا هنري بڼه وړاندې کېږي؛ نو دلته لوستونکی هم د ساده نثر په څېر ژر معنا نه شي اخیستی.

تخلیقي ادبیات د تخیل په ملتیا رامنځ ته کېږي او په دې لیکنو کې چې څومره تخیلي اړخ قوي وي. هومره لیکنه هنري قوت پیدا کوي. استاد روهي د هنري ادب په اړه وایي: «ادبیات یو ژبني هنر دی چې واقعیتونه په ښکلي او جذباتي رنگ کې وړاندې کوي او د انسان اېستیتیکي غوښتنو ته ځواب وایي (روهی، ۱۳۸۷).

د ادبیاتو د اوسنیو پېژندنې له مخې د یوې ژبې ټول لیکلي او نالیکلي منظوم او مثنوی هنري اثار ادبیات گڼل کېږي. دلته وینو چې د متن معنا پرته له هنریت څخه ادبي نه بلل کېږي او د لا وضاحت لپاره لاندې ټکو ته اشاره کوو:

استاد حبیبی د بریتانیا د انسکلوپېډیا نه دا تعریف راوړی: «د انسان د احساساتو، افکارو او جذباتو ترجماني... خو په داسې ډول وینا او خواږه بیان سره چې پر نورو اغېز وکړي او خونده وړه وي (وزیري، ۱۳۹۱).

همدا ډول د بدیعي ادب په اړه د ادبپوهنې څانگې لیکوال لیکلي دي: «بدیعي ادب د هنر یوه داسې نوعه ده، چې د خلکو په ذهن او روحیاتي نړۍ باندې زښته ډېره اغېزه کوي، د تفکر طرز او احساس یې روزي او د انساني اخلاقو او بشري عواطفو په سمون او هغو ته په سالم تشکل ورکولو کې لوی لاس لري (هاشمي، ۱۳۹۳).

نو هر هغه متن چې د شعر یا هنري نثر په نوم وړاندې کېږي که چېرې هر څومره عالي پیغام ولري او معنا یې پیاوړې وي د ادب تر چتر لاندې ځای نه لري. ادب په دوه ډوله (تخلیقي او تحقیقي) دی خو تخلیق د تحقیق په پرتله ستونزمن دی په دې معنا چې تحقیق د یو ډول اصولو او معیارونو له مخې هر سړی تر یوحده تر سره کولای شي، خو تخلیق، چې د تخیل په ملتیا رامنځته کېږي (باجوړی، ۱۴۰۱).

هر څوک دا وړتیا نه لري حتی هغه کسان چې تخلیقي لیکنې کوي هر مهال دوی هم نه شي کولای یا یو شعر ولیکي یا کومه بله هنري لیکنه. د دوی په وینا د الهام په مرسته دوی کولای شي یو شعر یا یوه هنري لیکنه ولیکي. کله چې د الهام خبره شوه بیا هم د هنریت اړخ ته اشاره ده.

دا هم د تخلیق « شعر » یوه نمونه:

دا شبنم پر مخ د گل دی قطرات

که عرق دی پر رخسار باندې نقات

دا یې تار د زلفو کوږ و خوله ته پریوت

که افق حلقه وهلی پر حیات

په اول بازي د مینې په شطرنج کې

تا په رخ کر زما د زړه بادشاه رامات

(لېوال، ۱۳۹۰).

په هنري لیکنو کې د ادبي فنونو په اساس پیغام په پرده کې وړاندې کېږي.

د نظم په پرتله په شعر کې معنا پټه وي او ډېر ژر ترې لوستونکي او اوریدونکي معنا نه شي اخیستلای. د شعر کمال همدا دی چې یوه ناشنا خبره کوي او په دې اړه لوستونکي او اوریدونکي فکر ته اړ باسي تر څو هغه پیغام تر لاسه کړي؛ مگر په نظم کې معنا یا پیغام په ښکاره ډول وړاندې کېږي. ډیری کسان په دې اند دي چې کوم شعر کې چې پیغام څرگند وي هغه فصیح او بلیغه بولي مگر استاد ناگار د فصاحت ځانگړنو ته اشاره کړې ده: « فصاحت د بیان او خبرو د اظهار، اغېزمنی او رابنکون یوه وسیله ده. د فصاحت نمگړتیا په یوه مهذب ټولنه کې عیب شمېرل کېږي؛ ځکه له دې پرته نشو کولای خپل مخاطب ځان ته متوجه او ذوق یې لوړو افکارو ته ورسوو، چې د ټولني او انسانیت له پاره د خیر گامونه اوچت کړي. فصاحت تر ټولو رومي د خپل اورېدونکي احساسات او د ژوند ولولې په څپو راولي، زړه او روح ته یې تازگي بخښي؛ نو کله چې په کې د ژوند بهیر پیاوړی شي، د انسانیت او ټولني درنو مسولیتونو ته اوږه ورکولای شي دا د یو شاعر او خطیب دنده ده (ناگار، ۱۳۹۸).

دداستانی او هنري ادبیاتو دنورو تخنیکي ځانگړنو سربېره سترې بریاوې او اغېزمنتیاوې په نثري سبکي اړخ پورې هم تړاو لري (اغېز، ۱۳۹۷).

د نظم په پرتله د شعر ناوې په ډېرو گانو سینگار وي: شعر د تخیل په مرسته جوړېږي او شاعر د تخیل په مرسته ځینې داسې خبرې، پېښې او نور څه راوړي چې واقعیت ونه لري؛ مگر نوموړی د تخیل

په مرسته تشبه، استعاره، او بېلابېل ادبي فنون کاروي او همدا فنون دي چې شعر ښکلی کوي. البته په دې معنا نه چې دهغې پیغام زیانمن کړي؛ بلکې د دې فنونو په مرسته خبره اغېزمنه کېږي او کله چې هغه بیت یا نیم بيتي باندې څوک بحث کوي نو کیدای شي څو ډوله فنون په یو بیت کې وړاندې شوې وي او د بیت معنا په همدې اساس پته وي او لوستونکی یا اوریدونکی سوچ کوي او بیا اصلي پیغام چې په خونده وره بڼه وړاندې شوی اخلي؛ مگر په نظم کې موضوعات زیاتره وخت کټ مټ په ښکاره شکل وړاندې کېږي.

دا هم یو شعر چې د هنریت یا د تخیل سیوري داسې جوړښت ورکړی چې هر څوک یې پر معنا نه پوهېږي؛ بلکې د هنریت په پردو کې یوه کلمه له حقیقي مانا څه بله مانا افاده کوي.

لا خو ټنی د گریوانه پاتې دي
وحشته، ستا په زړه کې څه پاتې دي
دا خو ته ولوله چې سترگو کې دي
نورې خبرې مې په زړه پاتې دي
ستا مې ښکلا زما دې زړه واخیستو
تا سره څه، ما سره څه پاتې دي
سوال خو مې اورې خو جواب نه کوي
لا په خوږو کې دې تراخه پاتې دي
اوبنکې هوبنیارې شوې بهر نه راځي
جونه شوې پیغلې په کاله پاتې دي
ستا د هند کې باڼه که نیغ وي څه شي
لا څه شملې د پښتانه پاتې دي
چې په یو وخت فلک پیماوو هغه
مینه کې سر په زنگانه پاتې دي
ورلې ځواني دې زما څه کره اشنا
تله دې په خای لا دې راتله پاتې دي
په خلاصیدو شوه د زړه وینه حمزه
لا ډېر غمونه میلمانه پاتې دي

(روهي، ۱۳۹۸۴).

دا هم د نظم نمونه چې تخيلي اړخ يې کمزوری په کلمو کې يوازې پيغام وینو، نورې ادبي ښکلا او ارزښتونه نه لري:

له دوستۍ ډگه فضا لري کابل
ژوند بښونکي ښه هوا لري کابل
هر طرف په کې د گلو نندارې دي
نازښه محبوبا لري کابل
(قتيل خوريانی، ۱۳۹۱).

په هنري نثر کې پيغام نسبت ساده نثر ته وروسته وړاندې کېږي. مخکې مو وويل چې ساده نثر معلومات وړاندې کوي او هنري نثر زياتره د لوستونکي عواطف او احساسات راپاره وي. په ساده نثر کې کلمه په اصلي معنا کارول کېږي او نېغ په نېغه معلومات وړاندې کوي، مگر په هنري نثر کې يو پيغام په داسې انداز وړاندې کېږي، چې کله لوستونکی هنري نثر لولي په لومړيو کې پيغام نه شي اخیستلای، خو د تلوسې په مرسته ليکنه تر پایه لولي او اصلي پيغام ته رسېږي. اوس به د نمونې په توگه د خوان ليکوال گل الرحمن رحمانی يوه ادبي ټوټه را واخلو: «اوبښکې او باران - دادی بيا پسرلی رانږدې شو، د کلي په کوڅو کې بيا هماغه مړاوې، خو ستا د فطرت په څېر په سپرلني بنايست درنې ورمې خپرېږي. له ناوو څخه د باران د اوبو شرهار د يوې خوږې سندرې تنده ماتوي، زما خوبونو هم د غرونو، لمنو، ډاگونو او سمسورو ويالو څخه د پسرلي زرغون رنگ اخیستی.

پوهېرم چې ټول کلی به يو ځل بيا د ښکلا او جمال شين جام شي، خو ته چېرته يې؟ له ما سره به څوک د پسرلي په شنو سهارونو، خوبورو خاموشه غرمو او زړه را ښکونکو ماښامو له کلي لرې د څنگل په څنډو او شنو لښتو کې لوبې وکړي؟

له ما سره به څوک د سپرلنيو گلونو په موندلو او په غولکو کلي ته د نوو راغلو مرغانو ښکار کوي، ماته به په ونو کې څوک د ختلو چل را زده کوي او د کلاگانو په دېوالونو کې به څوک راته خم شي، چې په اوږه يې ودرېږم او دمرغانو څالو ته مې لاس ور ورسېږي؟

هلته خو زه نه شم درتلی، منم چې د کلي هديره هم په پسرلي کې نوې جامې اغوندي، خو اوس ته هم ددې هديرې په يوه څنډه کې په خواږه خوب ویده يې، يوازې دومره کولی شم، چې په

یوه باراني ورځ د هغه گلانو یوه تازه گېډۍ ستا په شناخته کېږدم، چې ما او تا ورته ځانگړی نوم ورکړی و او نور کلیوال یې په دې نامه نه پېژني.

هو، یوه بله گټه به مې دا کړې وي، چې د باران په څاڅکو کې به زما اوبنکې هم څوک نه گوري او په دعا کې به مې د لاسونو لړزه هم د باران او سرو له امله گڼي. هو زما ملگره یه! ته هېڅ وخت هم د هېرېدو نه یې، ارام خوب وکړه (رحماني، ۱۳۹۲).

په پورته هنري نثر کې ښاغلي رحمانی د خپل دوست په مړینه ژاړي، او پخوانۍ خاطرې یې یادوي، چې د لیکنې اصلي پیغام همدا دی، خو د خپل دوست خاطرې یې په داسې انداز وړاندې کړي، چې له تخیل څخه یې کار اخیستی لوستونکی د تلوسې په ملتیا په خوند تر پایه لیکنه لولي او اصلي پیغام ترې اخلي او پای کې لوستونکي د یو خوږ درد احساس کوي دا د هنري نثر یوه ځانگړنه ده.

اوس به یو بل متن را واخلو تحقیقي دی یانې معلومات لري مگر ادبي متن ورته نشو ویلای: « راځو دېته چې احساس د ارواپوهنې له پلوه څه شی دی؟

احساس (Sensation) احساس عبارت له هغه انعکاس څخه دی، د بهرنیو انگېزو پر وړاندې یې زموږ روان ښکاره کوي. د همدې احساساتو په اساس انسان یوه موضوع درک کوي (دانشیار، ۱۳۹۶). زموږ د معاصرې ادبي دورې پړاونو ته که وگوره هلته هم کله شاعرانو په پیغام زور اچولی او هنریت ته یې پام نه دی کړی او هغو شاعرانو، چې دواړو اړخونو ته پام کړی یایې دواړه (پیغام او هنریت) سره یو ځای کړي شعریت یې رامنځته کړی دی.

د روښانتیا پړاو شاعران هڅه کوي، چې د وزن او قافیې په اساس خپل پیغام په اغېزناکه توگه خلکو ته ورسوي او د شعر نورو بدیعي یا هنري اړخونو ته پاملرنه نه کوي. په دې اړه استاد روهي لیکي: « په دې حساب د دې وخت شعر د وزن او قافیې درلودونکی نثر دی، چې د شعر تلازمات، لکه تشبه استعاره او تصویر په ندرت سره په کې لیدل کېږي. عبدالعلي مستغني د روښانتیا د زمانې یو ریښتوني شاعر دی او په فارسي کې یې رنگین غزل ویلی دی خو کله چې پښتو ته راشي؛ نو هلته فقط د مکلفیت دنده تر سره کوي او په شوق او ذوق سندرې نه وايي (روهی، ۱۳۸۴).

د وینستا پړاو په ادب کې د ریالیزم هنري میتود مسلط و. د نورو میتودونو سره څوک آشنا نه و. په دې وخت کې شاعرانو د خپل پیغام د استولو له پاره هنري اړخ ته هم پام کړی دی او شاعران پوهېدل

چې څنگه خپل شعر په شعري تلازماتو ښکلي کړي، چې هم د دوی پیغام واستول شي او د هنریت رنگ ولري.

د ادبپوهانو په اند کله چې د اوسنون پراو راځي دلته د ادبیاتو هنري اړخ دومره کمزوری کېږي، چې شعر د شعار په بڼه را څرگندېږي، فقط نیغ په نیغ مطالب په کې وړاندې کېږي. د شعر جوهر ته څوک پاملرنه نه کوي. همداسې په هنري نثر کې د مطالبو د وړاندې کولو اړخ قوي دی او هنریت یې کمزوری.

پایله

لوستونکی او د ادب مینه وال باید د ادبي اثر د ارزښت له پاره باید د ادب جوهر اساسي برخو ته پاملرنه وکړي. د ښه ادب په پېژندنه کې نه باید یو اړخ ته پام وکړي؛ نو د پایلې په توګه ویلای شو، چې ادب په ماهیت کې دواړه توکي «معنا او هنریت» مهم دي او ادب ته تلپاتې توب ورکوي، په هغه شعر او نثر کې چې یوازې هڅه شوې وي پیغام یا مطلب په ښکاره توګه وړاندې شي؛ نو هغه شعر نه بلکې نظم دی او هغه نثر هنري نه؛ بلکې ساده نثر گڼل کېږي. همداسې که چېرې هره لیکنه که شعر وي یا نثر چې یوازې شکلي کلمې او جملې ولري یانې صنعتونو باندې ښکلي او معنا یې کمزورې یا ستر هدف په کې نه وي. هغه هم د ادبیاتو د ارزښت په ازموینه کې نومرې نه شي اخیستی. په هر ادبي متن کې دواړه اړخونه ځانګړی ارزښت لري او د یو ادبي اثر په شننه کې بیا پر دواړو اړخونو بحث کېږي او ارزښتونه یې راسپړل کېږي.

مناقشه

د پښتو ادب تاریخي سیر ته که څېر شو نو څرګندېږي چې نظمونه او حتی مسجع ټوټې ډیری مهال د ادب په لمن کې رانغاړل شوې دي. په دې اساس ډیری کسانو دادب ماهیت ته په کتو د متن وزن، قافیه، ردیف او پیغام ته زیات ارزښت ورکړی دی. د همدې سیوري لاندې اوسمهال هم همدا توکي ډیری کسان د ادب له پاره مهم بولي او له همدې اړخ څخه ورته ارزښت ټاکي.

د همدې دود یو سیوری تر اوسه زموږ په فرهنګي حوزه خپور دی. د دې طرز یوه ستره نیمګړتیا دا ده چې د اصلي ادب ځای ورو ورو عادي ادب نیسي، چې په پایله کې د ښه شعر او نثر معیارونه له منځه ځي او د سوچه او عالي ادب پر ځای به یوازې نظمي او هغه ټوټې ولرو چې هنري رنگ یې کم دی. په دې اساس د ادب جوهر او اساس له پاره دا دوه توکي (معنا او هنریت) اړین دي. همدا توکي کولای شي، چې د یو ادبي اثر ارزښت وټاکي او متن ته په ټولنه او فرهنګي حوزه کې تلپاتې ځای ورکړي.

سرچینې

- اغیز، عبدالله. (۱۳۹۷). د ادب په تړاو د مقالو ټولگه. جلال آباد: کلاسیک خپرندویه ټولنه.
- آزمون، لعل پاچا. (۱۴۰۰). ادب تیوري. کابل: سمون خپرندویه ټولنه.
- بریالی، باجوړی. (۱۴۰۱). ادب تاریخ. کابل: جهان دانش خپرندویه ټولنه.
- بھیر، فهیم. (۱۳۹۷). د ادبیاتو نوې کرښې د مقالو ټولگه. جلال آباد: مومند خپرندویه ټولنه.
- بھیر، فهیم. (۱۴۰۱). پښتو ادب تاریخ دویمه دوره. کابل: سمون خپرندویه ټولنه.
- دانشیار، نوید الله. (۱۳۹۶). روانشناسي عمومي. کابل: انتشارات سعید.
- درسوال، محمود. (۱۳۷۰). اسلامي ادب.
- دکتورا سکالران. (۱۳۹۸). ژبني او ادبي څېړنې. جلال آباد: هاشمی خپرندویه ټولنه.
- رحماني، گل الرحمن. (۱۳۹۲). د خفگان ورځې. جلال آباد: گودر خپرندویه ټولنه.
- روهي، محمد صديق. (۱۳۸۴). د پښتو ادبیاتو تاریخ. پېښور: دانش خپرندویه ټولنه.
- سیدی، سیدنظیم. (۱۳۹۸). د شلمې پېړۍ په لومړۍ نیمایۍ کې د پښتو ادب د پرمختیایي بهیر څېړنه. د افغانستان علومو اکاډمۍ د اطلاعاتو او عامه اړیکو ریاست.
- صفا، مصطفی. (۱۳۹۳). د ویکتورهوکو ژوند او هلي ځلي. جلال آباد: مازدیگر کتاب پلورنځی.
- غضنفر، منلی، اسدالله، نجیب. (۱۳۹۹). د ادبیاتو دنیا.
- قتیل، عبدالروف. (۱۳۹۱). د سولې پیغامونه. کابل: ازادي مطبعه، د سرحدونو او قبایلو چارو وزات.
- لېوال، عبدالغفور. (۱۳۹۰). شعري سېمولونه. پېښور: دانش خپرندویه ټولنه.
- ناگار، فضل ولي. (۱۳۹۸). معاني. جلال آباد: میهن خپرندویه ټولنه.
- وزیري، محمد اقبال. (۱۳۹۱). د ادبیاتو تیوري. پېښور: د پښتونخوا د پوهنې دېره.
- وفا، محمداود. (۱۳۹۶). د پښتو معاصر ادب تاریخ څلورم پړاو. جلال آباد: مومند خپرندویه ټولنه.
- هاشمي، سید محی الدین. (۱۳۹۳). د ادبپوهنې څانگې. جلال آباد: میهن خپرندویه ټولنه.
- هیوادمل، زلمی. (۱۳۹۷). د پښتو ادبیاتو تاریخ. دانش خپرندویه ټولنه.

Scientific Research Journal of Alberoni

Sahib Imtiaz: Alberoni University

Executive Editor: Associate Professor Dr. Mahboob Ur Rahman Safi

Editor-in-Chief of Journal of Natural Sciences: Assistant Professor Dr Gul Afghan Adeel

Editor-in-Chief of Journal of Social Sciences: Senior Teaching Assistant Asadullah Aria

Pages: Jawad Rahimi

Natural Sciences Editorial Board:

Assistant Professor Gulaqa Anwari, Vice Chancellor of Research and Scientific Journal of Alberoni University.

Associate Professor Dr. Fazlurrah Arya, Faculty member, of Agriculture.

Associate Professor Mohammad Haron Saberi, Faculty member, of Education.

Assistant Professor Dr. Mir Hakimullah Sayedy, Faculty member, of Education.

Assistant Professor Abdul Qahar Qarloq, Faculty member, of Agriculture.

Senior Teaching Assistant Mohammad Nasir Tahiri, Faculty member, of Agriculture.

Senior Teaching Assistant Obaidullah Yusofzai, Faculty member, of Education.

Senior Teaching Assistant Sayed Ali Aqa Sadat, Faculty member of Education.

Social Sciences Editorial Board:

Associate Professor Zabihullah Quraishi, Faculty member, of Law and Political Science.

Associate Professor Dr. Mohammad Salim Madani, Faculty member of Sharia.

Assistant Professor Ahmad Jahid Moshtaq, faculty member of Journalism.

Senior Teaching Assistant Dr. Ahmad Hanif Hanif, Faculty member, of Law and Political Science.

Senior Teaching Assistant Dr. Abdul Munir Rahimi, Faculty member, of Education.

Senior Teaching Assistant Dr. Gholam Mohammad Payman, Faculty member of Languages and Literature.

Senior Teaching Assistant Abdul Qahar Samim, Faculty member of Sharia.

Contact:

Tel: 0797100896 – 0770686519

E- mail: journals@au.edu.af

vc.academic@au.edu.af

Add: Alberoni University, Kapisa Province, Afghanistan.



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Alberoni University

Scientific Research

Journal of

Natural Sciences &
Social Sciences

Alberoni University

Volume 9, Issue 3& 4 : Fall and Winter 2025 / 2026